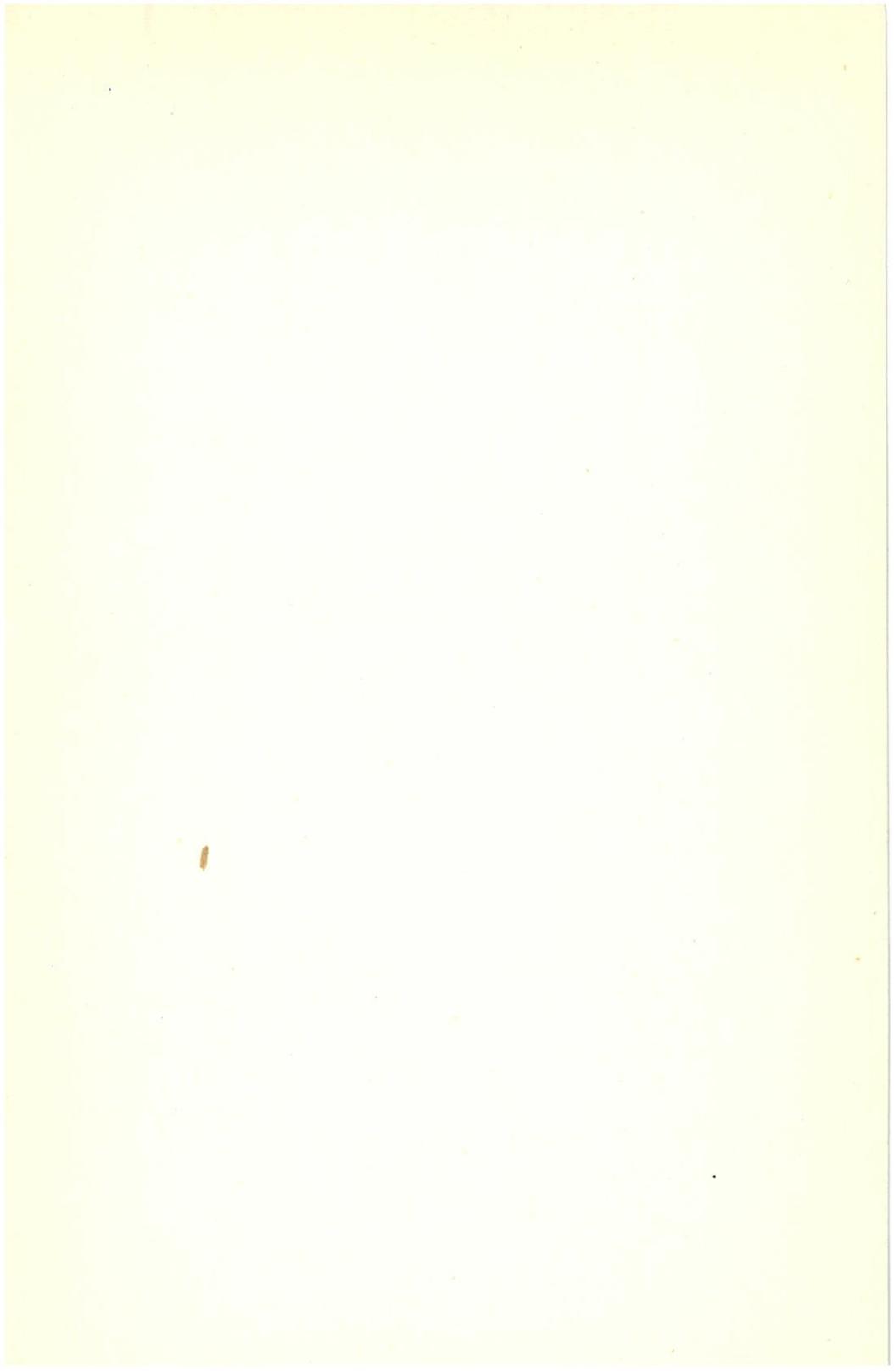


دسا

شهریه سووچیک و سیاسی کمیته مركزي حزب تو ده ایران



بنیادگذار دکتر تهمی ارانی



شماره های ۱ و ۲ سال چهارم مجله دنیا
در این مجلد یکجا منتشر می شود

دنیا

در این شماره :

صفحه ۳	راه رشد اقتصادی ما زکد امین سواست؟
۹	اصلاحات ارضی در ایران
۲۹	در باره برشی از سائل حاد جنبش کارگری بین المللی
۴۰	در باره "کله" امریکا به ایران
۵۲	نکاتی چند در بیرون د رامد ملی، توزیع واستفاده نهائی ازان در ایران
۶۰	در سهائی از حوادث عراق
۸۳	هرگز بابلک
۸۷	جنبیش مترقب زنان ایران در راه احراز حقوق اجتماعی خود
۹۷	دیدار
۱۰۱	کارل مارکس و شمرة اموزش وی
۱۰۴	افتخار بر خولیان گریو، فرزند قهرمان خلق اسپانیا
۱۰۵	یک اثر جا وید
۱۰۷	متن دفاع دکتر آرانتی در داده پنجاه و سه نفر

ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
هر سه ماه یکبار تحقیق نظریه تحریریه منتشر می شود.

دوره دوم
سال چهارم
شماره اول و دوم
بهار و تابستان سال ۱۳۴۲

راه رشد اقتصادی ما

از کدامین سو است؟

وضع اقتصادی کشور ما بشدت وخیم است : کسر بودجه سنگین ، انحطاط و رشکست تولید صنعتی ، تنگرشدن بازار صادراتی ، رکود سرمایه گذاری اخلى و کساد مزمن بازار ، عدم موازنۀ پود اختها و عدم تعادل فاصله صادرات وواردات ، تورم پول و گرانی روزافزون و توان فسای هزینه زندگی ، بیکاری داعم التزايد ، هرج و مرج و انحطاط تولید کشاورزی ، قبض ماند ن بشی اپیش سطح مزد حقوق ارزهای نزدیکی ، همه وهمه به صفات اصلی و دائمی اقتصاد کشور مابدل شده است .

علل اساسی این وضع رقت بارجیست ؟ غارت بید ریخ منابع ثروت کشورما بدست امپریالیستها ، قرارداد اشتغال حیات اقتصادی ماتحت کنترل سرمایه های خارجی ، مخارج کمرشکن و روزافزون نظامی و مستشاران امریکائی ، سیاست در رهای باز و تحریمات ورشکستگی آور و لتهای امپریالیستی و سرمایه داران خارجی در زمینه بازرگانی ، روش تاراجگرانه دربار وهیئت حاکمه و تعیینت بیچون و جرای آنها از منافع امپریالیستها و غیره ارجمله علل این وضع رقت باراست . عبارت دیگر وضع رقت بارا قتصادی کشور که خود موثر انواع رنجها و محرومیت ها برای مردم ایران و مسبب عقب ماندگی بیشتر جامعه ماست ثوره مستقیم سیاست ضد ملی و خاچانه تبعیت از امپریالیستها ، ثوره نظام غلط اجتماعی ایران ، شعره آن خط مشی سرا پا مضر ، ضد ملی و ضد دمکراتیک اسارت آوری است که در زمینه اقتصادی از طرف رژیم کودتاد نبال میشود .

و خاتمه وضع اقتصادی کشور مابحدی است که خود هیئت حاکمه مجبور است ، علی رغم سیاست استمار و مشاطه گری که عاد نبال میکند ، بد ان اعتراف نماید . در زمینه این اعتراف ما سه سند بلخی ذکر میکنیم : یکی قطعنامه "کفرانس اقتصادی" که در واسط اسفند ماه سال گذشته تهران نشریا فاست . دیگری بیانات بهنیا و زیرد ارائه دکفرانس اقتصادی و سومی سرقالله "اسفند ماه ۱۳۴۰ روزنامه طلاعات" قطعنامه ای که "کفرانس اقتصادی" در واسط اسفند ماه سال گذشته در تهران صادر گردید از بسیاری لحظه سند قابل بررسی است و از آنچه مجمله از جهت اعترافات ناگزیری که در ریاره وضع رقت بارا قتصادی کشور راین قطعنامه شده است . در مقدمه "طلاعی" قطعنامه تنظیم کنندگان چشم اند ازی از سیر حیات اقتصادی کشور بدست داده اند . آنها عاملان سنتوات پس از جنگ دوم جهانی یعنی در وان سلطنت شاه کتوی را بد ون ذکر صریح این سسئله به سند وه تقسیم کردند . نخست در ور پیش از کودتا ، در ور پس از کودتا ۲۸ مرداد تاکوت این سنتله به سند وه تقسیم کردند . داده اند . نخست در ور پیش از کودتا ، در ور حکومت امینی و سوم در ور "حاضر" روشن است که تنظیم کنندگان قطعنامه در وان حکومت مصدق رایلکل مسکوت گذاشته اند و با آنکه برعکس اقدامات اقتصادی حکومت امینی را در جهت صحیح میشمرد ، اند لذا اثرا تاثر اثرا وانسته اند مبنیه و بشکل گذرازاند که نموده اند . ولی مختصاتی که از سه در وان مذکور در فوق داده اند برای خود آنها محاکوم کنند . است . در مرداد وران قبل از کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۴۲ اکوشیدند تارکود و هرج و مرج اقتصادی را گناه جنگ ، اشغال خارجی و فعالیت احزاب جلوه گرسازند و چنین استند لال کنند که در داد وران رضا شاه "پیشرفت عصران" وجود اشته ولی به علی که تقصیران بگردند شاه فعلی و هیئت حاکمه بیست آن پیشرفت متوقف شد . در قطعنامه چنین آمده است :

"متا سفانه اشتعال ناگره" جنگ داد و جهانی ، اشغال کشور از تبریز و های خارجی و بروز

آثار سیاسی و اجتماعی آن (!) باعث گردید که مدتن این سیر پیشرفت و عمران

متوقف گردد .

خوانند ه بحق منظر است که بارفع این عوامل ، بویشه در ورانی که بر اثر کودتا ۲۸ مرداد کشور

بقول تنظیم کنندگان متعلق قطعنامه "درسا یه موجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمد رضا پهلوی"

قرارگرفته، رشد اقتصادی مابلامانع در جادهٔ صحیح بیافتد ولی این بار نیز بهانه‌های جستجو میشود. عین عبارت قطعنامه دربارهٔ این دروان که حکومت‌های زاهدی، علاء، اقبال و شریف‌اما می‌را دربرمیگیرد چنین است:

"ولی بتد ریج بسبب قدق ان تجربهٔ کافی د را مورعمنی و توسعهٔ اقتصادی و همچنین شتاب زدگی و تواند ازه ای نیز وجود آد اب و سفن و روشهای کهنه شکلاتی از قبیل ترم و ترقی سریع قیمتها و تقسیل ذخیر ارزی و مالی برای کشور په ید آورد." مولفین قطعنامهٔ فلاتتهاای اقتصادی و مالی عظیمی مانند "ترم"، "ترقی سریع قیمتها"، "تقسیل ذخیر ارزی و مالی" را که درنتیجهٔ سیاست خائنانهٔ درهای باز و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش مخارج نظامی و تبعیت از امپریالیسم پدید شده به علل مخصوصه ای مانند "شتاب زدگی"، "فقدان تجربهٔ کافی"، "آداب و سدن و روشهای کهنه" حواله میکند ولی پهرجهت اعتراض مینمایند که پس از هرج و مرچ اولیه و علی‌رغم وجود "سایهٔ توجهات" کار به پرسخت اقتصادی می‌کند.

دربارهٔ دروان سوم که حکومتهای امنی و علم را دربرمیگیرد مولفین قطعنامه از شروع سیاست ثبیت اقتصادی "دولت د میزنتند" امداد را نجانیز باردیگر" ولی "معروف بسراغ مامی آید" ارزیابی نویسنده‌گان قطعنامه دربارهٔ دروان سوم چنین است:

"ولی متأسفانه بر اثر کمبود پولی در بازار وضیق اعتمارات و رواج بدینی در میان سرمایه‌گذاران و رکودی که در امور اقتصادی بروز کرد و اظهارات برخی از مشمولین (اشاره است به امنیت - ۱۰۶) که بدینی مردم را شدید نمود، قسمت اعظم سرمایه‌های ازگردش خارج شد وده ای بدون توجه بعلل عمیق بحران و بجای آنکه درصد جیران اشتباهاه گذشته برآید و سرمایه‌های خود را در رسیر صحیح تری بحرکت در راورند، دست از فعلیت‌های تولیدی کشیدند."

و بدین ترتیب در این بارزیین فصل سیار اقتصادی در دروان ریتم کوتا ما از پرسخت اقتصادی به رکود اقتصادی رسید یم که آنهم گویا تصویر "بدینی سرمایه‌گذاران" و اظهارات در از خزم و تدبیر امنی است، نه نتیجهٔ ماهیت سیاست ضد ملی و خائنانهٔ ریتم. هرج و مرچ، ورشکست، رکود، چنین است منظره‌ای که مولفین قطعنامه، علی‌رغم خود از حیات اقتصادی کشور در دروان سلطنت مhydr رضا شاه ترسیم میکنند. و این اعتراضات با همهٔ "موشهایی" که در آن کشته اند و قید و شرط‌هایی که جاو بیجاد ران گنجانده اند، الحق اعتراضات محکوم کنند ه ایست.

عبدالحسین بهنیا وزیر ارایی در سومین جلسهٔ "کفرانس اقتصادی" منظرهٔ کنونی وضع اقتصادی کشور را در مقایسه با قطعنامهٔ مورد بحث، از طرفی صریح تر و از طرفی بارتهای غلیظ تر و تیره تر نقاشی میکند. وی میگوید:

"اگلار سالم تائید مینماید که معالات و فعلیت‌های کافی نیست. در ولهٔ بعد از بحران (؟) بیش از اند ازه طولانی شد، چاره جوییهای دلت باند ازه لازم موئش واقع نگردیده، مردم شکایت دارند و این شکایت حق است که فعلیت‌های اقتصادی احتیاجات آنسهار امرتفع نمی‌سازد... موضوع بیکاری را چاره نبخشیده، نگرانی اشتغال جوانان تحصیل کرده یاعادی که از مد ارعی خارج می‌شوند وانتظار کار وارد جامعه میزند، حل نشد ه است. در محیط هیچ خانواده، اعم از خانواده کارمند یا سرمایه دار یا کارگر افق روشن نیست و اگر از فکرایند هم صرف نظر شود، منظرهٔ حال مشوق خوش بینی نمی‌شود."

و اما روزنامهٔ اطلاعات که زمانی مانند اراب خوش شاه ازد احان سیاست درهای باز و از ایشگران وضع اقتصادی ایران بوزیره در دروان حکومتهای اقبال و شریف‌اما می‌بود، پس از اعتراضات کفرانس اقتصادی، در تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۱۳۴۱ در سرمهقالهٔ خود با اشاره به آن دروان، دست باعتراضات صریح زیرین زده است:

" دولت امد گفت چون ترم ارزید اریم، دروازه‌های مملکت را بد و قید و شرط باز

میگ اریم تا هر کس هرچه میخواهد وارد و صاد رکند. این سیاست کود کانه^۱ اقتصادی
کفر مملکت راشکست^۲. مملکتی که چیزی برای صادر کرد ن نداشت، هرچه داشت و
نداشت داد و خیابانهای تهران تبدیل شد بنماشگاه امتعه^۳ بین المللی ۰ ۰ ۰ ۰
صنایع جوان ایران در عرصه^۴ رقابت با محصولات خارجی تاب تحمل نیاورد، تو لید
د اخلی روز بروز کاهش یافت، قیمتها بخوسام آفری رو بازیش گذاشت، خارجی
بجای سرمایه گذاری در مقام بازار یابی برآمد. اختلاف طبقاتی در میان مردم فاحشرت
گشت و خلاصه روزی رسید که با آنهمه امکانات ناگزیوش بستان بی زنانی اعلام
روشکستگی کند^۵.

تصور میورد این امترافات باند ازه^۶ کافی رسانا شده این امترافات از هر رقم و سندی فضیح تراویض
رقت انگیز اقتصادی کشور مرا مطرح میکند و نشان میدهد که بقدور ارائه رژیم کود تاد رزمنه^۷ حیات اقتصادی ایران
در پیش گرفته، یا بعبارت صحیح تراهی که امپریالیسم بدست رژیم دست نشاند^۸ خود بر متحمیل میکند
راه فلاکت و قرقعوی وقب ماندگی است.

وضع تیره و تاریخ اقتصادی کشور و بن بستی که رژیم کود تاد رآن گیرکرد^۹ است مد افعان هیئت حاکمه
راد ریاره^{۱۰} آن سیاست اقتصادی که ایران باید دنبال کند بقدور اشته است. در این زمینه بخشای مختلف
انجام میگیرد و اظهار نظرهای گوناگونی میشود که از میان آنها یکی را که از همه بنظر مبارز عرضه داشت روحیه
افراد مطلع هیئت حاکمه "تبییک"^{۱۱} تراست ببری گزینیم و بعنوان نمونه می آوریم و آنهم اظهار نظر آقای
خلعت بری است در میاره^{۱۲} راهی که ایران از جهت رشد اقتصادی باید انتخاب کند.

آقای ارسلان خلعت بری وکیل سابق مجلس درگذشت ازد افعان ملاکان فؤاد ال بود
ولی اینک مدتی است تغییر جبهه داد و وظیفه^{۱۳} دفع از سرمهایه داران و رژیم بروزای رایبند^{۱۴} گرفته است.
حساب او روشن است ملاکان فؤاد ال بتدیرج از عرصه^{۱۵} تاریخ راند و مشهودند اذ اشرط حزم آنست که برد پواری
که تاریخ بران کلند انهاد ام میکند، تکیه نشود. لذا آقای خلعت بری بروزای راهکار مناسب و معتری
برای خود میشمرد ولی از چندی پا نظر د راینجانیز تردیدی در رضیوی خلجان میکند و برای العین میبیند
مثل اینکه این تکیه گاه چندان این و مطمئن نیست و شکافهای فراوان و تهدید کننده ای در رجد ار سست
بنیاش دیده میشود.

نظریات آقای خلعت بری در مقاله ای که وی تحت عنوان "علل شکست سرمایه داری در کشورهای
با مطلع توسعه نیافت"^{۱۶} نوشته و در اسفل ماه سال گذشتیه در مجله^{۱۷} خواندن تیهانش ریافت، منعکن شده است.
معایب اقتصادی ایران بنظر آقای خلعت بری محصول آنست که رژیم موجود در ایران "نیمه فؤاد ال و نیمه
بروزایی" است و چاره^{۱۸} این معايب بنظری انتکه رژیم اقتصادی ایران به "رژیم کال بروزایی" مدل
گردد. وی پس از انتقاد از رژیم "نیمه فؤاد ال - نیمه بروزایی" در کشور ایران مینویسد:

"اگر وضع بهمین نمونا باشد، احتیاجات بود ایران تا مین خواهد شد، بخودی
خود برتری رژیم کوئنیس از نظر وضع زندگی مردم ثابت خواهد شد ۰ ۰ ۰ این نکته را
باید در نظر داشت که همانطور که توقد رفاقت دیگر امکان ندارد و مخالف با
سیزمان است، توقد روضح حاضر که در غالب کشورهای عقب مانده از نظر اقتصادی
موجود است، نیز امکان ندارد. پایا باید بسوی بروزایی کامل پیش رفت، ویا آنکه جیر
زمان وضع دیگری را تحیل خواهد نمود".

آقای خلعت بری از انجاکه خواستار استقرار "بروزایی کامل"^{۲۰} یعنی بسط همه جانبه^{۲۱} مناسبات سرمایه
داری خصوصی است یک سلسه پیشناههای میدهد و مقول خود موانعی را که در کشورهای نظیرو ایوان در سر
راه رشد سرمایه داری است برمیشمرد و از آنچه مینویسد:

"در کشورهای مورد بحث یکی از عوامل پیشرفت نکرد ن سرمایه داری، رقابت دلتها
در امور تجارت و کارخانه داری و حمل و نقل و بهره برداش از عوادن وغیره^{۲۲} این رقابتها
نه فقط عدد ای زیاد از طبقات متوسط را که در این رشته ها کار میکند ازین میبرد بلکه

باعث خسارت و نابودی اشخاصی میشود که در این رشتہ ها سرما به گذاری نموده باشد

لذا او می طلبید که هم دولت و هم دوستان "امیریالیست هیئت حاکمه" ایران بخاطر مصالح جهانی خود شان پنجایی چاد مشکلات و سدهاد رسراه بسط مناسبات سرمایه داری در ایران پادادن اعتبا رات و با ایجاد تسهیلات همه جانبه به بسط سرمایه داری خصوصی کمک کنند تا این سیستم اقتصادی بتواند دردهای موجود را چادر کند و مانع شود که جامعه برای تحول سوسیالیستی کشاند و شود.

پذیریم از اینکه استدلالات خلعت بری بسود سرمایه داری، پعنی رژیمی که در کشورهای غربی پیش از قریب میصد المی پانصد سال رشد با تضاد های عیق د روی خوشبروست و مصائب عظیمی برای پسریت ایجاد کرده است، استدلالات بی پایه ایست ولی پسرجهت این طرزضاوت نشان میدهد که مد افغان هیئت حاکمه بادرک و شکستگی اقتصادی موجود، در کارتظیم سیاست اقتصادی کشور، در آن دیشه تعیین راه رشد اقتصادی ایران هستند.

آقای خلعت بری یا پن سوال که ایران باید که این راه رشد را طی کند بنویس خود پاسخ میدهد که از جهت طبقاتی باند ازه گافی صریح و قاطع است: راه رشد سرمایه داری، و مشکلات موجود را ناشی از نیمه کاره بودن این راه و اشتباه امیزیدن روش دولت و امیریالیستها از جهت تشخیص مصالح خود در تقویت این راه میداند و پس.

بدین ترتیب میینم که این سخنگوی هیئت حاکمه برا آنست که باید با تمام قوی از راه تکامل سرمایه - داری، گام برد اشت و در واقع نیز محتوی سیاست رژیم کودتا و تعلیمات شاه جزاين نیست و بهمین جهت هم دولت در صدد فروش کارخانه های دلتی بری آید و میکوشد تأمیندهای سابق را به سرمایه داران نموده جدید مدل کند. در مقابل این مشی روشن هیئت حاکمه، باید مشی نیروهای مختلف رژیم موجود نیز کاملاً روشون باشد. در این زمینه این اوآخر اکثریت قریب بتعامن نیروهای مختلف رژیم در نشریات خود از موسیالیسم صحبت میکنند. روشن است که محتوی این اقتصادی و اجتماعی این واژه در زند همه گویند کان آن یکنیست. مادریا خود این وظیفه دشوار اقرا نمیدهیم که نظرهای مختلفان رژیم موجود را که از جهت طبقاتی رنگارنگ و متفوتد در رباره "مسئله" راه رشد انتی اقتصادی کشور خود بیان کنیم. بهتر و مطمئن ترمید این که در این زمینه نظر خود را تشرح نماییم و بدینسان باین سسئله هم که کشور ما را که این راه باید برای رشد و تکامل اقتصادی خود بکوشد پاسخ گوییم.

حزب توده ایران باقتضای جهان بینی علمی خود مارکسیسم لنینیسم در برنامه خویش سوسیالیسم را هدف غائی تکامل اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران اعلام داشته است. محتوی اندیشه حزب مساوا از "موسیالیسم" تهایا یک سلسه اندامات "اقتصادی" نیست بلکه یک سلسه اقدامات هماهنگ و بهم پیوسته اقتصادی و اجتماعی است. موسیالیسم را مابعدنای استقرار مالکیت اجتماعی وسائل تولید همراه با حاکمیت پیگیریترین مد افع اجتماعی این شکل مالکیت یعنی پرولتاریا مید آنم زیارتهد رجارجوی حاکمیت پرولتاریا است که اجتماعی شدن تولید میتواند دارای مفهوم و معنای واقعاً اجتماعی باشد، یعنی ارزشها تولید شده به بصرفت تکامل تمام جامعه، بصرف تا مین رفاه مادی و غناً فرهنگی تمام جامعه برسد. در صورت فقدان حکمیت پرولتاریا اقد امام و تدبیریا صلح "موسیال" دارای محتوی موسیالیستی، معنای علمی و جامع کلمه نیست. ولی با آنکه حزب موسیالیسم را بقیه که بیان شد هدف غائی، تکامل اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران میشود برا آنست که جستن ناگهانی بعمرحله "موسیالیستی امیری محل است زیرا موسیالیسم تها و تهمبا پس از یک تدارک طولانی و تدریجی و دقیق پایه های مادی و فنی و زمینه های اجتماعی و معنایی میتواند معنای اصلی کلمه بید آید پعنی میتواند بازه عالیتر و مسطح زندگی مادی و معنایی عالیت از درهان تکاملی پیشون پدید آورد و لای اعلام موسیالیسم بد ون تدارک طولانی وهمه جانبه و مد برانه و صبورانه مادی و معنایی آن تهایا اعلان بریو کاغذ و نهادن خواستها و آرزوهای ذهنی بجای واقعیات عینی است.

آنچه که اکنون در مقابل مقارد ارد اتخاذ راه تکامل ملی و موکراتیک اقتصادی و اجتماعی بمنظور نیل

بهد ف غایی است، تکاملی که تنهاد رصوت استقراریک حکومت د مکراتیک وملی میتواند انجام گیرد. این راه تکامل د مکراتیک اقتصادی راکه در عین حال وعملاد رحکم تدارک زنیه های مادی و معنوی سوسیالیستی است و تنهاد رصوت بسط صعودی انقلاب (یعنی در صوت سیر حکومت از حاکمیت عمومی نیروهای د مکراتیک و ملی به حاکمیت پولتاریا و متعدد یش) میتواند به سوسیالیسم برسد، راه رشد غیرسرا می داری نیز مینا مند. بنظر اینجانب راه رشد غیرسرا می داری اولاً تمهیک سیاست اقتصادی حضن نیست، بلکه باید با محمل های اجتماعی خود همراه باشد و در اینجا محمل عبارت از حاکمیت ملی و د مکراتیک است که در آن طبقه "کارگر سهم موگرد اشته باشد. ثانیاً هنوز معنای راه سوسیالیستی نیست زیرا رصوت یکه بعلی حکومت قشرهای ملی و د مکراتیک جامعه به حاکمیت پولتاریا مدل نشود این راه میتواند منحرف شود و درجاده " تکامل سرمایه داری بیافتد. **ثالثاً** این راه رشد تنهاد برای کشورهای مطرح است که تازه از قبید الیسم یاسیستم های اقتصادی نازل ترازان خارج میشوند و مسلیه " طفه زدن " راه سرمایه داری برای آنها مطرح است و یابران کشورهای که هنوز عیقاد رعمه سرمایه داری پیش نرفته اند و امکان " طفه زدن " هنوز برایشان موجود است و البرای کشورهای سرمایه داری رشد یافته تنهاد تحقیق سوسیالیستی است که عملاد دستوروز قرار اورد (۲). اتخاذ راه رشد غیرسرا می داری برای این قبیل کشورهای برای کشیدن یک مسد اقتصادی قابل اعتماد دربرابرخنده داعی غارتگران و اسارتگران امیریالیست و سیاست نوکلئنی لیستی آنان ضرور است.

برای اندک بد انیم محتوی مشخص این رشد ملی و د مکراتیک در کشور ما چیست باید آنرا فقط و فقط از نیازمند یها و پرورهای هم رشد اجتماعی و سیاسی جامعه ایران استخراج کنیم. مامگوئیم ایران در مرحله انتقالی ضد امیریالیستی و ضد قبید ای است. معنای این سخن ایست که در این مرحله حلد و تضاد اصلی انتقالی ضد امیریالیستی و ضد قبید ای است. معنای این سخن ایست که در این مرحله حلد و تضاد اصلی جامعه ایران، یعنی تضاد خلق ایام امیریالیسم و تضاد خلق مبا قبید الیسم مقد م ترین و هم ترین وظیفه است و کلیه شورهای که در مارزه بالامیریالیسم و فعد الیسم ذینفعند (از پولتاریا گرفته تا سرمایه داران ملی) میتوانند توانید در جریبه " واحدی عمل کنند و حاکمیت دست نشاند کان استعمار و ملادان بزرگ راسمنگون سازند و حاکمیت قوا و ملتله " خلق را برقرار نمایند و آنچنان سیاست اقتصادی یاراه رشدی در پیش گیرند که وظایف انقلاب ضد امیریالیستی و ضد قبید ای را نتاجم دهد و بسرا نجام رسانند.

اگر خواهیم طرحی از این اقد امات نکرد که باید برای تأیین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران، برای د مکراتیزه کرد ن حیات کشور، ریشه کن کرد ن قبید الیسم بد همی میتوان نکات اساسی زیرین راکه در برنامه " حزب توده " ایران نیز منعکس است ذکر کرد:

احیا حقانون ملی کرد ن نفت در سراسر کشورها و جرا پیگیران، کوتاه کرد ن دست شرکتها و احصارهای خارجی از تابعیت ثروت کشور و از نظریت برحقیات مالی، صنعتی، بازرگانی و کشاورزی ایران، العاقاردادهای ناپایاب، لفوسیاست و شکستگی آور " درهای بیاز " و اتخاذ سیاست حمایت گمرکی، خودداری از گرفتن قرضه ای های اسارت آور و برد اشتن بار و رام ازد وش اقتصاد ایران، استقرار اصول مساوات در روابط اقتصادی و بازرگانی با کشورهای سرمایه داری و اتخاذ سیاست پایا پای برای بسط بازار صادراتی و جلوگیری از فرار ارز، خروج از پیمان شنو و لغو عواقب اقتصادی ناشی از شرکت در این پیمان، تقلیل جدی مخارج نظامی، اخراج مستشاران خارجی،

لغو کامل مالکیت اربابی بیرونی زمین و تأمین و تحکیم مالکیت د هقاتی از راه تقسیم بلاعوض کلیه " اراضی سلطنتی و دولتی و اربابی و موقوفه بین د هقاتان بی زمین و کم زمین، تقویت همه جانبه و بسط این بخش یا قطاع د ولتی اقتصاد بیوژه از طریق ایجاد صنایع سنتگین بمسایه خامن استقلال اقتصادی ما " استقرار میهمنم نقشه بندی و دار ارائه نقشه ای اقتصاد، قرارداد ن کنندگ و بهد اشت در درسترس همکان، تأمین رفاه مادی رزمتکشان شهروده واجرا" یک سیاست ملی و د مکراتیک مالیاتی.

اگر این اقد امات و اقد امات نظیر این مجد آن انجام پذیرد و در عین حال سیاست اقتصادی متخذه *

* مسئله " راه رشد غیرسرا می داری " و محتوی مشخص علمی آن مسئله ایست که در مطبوعات مارکسیستی جهان بود بحث است. هیئت تحریریه " مجله دنیا اظهار نظر روزنگاره " این مسئله را با تصریح این نکته که اظهار نظر مجله نیست بلکه متعلق به بیان کنندۀ نظر است درج میکند در این اید که پس از گرد آورد نظریات مختلف بتواند آنها را زندی کرد و نظر نهایی خویشرا ابراز دارد. هیئت تحریریه " مجله دنیا "

دارای سمت تاریخی معینی باشد ، یعنی مقررات و موازین خاصی را برای جلوگیری از سطح مناسبات سرمایه داری خصوصی و تدارک مادی و معنوی اجرا متحول سوسیالیستی جامعه د نظرگیرد و عملی سازد ، در انتصاف کشورما گام در جادهٔ تکامل سالم ملی و دموکراتیک نهاده است ، تکاملی که دارای سمت روشنی است یعنی سمت آن در جهت رشد غیرسرمایه داری ، در جهت برقیه شدن تدریجی بساط استثمار انسان از انسان و صعود تدریجی به سطح یک جامعهٔ سوسیالیستی است .

این تکامل راهیست حاکمهٔ کوئنی و هرگونه ترکیب دیگری از بروزگاری و ملاکان نمیتواند جراحت کند . محمل اجتماعی تحقق این راه رشد چنانکه تصریح شد استقرار حکومت قشراهای ملی و دموکراتیک است . تکامل آنی این راه به راه رشد سرمایه داری یا سوسیالیستی بستگی به تحولی دارد که درد اخل حکومت ملی و دموکراتیک رخ میدهد . اگر عناصر پریولتاری یعنی عناصری که اید گلوری سوسیالیسم علمی را پیروی میکنند ابتکار و رهبری را پید است گلوری مسلم است که تکامل ادامه میباشد و در شاهراه سوسیالیستی میافتد و اگر عناصر پریولتاری و یسا آنهاشی که علی رغم تفوه به سوسیالیسم ، ازرا ازمحتوگ علمی اش تهی میسازند ابتکار و رهبری را بدست گلوری مسلم است که به بن پست مرید و بن اجر ضرف میشود و در جادهٔ رشد سرمایه داری کام میگذرد .

کفتگو در راههٔ ان آینده دهرا اموز سازنیست زیاراتها آن نیروهای اجتماعی د رعرصه عمل و مسئولیت خود موگزند که وظایف ملزم مطروحه از طرف تاریخ راحل کنند . وظیفه ملزم مطروحه از طرف تاریخ در کشور ما غیارت است از تائین رشد ملی و دموکراتیک اجتماعی و اقتصادی جامعه انسام کوشش مشترک تمام نیروهای ملی و دموکراتیک . بهمین جهت هم سیاست تفرقه در میان این نیروها که متأسفانه بخوبی عنصر نزد یک بین درد رون سازمانهای جبهه ملی د بمال میکنند خطاست و هم مطرح کرد در آنچنان وظایفی که در دستوروز تاریخ قرارند ارد .

اکنون رژیم کودتا از جهت اقتصادی در بن پست افتاده . اید گلوریها رژیم بین از پیش نجات وی را از بن پست اقتصادی در اتخاذ راه سرمایه داری "کامل" میبینند . درست در همین موقع است که خطرهای کشور و جامعهٔ مارا تهدید میکند . اگر سیاست بسط مناسبات سرمایه داری که ماهیت سیاست رژیم کودتا و سوسیالیسم نیز وی را بدان تشویق میکند نیال شود ، عواقب آن برای مدد میهن ماد شوارتر و برای انقلاب کشورمانا سازتر است . لذا اراده پرشاند ه است قشراهای ملی و دموکراتیک جامعه باید برا اساس اتحاد قوا ، تشریک مساعی ، توحید کلمه در مرحلهٔ حسام کوئنی عمل کنند و فرصت گرانهای تاریخی را از دست ند هند . پیروزی مادر وحدت عمل است . هر شریوه ای غیر از این سراپا زیان بخش است و به شکست نهضت و پیروزی هدفهای ارتجاجی میانجامد .

اصلاحات ارضی در ایران

با لآخره نزدیک به نیم قرن پس از آنکه لزوم اصلاحات ارضی در ایران از طرف نیروهای مقری جامعه مطرح گردید، قسمتی از هیئت حاکمه کشور ماتحت فشار روزافزون شدید تناقضات اجتماعی، تحت فشار نیروهای مقری و بمعنظر کوششی در راه بتعویق انداده انتخابات انتخاباتی، حاضر شد از مواضع کهنه و غیرقابل دفع گذشتہ خود عقب نشینی کند و به انجام بعضی اقدامات در زمینه اصلاحات ارضی تن در دهد.

بدون تردید این عقب نشینی احباری مقامات حاکمه ایران که محتوى عده‌آن تحدید مالکیت‌های بزرگ ارضی تا حد و یک قریب برای هر قدم مالک است حادثه سیاری اهمیت ارزشگی اجتماعی سالهای اخیر کشورماست.

ولی شاه و موافقین "اصلاحات ارضی" در هیئت حاکمه ایران میکوشند اینطور وامود که کویا اولاً این اقدامات از انگیزه‌های ترقیخواهانه و نویسندگانه آنان و از عاقنده شان به پیشرفت و تکامل اجتماع ایران سرچشمه میگیرد و آنیا گویا این اقدامات نسبات فئودالی در ایران از بین و بن ریشه کن خواهد شد و کشورما بیک کشور کوکوفان مدل خواهد گردید.

عواصری میگستاخانه شاه و بلند گویاشن، برخورد هائیکه بین قشراهای مختلف هیئت حاکمه ضد ملی کنونی در زمینه اقدامات مربوط به تحدید مالکیت ارضی بوجید آمد از یکطرف، و رکود فعالیت انتخابی و ضعف کارتوضیحی نیروهای دموکراتیک و ملی از طرف دیگر موجب شده است که عده‌آف قابل توجهی از مردم و حتی برخی از عناصر مترقبی جامعه، دجارتسرد رگی شده و در ازین‌جا بی‌رد و امانه و تا شیوه اقدامات اخیر و در نمای تکامل آینده مبارزات دموکراتیک و ملی در جامعه ایران برد اشت ناد رستی بمنایند.

هستند کسانیکه اینظهار اظهار نظر میکنند که کویا شاه علی‌غم تمایلات محلی امپریالیستی دست بچنین اقداماتی زده و محافل امپریالیستی علیه شاه از ارجاع سیاه ایران یعنی فئودالها و ملکان و روحانیون پشتیانی میکنند.

در مقابل این نظریات کسان دیگریم هستند که به آنچه که در حال کنونی در کشور ما مینزد روجه کافی میند ول نمید آرزو و قیده دارند که کویا هیچ تغییر قابل توجهی صورت نگرفته و نمیگیرد. واقعیت اینست که اول آنچه در میهن ما مینزد ریک جریان کوچک و بی‌اهمیت نیست بلکه برعکس یک جریان مهم اجتماعی است که بدین تردید سرمنشانه جریانات مهمتر اجتماعی خواهد بود. ثانیاً عامل عده‌ه بوجود آور ندای این جریان نه نیات اصلاح طلبانه شاه، نه سیاست مترقبانه امپریالیستها و نه دلسوزی آنها برای توده‌های گرسنه و هر هنده دهقانی ایراست. بر عکس این جریان را باید یک عقب نشینی احباری هیئت حاکمه ایران و نیروهای امپریالیستی دوقابله ضرورت‌های سیاسی و اقتصادی در حال رشد و روان بعد از جنگ جهانی و بطری مشخص عقب نشینی احتیاطی برای جلوگیری و یا تعویق انداده انتخابات از خط انتخاباتی و نجات و حفظ عده ترین جهات ارجاعی وضد ملی نظام کنونی اجتماع ایران دانست.

برای اینکه بتوانیم ارزیابی درستی از اوضاع کنونی ایران و نقش نیروهای مختلفی که در آن تأثیرد ارد داشته باشیم باید بظهور همه جانبه ریشه‌های عقب نشینی هیئت حاکمه و چهارچوب و محتوى آنرا مورد بررسی قرار دهیم.

خصوصیات جامعه ایران

جامعه کشور ماجامعه‌ای است نیمه فئودالی و نیمه مستعمره. تناقض ضد فئودالی و تناقض ضد امپریالیستی عده ترین تناقضات اجتماعی در ایران هستند. خصوصیت نیمه فئودال جامعه ایران ناشی از تسلط نسبات فئودالی و نیمه فئودالی و در رجه اول مالکیت فئودالها و ملکین بزمین و آب و دام در

اقتصاد کشاورزی است. طبق آمار سازمان ملل متعدد قبل از اقدامات اخیر نزد یک به ۸۵ درصد از زمینهای مزروعی در مالکیت فقود الها، ملکین، روحانیون، شاه و دو ولت بود. طبق سرشماری سال ۱۳۳۵ در حدود ۷۳٪ از جموعه ساکنین کشور در هات زندگی میکنند. تا قبل از اقدامات مالمهای اخیر در زمینهٔ فروش اراضی بد هفقاتان طبق آمار تقریبی سازمان ملل متعدد رخداد ۶۰ درصد از هفقاتان بکلی فاقد زمین و نزد یک به ۳۳٪ آنها که تراحد اقل لازم برای تأمین زندگی زمین و بی زمین هستند. دهقانان کم زمین و بی زمین هستند با شرایط اسارت آور روی زمینهای اربابی کارکنند. مناسبات حاکم در میان مالک و دهقان مناسبات ارساب-رعیتی یعنی مناسبات مشخص اقتصاد فقود الی است.

طبق آمار دلتا نزد یک به ۴۱-۵۰٪ از درآمد ملی ایران از اقتصاد کشاورزی یعنی کشتاری و دامداری بدست می‌پیدد. صورتیکه از تولید صنعتی کشور (با استثنای نفت) در سه ترین سالها ۱۷٪ و در در و ان رکود اقتصادی اخیر در حدود ۱۳-۱۵٪ از درآمد ملی تحصیل شده است (۱).

خصوصیت نیمه مستعمره‌جامعه ایران ناشی از سلطه بدون حدود سرمایه‌های امپریالیستی بر حیات سیاسی و اقتصادی کشورهاست. این خصوصیت که در وران حکومت دکتر محمد تقی با ملی کردن صنایع نفت و اقدامات اقتصادی و سیاسی مربوط به آن موقاد چارتزل گشت پس از کدی تای ضد ملی ۲۸ مرداد به دست شاه و همکارانش، با واگذاری جدد منابع و صنایع نفتی کشور به امپریالیستها با کشاندن ایران به زنجیر قراردادهای نظامی و بازگردان راه تسلط روزافزون سرمایه‌های انحصارهای امپریالیستی بر ترکیم شئون اقتصادی کشور هر روز شدید ترگردیده است.

در هیچ‌جای در تاریخ اخیر ایران تسلط امپریالیسم بر کشورها به وسعت و عمق امروز نبوده است. سیاست دلتا ایران از راه بند‌های گوتاگون قراردادهای نظامی و سیاسی تابع کامل سیاستهای امپریالیستی است، عده‌های ترین منابع اقتصادی کشورها یعنی نفت درست امپریالیستهاست، سرمایه‌های انحصاری امپریالیستی در عده‌های ترین رشته‌های مالی و صنعتی کشورها موضع فرمانده‌هی را در درست اردن، میزان قرضه کوشکن و اسارت با امپریالیستی هر سال بالا می‌برد و اکنون از ۷۰ میلیون دلار تجاوز کرده است. تجارت خارجی ایران تقریباً رانحصار امپریالیستهاست. آنها محصولات صنعتی و کشاورزی را به بهای گزارف بما تحمیل میکنند و محصولات مارا بهای ارزان بخارت می‌برند. عدم تعادلی و حشمت افراد بین واردات کشور (در سال ۱۹۶۱ بیش از ۴۳ میلیارد ریال) که اکثر از محصولات مصرفی است با صادرات کشور (در ۱۹۶۱ کمی بیش از ۷ میلیارد ریال) مالیه و اقتصاد ملی ماراد رحال بحران دائمی و تعییت مطلق از درآمد نفت که آنها در دست امپریالیستهاست نگاه میدارد.

مجموعه این وابستگیهای سیاسی و اقتصادی کشور مارا بصورت یک کشور نیمه مستعمره درآورد ماست. این د خصوصیت یعنی وضع نیمه فقود الی نظام اقتصادی ووابستگی نیمه مستعمراتی بزرگترین منابع پیشرفت و تکامل اجتماعی جامعه ما بشمار می‌برند و هرگونه حرکت بسوی ترقی و اعلاق را ترمز مینمایند. مردم کشور مابه تناسب موقعيت خود نسبت به این د خصوصیت عده‌های د وجهه خالف یعنی جبهه خلق و جبهه د شمنان خلق تقسیم شده اند. فقود الها و مالکین ووابستگان آنها که به یقای مناسبات فقود الی ذینفند در کتاب سرمایه داران وابسته با امپریالیسم از نظر طبقه بین‌النواحی د لالان و کارگزاران سرمایه‌های امپریالیستی از مناسبات نیمه مستعمراتی کشور تنفع میرند و از طرف دیگر بابند های گوتاگون سیاسی و اقتصادی با فقود الها و مالکین و مالکیت بزرگ زمین وابستگی دارند به معیت سایر نیروهای سیاه ارجاع دارند و سکاوه دلتا و غیره صفت د شمنان خلق را تشکیل میدهند.

در مقابل د شمنان خلق جبهه وسیع نیروهای خلق از کلیه طبقات و قشرهای اجتماعی از کارگران و دهقانان و پیشه وران و روشنگران و سرمایه داران ملی و سایر غاصر میهن پرست قرار گرفته است. نیروهای خلق هر یک بالاگذاری طبقاتی خود بارزیم حاکم در کشور مخالفت دارند و درجهت تأمین منافع خواستار تغییراتی در آن می‌باشد.

د تضاد عده اجتماعی یعنی تضاد ضد فقود الی ضد امپریالیستی در سالهای بعد از جنگ بطور شدیدی حدت و دانه یافته وبارها این یا آن در مکرر جوادت اجتماعی قرار گرفتند. بدون تردید شدید (۱) مجله اطاق بازگانی، دی و بهمن ۱۳۴۱ - سخنرانی مهدی سمعی رئیس‌بانک مرکزی

این تفاضل ها معلوم یک رشته عوامل اقتصادی و سیاسی خارجی و داخلی بوده است و عقب نشینی امپریالیستها و هیئت حاکمه زاهم باید در در رجه اول با ارتباط با این عوامل مورد مطالعه قرارداد.

در در وران مارتباطات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی بین اجتماعات بشری بطوط پیسا بقهی رشد پیدا کرد و کشورهای جد آگاهه بکل ارزوهای انسانی دوان گذشت در آمد و در ازای این وضع تکامل زندگی اجتماعی در کشور مابطه عمیق با این اعلیٰ عمومی جامعه بشری خارج از سرحدات کشور بستگی پیدا کرد و هرگونه تحول پیزگ د رصحته جهانی بطوط محسوس در جریان تکامل اجتماعی جامعه ماتا شیرین میکند. نیروهای ارتضاعی جهان خارج در جهت جلوگیری از شد و تکامل طبیعی جامعه بطرف ترقی تائیز میکند و در مقابل آنها نیروهای متفقی از جنبش و حرکت متفقی جامعه پشتیبانی مینمایند.

در جهان در وران ماد وارد و گاه نیرومند در مقابل یک یگرصف کشیده اند. از یک طرف نیروی عظیم هوا در اران صلح و د موکرای سوسیالیسم، ارد و گاه ترقی و پیشرفت که تمام نیروهای متفق جامعه بشری را در ربر میگیرد کارگرخانه است. این ارد و دریک سوم از جهان قدرت د ولتی را در دست گرفته و سنگر شکست نا پذیری پیشودت خانوارهای کشورهای سوسیالیستی که اتحاد جما هیرشووی، اولین و نیرومند ترین سنگر سوسیالیسم و آزادی در قلوب آن جای گرفته بوجود آورده است. وجود ارد و گاه سوسیالیسم عده ترین ضامن آزادی و پیشرفت جنبش های ترقی خلق های محروم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره است و هر پیروزی آینه ارد و گاه مبارزه این خلق ها را تسهیل میکند و شرایط مساعد تری برای پیروزی آنها بوجود می آورد. در مقابل این ارد و گاه پیشرفت و ترقی، ارد وی ظلمت و جهل، ارد وی چاپل و غارت که امپریالیسم امریکاد مرکز آن جای گرفته، صفت بندی کرده است. این ارد و گاه تمام نیروهای سیاه ارتضاعی جامعه بشری را در ربر میگیرد. تمام کوشش این ارد و گاه حفظ امکانات غارثگری گروه قلیل استعمارگران است.

نیروهای ارتضاعی در سراسر جهان ضمن داشتن اختلافات در شیوه و میزان غارثگری، در اصل دفاع از اصل غارثگری باهم موافق و با تمام قوا از هدف یگری شتیانی مینمایند. بهمین جهت است که امپریالیسم بزرگترین پشتیان و متخد نیروهای ارتضاعی کشورها همراه با نیروهای ارتضاعی کشور، پایگاه عده و اساس امنیتی سیاه ارتضاع میباشد و در حفظ تغییرهای اسارت مستعمراتی بدست ویا خلق های محروم کشور ما، ادامه غارثگری و جلوگیری از شد جنبش متفق تجاذیخش ملی و د موکراییک منافع مشترکی دارند. قیود الها، مالکین پیزگ و سرما به داران وابسته با امپریالیسم و سایر نیروهای سیاه ارتضاعی وابسته با انان در داخل کشور و نیروهای امپریالیستی که در وران کوتونی امپریالیستهای امریکایی سرکرد گی آنها را بعنه گرفته اند. در خارج از کشور د شمان عن عدد نافع ملی ما و هرگونه جنبش متفق خلق های امپریالیستهای د ره راحظه که منافع یکی از آنان بخطر جدی بیفتند، آنها همه نیروهای خود را برای حفظ آن بکار میاند ازند.

ولی وجود این منافع مشترک بین امپریالیستها و نیروهای ارتضاعی کشورها و اتحاد محکم آنها را نیاید با این معنی گرفت که گویا در میان اجزا این اتحاد جهنمی هم آهانگی جاود اند برقرار است و هیچ چونه اختلاف و تصادم م منافع وجود ندارد و نمیتواند بوجود آید. بر عکس در این اتحاد جهانی مناسبات در این دریائی و راهزنان سرکرد نه حکم فرمائی میکند. تضاد های گوناگونی بین لاشخوان امپریالیستی، بین امپریالیستهای متخدین ایرانی آنها و در میان قشراهای مختلف ارتضاع ایران وجود دارد. آنچه در تعیین مناسبات این اتحاد سیاه نقش تعیین کننده را در اراست، در در رجه اول همان منافع مشترک و عمومی متخد نیرومند تر یعنی امپریالیستهاست. بین نیروهای ارتضاعی د اخلي و نیروهای امپریالیستی که در پشت آنها قرار گرفته اند تاوقتی هم اهانگی وجود دارد که شیوه غارثگری نیروهای ارتضاعی د اخلي منافع عده ای را بایان امپریالیستی را باظهار نمیند ازد. ولی اگر در نتیجه تغییر شرایط، در لحظه معینی اشکال موجود دریک کشور مستعمره و نیمه مستعمره، منافع طرف عده و نیرومند تر اتحاد سیاه را بخطر اند ازد، آنوقت "هم اهانگی مقدس" د چار اختلال میگرد و راهزنان بجان هم میافتند تا آنکه نظم جدیدی را برپاییه تا مین منافع شرکای عده تر و مخدود تر کرد ن منافع شرک ضعیفتر برقرار سازند. یک چنین جریانی در رسالهای اخیر جامعه مابوجود آمد و رشد کرد و بطوط مغری در ایجاد تحولات اخیر و زمینه اصلاحات ارضی نقش داشته است. ریشه های این جریان را باید در تغییرات عده ای دید که در وران جنگ جهانی و سالهای بعد ازان در اوضاع عمومی جهان و در محیط اجتماعی د داخل کشورها بوجود آمد و است.

تغییرات و اضاع جهان در دوران بعد از جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم و نتایج آن تغییرات عظیمی دارد اوضاع سراسر جهان بوجود آورد و این تغییرات در سرنوشت خلقهای محروم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره تأثیر عمیقی بر جاگذشت. پیروزهای تاریخی اتحاد شوروی علیه فاشیسم، درهم شکسته شدن گروهیندی تجاوز کار امپریالیستی آلمان و رژیم و ایتالیا تحول هقطیمی را که انقلاب اکتبر در نیای ما پایه گذاری کرد به مرحله عالیتری ارتقا داد.

تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این پیروزی بزرگ در همان دوران جنگ و در سالهای پلاکاصله پس از آن جنبش‌های آزاد پیخش و دموکراتیک در سراسر جهان رشد و توسعه بسیارهایی یافت. خلقهای ایتالی مسلسل از کشورهای آسیا و اروپا ضمن پیروزی در مبارزات آزاد پیخش ملی علیه اشغالگران امپریالیستی آلمان و رژیم و ایتالیا موقع شدند خود را از زنجیرها سارت دشمنان داخلی نیز آزاد کردند و در راه ایجاد نظام سوسیالیستی در جامعه خویش قدم گذارند. باین ترتیب سوسیالیسم از چهار پوب یک کشور واحد خارج شد و در قسمت عظیمی از جهان بازندگی می‌لیاردد سکنه یعنی از اوقاتی نوین آرام تا هرگز اروپا مستقر گردید.

این تحول عظیم یعنی پیدا شدن دوگاه سوسیالیستی ورشد بسیارهای ازاد پیخش ملی و دموکراتیک در سراسر نیای مستعمراتی امپریالیسم را در مجموع خود نسبت به سالهای قبل ضعیف نمود. این ضعف عمومی نیروهای امپریالیستی همراه با تحکیم روزانه از این دوگاه سوسیالیستی و پیروزیهای در خشان کشورهای این ارد دوگاه و قبل از همه اتحاد جماهیر شوروی در رکله شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر روز شرایط را برای گسترش مبارزات ملی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره مساعد ترمیساختند. با این تحولات پایه های تسلط چند صد ساله استعمار امپریالیسم بازده را فاتح و هر روز دگوش ای از جهان ستوانهای کاخ جهنمنی استعمار در رهم فرموده بخت.

استعمار نوین تازه به جای استعمار کهن

در مقابل این سیل خروشان جنبش‌های آزاد پیخش که هر روز از شدید تناقضات داخلی اجتماع خویش و از پیروزیهای عظیم ارد دوگاه سوسیالیستی نیروی تازه میگرفتند، مخالف امپریالیستی در آغاز باتوجه به شیوه های کهنه استعمرانی بعید از آمدند. آنها بسیار کوب و شیانه این جنبشها و قتل عام مبارزان خلق ای دست زدند ولی خلیلی زود جنبش شیور مدنده ملتهباه اینها موتخت که ارتشهای مجهر و چند صد هزار نفری آنها در مقابل نیروی خلقهای که جنبش درآمدند و برای آزادی خود مبارزه میکنند، بس ناتوان است و به تنها شیوه نمیتواند پایه های تسلط استعماری را برای مدت طولانی استوار نگهدازد. امپریالیستها مجبور شدند در هنر سبات خود با کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه اقتصادی تغییراتی را بوجود آورند و قالبهای تازه ای را برای همان محتوى کهنه یعنی غارتگری مستعمراتی خود بسازند.

ترس از گسترش انقلابهای ملی و دموکراتیک، ترس از حالت انفجاری که در سالهای بعد از جنگ در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بوجود آمد و هر روز رشد ملتماید، ترس از رشد انقلابی جنبش‌های آزاد پیخش ملی و اعتلای این جنبشها تاریخ اتفاقیهای دموکراسی ملی اన عامل سیاسی عده ایست که مخالف امپریالیستی را واد از هم تجدید نظر در شیوه های کهنه استعماری نموده است. تجزیه انقلابهای پیروز مدنده ملی و دموکراتیک در یک سلسه از کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق و در رده اول تحریسه انقلاب کبیرجین مخالف امپریالیستی را متوجه این واقعیت مسلم ساخت که محتوى اساسی و عده کلیه جنبش‌های آزاد پیخش ملی دو مکاریک داشتند که از یک طرف مبارزه علیه مناسب است که کهنه فعد الی و نیمه فعد الی و از طرف دیگر مبارزه علیه تسلط استعماری و امپریالیستی است. اگرچه از تجزیه مبارزات انقلابی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره اینطور بر می‌آید که در مواد بسیاری این دو جهت مبارزه تکامل وشدت هماهنگی ندارند و گاه یک جهت شدت بیشتری پیدا میکند در حالیکه در جهت دیگر آراش نسبی برقرار است ولی همین تجزیه این واقعیت را هم نشان میدهد که دیگر از دو مبارزه ایساسی یعنی مبارزه ضد فعد الی و ضد استعماری یا بمعنای در چنین حالی جنبش نجا تبخش ملی چنان پیوست و بصورت یک حریان نیرومند انقلابی درخواهند آمد و در چنین حالی کشورهای سوسیالیستی نیروئی پیدا خواهد کرد که سرکوب آن در شرایط کنونی جهانی با وجود ارد دوگاه نیرومند کشورهای سوسیالیستی

وآمادگی این ارد وگاه که بزرگترین قدرت جهانی یعنی اتحاد جماهیر شوروی در قلب آن قرار گرفته، بد فاع
بیدریخ از جنبش‌های انقلابی خلق‌هاد رسرا سرجهان، برای امپریالیستها غیرمیسر است. پیروزی انقلاب
کبیرچین در در ورانی که امپریالیستهای امریکائی هنوز اتحاد سلاحهای اتمی را درست داشتند، پیروزی خلق
ویتنام علیه ارشاد حظیم فرانسه و بالاخره پیروزی تاریخی خلق‌های کهوا وال جزیره به بهترین وجهی مسوء ید
این واقعیت هستند.

امپریالیستها این واقعیت را درک کرد و فهمیدند که توسعه چنین پدیده ای در سراسر دنیا
مستعمراتی و نیمه مستعمراتی بزرگترین خطر برای ادامه تسلط امپریالیست است و بهمین علت در صد آن
برآمدند تا پیدا یافش و نمو چنین پدیده ای را آغاز کنند. دیگر بتا خیراند ازند.

آن‌هادرک کردند که عدد ترین نقاط ضعف جبهه نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی دیکتاتورها
مستعمره و نیمه مستعمره در درجه اول وجود بقاپا و در موادی تسلط مناسب فتوح الی و نیمه فتوح الی در
اقتصاد کشاورزی این کشورها و تسلط سیاسی اشکارکننده امپریالیستی در مستعمرات است. امپریالیستها
برای حفظ مواضع عده خود یعنی حفظ تسلط سرمایه‌های اتحاد سرمایه خود بر اقتصاد مستعمرات و نیمه
مستعمرات، برای حفظ نفوذ و تسلط سیاسی خود بر سیاست این کشورهاد مقابله خطر عظیمی که از طرف
جنبهای نجات‌بخش ملی در حال رشد بود درجهت تعییف این دو نقطه ضعف اساسی به مانع عقب نشینی
دست زند. امپریالیستهاد ریاقته اند که مناسبات فتوح الی دیکتاتورهای مستعمره و نیمه مستعمره و تسلط
سیاسی علی استعمار پشكل کهنه دیکتاتور خود را کرد و اند در دنیا کوشی قابل نگهداری و دفاع نیستند و
در صورتیکه بتغییراتی درین دووجهه تن در ندند تسلط امپریالیستی در جمیع امور اش بخطراوهاد افتاد.

این است آن علت سیاسی عده ای که استمارگران کهنه مانند ائلستان و فرانسه را مجبور ساخت تا بر سرعت
در رسمت عدم مستعمرات خود شکل کهنه تسلط استعماری را بشکل نوینی مدل سازند، کارگزاران راجانشین
فرمان اران و ستگاه اداری فرانسوی و انگلیسی سازند بد و اینکه محتوى اساسی تسلط نظامی و سیاسی و
اقتصادی خود را ین کشورهای خییری بوجود آورند.

این است آن علت سیاسی عده ای که برقی محاذ و معاشر امپریالیستی را به آن واد است تا در سالها
اخیراً لزوم بعضی اصلاحات ارضی در کشورهای نیمه مستعمره زیرگفت خود در رجهت مدد و کردن مالکیت
بزرگ ارضی و زمین دارکردن قشری ازد هفقاتان طوفداری کرد و در موادی عمال و کارگزاران خود را بر ای
انجام چنین برنامه ای تحت شفارتوصیه های خوش قرارداد هند.

هدف این اقدامات، ایجاد تفرقه در میان دهقاتان انقلابی، ایجاد تفرقه میان صفوی جنبش
نجات‌بخش ملی و بتا خیراند اختن وحدت مبارزات ملی و مکراتیک یعنی مبارزات ضد امپریالیستی و ضد
فتود الی است.

تلاش برای بدست آوردن منابع جدید سود

عدد ترین نتیجه پیروزی اتحاد شوروی در جنگ ضد فاشیستی پیدا یافته ارد وگاه موسیالیسم
بود. یک سلسه از کشورهایی که در در وران قبیل از جنگ در ایره اقتصاد سرمایه داری قرارداد اشتند بالنجام
پیروزی کامل انقلابهای د موکارسی توهد ای و د موکارسی ملی از این دا به خارج شد و با اتحاد جماهیر
شوروی ارد وگاه نیووند سوسیالیستی را بوجود آوردند. با تشکیل ارد وگاه سوسیالیستی بازار سرمایه گذاری
سرمایه‌های اتحادی ارد وگاه امپریالیستی بمعیزان قابل توجیه تنگ گردید. این جریان بنوته خود به
تشدید تناقضات داخلی ارد وگاه امپریالیستی و بخصوص به شدید تناقضات در کشورهای مستعمره و نیمه
مستعمره بمعیزان زیادی افزود و جنبش‌های ملی با استفاده از شرایط مناسبی که با پیروزی عظیم نیروهای
متفرقی در جهان بعد از جنگ بوجود آمد بود در اکران کشورهای گسترش یافت. در عده ای از این کشورها
نیروهای ضد امپریالیستی موفق شدند قدرت دولتی را درست گردند. در اینگونه کشورهایه تناوب رشد و
وحدت نیروهای ضد امپریالیستی و تا عین آن‌هاد حکومت سیاست اقتصادی کم و بیش ممکن بمنافع ملی در
پیش‌گرفته شد و با این ترتیب سدد یگری در مقابل غارتگرید و کنترل سرمایه‌های اتحاد سرمایه کشورهای
امپریالیستی بوجود آمد و درنتیجه میدان غارتگری این سرمایه هاد رجهان بازهم تنگرگردید.

افزايش روز افزون قدرت اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای ارد وگاه موسیالیسم

اماکنات جدیدی را برای کشورهای کم رشد بوجود آورد تا هر روز بیشتر تو اند هم از اه ماد لات وسیع کالا بر اساس شرایط بسیار مناسب و نیمه ازراه استفاده همه جانبه از کهکهای بید ریخ و بی خضرانه ارد و گاه سوسیم بنیه اقتصادی ضعیف خود را تقویت نمایند. این عامل هم بنویه خود تا میرعمیقی دستگرد ن می‌دان فعالیت سرمایه های انحصاری کشورهای امیریالیستی داشت.

ولی از طرف دیگر عطش سود جوشی سرمایه های انحصاری امیریالیستهانه تنها فروکش نکرد بلکه بر عکس این شرکت نکشدن میدان بجهه کشی و زیاد شدن خطرناکی امیریالیستههار بیش از پیش هار نمود. اینان برای ترمیم خسارتهای دزمنده های بالا در صدد برآورده که اولا آن میدانهای غارت و چاپول را که هنوز درست دارند تحکیم سازند و ثانیا باشند پیدا بجهه کشی از خلقهای کشورهایی که هنوز زیر نفوذ امیریالیسم باقی مانده اند، حدود پیش از تکی میدان غارت راجبران کنند.

امیریالیستههار کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و کم رشد از راههای کنگانون غارت میکنند. میبلاغه دارند تین مفتح در آمد سرمایه های انحصاری در کشورهای نظیر ایران غارت متابع زرخیز مواد خاص صنعتی مانند نفت است. ولی سرمایه های انحصاری هرگز باین یکانه منبع در آمد اکتفا نکرد و هر راه در یکی را که بتواند سود کلانی برای انتها مینماید مود استفاده قرار میدهد. امیریالیستههار مودهای هنگفتی از راه فروش کالاهای صنعتی خود بیمهگاران کشورهای رشد نیافته، خرد محصولات کشاورزی و مواد خام این کشورهایه بهای ارزان، ازراه سرمایه گذاری در رجیان تولید صنعتی و کشاورزی و در اقتصاد بانکی، از راه قرضه های کوشکن و با لآخره ازراه تحلیل ینچه های نظامی خود بینان کمک تسلیحاتی و غیره بدست میآورند. در حالیکه میزان سود حاصله برای سرمایه های انحصاری امیریالیستههار از امتیازات بزرگ مواد خام صنعتی مانند نفت، فلزات قیمتی و غیره ارتباط مستقم با سطح عمومی نیروهای مولد ده در کشورهای غارت شده ندارد، میزان سود سرمایه های انحصاری امیریالیستی از رشته های تجارت، سرمایه گذاری در صنعت و کشاورزی، تحلیل قرضه های پریخ بیک کشورهای مانند ایران مستگی زیادی بسطح در آمد عمومی این کشور و مرتبتیه با سطح نیروهای مولد ده دراین کشور ارد - هرقد رسطح نیروهای مولد پائین تروده تیجه جامعه قیمتی و گرسنگی را شد، امکان غارت و چاپول برای امیریالیستههار از راههای اخیر کمتر است. پخصوص در مالهای بعد از جنگ پس از آنکه از یکطرف میدان غارتگری امیریالیستههار رجهان بسیان زیادی مخدود گردید و از طرف دیگر قدرت مالی امیریالیستی و میزان سرمایه های انحصاری بقدر از زیاد نسبت پس قبل از جنگ افزایش یافت و در نتیجه عطش تسکین ناید براین سرمایه هادر ری اماکنات جدید غارتگری بمحابات بشدید ترگردید و با سودهای حاصله از امتیازات نظیرهای نفت دیگر همچو جوچ آرامش نمییافت، تالش امیریالیستههار دریی استفاده از راههای گذاری و سود برد اری در رجهار چوب معینی که منافع عمد اقتصاد امیریالیستی را بخط نمیند ازد واد ام وابستگی اقتصاد این کشورهایه اقتصاد امیریالیستی تضمین کند و موجب رشد اقتصاد کشورهای وابسته درجهت بدست آوردن استقلال اقتصادی نگردد، بیش از پیش شد یافت. این تلاش بطور طبیعی مستلزم سرمایه گذاری جدید و یک رشته اقدامات ده راه رشد نیروهای مولد ده در کشورهای نیمه مستعمره تحت نفوذ امیریالیسم است. اگرچه این رشد بطور یکجانبه و درجهست منافع سرمایه های انحصاری امیریالیستههانجام میگیرد ولی معدن لک با وجود منابع عقب افتاده در اقتصاد کشاورزی برخورد پیدا میکند. منابع ماقبل قعود الی و نیمه قعود الی اوضاع اقتصادی و سیاسی جهان بعد از جنگ شرایطی را بوجود آورد که در آن دیگر جلوگیری طلاق از شدن نیروهای مولد ده در کشورهای نیمه مستعمره و نیمه مستعمره پنهان سرمایه های انحصاری امیریالیستی نیست بلکه بر عکس در رجهار چوب معینی مانع بسط امکنات هنگامیکه جلوگیری از شدن نیروهای مولد ده دراین کشورهایا منافعشان تطبیق میکرد با تمام قول از باقی منابع ماقبل قعود الی و قشید الی و نیمه قعود الی پشتیبانی میکردند ولی اوضاع اقتصادی و سیاسی جهان بعد از جنگ شرایطی را بوجود آورد که در آن دیگر جلوگیری طلاق از شدن نیروهای مولد ده در کشورهای نیمه مستعمره و نیمه مستعمره پنهان سرمایه های انحصاری امیریالیستی نیست بلکه بر عکس در رجهار چوب معینی مانع بسط امکنات سود برد اری و غارتگری آشنا گردیده است. مثلا امیریالیستههالا عاقله اقتصاد نه مازاد محصولات منعی خود را بایش از پیش به خلقهای میلیونی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بفروشند و هرچه بیشتر و از رانتر مواد خام کشاورزی این کشورهای از این راه نمود ببرند. گسترش این فعالیت اقتصادی تنها در صورت وجود خرید ارکافی ده رکشورهای مستعمره و نیمه مستعمره است. امیریالیستههاعلاقمند نه که از نیروی کار ارزان قیمت

کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره استفاده نمایند، بعضی موسسات صنعتی در این کشورها بوجود آورند و با مواد خام ارزان محلی و نیروی کار ارزان محلی کالای زیاد و ارزان تهیه کنند ۰ این کارهای مستلزم وجود خرید ارکافی در این کشورهاست ۰ ولی فقر و حشاد آر و عقب افتادگی تولید در این کشورها که از نظر طرف محصول تسلط مناسبات فوئدالی و نیمه فوئدالی در اقتصاد کشاورزی واژطرف دیگر محصول تسلط و غارتگری سرمایه‌های انصاری امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته با آنهاست میزان تولید و قدرت خرد اکبریت عظیم مردم این کشورهای راستخیلی پائین نگه میدارد ۰ باین ترتیب بقا وضع کنونی در مناسبات تولیدی، امکانات سرپا ۰ گذاری و سود برد اری سرمایه‌های انصاری امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته به آنرا در صنعت و کشاورزی و مصاله در چهارچوب بسیار محدود نگاه میدارد ۰ تلاش برای اینین بردن این محدود پی و بازگردان را ماستفاده از امکانات جدید، سرمایه‌گذاری و سود برد اری امپریالیست‌هارا متوجه لزوم ایجاد تغییراتی در راستای انتقام از فوئدالی و نیمه فوئدالی در اقتصاد کشاورزی و بطور خلاصه لزوم اصلاحات ارضی محدود رکشورهای نظری ایران نموده است ۰

آن عوامل سیاسی و این انگیزه‌های اقتصادی آن عدد ترین عواملی هستند که در در وران بعد از این موجات تغییر سیاست در وین مخالف امپریالیستی و در رده اول امپریالیست‌های امریکائی را در رباره مناسبات فوئدالی و نیمه فوئدالی در اقتصاد کشاورزی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره فراهم آورند ۰ باین ترتیب علاقه امپریالیست‌ها و در راه آنها امپریالیست‌های امریکائی به انجام بعضی اصلاحات ارضی در ایران محصول ترس آنها را تغلیب واقعی اجتماعی در کشورها و انگیزه‌های سود جوانه آنهاست ۰

این جریان در سیاست مخالف امپریالیستی در کشورهای نظری کشورهای سرمنشایناقض جدیدی گردیده است: آنها از نظر طرف دار مقابله جنبش ملی و موکرایی خلق در در رجه اول به فوئدالها و ملکین و نیروهای اجتماعی وابسته به آنها تکیه می‌کنند و از آنها پشتیبانی مینمایند ولی از اطراف دیگر تنها مانند گذشته نمی‌توانند بقا مناسبات فوئدالی و نیمه فوئدالی که اساس موجود است این طبقه اجتماعی است ضمانت کنند بلکه بر عکس مجبورند دست نشاند کان خود را در جهت انجام اقداماتی علیه این مناسبات کهنه برانند ۰ البته آنها سعی در این تفاوت را به بی‌رد ترین شکل حل کنند. آنها می‌کوشند پولهای گزاری به ملکین بپردازند و آنها را به مرطبه داران نوبن مدل سازند. آنها این محدود بین را راهنمایی می‌کنند تا سرمایه‌ها بیشتر را در روز سیاست اقتصادی وابسته بسرمایه‌های انصاری امپریالیستی بکاراند ازند و باین ترتیب بشکل جدید در چهارچوب کهنه اتحاد امپریالیسم و ارتباط ایران باقی بمانند ۰

بدون تردید این عوامل خارجی در رشد جریان اجتماعی کشوری تأثیر قابل توجهی داشته اند ۰ معذل لک در ارتباط کامل با عوامل داخلی یعنی تغییراتی که در در وران جنگ و بعد از جنگ در اجتماع ایران بوجود آمده است موجات عقب نشینی کشوری هیئت حاکمه ایران را در مسئله ارضی و سایر مسائل اجتماعی مربوط به آن فراهم آوردند ۰

تا مجموع عوامل داخلی در عقب نشینی هیئت حاکمه

ضرورت اقتصادی - مدتهاست که لزوم برچیدن مناسبات اریاب رعیتی در اقتصاد کشاورزی ایران بصورت یک ضرورت برم اقتصادی درآمد است ۰ تسلط مناسبات کهنه فوئدالی و نیمه فوئدالی در روسیه و سلط سرمایه‌های انصاری امپریالیستی در مجموعه اقتصاد ایران موابع بسیار شواری بر سر راه تکامل اقتصاد یات کشور رشد آزاد مناسبات سرمایه‌داری و شیوه تولید صنعتی تحت تأثیر ضرورت تاریخی راه خود را بازگرد و قدماهی بطرف جلوه داشته اند ۰ این جریان که در سالهای قبل از جنگ دوم جهانی جان گرفته بود در سالهای جنگ و پس از خود روان بعد از جنگ اخیر شدت بیشتری یافته است ۰ گرچه این پدیده هنوز بسیار ضعیف است ولی معذل لک در همین شرایط هم تضاد بین زنجیرهای تجزیه کنند تسلط مناسبات اریاب رعیتی در راه باهemin رشد کند و محدود مناسبات سرمایه‌داری شدت زیادی یافته است بطوریکه هر گونه حرکتی در رجه هرگونه رشد نیروهای مولد و هونق اقتصادی در در رجه اول بطور جد اش ناپذیر با تغییر مناسبات اریاب رعیتی در روسیه استگی دارد ۰

در روضح کنونی که نزد یک به سه چهارم سکته کشور ره زندگی می‌کنند و اقتصاد کشاورزی نزد یک به ۴۰ تا ۵۰٪ از مجموع ذرآمد کشور را تأمین می‌کنند، عقب افتادگی غیرقابل تصویر میزان تولید کشاورزی و فقر

غیرقابل تصویرناشی از آن امکان هرگونه فعالیت داشته در ارتقا تصادی را فوق العاده محدود می‌سازد. دهقان ایرانی که عدد ترین صنعتی و عدد ترین تولید کنندگ بالقوه محصولات صنعتی و عدد ترین تولید کنندگ مواد خام برای صنایع است، هم از لحاظ میزان تولید و هم از لحاظ قدرت خرید و صرف فوق العاده ضعیف است و هم اکنون در سرحد بین مرگ وزندگی قرارگرفته است بطوریکه امکان بهره کشی بیشتری از این غارت شدگان عملامожیست. سالهای است که مناسبات ارباب رعیتی در اقتصاد کشاورزی و اثرات منفی آن در مردم مجموعه اقتصاد کشور و شاد و شوشتا می‌پوشانند از سلط سرمایه های انحصاری امپریالیستها تولید صنعتی و اقتصاد ملی کشور را چار بحران بدن اقطع ساخته است و این بحران بطور پیوسته عیقده میگردد. منافع طبقات و قشرهای اجتماعی خلق با وجود مناسبات ارباب رعیتی در و تسليط سرمایه های انحصاری تضاد آشیان پذیر است.

د همان خواستاراند اختن فوئی بقا یای قیود الیسم درد و بدست آورد زمین و آب و وسائل کشت و کار مجازی می‌شنند. برای کارگران بقا مناسبات قیود الی درد و وبله تشید است. هرقد رفرود ره زیاد تر باشد، استثمار کارگران در شهرشیدید تراست. آنهانه تهاب یوسیله سرمایه داران خودی و سرمایه های انحصاری امپریالیستی استثمار می‌شوند بلکه مرد غارت غیر مستقیم قیود السما و ملاکین قرار دارند. یعنی بودن سطح رشد نیروهای مولد درد که نتیجه مستقیم تسليط مناسبات ارباب رعیتی است موج گرانی محصولات کشاورزی (نسبت بکار صرف شده برای تولید شان) هستند و گرانی محصولات کشاورزی موجب تشیدید ققرطبه کارگر می‌شود.

بسیروزی ملی در پرچیده شدن بساط ارباب رعیتی و آزاد شدن دهقانان و بالارفتمن سطح تولید درد و غنی ترشدن تود های دهقانی همانقدر دفع است که در راند اخته شدن تسليط سرمایه های انحصاری امپریالیستی. تبا چین جریانی میتواند امکانات جدید برای توسعه سرمایه گذاری و سود برد اری سرمایه داری ملی بوجود آورد. در شرایط کوتی که بر اثر غارت ملاکین و قیود الهاد را مد سالیانه یک خاتماد دهقانی ۳۰۰ تا ۴۰۰ تoman بیشتر نیست و اکثریت طلاق دهقانان قادر به تأمیه حداقل نسان خالی برای خود نیستند و قسم اعظم سال راد رحال نیمه گرسنه بسرمیرند و از این در رامد مختصر هم قسمت عده اش از اههای گوناگون بوسیله سرمایه های انحصاری امپریالیستی و سرمایه های ایرانی وابسته به آن و دستگاه دولتی غارت می‌شود. چیزی برای پسروزی ملی باقی نیماند. بوسیله پسروزی ملی بعلت ترس از شد جنبش انقلابی کارگری و موزلزیل شدن انسان استثمار در رهاره زاده امپریالیسم و قیود الیسم تا پیغمور موزلزیل و نیم بند است ولی در هر حال از لحاظ منافع اقتصادی خود تاد و ران معین د رصفوف نیروهای خلق جاد ارد. بهمین ترتیب است علاوه ناشی از منافع اقتصادی سایونیوهای وابسته بجهة خلق بریشه کن ساختن بساط قیود الیسم درد.

رشد مبارزات ضد قشاوی و ضد امپریالیستی - بد ون تردید حل بریشه ای وقطعی بحران تنها ازراه ریشه کن ساختن علل اساسی این نیمسراست. بحران کنونی که اقتصاد مارکارگرفته تهاب براند اختن تسليط سرمایه های انحصاری امپریالیستها و محظوظات قیود الی و نیمه قیود الی در اقتصاد رستایی یعنی انجام انقلاب پیگیر و موزکاتیک امکان بذریاست. این راهی است که مبارزان راه استقلال ملی و آزادی دهند است در مقابله خلقهای حروم و نیروهای ملی ایران کذاشته اند. یکی از خصوصیات اجتماعی د روان بعد از جنگ کشورها نیست که نیروهای ملی و مکراتیک هرزوغ بیشتر بطراف این یگانه راه حل مشکلات اجتماعی متوجه شده اند. وضع طبقات اجتماعی خلق نیست بعوامل عده رکود و عقب ماندگی روشن است. منافع طبقاتی کلیه طبقات و قشرهای اجتماعی وابسته بخلاق یعنی کارگران، دهقانان، بیشه وران، روشنگران و سرمایه داران ملی بacula این هر دویچ یعنی بیوغ مناسبات ارباب رعیتی در اقتصاد کشاورزی ویغ سرمایه های انحصاری امپریالیستی و سرمایه های ایرانی وابسته بآن هاد رجمجموعه اقتصاد کشور مغایر و تضاد آشیان پذیر است. این نیروهای بالقوه خواستار طرف اریشه کن شدن تسليط استعماری و مناسبات ارباب رعیتی هستند و در جریان ۲۰ سال اخیر در موارد گوناگون در مبارزات عمومی در راه براند اختن این زنجیرهای د وکانه اسارت شرکت کرد اند. جنبش نجات بخش ملی میهن ما در روان بعد از جنگ مرحله مختلفی را طی کرد و در هر مرحله

محتوی آن عمق و گسترش پیشتری یافت . فعالیت عملی نیروهای خلق در مبارزات انقلابی در ماحصل مختلف این تحت تأثیر عوامل مختلف یکسان نبوده است . بطور کلی شرکت ده قاتان در مبارزات ضد امیریالیستی و شرکت نیروهای ملی و مکراتیک شهرد رمبارزات ضد فودال ده قاتان ضعیف بوده و همین امر نقطهٔ ضعف اساسی جنبش آزاد پیشنهادی مارادر ۲۰ سال اخیر وجود می‌آورد است . غالباً این مراحل ایجاد هزارگذرین پیوند ها در درونی بوده که این درجهٔ جالب توجه است اینسته که با مرور زمان با وجود شکستها واختناق ، این درجهٔ مبارزه بسیار بزرگ شده است . مثلاً بجزئی از ملی و قسمت قابل توجه از نیشه وران که جبههٔ ملی نمایندهٔ سیاسی آنهاست ده تهای اهمیت مسئلهٔ ارضی و انقلابی ده قاتان ولزوم بهم اینچنان درجهٔ مبارزات خلق توجه ند استند . ولی اکنون دیده می‌شود که این توجه روز بروز پیشتر میگرد و بد ون تردید این پدیده کل موثری بود ت آینده نیروهای انقلابی خلق در جبههٔ واحد ملی و مکراتیک خواهد کرد .

در مرور طبقهٔ کارگرها باید یاد آورد که با وجود یکه نیروهای پیشوپ طبقهٔ کارگرها میشیه به اهمیت و لزوم بهم آینچنان مبارزات ده قاتان و مکراتیک و ضد امیریالیستی معتقد بوده اند و آنرا پایهٔ اساسی هر پیروزی جدی و عمیق در مبارزه میدانسته اند ، در عمل توجه کافی بنتقویت این عامل اساسی مبارزه میگذرد ولن اشتته اند و در نتیجهٔ در عمل امکانات ساعد گرانبهائی را برای تحکیم استخوان بندهٔ اساسی جبههٔ واحد ملی و مکراتیک ، یعنی اتحاد انقلابی کارگران و ده قاتان ، ازدست داده اند .

در این دوران ۲۲ ساله لبهٔ تیز مبارزات خلق گاه علیه سلطنت سرمایه های انجمنهای امیریالیستی و گاه علیه الکتیت قلعه بود . جنبش ملی و مکراتیک میهن مادر هر یک ازین مبارزات غنی ترمیشد و تحت تأثیر تجربهٔ این مبارزات و تجربیات سایر لقاحها در راه آزادی و استقلال بخش های گوناگون نیروهای خلق در میهن ما هر روز پیشتر متوجه لزوم متحد ساختن درجهٔ مبارزه یعنی مبارزات ضد امیریالیستی و ضد قلعه ملی و مکراتیک میگردیدند . این پدیده بکار ردد وران جنگ و ملاقاصله پس ازان بارد یگرد ردن این مبارزات برای ملی کرد ن صنایع نفت تکامل یافت .

در مرحلهٔ اول جنبش بصورت مبارزه نیروهای ملی و مکراتیک در شهرها علیه خط رفایشیم و برای تا عین آزادی و مکراتی اتفاق افتاد و سرعت رسیده ایافت و با مبارزه ده قاتان علیه مالکین تلفیق یافت و به صورت جنبش وسیع ضد امیریالیستی و ضد قلعه ملی و مکراتیک سال های ۱۳۲۵-۱۳۲۳ گسترش یافت و با پیروزی تاریخی خلق آذربایجان در گرفتن قدرت و انجام اصلاحات وسیع اجتماعی که اصلاحات ارضی در سرلوحة آن قرار اشت و تشکیل جبههٔ واحد نیروهای ضد امیریالیستی و مکراتیک بصورت ائتلاف احزاب ده مکراتیک و ملی یه این خود رسید .

در مرحلهٔ بعدی جنبش بصورت مبارزه برای برچیدن سلطنت امیریالیستها بر منابع نفت آغازگردید . این مبارزه در جریان تکامل خود با مبارزات ده مکراتیک و ضد قلعه ملی در آیینهٔ تاریخی و بد ون تردید اگر رایزن مرحله همه نیروهای ضد امیریالیستی به اهمیت ولزوم عمیقت و محکمتر شدن این در آیندهٔ و نقش گسترش مبارزات ضد قلعه ملی و ده تحکیم مبارزات ضد امیریالیستی متوجه میشدند امکانات وسیعی برای تحکیم پیوند های تاریخی جنبش نجاتی خش ملی ماد راین در وران بوجود می آمد .

در این ده مرحلهٔ بعلت پراکنده گئی نیروهای ضد امیریالیستی ، ضعف بهم پیوستگی مبارزات ضد امیریالیستی و ضد قلعه ملی و مکراتیک ، فقدان جبههٔ واحد ملی و ده مکراتیک با برناههٔ صریح و روشن انقلابی ، جنبش نجاتی خش ملی میهن ما با شکست روبرو گردید . ولی با وجود این شکستها مبارزات خلقهای ایران اثرات عمیقی در تعیین سیاست خود داشتند . ده رکشور مبارقی گذاشتند . بد ون تردید عقب نشینی کنونی هیئت حاکمهٔ ایران را باید شرعاً مستقیم مبارزات نیروهای ضد امیریالیستی و ده مکراتیک ایران دانست . این پیشریزی نیروهایی است که موقعیت چارشکست شده اند .

این مبارزات و مواقیعهای گذرا ولی درخشن آن روش ساخت که تحول عظیمی د را فکارو آگاهی خلقهای ایران بوجود آمد و مردم د وران بعد از جنگ کشور ماد پیگران مردم د وران دیگر تهیی رضاخان نیستند . فشار واختناق و کشتار و حشیانه خلق ممکن است بطور موقت نظام موجود را حفظ نماید ولی دیگر قادر نیست ستونهای حکم و ثابتی برای آن بوجود آورد . جریان این مبارزات و امنه وشدت آن برای ارجاع

ایران و ایران امپریالیست آن مسلم ساخت که تهبا با ایجاد تغییراتی، با عقب نشینی هایی در مقابل بعضی خواسته های خلق ممکن است ثبت موقتی نسبی برای نظام کنونی بوجود آورد و قبل از همه انجام تغییراتی در منابع ارضی که سرچشمه عده ه ترین تناقض داخلي اجتماع ماست بصورت امرداد و غیرقابل تعویق در مقابل هیئت حاکمه ایران قرار گرفت. باین ترتیب نیروهای خلق در کشور ما با وجود یکه د چار شکست موقت شدند موفق نگردیدند شفمان خلق را وادار عقب نشینی نمایند.

تشدید تناقضات در میان طبقات حاکمه - د عنصر اساسی تشکیل هندۀ جبهه دشمنان خلق در میهن ما یعنی طبقه فوئد الها و ملکین و طبقه سرمایه داران وابسته به امپریالیسم رنکات بسیاری دارای منافع مشترک هستند. این دو طبقه در حفظ نظام کنونی جامعه، نارت بی حساب شروت ملی، سربوب جنبش نجاتبخش ملی و مبارزات دموکراتیک خلق، خدمت به امپریالیسم و گرفتن لک از آن برای مبارزه علیه نیروهای میهن پرست و آزاد بخواه دارای منافع وهد ف مشترکی میباشد. ولی با وجود تمام این اشتراک منافع همیشه بین آنها موارد تناقض که ناشی از برخورد منافع غارتگرانه آنهاست وجود داشته است.

این تناقضات در رهانی که سرمایه داری وابسته با امپریالیسم هنوز ضعیف بود بمسئله گرهی مدل نمیشد و در چهار چوب اتحاد سیاه آنها با فوئد الها و ملکین راه حلی نسبی پیدا میکرد. ولی در مران بعد از جنگ جهانی دوم که سرمایه داری وابسته با امپریالیسم از لحظه میانی واقعیتی دارد بسالهای قبیل از جنگ بطریغه قابل مقایسه قوت گرفت حل این تناقضات دیگر در چهار چوب آن ایجاد گذشته بسیار دشوار گردیده است.

سرمایه داری وابسته با امپریالیسم در روان اخیر با کارگزاری سرمایه داری اینچه امپریالیستی بال استفاده از غارت بی حساب شروت ملی سرمایه های کلان بودست آورده است. اگرچه مقدار زیادی از این سرمایه هارا بخارج منتقل ساخته تا از خطر احتمالی پیروزی نجاتبخش ملی در آمان باند مذکول که اولاً امکان انتقال همه سرمایه هارا بخارج ندارد و ثانیاً در همین نقطه ای از نیابرای این سرمایه ها آن چنان سود بی حسابی که از چپاول کنونی د رایان بدست میاید میسر نیست. این سرمایه هارا برای بکار افتادن و سود برداشتمن محتاج میدان فعالیت میباشد. در اینجاست که منافع سرمایه داری وابسته با امپریالیسم بال منافع متعدد یعنی فوئد الها و ملکان برخورد میکند. از یکطرف منابع اراضی و مالکیت بزرگ ارضی در دست فوئد الها و ملکان امکان فعالیت و بهره برداشت ای این سرمایه هارا محدود و میکند و از این دلیل اتفاقی و انقلابی جامعه، عد "آرامش" دره موجب تضییف و تزلزل "تا مین" کافی برای سود برداشتی می قید وند این سرمایه هاست.

مالکین بزرگ بهترین متحدهین سرمایه داران وابسته با امپریالیسم هستند. ولی ادامه نگهداری مالکیت بزرگ ارضی و منابع اراضی ای این شرایط رعیتی بصورت فعلی اش نه تنباخود مالکیت بزرگ بلکه مجموعه نظام اجتماعی کنونی و در توجه ای اسas غارتگری سرمایه های وابسته با امپریالیسم را بخراص میاند ازد. ولی فوئد الها و ملکین بزرگ یه آسانی تابع این "منطق" نمیشوند. آنها به زندگی طفیلی وارستی خود عادت کرد و ازان دست برداشتند. آنها میخواهند که دفع خطر از نظام موجود بحسب محدود کردن بساط غارتگری و زورگویی و فرم انفرمایی آنان انجام گیرد. آنها برای دفع خطر تهدید ید آمیز رشد جنبش انقلابی در دهات تنباکی و سیاه، سربوب جنبش هرگونه جنبش مترقبی معتقد هستند و هرگونه عقب نشینی یعنی هرگونه محدودیتی را در اصل مالکیت بزرگ ارضی نفی میکند و آنرا توطئه ای همراه با این مقدمه "(!) مالکیت میشمارند.

باین ترتیب یک رشته عوامل عینی، شرورت اقتصادی، ترس از شد جنبش انقلابی دهقانی و در آمیختن آن با صادرات خند امپریالیستی د موکراتیک، تلاش برای، نارت هرچه بیشتر ملت ملی مسوج گردیده که در اخل جبهه دشمنان خلق در باره مسئله ارضی اختلاف نظر بوجود آید و در توجه درین مسئله جبهه ارجاع به دوگوه یعنی گروه طرف اران و گروه خالقین اصلاحات ارضی تقسیم شد و است. بخشی از سرمایه داران وابسته با امپریالیسم، قشری از ملکین و شاهد درگووه اول و قسم اعظم مالکین و قشری از سرمایه داران وابسته با امپریالیسم که با مالکیت ارضی بهم آمیختگی شدید داشتند درگووه د و م جای گرفتند.

ایلین نظریه های نظریات جدید در رهیقت حاکمه از همان سال های اول پس از اوج جنبش و کرا
سال های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ پیدا نمود در رساله ای اول این نظریه با کندی بسیار رشد می کردند ولی پس از
دروان دوم اوج جنبش آزاد پیشین ملی سال های ۱۳۲۹-۱۳۳۲ با سرعت بیشتری جان گرفتند. مبارزات
سال های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ مانند موت خطری طرد اران این نظریات را واد اشت که تاد پرسند و اقداماتی
راد را بن یمنه آغاز کنند.

برای شاه سه انگیزه اساسی وجود داشت:
بید اشد ه و رشد میزد وضع شاه و تغییراتی که در این وضع بوجود آمد قابل مطالعه و توجه است. بطوط کلی موضع و نقش شاه - در میان دوگره هیئت حاکمه و در جریان تضادی که بین این دو گروه

الف - علاقة اوبه حفظ سلطنت وقدرت مطالقه .

ب - منافع امیعنوان پژگترین سرمايه دارواسته با مسروالیسم در ایران .

گترین مالک ارضی در ایران.

ج - منافع و بعثتوان برزگری ملت ایران را زیر باز
از لحاظ شخصی برای شاه دعماًل اول و همیشه نقش تعیین کننده را بازی میکردند، زیرا
درست آگه شاه بزرگترین مالک ایران بود و نزد يك به هزار پارچه آبادی ازموغوتیرین املاک مزبور ایران را که
په ریز غارت کرد و بود در اختیار داشت ولی با وجود این عایدات هنگفت این املاک در رسال فقط سهم کوچکی
از را بدیکران شوتهاي عظيم شاه را تشکيل ميداد. عدهه ثروت شاه عبارت از صد ها ميليون دلاري است
كه در بانکهاي كشورهاي اميرياباليسطي دارد و بطور جدائی تا پذير با سرمایه هاي اميرياباليسطي دارآميختگى
بيداكرده و همان تبعيت كورکرانه او از اميرياباليسطم مي باشد. ازاين گذشته شاه در داخل ايران هم
بزرگترین سرمایه دار محسوب ميشود. غيرا زمۇن سمات بسيار زيادي كه شاه صاحب طلاق و ياسهاي اراده
آنهاست تقریباً در تمام مؤسسات سود آور بانکي و تجارتی و صنعتی شاه در ارای مقدار قابل توجهى سهام ممتاز
است و اين ها همان مؤسساتی هستند که با شکال مختلف با سرمایه هاي اميرياباليسطي دارآميختگى دارند. باين
ترتیب صرفاً لحاظ منافع اقتصادي، شاه همیشه بطور عدد ه در واقع سرمایه دارای واسطه با اميرياباليسطم
قرارداد استه است .

علاقه نیا به حفظ قدرت مطلق و سلطنت دارای یک جنبه ذهنی تاشی از علاقه بجهان و مقام و
قدرت و امتیازات ناشی از آن و یک جنبه مادی است - زیبا شاه این قدرت رانه تنهای برای تأمین جهان و
حال بلکه برای غارت و گرد آوردن ثروت با زهم پیشتر مورد استفاده قرار میدهد. مجموعه این عوامل سیاست
نشاه اد کلیه مسائل سیاسی و اجتماعی و از تحلیله مستقله ارضی تعیین میگرد.

روش شاه را در رکاب مسائل سیاسی و اجتماعی و راجحه مسنه از میان میخواست. پیر روز دنیا
در دهه هشتاد و نهان اولیه، شاه، در عین اینکه خود بلزم انجام بعضی اقدامات و محمد دیتهدار رمیز
مالکیت معتقد شده بود و رمود فروش املاک شخصی خود اقداماتی انجام میداد، از هتلر ساختن پایگاه
اساسی اجتماعی خود یعنی مالکین و قواد الها اجتناب میکرد و از عاقب و خم احتمالی چنین اقدامی میترسید.
او حتی برادران میقابل توجهی های بدی ارایان امپراطوری است امریکایی داشت بزم توسعه در اصلاحات ارضی
مقاموت کرد و آنها را از عاقب چنین اقدامی برخزد رمید آشت.

مقاموت ترد و سپهار را رعوایت پیش از آن برقرار کردند. تشدید عدد مرضا تد هفغانان ولی ضرورت تاریخی و عوامل سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی، تشدید عدد مرضا تد هفغانان و با لگرفتن مبارزات د موکراتیک در شهرها موج خطر جدید راند یک میکرد. محلات امیریالیستی و کارگزاری ایرانی آنها ازد و نرمای نزد یک شدن این موقع بحث است افتاده و علیغ مقاموت شاه و تاحد و دی از لای سر او بدت است امینی و ارسنجانی اقدامات احتیاطی را غار کردند. تنها پس از آنکه اولین اقدامات دولت امینی در زمینه جدی ساختن امرتعدد مالکیتهای بزرگ بد ون برخورد با مقامات جدی ملاکان و قوئد الها عملی کرد ید و حشت شاه از "عواقب و خیم" چنین اقدامات بقول او "انقلابی" ریخته شد و مادره آن گردید که خود گرداند کی این "انقلاب از ایلا" را به عده های بسیار بخیگرد و بد یونسیله رقیب مژاحی مانند امینی را به مرخصی اعزام دارد. در نرمای جلب توجه های وسیع در همانی بعنوان پایانه جدید اجتماعی تمام سرمایه داران وابسته به امیریالیسم و بخصوص شاه را بشدت بخود جلب میکردند، تا آنچه که شاه در بعضی از سخنانهای خود پیکی د روضاع خدمتمندان را از ایاب رعیتی قرار گرفت و وده داد که بزودی بالاجرای سریع قسمت د و م بر زمانه اصلاحات ارضی ریشه من سباب از ایاب رعیتی برگردند و خواهد شد. از این سبقاً توجه های وسیع در هفغانی

از نکاراکان آزادی از زیبوع اسارت اریاب و تظاهرات اولیه آن، شاه و همکاران او این نتیجه را گرفتند که گوا امور ضحرف ساختن توده های دهقانی از بارزات انقلابی خانمه یافته است . ولی این وضع خیلی کوتاه مدت بود . از یکطرف مقاومت قوید الها و ملاکین و سایر نیروهای سیاه ارتقا یافته باشان شد یافت و شکل گرفت و بصورت تهدید یاد جدی درآمد . از طرف دیگر اقدامات اصلاح ارضی نیم بند که تنهاد رچارچو پ فروش قسمتی از زمین های ملاکان بزرگ بقشر کوچکی ازد هقنان محدود است ، عدم رضایت شدید توده های وسیع دهقانان بی زمین و کم زمین را در رسایر نقاط تشید یار و در گوش و کار ایران بین این دهقانان خواستار زمین و ملاکان برخورد های کم و بیش شد ید بوجود آمد .

و ده های طلائی شاه هم که در عرض ۳۰ سال همه دهقانان بی زمین زمین را ارام سازد . اساس مناسبات اریاب رعیتی برچیده خواهد شد نمیتوانست دهقانان تشنه زمین را ارام سازد .

ترس و وحشت قدیمی دوباره شاه را فرا گرفتند . ترس از ازدست دادن پایگاه مطمئن قدیمی خود یعنی مالکین بزرگ ارضی ، ترس از ازواج گرفتن چنین دهقانی برای بدست آوردن زمین ، ترس از شدید تناقضات اجتماعی و خارج شدن انسان از نیزه کترل دستگاه پلیسی و نظامی شاه را به اولین عقب نشینی و ادار ساخت . ارسنجانی که در دادن و ده های طلائی زیاد بجهیر فته بود و نگهداریش دیگر ممکن نبود بعوصی فرستاده شد ، تبلیغات درباره اجرای قسمت دوم برنا مصالحات ارضی بکلی مسکوت گردیده شد ، بر عکس بر نامه جلب اعتماد باصطلاح " خورد ه مالکین " یعنی مالکین که صاحب یک ده ه شد اینکه هستند در سرلوحة تبلیغات دلتی قرار گرفت . اعمال فشار و شدید اختناق برای سرکوب بارزات دهقانان یکه خواستار زمین هستند ، وصول اجرای اقساط ازد هقنانی که زمین خریده اند ، بعنوان عدمه ترین بر نامه عمل و زیر کشاورزی تاج بد و حلقة بگوش جدید را داد .

باین ترتیب شاه مدد احتیتی در پهراجوب همان تحول نیم بند و دریجی مورد ادعای خود بعنوان عامل ترمذکنده درآمد و تصویر میکرد که با این عقب نشینی در عمل آمیز روی اتش عدم رضایت مالکین خواهد بیخت و با عده های تبلیغاتی و اقدامات محدود دهقانان را میمیز و اورارام نگاه خواهد داشت . ولی جریانات بعدی نشان داد که این محسوسه شاه درست نبود . این عقب نشینی مالکین را راضی نکرد و دهقانان هم بهیچوجه حاضر بقبول و ده های توخالی نیستند . فشار ازد و طرف روشنده گذاشت .

حوالی هفته های اخیر در تهران و شهرستانها مخومی نشان داد که تضاد در اخلهیئت حاکمه ایران تاچه حد شد گرفته است . از یکطرف شاه دروضعی قرار گرفته که برایش عقب نشینی از حد و در اجرای قسمت اول قانون اصلاحات ارضی یعنی تحدید مالکیت تاحد یک ده ه شد اینکه بسیار شوار است . یک چنین عقب نشینی خطر طیخیان را در برخواهد داشت . از طرف دیگر مالکین بزرگ با این حد یعنی صرف نظر کردن از اجرای قسمت دوم برنا مصالحات ارضی موافق نیستند و برای حفظ مالکیت بد و در وحصر اراضی بپای جان ایستاده اند . درنتیجه وضع بسیار حساس در کشور مابوجود آمد و این وضع مستلزم آنست که نیروهای دموکراتیک با هشیاری کامل متوجه اوضاع شور و رشد تضاد های گوناگون د اخل اجتماع باشند تا بتواتند از این وضع بد اکثری ای پیشرفت بسوی هدفهای اساسی جنبش نجات بخش ملی بهره برداری نمایند .

محظوظ اقدامات که انجام گرفته و در حال انجام است

وضع مالکیت اریابی و دهقانی تا قبل از اصلاحات ارضی بصورت زیبوده است [از مجموعه] اراضی ایران (در حدود ۱۶۱ میلیون هکتار) فقط کمی بیش از ۱۸ میلیون هکتار کشت و زرع میشود که نزد یک به ۱/۲ میلیون هکتار آن زیورکشته و ۱۱/۸ میلیون هکتار زیورآش است . از این زمینها تا قبل از اصلاحات ارضی طبق مطمن ترین آمار موجوده نزد یک به ۸۵٪ در مالکیت اریابی و ۱۴٪ در مالکیت دهقانی و ۱٪ در مالکیت شاغر بوده است . باین ترتیب اگر بطور نسبی حساب کیم از ۵۴۰۰۰ ده ریال ایران نزد یک به ۴۶۰۰۰ ده ریال مالکیت اریابی بوده است .

طبق مردمیاری ۱۳۳۵ نزد یک به ۷٪ از جمعیت کشور اسکانی دهات و شاپر تشكیل میدارد . اگر همین نسبت را برای ۲۲ میلیون نفر جمعیت تقریبی کشور حساب بگذاریم بیش از ۱۵ میلیون نفر سکنه دهات و افراد چادر رشین عشا برآست . با تقریب دیگر میتوان بقول که در حدود ۱۵ میلیون نفر از افراد

کشور ساکن دهات بوده و بکار رکشت اشتغال دارند. طبق آمار سال ۱۳۳۸ از مجموعه ۵۲۱ میلیون نفر سکنه کشور را سال ۷۲۰ میلیون نفراشت. بکار رکشت اشته اند که ایران ۱/۳۷۰ در شهرها و ۳۵۰ ملیون در دهات بوده است. باز هم باد رنظر گرفتن جمعیت کوئی وکم کرد ن عشا پرچاد رنشین که صرفاید امپری اشتغال دارند تقریباً ۵ میلیون نفر در کار رکشت و کار کار میکنند. البته در این حساب زنان دهقان که علاوه بر کار خانه قسمت مهمی از کارهای کشاورزی را بعده دارند صرفای حساب خانه دارند و بحساب تعدد اد افراد مشغول بکار رکشت منظور نشسته است.

طبق آمار تقریبی موجود تا قبل از اصلاحات ارضی ۶۰٪ از همه خانوارهای دهقانی در ایران بکلی بی زمین، ۲۲٪ از آنها صاحب قطعه زمینی کوچکتر از یک هکتار و ۱۰٪ یک گدار اراضی زمین از ۳ هکتار بوده است و تنهایند یک ٪ ۷ از دهقانان موفه، زمین بزرگتر از ۳ هکتار داشته اند. اگر تعداد افراد یک خانوار دهقانی را طبق نظریه کشاورزی جدید تقریباً ۵ نفر حساب کنیم، سه میلیون خانوار دهقانی در ایران موجود است و در نتیجه از ۱۸ میلیون هکتار اراضی زیرکشت واش کشور بطور متوسط بهر خانوار دهقانی ۶ هکتار زمین زیرکشت واش میرسد. باین ترتیب حتی برای خانوارهای که بطور متوسط ۳ هکتار زمین دارند این زمین خیلی کمتر از میزان ضروری برای رفع احتیاجات حداقل آنهاست و در نتیجه با یک آنها برابر حساب دهقانان کم زمین محسوب کرد. باین ترتیب ۹٪ از خانوارهای دهقانی یعنی بحساب تقریبی بالادرحد و ۸۰٪ ۱ میلیون خانوار دهقانی بی زمین و در حدود ۹۷۱ هزار خانوار کم زمین هستند.

حال بینیم اصلاحات ارضی تاچه حد این وضع را تغییر داده و خواهد داد. این برنامه طبق ادعای دولت ارای د موحله است و قرار است در انتهای انجام مرحله دوم مناسبات ارباب رعیتی از بین بروج و جای خود را به مالکیت سرمایه داری بد. مرحله اول برنامه شامل مالکیت های خیلی بزرگ اربابی میشود و حد مالکیت یک ده شند این قبول شده است که در آن مناسبات ارباب رعیتی باقی خواهد شد. در مرحله دوم برنامه که طبق گفته شاه سال طول خواهد کشید قرار است مناسبات ارباب رعیتی در این دهات ازین بروج.

با اجرای مرحله اول برنامه اصلاحات ارضی چه تغییراتی در روستای ایران بوجود خواهد آمد؟ طبق اظهارات وزیر کشاورزی جدید تا آخر سال ۱۳۴۱ مجموعاً ۲۰۷۵ هزار دهقان فروخته شده است. طبق بهای نزد یک به ۳۴۰۰ میلیون ریال خریداری شده و به ۱۲۰ هزار دهقان فروخته شده است. همین اظهارات، مرحله اول برنامه شامل ۱۵۰۰۰ قریه از ۴۶۰۰۰ قریه مالکیت اربابی خواهد شد. باین ترتیب اگر تناسب تاکنون راعتمید هیم اجرای کامل این مرحله از برنامه ۱۵۰۰۰ دهه به بهای نزد یک به ۱۵۸۰۰ میلیارد ریال از مالکان خریداری و بهای ۷۴۰ میلیارد ریال به نزد یک به ۵۰۰ هزار دهقان فروخته خواهد شد. اگر بهای فروش رامعادل بهای فروش املاک شاه (در حدود ۵۰۰ ریال هر هکتار) مبنی قرار دهیم تقریباً این مرحله از برنامه در صورت اجرای کامل شامل ۴ میلیون از ۱۸ میلیون هکتار زمین زیر کشت خواهد گردید (۱). از ۷۶۰ میلیون خانوار دهقانی در حدود ۵۰۰ هزار خانوار زمین دار و پیچه ۲۶ میلیون خانوار بی زمین باقی خواهد شد. بعبارت دیگر در صورت اجرای کامل مرحله اول اصلاحات ارضی تعداد دهقانان بی زمین و کم زمین از ۹٪ مجموعه دهقانان به ۷۵٪ تقلیل خواهد یافت و بیش از ۳۰ هزار دهه یعنی ۵۰ درصد تمام دهات ایران در مالکیت بزرگ اربابی باقی خواهد شد. اینست تابلوی تقریبی از نتایج اجرای مرحله اول قانون اصلاحات ارضی. چنانچه از این ارقام بر می آید در صورتیکه پیش بینیهای مرحله اول قانون اصلاحات ارضی عملی گردد تغییرات قابل توجهی در ترکیب دهقانان، در پوش مالکیت اربابی و مالکیت دهقانی بوجود خواهد شد. عمد ۸۱٪ تغییرات چنینست:

(۱) این محاسبه کمالات تقریبی است زیرا قیمت دهات و میزان زمین زیرکشت در آنها فوق العاده متفاوت است. بعنوانه نمونه بهای ۷ ده شند انگی برآرد ران امینی د ریال ۲۷ میلیون ریال یعنی ۱۴۵ میلیون برای هر دهه و برای ۶ پارچه دهه املاک ایجاد ازهاره با مساحت مجموع ۱۸۰ هکتار ۲ میلیون ریال یعنی ۷۰ هزار ریال هر دهه بوده است (اطلاعات هوایی ۳۸۱۴، چهارم مرداد ماه ۱۳۴۱). معد لک همین ارقام متوسط تابلوئی نزد یک بواقعیت بدست مید هشند.

اولاً مالکیت نامحده و ارضی جای خود را بمالکیت مدد و ارضی یک تا چند ده دریک خانسواره اربابی و بعداً بیک ده اربابی خواهد داد. باین ترتیب طبقه بالک از لحاظ تعداد تقریباً سی هزار خود باقی میماند زیرا اگر از یک طرف بعضی از مالکین تمام دهات خود را فروخته اند، از طرف مقابل عدهٔ دیگری از مالکین بزرگ که صاحب تعداد زیادی ده بوده اند موقعیت قابل توجهی از این دهات را به فرزندان و نزدیکان خود منتقل ساخته اند. غالباً این مالکین از این دهات را به خود ریمناسیبات دهقان سرمایه دارو کارگشانها را و در قسمی از اراضی مالکیت دهقانی واگذار خواهند کرد. در هاتی که مشمول اصلاحات ارضی شده اند در ترکیب دهقانان تغییرات زی موجود خواهد آمد:

تعداد دهقانانی که بیش از ۳ هزار زمین دارند و تاکنون در حدود ۱۷٪ از مجموعه دهقانان بود به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت. نیم میلیون دهقانی که هریک در حدود ۱۰-۸ هکتار زمین را خرید اری میکنند به این قشر از خود میشوند و این قشر نزدیک به ۲۵٪ از مجموعه دهقانان را برخواهند گرفت. درین دهات قسمت قابل توجهی از دهقانان بی‌زمین باقی خواهد ماند و در ترکیب دهقانان تهیید است (یعنی اکثر دهقانان بی‌زمین و قسمتی از دهقانان کم‌زمین) این تغییری روی میدهد که قسمتی از آنها بمحروم کارگشانها ورزی تغییر شکل خواهد یافت و گروه کوچکی از انان صاحب زمین خواهد گردید. ولی این احتمال زیاد قسمت عده از این گروه اخیراً بعلت فقر و اشتغال خیلی زیاد مجبور خواهد گردید که زمین خود را بد دهقانان مرفه الحال واگذار نماید. در هاتیکه مشمول اصلاحات ارضی نشد و اند یعنی در نزدیک ۵۵ درصد از دهات ایران (که بد ون تردید معرفتیں و آباد ترین دهات خواهد بود) وضع کوتی فعلای دست نخورد باقی خواهد ماند و تغییری در ساختمان اقتصادی ده بوجود نخواهد آمد. در هاتی که قبل از هم خورد ه مالکی بوده نیز تغییری بوجود نخواهد آمد و ترکیب دهقانان بصورت فعلی باقی میماند.

این ارقام بطور ورشی محتوی و هدف قانون اصلاح ارضی هیئت حاکمه ایران را انتخاب میدهد. محتوی این اصلاحات عبارتست از تبدیل تدریجی مالکین این مالکین بسرمایه داران زمین را به این اصلاحات می‌پوشانند و درین مالکین بسرمایه داران، ایجاد پایگاه اجتماعی جدیدی برای هیئت حاکمه و اموریالیسم بصورت قشر سرمایه داران ده و بالنتیجه تجزیه توده دهقانی که تاکنون در مبارزات ضد فعد ای دارای منافع مشترکی در جهت برآرد اختن مالکیت ارضی بوده، به دو قشر، یکی قشر کوچک سرمایه داران زمین دارد و یکی قشر وسیع کارگران کشاورزی بد و زمین.

در هاتی که اصلاحات ارضی انجام میگیرد قشر فوکانی این سرمایه داران زمین دارند یعنی از آنچه که دیگر مالکیت دهقان مرفه الحال دهات اربابی در مقابل ارباب قرارند ارد و خود جای اوراگرفته، وجود مشترک عدهٔ خود را باز محتمل شناس است میدهند و بر عکس از لحاظ اقتصادی در مقابل دهقانان موضوع میگیرند. درنتیجه این قشر خصوصیات ضد فعد الى خود را گم میکند و بر عکس خصوصیات ارجاعی اش که ناشی از کوشش بیش از پیش برای همراه کشی بیشتر از دهقانان زحمتکن است شدید تر میگردد.

باین ترتیب صفت ضد فعد الى همکانی دهقانان که در وران تسلط مالکین ارباب بر میگرفت تجزیه میگردد و درنتیجه امکان جلب قشر فوکانی سرمایه داران نظره روستا بعنوان متعدد جدیدی برای دشمنان خلق و ختنی ساختن قشد یکی از دهقانان در مبارزات دموکراتیک و ضددامنه ایالیستی بوجود میآید.

هدف عدد اجتماعی هیئت حاکمه ایران و اموریالیستها از اصلاحات ارضی کوتی همین تغییرات است.

کوشش هیئت حاکمه و اموریالیسم در حفظ مالکین کوتی ده و اصرار آنها در تبدیل همین مالکین بسرمایه داران آتی روستا توسعه این قشر از راه اضافه کردن قشر دهقانان مرفه الحال به آن که از لایلی سطح مرحله دوم اصلاحات ارضی دیده میشود برای اینست که حق المقدور تأمین سنت های ارجاعی طبقه مالک که اکثریت مطلق آن تأمین را ساخته اند در این خصوصیات ضد ملی و ضد دموکراتیک است و باز تغییرهای محکم به اموریالیستهاستگی داشته است به قشر جدید سرمایه داران روستا انتقال یابد. برای اموریالیست ها و مخالف حاکمه ایران، اربابان متعددین بسیار گرانبهائی هستند و سهمین علت از هیچگونه کوشش برای

حفظ این متحدهین ذی قیمت در چهارچوب دشمنان خلیل کوتاهی نمینمایند.

غیرازایین نتایج اجتماعی با انجام اصلاحات ارضی کوتی بطور مستقیم یا غیرمستقیم امکانات اقتصادی جدیدی برای فعالیت و سودبرداری در اقتصاد کشاورزی ایران و همچنین توسعه فعالیت و سود برداری در سایر شرکتهای اقتصادی که سرمایه‌های انحصاری امپریالیستها و سرمایه‌های ایرانی وابسته به آنها ذینفعند بوجود می‌آید.

تا عییراصلاحات ارضی در ازدیاد تولید کشاورزی

بطور عادی می‌سایست همین اصلاحات ارضی تا عییرقابل توجهی درازد یاد تولید کشاورزی داشته باشد. زیرا با این اصلاحات اولاد ملکین که قسمتی از املاک شان مشمول این اصلاحات گردیده، مقداری پول نقد بدست می‌آورند و میتوانند قسمتی از این پول را در راهات با قیماند خود بکاراند ازند و ازاین راه تولید را با لابیزند. از طرف دیگر درد هاتی که قشری از هفقاتان صاحب زمین شده است ممکن است با جلب سرمایه‌های کوچک پراکنده دهقانانی که زمین گرفته اند در شرکتهای تعاونی، با استفاده از علاقه بیشترایین دهقانان بکار کشاورزی و ایجاد شرایط مساعد تیرای استفاده عقلانی از نیروی کاری در تولید کشاورزی رشد داده شود. باین ترتیب در چهارچوب همین اقدامات محدود اصلاحات ارضی امکانات قابل توجهی برای رشد تولید کشاورزی وجود دارد. ولی در واقعیت زندگی این امکانات بمیزان زیادی بکار نخواهد افتاد. اولاً مالکین بزرگ اکثریت‌های را که بدست می‌آورند بخارج منتقل می‌سازند و حتی اعتباراتی را که از بودجه عمومی کشور می‌گیرند بکار نمی‌اندازند. در همان احوالات اخیر انتقال پول بین اکنکهای خارج از کشور شدت بسیارهایی یافته است. چیزی که باید از قرن قیمت ارز آزاد و درنتیجه کم ارزش تر شدن پول و مالا به تشید بدید بحران اقتصادی کلک خواهد کرد. ثانیاً امکانات مالی شرکتهای تعاونی دستخوش لفت ولیس دستکار فاسد اداری و عنصری پیغایض در راه خواهد گردید و سهم بسیارنا چیزی از این برای منظور واقعی یعنی توسعه تولید بکار خواهد افتاد.

با وجود همه این عوامل منفی باید انتظار داشت که بطیر کلی با انجام همین مرحله^a اول اصلاحات ارضی تولید کشاورزی بالا رود. ولی این اضافه تولید بعلت تا عییراعمال منفی ناشی از تنظیم کوتی ضد ملی و فاسد بهیچوجه متناسب با همان امکانات محدودی که همین تحدید مالکیت بوجود می‌آورد نخواهد بود. درست است که باید از قرن میزان تولید و درآمد رکشاورزی چیز مخصوصی نسبیت تنهایی داشت. در عین حال کارگران کشاورزی و تهیید میان ده نخواهد گردید ولی در هر حال با پیدایش قشر سبیتا وسیع سرمایه داری جدید در راه خواهد گردید. این امر از صرف آن کالاهای صنعتی که امروز بعلت فقر عمومی در ده تنها مخصوص خانواده ای را ب وعد بسیار قلیلی از دهقانان دستخوش لفت ولیس دستکار فاسد اداری و اول سرمایه‌های انحصاری امپریالیستی و سرمایه‌های ایرانی وابسته بآن و مخصوصاً سرمایه داران وارد کنند. کالاهای صنعتی مصرفی از کشاورزهای امپریالیستی سود خواهد برد. با این تغییرات بتدیر ریج میزان مواد خارج کشاورزی برای صادرات و برای مصرف صنایع داخلي نیز رشد خواهد کرد و ازاین راه نیز امکانات جدیدی برای سودبرداری سرمایه‌های انحصاری امپریالیستی و سرمایه‌های ایرانی وابسته بآن بوجود خواهد آمد.

سرمایه داری ملی نیز از این تغییرات بسیره نخواهد ماند. اگرچه بعلت تسلط سرمایه‌های انحصاری امپریالیستی و سرمایه‌های ایرانی وابسته به امپریالیسم در اقتصاد کشور از امکانات محروم خواهد بود و لقمه چرب و اساسی نصبی رقیان نیز و مدد خارجی و اخالی خواهد گردید و لیستی معد لک سهمی برای بیرون از ملی باقی خواهد ماند. البته بجز این زمین مانند گذشته علاقمند خواهد بود که به تسلط سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های ایرانی وابسته بآن در اقتصاد کشور خاتمه داده شود و راه فعالیت وسیع سرمایه‌گذاری و سودبرداری برای ایجاد رفاقت سرمایه‌های ملی بازگرد. برای توده‌های میلوانی زحمتشان روزتا تغییر مخصوصی بوجود نخواهد آمد. بند های اسارت ایاب رعیتی به بند های اسارت سرمایه داری جدید مبد خواهد گردید. شدت استثمار با التراخواهد رفت. شلاق ارباب و معاشر بتازهانه "شرکت تعاونی" سرمایه داران جدید ده مبد خواهد گشت.

شرکت‌های تعاونی

شرکت‌های تعاونی در چهار چوب نظام کنونی اجتماعی یعنی در چهار چوب تسلط ائتلاف ارتجاعی سرمایه داران وابسته به میراالیسم و اربابان و زمین داران بزرگ برکشید، وسیله عده ۰ چپاول دسترنج رحمتشان د خواهد بود.

هیئت حاکمه اینطوراً عالمیکند که گوشا رکتهای تعاونی را برای رفاه حال د هقنان بی پایه وجود آورده است. و بهمین مناسبت هم در ارطاف این بوق و کرتای فراوان راه اند اخته است و سعی میکند با این ترتیب تا آخرین دینار تخریبه د هقنان را تحت تسلط خود راورد. ما هیت واقعی این شرکت‌های تعاونی چیزی نیگری است. این شرکت‌ها اهمیات سلطاد سنتا د ولت ارتجاعی برهمی و نیستی د هقنان، وسیله جمع اوری بد ون در سر اقساط زمینهای فروخته شد یعنی تا میهن ثروت برای اربابان و ملاکان به وسیله استثمار و حشیانه د هقنان تهید است و میانه حال و با اخراه وسیله دزدی بد ون پروا ماؤ مرین د ولت که گرد اند گان این شرکت‌ها هستند خواهد گردید.

دولت ارتجاعی پرداخت مبالغ گزافی را به اربابانی که املاکشان مشمول قانون اصلاح ارضی شده است تضمین کرد و علاوه بر مبالغ سنگینی از بودجه دولتی تمام کارخانهای د ولتی را به برای ایجاد شان آنهمه رحمت و ثروت ملی ما صرف گردیده است در مععرض طاری این طفیلی های اجتماعی قرارداده است. با یک تخدمین تقریبی شهابیرای قسمت اول برناطمه صلاحات ارضی باد رناظرگرفتن سود ۰ درصدی که تعهد نموده است، د ولت با پیبطور متوسط هر سال د میلیارد ریال بملالان بسیار اند. پرکردن چاهی که بر از این پرداخت در بودجه د ولت پیدا میشود، اولین و مهمترین وظیفه شرکت‌های تعاونی است که بادر دست داشتن مهمترین شراینهای اقتصاد د پرداخت منظم اقساط بهای زمین و مالیات د ولتو را تا میهن خواهند نمود. بدین ترتیب شرکت‌های تعاونی در درجه اول وظائف همان معاشر ارباب را یافته میکند و مانند همان معاشر وحشیانه د هقنان رحمتش را غارت خواهند نمود.

از آنجاکه د هقنان ثروتمند نفوذ کافی د دستگاه شرکت‌های تعاونی خواهند داشت، بمنافع آنها کمتر تجاوز خواهد شد و تمام فشار غارت مامورین شرکت‌های تعاونی و با جهای که باید بما مورین با لاتر پرداخت گردد، و همچنین سهم غارتی حق السکوت سایر معمورین د ولتی همه بحساب اعضاء ساده ۸ شرکت‌های تعاونی یعنی د هقنان میانه حال و استثمار دسترنج کارگران کشاورزی گذاشته خواهد شد. رحمتشان ده خیلی زید آثاراً استثمار و حشیانه این مؤسسه سرمایه داری چدید را احسان خواهند کرد و در خواهند یافت که با این تحول، حلقه ای از تجزیه‌های اسارت آنان کسرنگد یده و تهبا ارباب، آن غارتگریکه تاز گذشته نام خود را تغییر داد و یا جای خود را بگوهر غارتگران تازه بد وران رسیده تسلیم کرد ه است.

با این ترتیب با این تغییرات جای تضاد های بناشی از مناسبات کهنه ارباب رعیت را تضاد های جدید کارو رحمت با سرمایه های غارتگر خواهند گرفت و این تضاد با مرور زمان رشد خواهد یافت و شرایط مساعدی ارباب ایگسترش مبارزات د مکراتیکه توده های رحمتشان د هقنان را در انجام اصلاحات ارضی عمیق و تقدیم ای ایجاد خواهند کرد.

مبارزات د هقنان د شرایط جدید

شرایط و مناسبات اجتماعی که پس از انجام مرحله اول قانون اصلاحات ارضی در روستای ایران بوجود می‌آید با شرایط و مناسبات قدیم بعضی تفاوت های کمی دارد ولی بطور عده تغییر کیفی تعیین کنند ه ای بوجود نمی‌آورد. بالاجم این اصلاحات تغییر پرشه ای در رخصوصیات عده ۰ جامعه مایعنی خصوصیات نیمه مستعمراتی و نیمه فنود الی آن بوجود نمی‌آید. مناسبات ارباب رعیتی نسبت بگذشته تاحد معینی ضعیف تر و مناسبات سرمایه داری تاحد و دی قویت میگردند ولی در مجموعه خود وضع نیمه فنود الی جامعه ماحظت میگردد. نفوذ سرمایه های انصحصاری میراالیستی نه تنها ضعیف تر نمیشود بلکه امکانات حد بدی برای تحکیم مواضعه قدیم و بدست آوردن پیدان فعالیت جدید بدست می‌آورد. قشر سرمایه داران وابسته به میراالیسم هم از لحاظ تعداد و هم از لحاظ قدرت مالی و هم از لحاظ امکانات برای بدست آوردن تحدیفی در ده از میان سرمایه داران روستاقویت می‌باید و رنتیجه زنجیر اسارت نیمه مستعمراتی بازم گرانت خواهد گردید.

در ترکیب طبقاتی هیئت حاکمه ایران هم تغییریشه ای روی خواهد داد در ائتلاف سیاه ارجاعی وزنه سرمایه داری وابسته به میرایالیس بیشتر وزنه ملاکان ضعیفتر ولی در مجموع ترکیب طبقاتی هیئت حاکمه بصورت گذشته باقی میماند یعنی دستگاه حاکمه مانند گذشته درست ائتلاف ضد ملی سرمایه داران وابسته با میرایالیس و ملاکین باقی خواهد ماند .
لیستی
باين ترتیب پروشن است که تناقضات عده جامعه ما مانند گذشته همان تناقضات ضد امپریا وضد فئود الی و محتوى عده جنبش آزاد یخش ملی در ایران همچون گذشته مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فئود الی خواهد بود .

در رصف بندي نیروهای انقلاب و ضد انقلاب هم تغییریشه ای بوجود تیامده و تغییرات کمی ناشی از انجام مرحله اول قانون اصلاحات که موجب جایگاشدن قسمی از تبروهادرد و جمهه است ، در عین اینکه قابل توجه میباشد نقش تعیین گذشته ای در تغییریشه ای وضع جتماعی ماند ارنده .
طبقه کارگر مانند گذشته نیروی اعلی و هقانان ذخیره عده انقلاب را تشکیل مید هند و در میان هقانان توده های وسیع و میلونی تهید سtan مطمئن ترین و محکمترین ذخیره جنبش آزادی بخش ملی را بوجود میآورند .

در ترکیب جمهه واحد ملی و نقش اجزا گوناگون آن نیز تغییرکی بوجود نمیآید و همچون گذشته این جمهه از تجمع همه نیروهای ملی و مکراتیک ، یعنی همه طبقات و اشارات جتماعی که از براند اخته شد ن تسلط سرمایه های انصاری میرایالیستی و مناسبات ارباب رعیتی سود میرند یعنی کارگران ، دهقانان ، پیشه وران ، روشنکران و سرمایه داران ملی تشکیل میگردند .

در شعارهای جنبش آزاد یخش ملی هم تغییرات کیفی بوجود نمیآید . در زمینه شعارهای ارضی شعارهای گذشته با شعارهای جدیدی که تغییرات بوجود آمده را در ریمیگرین تکمیل خواهد گردید . عده ترین شعار ارضی در رجاعه ماهنوز براند اختن مناسبات ارباب رعیتی از اراء صادر اهالک ما لکین و زمین داران بزرگ و تقسیم بلاغوض این زمینها بین دهقانان بی زمین و کم زمین و مزد وران کشاورزی است . در مورد دهاتی که اراضی آن بد هقانان فروخته شده باید با مطالعه دقیق وضع مالکیت جدید و تناسب قشر های دهقانی (دهقانان بی زمین و زمینداران) آن چنان شعارهای راجستجو کرد که بتواند اکثریت قاطع نیروهای دهقانی را بسوی جنبش آزاد یخش ملی جلب نماید .

در این دهات دهقانانی که بحلت فقر و داشتن هیچگونه وسیله کشت و زرع نتوانسته اند زمین خرید اری گذند (این دهقانان بطوریکه از آرام موجود بطریغیر مستقیم برمی آید) قشر قابل توجه از اسماکین ده میباشد) مانند گذشته خواستار زمین هستند و این آرزوی دیرین خود را بین زید پهلوی از دست نمید هند حقی اگرچه شوند بصورت مزد و رکنند و مزد بگیرند ، مدتها این خواست را حفظ خواهند کرد . باید برای این دهقانان زمین و آب کافی تأمین کرد .

در مورد دهقانانی که زمین گرفته اند بیش از هر شعار دیگر شعار عده پرداخت اقساط به دولت میتواند آنها بطرف جنبش جلب نماید و یاد رحالت بطریغی تکه اند . این شعار دارای محتوى مزمی اقتصادی است . اکثریت این دهقانان از میانه حالان ده هستند که قطعه زمین کوچکی متناسب با وضع خانوادگی خود (۵-۱۰ هکتار برای یک خانوار) بدست آورده اند . برای اکثریت این دهقانان تکه اند اقتصاد کوچک خود روی این زمین تنهاد رصوتی میسر است که از پرداخت اقساط سالیانه آزاد گردند و این مازاد را برای حفظ و رشد واحد اقتصادی بسیار ضعیف وعقب افتاده خود بکاراند از زند . در غیرا بتصویر اکثر این نهالهای ضعیف و اقتصاد کوچک دهقانی با اولین باد نامساعد ازیشه کند خواهند شد و صاحبان آن در قرض فروخواهند رفت و زمینهای انتها بتصویر سرمایه داران و زمینخواران ده در خواهد بود .

عدم پرداخت اقساط برای این دهقانان مسئله حیاتی است .
در مورد اقتصاد بزرگ نیمه فئود الی که پس از اقدامات اخیرجه در اژرا و اکاری زمینهای زیاد به شروعند اند ده و چه برادر تمرکز ناشی از خانه خرابی دهقانان میانه حال بوجود خواهند آمد شعار تحدید مالکیت با پرداخت غرامت برای زمینهای که اقساط آن پرداخت شده است شعار صحیح خواهد بود ، زیرا هم برای تأمین زمین کافی برای تهید سtan بی زمین و دهقانان کم زمین راه حل عملی پیدا خواهد شد و

شعارتاً مین زمین پوچ و توخالی نخواهد بود و هم سرمایه داران کوچک روستارا مشمول اصل مصادر رة املاک اربابان و ملاکان نخواهد کرد . درمورد شرکت‌های تعاونی شعاردار مکراتیک کرد ن سازمان این شرکت‌ها و کمک‌های اقتصادی وقni از طرف دلت شعارمنا سبی است ، زیرا این شرکت‌هاد رصوتیکه وسیلهٔ غارتگری ملاکان وماًعورین د ولت و سرمایه داران د نباشد و بوسیلهٔ خود د هقاتان اداره شوند میتوانند برشد اقتصاد ضعیف د هقاتان ضعیف بشه کمک‌های موغری بنمایند .

تشدید تنافضات درارد وگاه د شمن

اصلاحات ارضی انجام شده د رحال انجام بد ون تردید تنافض ضد قود الى راد آن قسمت از دهات که اراضی آن بقشی از د هقاتان فروخته شده است تضییف مینماید ولی د رعین حال همین اصلاحات تنافضیین سرمایه های وابسته با اموریالیسم و اربابان راشد خواهد بخشید . اربابان و زمیند اران بزرگ به آسانی مواضع اقتصادی خود را ازدست نمید هند و در عین نگهداری اتحاد ارجاعی خود با اموریالیستها و سرمایه داران ایرانی وابسته بانها و کوشش مقابل در حل تنافضات شد یافته در جهار جوب مناسبات داخلی بجهمه سیاه ارجاع از این تحدین که در موقع بحرانی "مارابد است سید علی گرفه اند و از یکموان درآمد ملاکان سه قران را برای طولانی ترکدن عمر نظام کنونی قربانی نموده اند دل خوشی ند ارنده در صعود تحکیم مواضع خود میباشند . اولین موقعیت طبقه ارباب در این راه بصورت خارج کرد ن مرحله دوم اصلاحات ارضی از د ستوررور سیاست دولت است و یا الاقل نگهداری اوضاع در وضع حاضر طبقه ارباب باین راضی نیست و بعنوان تضمین حفظ وضع کنونی برای بازگشت بشرايط گذشته محترمانه دست و پامیند و همین دست و پا موجب برخورد هائی بین این طبقه و متعدد پنش در هیئت حاکمه میگردد .

این تنافض و برخورد ناشی ازان هم اکتون اشکال حادی بخود گرفته و میتوان انتظار داشت که علیرغم در اینهای آرامش موقعی د هر وضع بحرانی پیدا کند . بد ون تردید تشید د این تنافض د خیره فرعی برای جنبش آزاد سیخش ملی است . استفاده صحیح و عاقلانه از این تنافض و کوشش در راه عمیقت کرد ن آن میتواند سود های کرانه‌های جنبش آزاد سیخش ملی برساند و این امر رصوتی ممکن است که استفاده نیروهای مترقب از این تنافض همیشه در جهت تقویت نیروهای خلق و تضییف جبهه ارجاع باشد .

حزب توده ایران ومسئله ارضی

حزب توده ایران مترقب ترین سازمان سیاسی جامعه ما در زمینه طرح صحیح مسئله ارضی و جلب نیروهای مترقب جامعه برای عملی ساختن تحول ارضی عمیق و رهبری جنبش هقاتی خدمات بسیار گرانبهایی بجامعه ماکرد ه است . حزب ما زهمان اغاز موجود پیش توجه داشت که تأیین اتحاد طبقه کارگر باعده ترین متقد بالقوه اش یعنی د هقاتان تنها از راه حرایت بید ریخ جنبش کارگری از حد اکسر خواستهای توده های میلیونی د هقاتان میسر است و بهمین علت امرا اصلاحات ارضی را در رساله بزرگ اجتماعی خود قرار داد . پس از سرنگونی د گاتاکوی رضاخان حزب ما اولین سازمان اجتماعی است که مسئله ارضی را بعنوان اولین گام برای انجام هرگونه تحول عمیق اجتماعی مطرح کرد و نقش ارجاعی و ترمز کننده مناسبات ارباب رعیتی را در را قتصاد کشاورزی روشن ساخت و بافعالیت خستگی ناپذیر ، زمینه فکری ضرورت انقلاب ارضی را فراهم ساخت .

در میدان مبارزات عملی ، حزب ما اولین حزبی است که بطرف نیروهای د هقاتی رفت و مبارزات د هقاتی را مشکل داد و رهبری کرد . جنبش د هقاتی در این اخیر میهن ما بر رهبری حزب توده ایران در رساله ۱۳۲۵ د را در آرایجان به اوج خود رسید ند . صادر رة املاک خانه‌های به نهضت خلق و تقسیم بلا عوض این املاک بین د هقاتان بی زمین و کم زمین که بوسیله نیروهای انقلابی در آرایجان انجام گرفت ، مهتمرين پیروزی جنبش د هقاتی در تاریخ د ران اخیر میهن ماست . با وجود شکست وعقب نشینی جنبش آزاد سیخش ملی در رساله ۱۳۲۵ و انتقام کشی وحشیانه نیروهای ارجاعی در رساله ایران و پیخصوص در آرایجان ، با وجود کشتار و جبس و تعیید بهترین فعالین جنبش د هقاتی معد لک این جنبش خاموش

نشد و در سالهای بعد دوباره شوروهیجان تازه ایگرفت . در این دوره با وجود یکه حزب توده ایران در شرایط مخفی مبارزه میکرد مذلک نقش موگری در شکل و رهبری جنبش دهقانی داشت . جنبش دهقانی در سالهای ۱۳۲۱-۱۳۲۲ بطورتفکیک ناپذیری با فعالیت حزب ما ارتباط داشت و تحت رهبری آن رشد میباشد . کودتای سیاه ۲۸ مرداد عواقب دشوار آن برای جنبش توده ای بمیزان زیادی ارتباط علی‌عنی حزب مارا بادهات ضعیف کرد و این خود یکی از عده تین عوامل هنف و پراکندگی جنبش دهقانی در روی اخیر شماره میروند . با وجود یکه در سالهای بعد از ۲۸ مرداد تحت تأثیر عوامل اقتصادی ، تناقضات در انتصا کشاورزی بطور میباشد ای رشد یافته و غارتگری اربابهای سفارکی که دوباره پس از چندین سال تزلزل و ترس بر جان و مال توده های دهقانی تسلط یافته بودند به عوازات گرانی میباشد ای که محصول غارتگری بیحساب سرمایه های انحصاری امپریالیستی و سرمایه های ایرانی و باسته بآن است موجبات تشدد عدم رضایت دهقانان را فراهم ساخته بود ، عذل لک بعلت ضعف نیروی سازمان دهنده و رهبری کننده ، این عدم رضایت بصورت یک جریان وسیع انقلابی شکل نیافت . ولی با وجود این انجان چهره تهدید کننده ای به خود گرفت که ارتجاج و امپریالیسم را بهراس اند اخت و مجبور ساخت که عجلونه قد مهانی عقب نشینی نماید . ترس ارتجاج و امپریالیسم از تکرار جریانات سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ یعنی از وحدت جنبش دهقانی با مبارزات دموکراتیک رحمتکشان شهر ، از وحدت دهقانان و کارگران ، از برقراری مجد دپیوند علی حزب توده ایران و جنبش دهقانی یکی از عده تین عواملی بود که امپریالیسم و مخالف حاکمه ایران را به انجام این عقب نشینی وارد ارساخت .

با این ترتیب این واقعیتی است انکار ناپذیر که جنبش دهقانی در این اخیر کشورما و هرگونه پیروزی آن با فعالیت حزب توده ایران ارتباط ناگستینی دارد . ولی قبول همه این جهات مثبت خدمت حزب مادر زمینه جنبش دهقانی بآن معنی نیست که گویا سیاست وکار حزب مادر را بین زمینه خالی از نقش بوده است .

باید اذعان کرد که کار حزب در زمینه جنبش دهقانی ومسئله ارضی با وجود تمام جهات مثبت ، دارای کمبود های جدی بوده است . حزب مادر رعنین اینکه بطور کلی به اهمیت جنبش دهقانی توجه داشت ، کارش دارای زیبایی و زنه واقعی و اهمیت این جنبش در مجموعه جنبش از اد پیخش ملی همیشه موقفی امیز نبوده و بهمین علت چه از لحظه تربیت و تجهیز کار رهای دهقانی و چه از لحظه رساندن کلک برای سازماندهی این جنبش و انتخاب بمقوع ان اشکال مبارزه که با موقوفیت بتواند راه رشد و گسترش جنبش دهقانی را هموار سازد ، توجه کافی و لازم مبذول نداشته است . درنتیجه حزب ماضمن اینکه در در وران طولانی ، بدون رقیب ، در پیش اپیش جنبش دهقانی قرار داشت ، کارش دزمنه بهم آمیختن و هماهنگ کرد این جنبش بامبارزات دموکراتیک نیروهای انقلابی در شهر نواقص جدی داشت . این وضع باعث میگردید که نیروهای خلیم جنبش دهقانی بموقع ضروری و با اشکال متناسب وارد میدان مبارزه علی نگردند و بالنتیجه نتوانند بعد اکثر برای پیشرفت عمومی جنبش از اد پیخش ملی موقعیت شوند .

حزب ماضمن اینکه تجربیات گرانبهای انقلابی جنبش های دهقانی سایر خلقها را منتشر میساخت ، خود باند از کافی و بموقع این تجربیات گرانبهای را در زمینه پیدا کرد اکنون بهترین اشکال برای گسترش مبارزات دهقانی و هدایت این مبارزات در جاده عومنی مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک مورد استفاده قرار ندارد و باین اکنات پرازشی را زدست دارد .

در در وران اخیر بعد از ۲۸ مرداد ماقرباً بطور کامل از جنبش دهقانی جدا شد و این جد ای طولانی موجب گردید که در مورد مسائل ارضی مبارزات دهقانی در زمینه انتخاب و تعویض بموقع شعارها نه در پیش اپیش یکه بد نهال آن حرکت نماید .

چه وظایفی در مقابل ماست ؟

بررسی همه جایه و صحیح وضع کنوئی وظایف میرم مارا مشخص میسازد . اگر قبول داریم که اکنون از دو تناقض عدد ۲ جامعه ما یعنی تناقض ضد امپریالیستی و تناقض ضد فسود الی ، دوی بصورت حاد درآمده ، با این نتیجه میرسیم که جنبش دهقانی آن اهرم اساسی است که با حرکت در آوردن آن مجموعه جنبش ازادی

بخش ملی، جنبش ضد امیر پالیستی و دموکراتیک رایتیان بحرکت آورد. اگر این نتیجه گیری صحیح است
وظایف میر مابصوت زیر مشخص میگردد:

۱- مسئله ارضی و جنبش دهقانی باید مرکز تقلیل کلیه کارخانی در زمینه تبلیغاتی، تعلیماتی،
تشکیلاتی و فعالیت توده ای قرار گیرد. البته این بان معنایست که حزب در زمینه دیگر اجتماعی همچو کاری
نهاید انجام دهد. بلکه باین معنی است که وزنة سنتکن و عده کارما باید متوجه جنبش دهقانی گردد و
فعالیت در زمینه های دیگر در ارتباط با مبارزه دهقانی مورد توجه قرار گیرد.

۲- برای تجدید مناسبات گذشته حزب و دهقانان، برای تحکیم اتحاد طبقه کارگرد دهقانان،
برای تأمین رهبری طبقه کارگرد راین اتحاد باید:

اولاً - کلیه نیروهای مترقب تحت نفوذ حزب برای شرکت موگر و علی در مبارزات روز مترة
دهقانان تجهیز شوند.

ثانیاً - باید آن شعارهای برای مبارزه انتخاب شوند و در عمل این شعارها انطور تکامل
یابند که بهترین وجهی بتوانند جنبش را قدم بقدم درجهت عمق ترشدن محتوى
انقلابی اش به پیش ببرند.

ثالثاً - با بررسی عیق شرایط عینی باید آن اشکالی را برای مبارزات دهقانی انتخاب کرد که
درواقعیت جامعه کنونی ما یعنی شرایط ترور و حشیانه ارتجاع، امکانات رشد
همه جانبه جنبش را تامین نماید.

انجام عملی این وظایف در در رجه اول وظیفه آن مبارزان انقلابی است که در شرایط دشوار
ایران نبرد پراقت خارج خود را برای ازادی و سریلنگی میهن مایگیرانه و دلاورانه اداء می‌هند. با اینهاست
که به اهمیت جنبش دهقانی و نقش تعیین کننده ای در مرحله فعلی در مجموعه جنبش از این بیخش ملی توجه
کافی می‌ولد از ند. با آنهاست که از کلیه امکانات برای پیوستن به جنبش دهقانی و رساندن کمک فکری و
علمی و سازماندهی به آن استفاده نمایند. با آنهاست که با استفاده از تعداد ائمی و زنده با جنبش دهقانی
درد قیصر کردند و مشخص ترکردند شعارهای کلی و انتسابی دادند آنها برای شرایط شخصی کوشش کنند
و بالآخره اشکال متناسب بسازند از قلابی دهقانی را یعنی اشکالی که بتواند توده های وسیع دهقانان انقلابی
راتجهیز کند و بمیدان نبرد بکشاند، انتخاب نمایند و با شرکت موگر و علی خود در پیشاپیش این مبارزات
قرار گیرند.

تنها از این راه است که میتوان جنبش دهقانی را با مبارزات دموکراتیک شهر هم امیخت و از آن راه
شرایط را برای گسترش جنبش عمومی انقلابی مساعد ساخت.

در باره برخی از

مسائل حاد جنبش کارگری بین المللی

” در هیچ مسئله جدی بدون مقدار معین کار مستقل کشید
حقیقت ممکن نیست و هر کسی از این کار ترسد خود را از
امکان کشف حقیقت محروم میکند ” (لنین، آثار متنخیه،
چاپ فارسی، جلد اول، قسمت ۲، صفحه ۲۲۵)

لزوم بیان مخاطرات جنگ - آیا جنگ اجتناب پذیر است؟ - صلح
خود بخود برقرار نمیگردد - اعتلاً ” مبارزه در راه استقلال ملی - نقش
ارد وی سوسیالیستی در تحکیم استقلال و آزادی کشورهای نواستقلال
همزیستی مسالت امیز معنای همزمیستی ایدئولوژیک نیست - اهمیت
کنگره های بیست و بیست و دو و حزب کمونیست اتحاد شوروی *

در نیال سحران دریای کارائیب راچح بیک سلسه مسائل بین المللی در غوف جنبش جهانی نیستی
بحث و گفتگو در گرفت و درورد مهمترین مسائل استراتژی جنبش کمونیستی اختلاف نظرهای جدی بدید آمد.
کمیته مرکزی حزب تude ایران طی بیانیه ای موضع خود را در ساره مسائل مورد بحث توضیح داد و یکباره یک‌گر
موافق کامل خود را با تصمیمات جلسات مشاوره سال ۱۹۰۷ و ۱۹۰۶ احزاب برادر که در اعلامیه های این
جلسات منعکس شده است وهمچنین بالا حکام و تحلیل‌های اصولی و خلاقی که کنگره های بیست و بیست و دوم
حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح کرده اند، اعلام داشت.

در اطراف مطالب اعلامیه های جلسات مشاوره احزاب برادر رواجع با حکام تئوریک و تحلیلی ای
کنگره های بیست و بیست و دو و حزب کمونیست اتحاد شوروی تاکنون در مطبوعات حزب مقالات توپیحی
فراوانی انتشار یافته است. مراجعته باین مقالات و مطالعه دقیق اعلامیه های جلسات مشاوره و اسناد کنگره -
های بیست و بیست و دو و حزب کمونیست اتحاد شوروی و بررسی حواله سال و جریانات انقلابی سال -
های اخیر را کشف حقیقت و درک عیق صحت موضع حزب ماضرورت دارد. هدف مقاله حاضر طرح قسمتی از
مهمنترین مسائلی است که باید ضمن مطالعه فردی مورد توجه قرار گیرد.

لزوم بیان مخاطرات جنگ

آیاتاییج یک جنگ احتمالی هسته ای و مخاطرات دهشت‌ناشی ازان را باید بیان کرد یانه؟ در
این باره پاسخهای گوناگون داده میشود. بعضی‌ها میگویند بیان مخاطرات جنگ موجب تضعیف مبارزه ملی
در راه تحریم استقلال ملی و مبارزه برضد امیرالیسم خواهد شد. میگویند برجسته کردن این مخاطرات در
قلوب تude های مردم هراس خواهد اند اخت و آنها را ازشیدید مبارزه بازخواهد داشت. این است لایات
بکلی ازواعیت درست. برای اینکه طبقاً بازند خطربجا و امیرالیستی را برطرف کنند و امیرالیستها اقبل
از اینکه دنیا را بخون کشند لگام پزندند، باید از خطر مهیی که بشیرت را تهدید میکند باخبر باشند. بدون آنکه
ساختن تude ها از اهمیت خطر، بسیج آنها را مبارزه با آن، یعنی مبارزه در راه افشاً بوظهه های
امیرالیستی و عقیم ساختن مخاطره جنگ غیرممکن است. تا وقتیکه خلق‌های اندیشه خطری زندگی، سعادت
و آینده انها را تهدید میکند، نمیتوان آنها را مقیاس وسیع برای مبارزه با خطر جنگ تجهیز کرد. بیسان
مخاطرات یک جنگ احتمالی هسته ای قدم موگری است در راه بسیج تude های را مبارزه بر ضد امیرالیسم،

یعنی کانون جنگ . باین دلیل مخاطرات یک جنگ احتمالی هسته‌گارا باید گفت ، در مقیاس وسیع هم باید گفت . باین استدلال که سکوت در مارین باره مرجع است نمیتوان موافقت کرد . این سکوت اراده خلقها را در مبارزه با امپریالیسم تعزیزی میکند .

امپریالیسم در دست کمتر از نیم قرن پیش راد و ایربورطه هولناک جنگ کشانیده است . در این جنگها بیش از شصت میلیون نفر هلاکت رسیدند ، دهها میلیون نفر علیل گردیدند ، هزارها شهروده بورانه مدل شد . اینکه امپریالیستها بسرکردگی امپریالیسم امریکا جنگ جدیدی را دارکه میبینند . این بار "وسائل مهندسی برای امداد" جمعی و تخریب بوجود آده است . اگر این وسائل در جنگ جدید بکار رود خرابی‌های پیسا به ای بکشورها وارد می‌آورد و ماکز بزرگ صنعت و فرهنگ را بپوشانه هائی مدل میکند ، چنین جنگی موجب مرگ و زخم صدها میلیون انسان از آنجهله در کشورهایی که وارد جنگ نیستند خواهد شد " (از اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری ، ترجمه فارسی ، صفحه ۹) .

لینوس پولینگ (Linus Pauling) فزیک دان شهر امریکایی بود اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مگان مواد مفجوره در زر زادخانه های اتفاق جهان اینباره است . بر طبق برآورده کمیسیون انزیت امنی ایالات متحده امریکا تنها سه درصد خیره موجود برای اندام کامل آن کشورهای اندام کشورهایی که شش بار بزرگتر از ایرانست کفایت میکند . باین حساب فقط نیم درصد خاکساحه ایانی و شد رئیسی که هم اکنون موجود است نه تنها برای تبدیل نواحی شمالی ایران به منطقه مرگ ، آنچنانکه امپریالیستها از امریکایی و انگلیسی هدست نه آنها احمد رضا شاه پیش‌بینی کرده اند ، بلکه برای محورگونه اثربندگی از سراسر فلات ایران کافیست .

آیا جنگ اجتناب ناپذیر است؟

در مقابل میلیونها در جهان ، از آنجهله خلقهای ایران ، این سوال مطرح است : آیا نمیتوان از انفجار جنگ سوم جلوگیری کرد ؟

امپریالیسم باین سوال پاسخ نمیدهد و نمیتواند پاسخ دهد ، زیرا کسه تجاوز کاری در سرشت آست و تازمانیکه وجود ارد خواهد کویید تضادهای بین المللی را باتوصل به جنگ حل نماید . پاسخ سئوال را مارکسیست - لینینیستها میدهند و آن اینست که در عرصه ماجنگ جهانی اجتناب ناپذیر نیست ، میتوان و باید از آن جلوگیری کرد ، میتوان و باید همزیستی مسالمت آمیزد و لشکرها دارای رئیمهای اجتماعی مختلف را به امپریالیسم تحمل کرد ، میتوان و باید مناسبات دولتی ایران اصل استوار ساخت ، میتوان و باید مسائل متناسب بین المللی را باز طریق مذکوره حل نمود .

این پاسخ همه نیروهای محلود و سرتاپر ضد مشی تجاوز امپریالیسم و برای استفاده از کلیه امکانات جلوگیری از جنگ جهانی بسیج میکند . ولی صحت این پاسخ کاهی مورد شک و تردید قرار میگیرد . میگویند : " درست است که پیش از دیگر اتفاقات از جنگ جهانی بروان صلح جاوید از راه خواهد بود ، در وانی که از همه جنگها عاری باشد ، خواهد رسید ، اما این در وان زیباترها پس از آنکه سیستم سرمایه داری امپریالیستی ریشه کن شد ، فراخواهد رسید نه قبل از آن " عیب عده این نظریه است که امکان اجتناب پذیر بودن جنگ را در شرایط مشخص کنونی جهانی بطور تلویحی نمیکند و عدم موقع جنگ را بریشه کن شدن سیستم امپریالیستی موقول میسازد . این استنتاج ناشی از عدم توجه به تغییر ترتیب قواد رعصمی بین المللی ، که به شمردن قدر ارد و سوسیالیستی و نیروی خلقهای صلح دست است . مسلم است که ماهیت تجاوز کارانه امپریالیسم تغییر نکرده است ، اگر تنها اراده امپریالیسم دخیل بود تاکنون پیش از دیگر اتفاقات از جنگ سوم جهانی کشانده بود ند ولی آن در وانی که گرد اندگان انصصارهای امپریالیستی و ستادهای جنگی آنها بمیل خود در باره بود و بنود جنگ تصمیم میگرفتند ، سپری شده است .

در وانی که اتحاد شوروی یکانه کشور سوسیالیستی بود ، مارکسیست - لینینیستها در صلح و برای جلوگیری از جنگ دوم جهانی مبارزه میکردند ، ولی نیروهای سوسیالیستی از نیروهای امپریالیسم کشیدند و نیروهای اجتماعی و سیاسی صلح دست بد کرکافی مشکل نبودند ، بنابراین مهارکردن تجاوز کاران امکان پذیر نشد . اما اکنون که سیستم جهانی سوسیالیستی پذیر آده ، قوام یافته و قدرت اقتصادی و نظامی شکوفی کسب کرده است ، اکنون که سیستم مستعمراتی امپریالیسم روباه مصلح کامل نهاده و بحران عمومی سرمایه - داری ژرفتگردیده است ، مرحله نوینی برای جلوگیری از جنگ و اجرای اصل همزیستی مسالمت آمیزش رو شده

است. در این مرحله امیریالیسم نقش مسلط را در رعصره بین الطلى ازدست داده است، سیستم سوسیالیستی نقش هوگری ایفا میکند، نفوذ کشورهای نواستقلال و تأثیرات آنها بر این کشورهای سرمایه داری در رسایست جهانی افزایش میابد و برای اجرای رسایست همزیستی مسالمت آمیز و جلوگیری از جنگهای تجاوزکارانه امیریالیستی امکان علی بوجود می آید. در اعلامیه جلسه شاوره احزاب کمونیستی و کارگری (مسکو ۱۹۶۰) چنین گفته میشود:

برای اولین بار در تاریخ است که مبارزه برض جنگ از طرف نیروهای بزرگ و مشکلی رهبری میشود که عبارتند از: کشوربر اقتدار اتحاد شوروی که در زمینه های قاطع علم و فن مقام اول را در جهان احراز کرده است، تمام ارد و گاه سوسیالیستی که قدرت عظیم مادی و سیاسی خود را در خدمت صلح قرارداده است، تعداد روزافزون کشورهای حلحد وست در آسیا، افریقا و امریکای لاتین که عینقا در حفظ صلح ذینفع اند، طبقه کارگرجهان و سازمانهای آن و قبل از همه احزاب کمونیست، جنبش رهایی بخشی کشورهای مستعمره ووابسته، جنبش جهانی صلح، کشورهای بیهوده که حاذرس به مردمی با امیریالیستها برای آغاز جنگ نیستند و از همزیستی مسالمت آمیزهاده ای میکنند، حتی بخشی از پژوهواری کشورهای شتاگل یافته سرمایه داری که توان قواتانتی ناگزیر جنگ معاصر را با پیغام ارزیابی میکند، نیزهاده از همزیستی مسالمت آمیز است.

قدرت این نیروهای برض جنگ مبارزه میکنند روز بروز افزایشی میابد و در برخادر جنگ، جهان سوز اتمی کلیه افرادی که احساسات بشدت وسته را درست نداده اند صرق نظر از نظریات سیاسی و معتقدات منصبی متعدد میگردند. تنها کمونیستها نیستند که همزیستی مسالمت آمیز و لتها که رئیمهای اجتماعی مختلف دارای رژیم های مختلف اجتماعی راضور است تاریخی میشمایند و در راه آن مبارزه میکنند، این فکر هر روز بیشتر رو سیحتین قشرهای مردم جهان نفوذ میکند و بیک نیروی مادی شکست ناپذیر مبدل میشود. قوای صلح وسته اپا متفوقی را بیست و سو م تائید این حقیقت است که با وجود سلاحهای توین در وران "جنگهای صلبی" برای همیشه بسر رسیده است.

صلح خود بخود برقرار نمیگردد

اگر در شرایط تاریخی کوتونی جنگ، جهانی امقداری نیست و متوان ازان جلوگیری کرد، صلح پاید از نیز امر مقدری نیست و خود بخود برقرار نمیگردد. زیرا تازمانیکه امیریالیسم هست زمینه جنگهای تجاوزکارانه باقیست. همزیستی مسالمت آمیز دلتها که رئیمهای اجتماعی مختلف دارند هنگامی میتوانند تأثیم گردد که همه خلقها برض تعلیلات و توطنه های تجاوزکارانه امیریالیستها باند اکاری و از خود گذشتگی بمناسبت روزه برخیزند. وجود امکان جلوگیری از جنگ بخودی خود صلح برقرار نمیگردد، فقط در صورتیکه فحالت روزه زخمکشان کشورهای سوسیالیستی با مبارزه خلقهای سراسر جهان بیک سیل واحدی تبدیل گردد میتواند امیریالیستها از ترا فروختن آتش جنگ بزاد ارد. کایهای در این مبارزه با فرادر زنده، بفعالیت آنها، بتشکل آنها به چگونگی درک آنها از شرایط وهد فهای مبارزه بستگی دارد.

افرادی هستند که بخلط مبارزه در راه صلح را در حصاری محدود میکنند، تضاد عده د در وران کتونی یعنی تضاد بین سرمایه داری و سوسیالیسم را در ریده ای میکنند، بین د سیستم موجود در مسئله صلح و جنگ تمايزی قائل نیستند و خصلت تجاوزکارانه امیریالیسم را علاوه انتشار میکنند. بهمین سبب اعلامیه جلسه شاوره (مسکو ۱۹۶۰) همه احزاب برادر ازاد و انحراف از خط مشی عمومی یعنی کم بهادار با مکان جلوگیری از جنگ، جهانی و همزیستی مسالمت آمیز ایکیسو وکم بهادار بخط جنگ ارسوی دیگر برخیزد رسیده اند.

افرادی نیزیافت میشوند که گاهی بجای آنکه هرید یده ای را در رچارچوب مشخص خود مورد برسی قرار دند خلط میکنند. هنگامیکه صحبت برسی طویلی از جنگ، جهانی سوم است از جنگهای عادلانه و غیر عادلانه محل سخن میگویند. اگر صحبت برسی طویلی بسایه سلاحهای اعنی وئید رئیتی و نتایج فلکت باریست که بکاربردن آنها در ریک جنگ برای پیشریت ببار خواهد آورد، بحث رایید ان کاملاً دیگری از قبیل مشنا اجتماعی جنگها، نقش توده ها و غیره میکشانند. اگریحث برسی طویلی حیاتی منع سلاحهای اعنی وئید رئیتی و خلح سلاح کامل و همگانیست، آنرا بخون سلاح پرولتاریا در مقابل سرمایه داری تعییر میکنند. مسئله اگرید یده ای را در حدود مشخص خود مورد برسی و مطالعه قرارند هیم به نتایج درستی نخواهیم رسید. مسئله جنگ و صلح نیز مانند هرید یده دیگر باید در رچارچوب معین و ماتوجه بشرایط مشخص برسی شود. خصلت

جنگ جهانی در عصر ماتنها به خصلت اجتماعی و سیاسی چنگ مریوط نبوده بشك مادی آن نیز مریوط است.
گذشته از این ریشه کن ساختن چنگهای امپریالیستی و رهایی زحمکشان از فلاتها و محرومیت‌های ناشی از
جنگ همیشه بزرگترین وظیفه طبقه کارگر محسوب شده است. لینین چنگ جهانی را بزرگترین جنایت
مینامید، وی میگفت:

”مارازه علیه چنین چنگی ارزش انراد ارد که انسان زندگی خود را وقت آن کند. در این
مارازه باید بی امان بود. همه سفسطه های را که در دفاع از چنگ بکار می‌رود باید کوید و
گوش ای از آنها را ناید افشا“ نشده باقی گذاشت.“ (کلیات آثار، چاپ روسی، جلد
۳۳، صفحه ۳۹۶)

مهارکرد ن چنگ افزوران و تحییل همیستی مسالمت آمیز بد ولتهاي امپریالیستی چنین است مهم ترين
وظیفه ای که در برابر کومنیستها و اکلیه انسانهای شراقتمند قرار دارد. در موقعیه برای هر فرد از اسکانین کرۀ
زمین ۸۰ تن ماده منفجراه ذخیره شده و صحبت پرسنژندگی یا مرگ ملتها وقا یا فنا کشورهای است، بجای
آنکه نقش انسان و توده هادر جنگ توضیح گردد لازم است نقش انسان و توده هادر مبارزه بخاطر جلوگیری از
جنگ مورد بحث و گفتگو قرار گیرد و طرق مشخص این مبارزه معین گردد. جلسه مشاورۀ سکو وظیفه کومنیستها و
هواد اران صلح را در این مورد بصراحت معین کرده است. در اعلامیه گفته می‌شود:
”مارازه بروز خطر جنگ چدید جهانی را باید قبل از آنکه بمهای اتفی و یئد رژی فرود
آیند انجام داد. این مبارزه را باید هم اکنون انجام داد و بر نیروی آن روز بروز افزود.
عدد آنست که تجاوز کاران بموچه مبارشوند، از جنگ جلوگیری شود و امکان افجار آن
بر طرف گردد.“

مارکسیست-لینینیستها این رهنمود خرد مندانه را در مردم نظرگرفته برای حفظ صلح مرد آنه پیکار می‌کنند،
توده های خلق را برای مبارزه بروز جنگ سازمان میدهند، تردیدی ندازند که شرف قد ای جان و ابراز
قهرمانی در راه حفظ صلح از شف شهادت در میدان عاد لانه ترین چنگ‌ها کمتر نیست.
همانطور که بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در سارۀ وضع بین الطی حزب تصویح کرده است عدد ه
ترین عناصر ضروری سیاست صلح و همیستی مسالمت آمیز عبارتند از:

”تلاش برای خاتمه دادن به ”چنگ سرد“، انحلال بلوهای نظامی، برچیدن پایگاه-
های نظامی در خاک بیکانه، کوشش برای اجرای خلخ سلاح سلاخ کامل و عمومی تحت کنترل
بین الطی، منع مسلحهای اتفی و هسته ای و در مرحله نخست منع آزمایش‌های اتمی،
حل مسائل متنابع بین الطی از طریق مذکور اکرات که خود با قبول گذشتہ اوسازشہای متقابل
در کاد رحیض اصول ملازم دارد، تساوی حقوق دل و تسامیت ارضی و احترام باستقلال و
حاکمیت انها، عدم مداخله در امور اخلي کشورها، بسط روابط اقتصادی و فرهنگی“.
چنین است راههای مشخص مبارزه در راه صلح و همیستی مسالمت آمیز که با مبارزه بخاطر استقلال و
حاکمیت ملی مطابقت نام و کامل دارد. بنظر حزب توده ایران مجموعه این نکات میتواند پالترم مشترک و سیغت
قشرهای مردم ایران قرار گیرد. هر اختلاف نظری هم که بین افراد میمین پرست ایران در سارۀ مسائل مختلف
سیاسی و اجتماعی وجود باشد سلامهه در این نکته هم عقیده مستند که جلوگیری از تبدیل ایران بودی مرگ
انی مهترین وظیفه هر ایرانی شراقتمند است.

در صورت وقوع یک چنگ هسته ای بینش امپریالیسم نابود خواهد شد، در این امر کوچکترین تردیدی
نیست ولی در عین حال ضربات سنگینی بر نیروهای مولده در سراسر جهان وارد خواهد گردید. برخورد
سبکسرانه با چنین خطی تهار برای هارترین عناصر امپریالیسم، دیوانگان و کسانی امکان پذیراست که قدرت
تخربی وسائل را باشند هستند که جلوگیری از تبدیل ایران بودی مرگ

اعتلاء مبارزه در راه استقلال ملی

با پیروزی انقلاب کمیر اکبر و تشکیل نخستین دولت سوسیالیستی دوران زوال سرمایه داری و پیروزی
سوسیالیسم، دوران بحران عمومی سرمایه داری آغاز گردید. این بحران تاکنون دو مرحله گذرانده است.
واینک مرحله سوم را میگذراند. مراحل اول و دوم بحران عمومی سرمایه داری با چنگهای اول و دوم همزمان بود،

خصوصیت مرحله سوم اینست که نتیجه بروز جنگ جهانی بوده در شرایط مسابقه و مبارزه سیستم سوسیالیستی با سیستم سرمایه داری پدید آمده است.

دود و ران کنونی که محتوی اساسی آنرا جیران انتقال از سرمایه داری بسوسیالیسم تشکیل میدارد، انقلابهای سوسیالیستی، انقلابهای خدا اپریالیستی، انقلابهای خدا استعماری، انقلابهای دموکراسی توده ای، جنبش‌های وسیع دهقانی، مبارزه توده های خلق برای واگوون ساختن رژیمهای استبدادی و فاشیستی، جنبش‌ها یک دموکراتیک علیه ستم ملی، سیل انقلابی واحد دشکیل میدهد که ارکان سرمایه داری را منهد میشوند. بالا فاصله پس از بیرونی انقلاب اکتبر مبارزه رهایی بخش خلقوهای کشورهای مستعمره و باسته توسعه یافته بحران سیستم مستعمراتی امپریالیستی آغازگردید. شدت تذبذب بین دولتهای مستگار امپریالیستی و خلقوهای استبدادی کشورهای مستعمره و باسته، مردم بسیاری از این کشورهای ابصاره برانگیختند. در چین جنبش دامنه وسیع کسب کرد، در هند و سلطان، آند و زی و مچین دیران قیامهای بخش طی نشان داد که کشورهای مستعمره و باسته که قبل از انقلاب اکتبر خبره امپریالیسم بودند بد خیره انقلاب سوسیالیستی میدل میگردند.

پس از جنگ دوم جهانی، در اثرشدن بد بحران عمومی سرمایه داری، خلقوهای کشورهای استبدادی که پس از دید یوگ اپریالیسم و استعمار ایراند اخته براه تکامل مستقل گام نهادند. اگر در زمان انقلاب اکتبر وسعت کشورهای مستعمره و باسته ۲/۷ در صد سطح ربع مسکون کره زمین را تشکیل میداد و جمعیت این کشورها ۶/۲ در صد جمعیت جهان بود، اکنون کشورهایی که یوگ استعمار ایراند اخته اند در حدود یک میلیارد و پانصد میلیون نفر جمعیت دارند وسعت اینها ۱/۲ در صد ربع مسکون را تشکیل میدهند. اکنون ۷ در صد اراضی آسیا و ۷ در صد اراضی اسیا و آفریقا و لشای مستقل تحلق ارد. بیش از ۵۰ کشور مستقل چایگزین مستعمرات ساق بگردیده است. در سازمان ملل متفق از ۱۱۰ کرسی ۵۵ کرسی یعنی درست نصف کرسیهای انسانیاند که کشورهای آسیا و افریقا شاخال میکنند. وسعت کشورهایی که هنوز رقید استعما ر بسرمهیرند ۶/۷ در صد مساحت ربع مسکون و جمعیت آنها ۱/۵ در صد جمعیت جهان است. زد و دن کامل ننگ سیستم مستعمراتی بمشاهده یک از حاد ترین مسائل هم اکنون در دستور وزارت ارد این آمارگواه بر آن است که تلاشی کامل سیستم مستعمراتی بر مدخله نهایی گام نهاده است و ارادی خلقوهای که هنوز در زنجیر استعما رند بزرودی فراخواهد رسید. ای ایان ازادی بطور مسالمت امیزان جام خواهد گرفت و یاد رنتجه پیکار مسلحانه؟ این سئله ایست که پاسخ از رادر مرود هر کشور مردم آن کشورهای میتوانند بدند. در اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری (مسکو ۱۹۶۰) چنین گفته شده است:

”خلقوهای مستعمرات هر یک برجسب شرایط مشخص کشور خود از راه مبارزه مسلحانه یا

”طرق غیرنظامی استقلال خود را بدست می اورند.“

تردیدی نمیتوان داشت که انقلاب کارتوده های وسیع خلق است. تحلیل دقیق وضع مشخص من، از زبان صحیح تناسب قوایی از شرایط مهم انقلاب است. هنگامیکه شرایط عینی و ذهنی انقلاب فراهم شد و توده های خلق برای انقلاب بپا خاستند، نمیتوان ازان جلوگیری کرد و نباید ازان جلوگیری کرد. از طرف دیگر تجربه نشان میدهد که قیامهای نارس دچار شکست میگردند و به شورانقلابی توده هالله میزند. سلم انس است که تعیین شکلها و اسلوبهای مبارزه ده رکشور کار طبقه کارگران کشور خوب انس است. منتها هر جزوی هنگامیکه مشی تاکتیکی خود را تنظیم یکند تجربه جهانی کمونیستی را بحساب میارو و وظایف و شیوه عمومی جنبش جهانی کمونیستی را در نظر میگیرد.

موفقیتی ای بزرگی که در سالهای پس از خاتمه جنگ دوم جهانی نصیب جنبش‌های بخش ملی گردیده است نشان میدهد که هم‌زستی مسالمت آمیز برای پیروزی نهضت خلقوهای مستبد شرایط مساعدی فراموش نمیکند. اکنون دیگر جنبش‌های بخش ملی د رقاب امپریالیسم نهانیست و برای پشتیبانی همه جانبه از آن نیروهای مقداری وجود دارد. در شرایط صلح اقتدار این نیروهای همواره افزایش می‌باید و مبارزه خلقوهای احرار و تحکیم حاکمیت ملی تسهیل میگردد. رفیق خوشچف ضمن گزارش خود بکنگره بیست و دوم حزب کمونیست اتحاد شوروی چنین تصریح نود:

”امپریالیستها که ازد امنه مبارزه انقلابی مضطربند از تلاش برای مد اخله در امور داخلي

ملتها و ولتها دست برنمید ازند و بهمین منظورهم آنها در بیانها و قراردادهای نظامی این حق را برای خود محفوظ داشته اند که در صورت باصطلاح "اغشاشات" داخلی یا بعارات دیگر را خفه کردند انقلابها و سرکوب مبارزات توده مردم علیه رژیمهای ارتضاعی دست بعد اخله مسلمانه بزنند. امیریالیستها در سر هرگوی و زن ادعا میکنند که کمونیستها انقلاب صادر میکنند. حضرات امیریالیستها از آنجهای بیان افتراض میشوند که دعاوی خود را در مردم ضد اغشاص بنحوی برد و بخشی کنند. این حضرات منطق عجیبی دارند. آنها ظاهرا هنوز با تصویر دو رانی زندگی میکنند که میتوانستند جنبش آزاد پیغام ملل را خفه کنند. ولی آن دوران برای همیشه سیری شده است. کمونیستها با صد و انقلاب مخالفند و رغب هم از این موضوع خوب آگاهند. ولی مادر عین حال برای هیچ کس حق ضد اغشاص انقلاب، حق انجام وظیفه زاند ارم بین المللی را هم قائل نیستیم و این مطلب نیز باید خوب روش باشد. تلاش امیریالیستها برای مد اخاله در امور طولی که برای انقلاب پیاپی خواسته اند جز تجاوز و تهدید مطلع جهانی شفوم دیگری نخواهد داشت. ماباید صریحاً اعلام کنیم که اگر امیریالیستها با صد و ضد اغشاص دست دست بزنند کمونیستها از تمام طلعت کشورهاد خود خواهند کرد نیروهای خود را متعدد کرده و پسیج نمایند و با اثکا بقدرت سیستم جهانی سوسیالیسم حملات دشمنان آزاد یوصلح را با قطعیت تمام دفع کنند. مختصر کلام اند کلخ اند از راپا اشستگ است.

بررسی جهانی این انقلابها می خواهد امیریالیستی و ضد استعماری سالهای پس از جنگ دوم این حقیقت را به ثبت میرساند که اتحاد جنبش های بخش ملی با اطباقه کارگرین المللی واردی سوسیالیستی شرط اساسی پیروزی این جنبش است. لذین که امکانات نهضت انقلابی خلق های استعدیده را بسیار رحمند مید است در این باره چنین میگوید :

"جهنیش انقلابی خلق های خاور زمین اکنون نمیتواند با موقعیت گستر شیابد ، نمیتواند کسب نماید مگر آنکه با مبارزه انقلابی جمهوری شوروی مبارزه امیریالیسم بین المللی مرتبط گردد . " (کلیات آمار ، چاپ روسی ، جلد ۳۰ ، صفحه ۱۳۰)

با آنکه امیریالیسم پس از جنگ دوم جهانی مواضع خود را یکی پس از دست داده و از جنبش رهایی بخش خلق های کشورهای مستعمره و باسته زخم های مرگباری خورده است مذکوک هنوز سائل کافی در اختیار ارد و با اثکا آنها میکوشند سلطه خود را حفظ کنند. تنها اقتدار سیستم جهانی سوسیالیسم و بیرونی قدرت اقتصادی و نظامی اتحاد شورویست که اقدامات آزاد یکش و ماجراجویانه امیریالیستها را فوج میسازد و شرایط مساعدی جهت پیروزی نهضت خلق های سنتدیده فراهم میکند. خلق هایی که در سالهای اخیر زنگیر اسارت امیریالیسم را پاره کردند طی سالهای مقتدای برای ازادی خود مبارزه میکردند ولی از آنجهای با آزادی ناگل نمیشدند که ارد وی نیرومند سوسیالیستی وجود نداشت تا زمان آنها جهت از لحاظ اقتصادی و نظمی پشتیبانی کند. بعنوان مثال میتوان پیروزی انقلاب کوپارا ذکر نمود. فیدل کاسترو در میتینگ روز ۲۸ آوریل ۱۹۶۳ که در میدان سرخ برگزار شد راین باره چنین گفت :

" برای خیلی های این سوال مطرح است که انقلاب کوچک گونه امکان بد پرشد ؟ انجام تحولات بنیادی در کشور کوچکی با اقتصاد کم رشد ، در کشوری که در قید ستم امیریالیسم امیریکا بود چگونه میسر گردید ؟ و در این سوال چنین توضیح داد :

" بدون وجود اتحاد شوروی ، انقلاب سوسیالیستی در کوچکی محال بود. ولی این هرگز بد ان معنی نیست که انقلاب کوچکی بدست اتحاد شوروی انجام گرفته است. حتی دشمنان اتحاد شوروی نیز با وجود بینند و باری خود را نشر آنکارا بیک و اقراءات تاکنون چنین ادعائی نکرده اند. این بد ان معناست که اگر اتحاد شوروی نبود امیریالیستها هر انقلاب ملی آزاد پیغام را میکاری لاتین خفه میکردند ۰۰۰ اگر اتحاد شوروی نبود امیریالیستها حتی نیازی بتوسل بصلاح داشتند و انقلاب را با ایجاد قحطی و فقط از راه

نستند

محاصره اقتصادی نابود میکردند. ولی ببرکت وجود اتحاد شوروی امپرالیستها نتوانند انقلاب مارکسیستی محاصره اقتصادی نابود کنند. وقتی امپرالیستها بفعال مایشائی دست زدند و از خرید قند ما امتناع کردند، همین اقدام کافی بود تا با ایجاد قحطی و پریشانی اقتصادی در کشور انقلاب را آژین ببرند. ولی بلا فاصله اتحاد شوروی بیارویما شناقت و قند مارکسیستی داشتند. وقتی امپرالیستها سهمیه نفت مراقطح کردند، همین اقدام کافی بود تا اقتصاد کشور متزلزل شود. ولی اتحاد شوروی برای منتف فرستاد. وقتی تضییقات اقتصادی نتیجه مطلوب نهادند امپرالیستها بطرح نقشه تهاجم مسلحانه پرداختند. هیچکس از کشورهای سرمایه داری حاضر نشد بما اسلحه بفروشد. انگاه کشورهای اراد و گاه سوسیالیستی و در راس انس انتها اتحاد شوروی تصمیم گرفتند رام تحریص اسلحه لازم بمن کنند. در زیوه مین کمک و همین اسلحه بود که ماتوانستم مهاجمین را در خلیج زیرون تارومارکتیم. اگر اتحاد شوروی نبود امپرالیستها را قادر نمی تھاجم نظامی مستقیم بکشور مارکسیستی نمیکردند.

مردم آزاد یخواه واستقلال طلب کشورهای مستحمره ووابسته هر روز باعث بیشتری باین حقیقت بی میبرند که حل نهائی مسئله آزادی ملی فقط در جمهوری مشترک کلمی چنین شهای مترقب امکان پذیر است و پایپرزوی همه خلقه اراد رهاره بخاطر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم پیوند ناگستینی دارد. در برنامه حزب توده ایران گفته میشود: "در وران ماسه نبرد بزرگ که ناشی از تضاد های جامعه کوئی پشتری است جریان دارد؛ نبرد بین نیروهای اصلاح طلب و نیروهای جنگ طلب، نبرد بین ملت های مستحمره ووابسته بانیروهای استعماری در راه نیل با استقلال و تحریکات و تجاوزات کشورهای دموکراسی و سوسیالیسم از طرف وارتیج و سرمایه داری از طرف دیگر. در این سه نبرد د شمن مشترک امپرالیسم است."

روشن است که کامیابی واقعی در هر یک از این نبردها دشمن مشترک را تضعیف میکند و برای پایپرزوی همه خلقه امکانات جدیدی فراهم میسازد. بهمین سبب حزب توده ایران دفاع از صلح و همیستی مسالمت آمیز، پشتیبانی از نهضتهاي ضد امپرالیستی واستقلال طبلانه ملتها، استقرار روابط دوستی صمیمانه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی راضا می باشد. معتبر حفظ میهن مادر قبال تحریکات و تجاوزات کشورهای استعماری میشمارد. تکیل مبارزه رهایی بخششی از مارکسیست بخاطر صلح استباخ خطرنکی است که حزب توده ایران مبارزین ضد استعمار اهوازه ازان بحرزد اشته است.

نقش اراد وی سوسیالیستی در تحکیم استقلال و آزادی کشورهای نو استقلال

کشورهایی که در سالهای اخیر استقلال سیاسی کسب کرده اند هنوز از مدد اراقتصاد سرمایه داری خارج نشده اند و از طرف اتحاصارهای سرمایه داری مردم استعمار قرار میگیرند. این کشورهای احراز استقلال اقتصادی مبارزه میکنند و کمکهایی که از اتحاد شوروی و سایر کشورهای اراد وی سوسیالیستی دریافت میدارند بانها امکان میدهد اقتصاد ملی خود را کامل بخشنده، علیه شکل های گوناگون استعمار مبارزه نمایند و چنین رهایی بخشش همراه با ایجاد حکم اتحاد سیستم سوسیالیستی جهانی و کشورهای ای تو استقلال و برای منفرد ساختن امپرالیسم و عمال آن وسیله مطمئن بشمار میروند. تردید نمیتوان داشت که میزان این کمکها فقط با حفظ صلح میتواند افزایش بیابد.

میزان اعتبارات و کمکهای دیگری که طی چند سال اخیر از طرف اتحاد شوروی بکشورهای کم رشد داده شده است به ۲ میلیارد روبل جدید بالغ میگردد. کشورهای هند و سلطان، اندونزی، افغانستان، جمهوری متحده عرب، عراق، کوبا، چیخه، غنا، گینه، مالی و کشورهای دیگر آسیا، افریقا و امریکای لاتین از اعتبارات اتحاد شوروی استفاده کرده اند.

میزان کمک اتحاد شوروی سال بسال افزایش می یابد: بکمک اتحاد شوروی در سال ۱۹۵۹ (۱۰۰)، در سال ۱۹۶۰ (۳۰۰)، در سال ۱۹۶۱ (۳۵۰) بنگاه صنعتی در کشورهای نو استقلال ساخته شده است.

طبق آماریکه تا آخر سال ۱۹۶۲ داده شده فنی اتحاد شوروی بکشورهای آسیائی و افریقائی شامل ۴۸۰ طرح ساختمانی میگردد که قسمی از آنها هم اکنون انجام شده است. این برنامه ساختمان ۳۴ کارخانه ذوب آهن، بیش از ۳۰ مؤسسه فلزکاری و مکانیکی، بیش از ۲۰ پالایشگاه نفت و کارخانه شیمیایی و ۲۰ کارخانه برق رادر بر میگردند.

بکثر کشورهای دیگر از دوی سوسیالیستی بیش از ۴۰ پنگاه صنعتی مهم در کشورهای نواستقلال آسیا و افریقا ساخته خواهد شد و باهم اکنون در دست ساختمن است.

اعتبارات و ککهای فنی کشورهای سوسیالیستی مردم کشورهای نواستقلال را برای تحصیل استقلال اقتصادی پسیج میکند، آنانه انشان میدهد که سیستم سوسیالیستی جهانی برای مبارزه با سرمایه داری انحصاری بیگانه پناهگاه مطفئی میباشد، آنانه انشان میدهد که بکار ارد وی سوسیالیستی خواهند توانست در بعد کوتاهی صنایع ملی خود را بوجود آورده، متخصصین فنی و علمی ملی را تهیه نمایند. شک نیست که تقویت بنیاد اقتصادی کشورهای نواستقلال امیریالیسیم را بازهم بیشتر تعییف خواهد کرد و برای رشد نیووهای اصلح و سوسیالیسیم امکانات جدیدی فراهم خواهد ساخت.

اتحاد استوار خلقهای کشورهای سوسیالیستی و کشورهای نواستقلال یکی از بزرگترین عوامل حفظ صلح و امنیت ملت‌هاست. این جمهوری مقداره که دو سوم جامعه بشری را در بر میگیرد میتواند در مقابل تجاوزات امیریالیسیم سد نیرومندی بوجود آورد و سترگران را بعقب نشینی وادارد. کشورهای نواستقلال که بر ضد بقایای سلطه بیگانه پیکار میکنند در حل مسائل بین المللی نقش فعالی دارند. توجه خاص مبنای این کشورها برای حل مسائل اساسی سیاست جهان در جهت حفظ صلح و همزیستی مسالمت آمیز تا میسرزایی دارد.

همزیستی مسالمت امیری معنای همزیستی ایدئولوژیک نیست

همزیستی مسالمت آمیز د ولتهای که در ایران بهمای اجتماعی مختلف هستند معنای آشنا ایدئولوژی سوسیالیستی با ایدئولوژی بورژوازی نیست. بر عکس همزیستی مسالمت آمیز ایجاد میکند که مبارزه ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی بین دو سیستم، مبارزه طبقاتی زحمتشان در کشورهای سرمایه داری و جنبش رهائی بخش خلقهای کشورهای مستعمره و باسته بالا قله گسترش بیابد.

کامیابیهای درخشنان اقتصادی، علمی، تکنیکی و اعتاً طرح زندگی زحمتشان اردی سوسیالیستی در جلب و انقلابی کردن کارگران و زحمتشان کشورهای سرمایه داری تا میرقرابون دارد و راه رهائی از فلکت نظام سرمایه داری را نهانه انشان میدهد. ولی اکنون روزمره طبقاتی توأم نباشد آنها برای نبرد نهائی پسیج و مهیا نمیکند.

همزیستی مسالمت آمیز برای تشدید کلیه تناقضات جامعه سرمایه داری میدان بازیکند و بطبقه کارگر کشورهای سرمایه داری امکان میدهد جنبش خود را علیه انحصارها گسترش دهد و عمیقترازند. موج اعتضادهای دامنه دار کارگران انگلستان، فرانسه، ایتالیا و کشورهای دیگر سرمایه داری و همچنین وقفت های بزرگی که احزاب کمونیست فرانسه و ایتالیا در انتخابات پارلمانی بدست اوردند حاکی از این امر است. تجریه سالهای اخیر این ادعاهای که گویاد قاع اصلاح بروزه انتقال جهانی را تضعیف میکند بکل در مینماید و بطلاخ از راه ثبوت میرساند. در شرایط همزیستی مسالمت آمیز نه تنها کوش امیریالیسیم برای استقرار مجدد رشم سرمایه داری در جمهوری توده ای هجرستان به نتیجه نرسید، سوسیالیسیم از قاره اروپا و آسیا پاک را نهاد و در قاره امیریکا استقرار یافت.

تجربه جلوگیری از توطهه های جنگ افروزانه امیریالیستی و بویژه رفع مسالمت آمیز بحران کارائیب که بدست حاکل تجاوزکار ایالات متحده امیریکا ایجاد شده بود، جلوگیری از اتفاق جنگ جنگ هسته ای و مد افعه از دست اوردهای کوبای سوسیالیستی نشانه بارز تجاوزکاری امیریالیسیم در عین حال نشانه آنست که با اتخاذ یک سیاست قاطع، واقع بینانه و پرنزمش میتوان این نفعه های تجاوزکارانه را بر برم زد. در تیجه قدرت اقتصادی و دفاعی روزافزون اردی سوسیالیستی، درنتیجه سیاست خارجی صلح و سوانه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر رتیجه هزاره قهرمانانه خلق کوبایووهای تجاوزکار توانستند بشیرت را بجهت جهانسوز هسته ای بکشانند. سیاست قاطع و خرد مند این حزب کمونیست اتحاد شوروی و شخصیت خوشچف از یکسو، آمادگی خلق قهرمان کوبایرای دفاع از ازادی خویش از سوی دیگر موجبات اتحاد همه

نیروهای صلح و سوت و انفراد هارترین و ماجراجو ترین محاذل ارد وی امیر پالیسیم رافراهم ساخت و آنها را بحق نشینی واد اشت .

وحدت تفکیک تا پذیر قاطعیت و نژاد سیاست خارجی صلح و سوتانه اتحاد شوروی و وحدت درونی سیاست همزیست مسالمت آمیز و شعار "میهن یارمگ" خلق قهرمان جنگ زادی راد گماتیک ها در کنند و پانیخواهند در کنند . آنها سیاست اتحاد شوروی را در مرور بحران دریای کارائیب یک سیاست سازشکارانه نایدند و دلت اتحاد شوروی و شخصیت فیض خوش چ رابمعامله استقلال کویاتمه م کردند . آنها حتی آشکارا اسعی کردند که در مناسبات کویا و اتحاد شوروی تیرگی بوجود آورند . ولی نطقه ای فیدل کاسترونشنان داد که دگماتیکهاد رناظری خود تاچه اند ازه د چارسرد رگی و اشتباهند . فیدل کاسترو در نطق خود رمیتینگ بزرگ د وستی شوروی و کویا که در ۱۹۴۳ء ۶۲۳ در روسکوبرگارگردید چنین گفت :

"کشوریکه بخاطرد فاع از لک ملت کوچک ، آنهم ملتی که هزاران کیلومتر از آن دور است ، تمام نعمی را که بیهای چهل و پنج سال کارخالق و قرآنیهای عظیم بدست آورده بود ، در مرور چنگ هسته ای قرارداد ، چنین کشوری با تمام مجد و حظم خود مید رخدش . کشور شوروی که در زمان جنگ کبیر میهنی علیه فاشیسته بایش از مجموعه جمعیت کویا قربانی داد تا از حق حیات و تکامل شروتهای عظیم خود دفاع کند . هنگامیکه پای دفاع از کشور کوچک مابینان آمد ، در استقبال از خط چنگ و خیم تزلزل بخود راه نداشت . تاریخ نخانگرایی همسنگی را بیان ندارد ."

اینست کونیسم ا
اینست انتناسیونالیسم ا

من نمیتوانم سخترانی خود را بپایان برسانم بدون اینکه عیقرین سپاسگزاری خود را نسبت بکنم که د وستی بین ملل ماراستوارکرد است یعنی شخص فیق نیکیتا خوش چف ابرازد ارم ."

آیا این بهترین پاسخ به تخطه کنندگان سیاست اتحاد شوروی در مرور بحران دریای کارائیب نیست

اهمیت کنگره های بیست و بیست و دو حزب کونیست اتحاد شوروی

کمیته مرکزی حزب توده ایران اهمیت کنگره های بیست و بیست و دو م جزب کونیست اتحاد شوروی را ضمن اسناد خود شرح کرده است . این کنگره هاتجریه گرانبهای حزب کونیست اتحاد شوروی را جمیع بندی کردند و آنرا در برناهه جدید حزب منعکس ساختند . برناهه جدید حزب کونیست اتحاد شوروی همچون مشعل فروزانی راه آینده ساختمان جامعه نوین راه گسترش چنیش کونیستی جهانی و چنیش رهائی بخشش ملت هارا روش میسازد . یکی از سائلی که در هر دو کنگره مورد توجه قرار گرفت مبارزه علیه شخص پرستی بود . کیش شخصیت استالینی که در زندگی اتحاد شوروی موجب پرواز شتابه اهاتی شده و تنبایع منفی فراوانی ببار آورده بود با کمال صراحت اشان گردید . گمومه اقداماتی که در اتحاد شوروی سایر کشورهای سوسیالیستی بعمل آمد تاعاقب کیش شخصیت استالینی محو گردید اعلای اصولی بود ن در امور جزیی و قابلیت حیاتی عذایم مارکسیسم - لنینیسم وجود عالیترين خصائص انسان وستی چنیش کونیستی را باوضوح کامل نشان داد نیستی اینک اتحاد شوروی بد وران ساختمان برد امنه کونیسم گام نهاده است . کشورهای دیگرسوسیا در راه ساختمان جامعه برویش سوسیالیستی پیش میروند . کامیابیهای عیان کشورهای سوسیالیستی و در رجه اول اتحاد شوروی در رشته اقتصاد ، در امرای جاد و رواج فرهنگ نوین ، در علوم و تکنیک جشم همه خلق هارا باز میکند ، حقیقت "معجزه روسیه" را که مرتجلین سراسر جهان میکوشیدند درید مأبهام نگهدارند بر آنها مکشوف میدارند . مهاره بیکنیر ای تحکیم صلح و جلوگیری از چنگ انتی ، نفوذین املکی اتحاد شور وی را فزونی می بخشد . تردیدی نمیتوان داشت که بدون رفع عوایق مضرکیش شخصیت استالین موقوفیت های شگرفی که در دلت کوتاهی نصب ارد وی سوسیالیستی شده است امکان پذیر نمود . با مهاره بی تزلزل علیه کیش شخصیت استالین نه تنها وزنه سنگینی که برای ای جامعه شوروی بسته شده بود بر طرف گردید شخص پرستی نیز

که باروح مارکسیسم- لینینیسم بلکلی مباین است ارد ضربت مهلهکی خورد و این یکی از خدمات گرانبهائی است که تکریه های بیست و دو حزب کمونیست اتحاد شوروی و شخصیت فرقی خروشچف به جنبش کمونیستی جهانی کرد و اند. مبارزه با کیش شخصیت استالین یک ضورت تاریخی بود که حزب کمونیست اتحاد شوروی پاروشن مبنی آزاد رک کرد و با قاطعیت آنرا از پیش برد. حواض سالهای اخیر خوبی نشان میدهد که حزب کمونیست اتحاد شوروی در مارس ۱۹۶۰ مسکو منعقده در سال ۱۹۶۰ مبارزه با کیش شخصیت یکی از مواد مورد مذکور است.

در جلسه مشاوره مسکو در این حق داشت :

"احزاب مارکسیست- لینینیستی کوشش خستگی ناپذیری کارهی برنده تا ۰۰۰۰ از کیش شخصیت که بدی در راه تکامل فکر خلاق و ابتكار کمونیستی ایجاد میکند اجتناب ورزند".
با این حکم صحیح تمام شرکت کنندگان در جلسه مشاوره موافق کردند و آنرا عیند نمودند ولی بعد امتحانه بعضی از آنها دگماتیکا- در عمل راه دیگری در پیش گرفتند. این افراد لزوم مبارزه با کیش شخصیت را انتار میکنند، ونه تنها ازان ابامی ورزند، بلکه با انحصار مختلف آزاد رک شور خود اد امهید هند. مخالفت با این مبارزه در حکم مخالفت با قول نقش توده های گنووان سازندگان تاریخ، مخالفت با ابتكار و خلاقیت طبقه کارگرد ولت آن، قول شماتیسم در حل مشکلات اجتماعی و سیاسی، قول نقش قانونیست سوسیالیستی، قول پایمال کرد ن موائز لینین در کار و حوالیت حزبی و انواع انحرافات دیگر است. نمیتوان یک مارکسیست- لینینیست خوب بود در عین حال با پرستش شخصیت موافق کرد.

تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی و استنتاجات نظری که طی تکریه های این حزب بعمل می آید برای همه احزاب کمونیستی و کارگری اهمیت اصولی دارد. تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخت ترین مبارزات و بیهای خون میلیونها نفر از همترین فرزندان خلقهای شوروی بدست آمده است. این تجربه محصول مبارزه علیه استبداد تزاری و سرمایه داری روسيه، محصول مبارزه علیه امپرالیسم بین المللی، محصول مبارزه با خاطر ایجاد نخستین دولت سوسیالیستی، محصول مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم، محصول مبارزه برای ظلم برفراشیسم، محصول مبارزه برای ایجاد جامعه کمونیستی، محصول مبارزه علیه انحرافات گوناگون "چپ" و راست، علیه اپرتوئیسم و روپژوئیسم، علیه سکتاریسم و دگماتیسم است. بنیجهت نمیتوان احزاب کمونیستی و کارگری سراسر جهان یکدیگر متفق حزب کمونیست اتحاد شوروی را جبرتیرین گردان و پیش آهنگ مورد قبول جنبش کمونیستی جهانی اعلام میدارند. نظر متفق احزاب برادر رضمن اعلامیه جلسه مشاوره مسکو (۱۹۶۰) چنین تصریح شده است :

"تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی که در مبارزه برای پیروزی طبقه کارگر، ساختمان سوسیالیسم و تحقق ساختمان پر امنه کوئیسیم اند و خته شده برای تمام جنبش کمونیستی- جهانی اهمیت اصولی دارد. نمونه حزب کمونیست اتحاد شوروی و همسنگی برادرانه ان بتمام احزاب کمونیست در مبارزه آنها با خاطر صلح سوسیالیسم الہام میبخشد و میبینیم انطباق اصول انقلابی انترا سیونالیسم پرولتاری دار عمل است."

کاملاً روشن است که توجه به اهمیت خاص تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی بررسی تجارب احزاب برادر دیگر امپریوجوچ منتفی نمیسازد. مارکسیسم- لینینیسم، بثایه بنیاد ایدئولوژیک وحدت جنبش کوئیستی- جهانی، برایه تجربه انقلابی همه کشورها گسترشی باید و روز بوز غنی ترمیشون. اعلامیه های جلسات مشاوره مسکو (۱۹۵۷ و ۱۹۶۰) که مظہر مارکسیسم- لینینیسم خلاق است با توجه به تجربه انقلابی همه کشورها با شرکت مستقیم نمایندگان کلیه احزاب کمونیستی و کارگری تنظیم شده است. این اسناد پرچم مبارزه و رهنمای عمل کلیه احزاب برادر رفوفاد اری- آنها وظيفة انترا سیونالیستی هر یک از احزاب است.

در شرایطی که انقلاب جهانی هر روز عقی و وسعت بیشتری کسب میکند، ارد وی سوسیالیستی د رکلیه شون زندگی بمقومتیهای تازه بتازه ای نائل می آید، مبارزه پرولتاریای کشورها ای سرمایه داری امنه میگیرد و جنبش رهایی بخش مل مستند بده و جنبش مکرانیک همکنی گسترشی باید، امپریستها و مرتعیین همه کشورها به روسیه ای ثبت میجند و همراه توطئه ای دست میزنند تا مواضع خود را حفظ نمایند، ولی چون برای تعرض بی پرد ه تناسب قوارابسود خویش نمی بینند بوجود تفرقه و تشیت در صفوی نیروهای

آزاد بیخش امید می بندند. آنها میکوشند از وجود هر اختلاف نظری که در صفوپ جنبش کمونیستی جهانی پدید آید برای تضعیف موضع سوسیالیسم و رهم کویدن جنبش‌های دموکراتیک واستقلال طلبانه ملت‌ها استفاده کنند. بهمین جهت افشا^۱ تفرقه طلابان و منحرقین و تحکیم وحدت جنبش کمونیستی جهانی و تقویت همپیوستگی صفوپ کمونیستهای همه کشورها مسئله ایست که اکنون بیش از هر موقع دیگر مرکز توجه همه احزاب کمونیستی و کارگری و حزب توده ایران قراردارد.

وحدت صفوپ جنبش کمونیستی جهانی بهترین وسیله پیروزی مبارزه بخاطر صلح و دموکراسی و سوسیالیسم علیه امپریالیسم و ارتباع است

درباره «کمک» امریکابه ایران *

کمک امریکا، یکی از جدیدترین اشکال استعمالنوبی

روزبیست و نهمه ۱۹۴۹ ترور مرتضی رئیس جمهوری اسقی امریکاد رسماً خود بمناسبت افتتاح کنگره،
سیاست خارجی امریکا را تشریح کرد و آنرا در چهار اصل خلاصه نمود. وید رامبل چهار چنین گفت:

”ماید برنامه جدید شجاعانه ای را تاختاذ کنیم تا مزایای پیشرفتاهای علمی و ترقیات
صنعتی ما برای رشد و تکامل مناطق کم رشد مورد استفاده قرار گیرد“ (۱) .

این ” برنامه جدید شجاعانه“ که به ”اصل چهار ترور“ معروف شد، بنابر توضیحاتی که ترور من در
پیام خود داد میباشد: «... بعدم آزاد جهان کمک کند تا باکوشش خود شان، غذای بیشتر، لباس
بیشتر وسائل فنی بیشتر تولید کند و پارشان سیکتر شود“ (۲) .

تقریباً همزمان با اعلام برنامه اصل ۴، امریکابرناهه ”کمک“ نظامی خود را نیز تحد عنوان ”کمک دفاعی
مقابل“ بمرحلة اجراد رآورد که گواه داشت ”کمک بطل آزاد جهان برای دفاع در برابر تجاوز کنونیسم“ است.
باید توجه داشت که امریکابلا فاصله پس از جنگ و بویژه پس از آغاز جنگ سر بر نامه ”کمک اقتصادی
و نظامی“ خود را تنظیم کرد. متنها این ”کمک“ جنبه منطقه ای داشت و زیرنامهای مختلف انجام میگرفت.
تمهای پس از سال ۱۹۴۹ است که برنامه ”کمک اقتصادی و نظامی“ جنبه جهانی بخود میگیرد و زیرنامهای
واحد و معینی بمرحلة اجراد رسماً یافت.

انگیزه این ”کمک“ چه بود؟ آیا ماهیت امریکابلایسم امریکاتغییرکرده بود که این چنین ”خیرخواهانه
و پیش روی وستانه“ آمادگی خود را برای ”کمک رایگان“ بعدم کشورهای کم رشد اعلام میکرد تاسطح زندگی خود را
بالا بریند و از استقلال خود دفاع کنند؟ البته چنین حادثه ای رخ نداده بود. ماهیت امریکابلایسم امریکانه
فقط تغییر نکرده بود و تغییر نکرده است، بلکه واقعیات بزودی نشان داده که این ”کمک“ یکی از ابزارهای
سیاست استعمالنوبی و یکی از جدید ترین اشکال آنست. آن علیکه مخالف امریکابلایستی امریکابرابر آن
داشت که با این شیوه نوبن استعمالدار است بزنند ناشی از تحولاتی است که پس از جنگ دوم جهانی رخ داده
است. این علی که در عین حال تعیین کنند ماهیت و هدف ”کمک“ امریکانیزه است هم جنبه سیاسی دارد
هم جنبه اقتصادی.

از نظر سیاسی، امریکابلایطرف بالارد و گاه سوسیالایسم و از طرف دیگر بانهضنهای نجات بخش طبقی
روپرتوست. قدرت جاذبه ارد و گاه سوسیالایسم که در عین پشتیانی از استقلال خلقهای کشورهای کم رشد و
کم اقتصادی و فنی بد و قید و شرط برای تکامل اقتصادی آنها، راه از ازدی واقعی و نهایه رانیزه انسان
نشان میدهد، درست اغیض عظیم خلقهای کشورهای کم رشد که برای نابودی کامل تسلط سیاسی و اقتصادی
امیریلایسم مبارزه میکنند، امریکابرابر آن داشته است که بعنوان ”رهبر“ ارد و گاه امریکابلایسم هم قیام
” ضد استعمار“ بخود بگیرد و تا چار سهم ناچیزی از غارت ربانم ”کمک“ بازگرد آند و هم بکوشد که بدینوسیله
رژیم های دست نشاند و خود را بر سر گذاشتند ارد و کشورهای کم رشد را به پیروی از سیاست خود و یا حداقل
دوری از ارد و گاه سوسیالایسم واقعی ماند در جهان سرمایه داری و ارد.

* در این مقاله هرجا ز ”کمک“ اعم از اقتصادی، مالی، فنی و نظامی سخن میروند، مقصود ”کمک بلا
عرض“ است.

از نظر اقتصادی، امپرالیستهای امریکائی در تلاش بدست آوردند منابع جدید مواد خام، افزایش صد و سرماهه و توسعه بازارفروش کالاهاستند و "کلک" بکشورهای کم رشد باید راه را برای شیل به این هدف های باز کند.

شایان ذکر است که ن فقط نتایج "کلک" امریکا خیلی زود پرده از ماهیت واقعی آن برداشت، بلکه زمامدار امریکا از عمان آغاز خود هرگونه "توهمی" را در رورود "کلک" امریکا ازین بردند. آنها بارهای تصريح کرده اند که "کلک" امریکا جزئی از "استراتژی" امریکا و هدف مشترک آنهاست. "امپریالیست امریکا" و "رسانگاه آنها" اقتصاد امریکا است، از جمله بینگها، یکی از مسئولین اصل چهار، علی تنظیم برنامه "کلک" امریکا را چنین توصیف میکند:

"در روانیه ۱۹۴۶، امریکا میدانست که نیتی و آنچه راه در سایر نقاط جهان میگذرد، ندیده بگیرد، که رفاه ایالات متحده وابسته بوجود ملل آزاد و دست در روا را بحران است. مایه تجارت آنها و مواد خام آنها نه فقط برای تانکها و هوپیماهای خود، بلکه برای اتوموبیلهای خود، تلویزیونهای خود، قوه خود، سیگار خود و درواقع برای بسیاری از وسائل آسایش خود احتیاج داشتیم" (۱)

این یک علت در برخایر این چنین توضیح میدهد:

"در مناطق وسیعی از جهان که بنام کم رشد شناخته شده است و قسمت بزرگی از آسیا، افریقا و امریکای لاتین را در بر میگیرد، مناطقی که د سوم مردم جهان در آن زندگی میکنند، مادر رحال باختن نبرد بود یم ۰۰۰ امریکائیها شروع برک این نکته کردند که استراتژی مانیتی و آن فقط منفی و دفعای باشد. مایه از نظر روحی (پسیکولوژیک) دست بحمله میزد یم" (۲)

دین آچسن وزیر خارجه ایالات متحده امریکا روزان ریاست جمهوری ترور و مشاور کنونی کنیدر مسائل مربوط به پیمان اتلانتیک در شرح برنامه اصل چهار ترور و مکیسیون خارجی مجلس سناتر ۳۰ مارس ۱۹۵۰ گفت:

"این فکر توسعه یافته است که مامیخواهیم معادن و کارخانه های بزرگ در کشورهای کم رشد بسازیم. این درست نیست ۰۰۰ مفهوم واقعی برنامه، اتخاذ نهاد بپری برای حفظ امنیت ماست و بد یعنی مخفی سلاح ضروری سیاست خارجی ما محسوب میشود ۰۰۰۰ نکامل اقتصادی متضمن مزایای مادی و عملی ممکن برای ماست و منابع جدید و محصولاتی که مابدن احتیاج داریم و بازارهای جدیدی برای محصولات مزایع و کارخانه های ما، بر روی مأموری خواهد شد" (۳)

وب (Webb) معاون وزارت خارجه امریکا مطالب فوق را در مکیسیون خارجی مجلس سناتر تکمیل کرد:

"طرح کلک جهانی دولت برای تکامل مناطق عقب مانده را نایاب باکلک خیریه مخلوط کرد" ساموئل هایس مشاور مخصوص معاون اقتصادی وزارت خارجه امریکا در توضیح وظایف برنامه اصل چهار گفت: "۰۰۰ در مرور صد و سرماهه نیز برویه مسویات خصوصی تکیه زیادی خواهد شد و دولت در این زمینه نقش کلک و همکار اخواه دارد" (۴)

بالاخره دریخشی که ضمن تقدیم بودجه کمکهای ارجی امریکا مجلس نمایندگان پیش آمد، در جو اب انتقاد ات شدیدی که نمایندگان در برای نهوده مصرف "کلک" کردند، اداره همکاریهای بین المللی جان مطلب رایان داشت و رسماً اعلام کرد که:

"هدف اصلی کمکهای خارجی، کلک بصنعت و کشاورزی امریکا و حفظ امنیت دنیای آزاد"

1,2) *Shirt-Sleeve Diplomacy, Point 4 in Action by Jonathan B. Bingham, New York 1954 p.9*

3,4,5) *The Point 4 Program Edited by Walter M. Daniels, New York, 1951 p. 80-81*

است و توسعه و بهبود اوضاع اجتماعی مالک دیگر جز مقاصد این کلک نیست" (۱) تاچه حد این اعترافات روشن کنندهٔ ماهیت "کلک" امریکاست، میتوان در نمونهٔ ایران مشاهده کرد ایران و "کلک" امریکا

موقیعت چندرسانه‌ای و استراتژیک ایران در خاورمیانه و بیویه همسایگی آن با اتحاد شوروی از یک طرف وجود یک نهضت با سایقه، ریشه در اوپریگ ملی و ضد امپریالیستی که در آن طبقهٔ کارگروحربز وی، حزب توده ایران نقش بر جسته ای ایفا کرده و میکند از طرف دیگر، همراه با منافع عظیم اقتصادی امپریالیستی بیویه در نفت ایران، کشور مراحت‌آهنگ است. امپریالیسم امریکا کرده است. امپریالیسم امریکا باتمام قسوه میکوشد که ایران را زیر سلط خود نگاهدارد تا بتواند نقشه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را بر محلة عمل درآورد. بهمین جهت است که ایران جای خاصی را در برنامهٔ "کلک" امریکا اشغال کرده است.

ایران نخستین کشور خاورمیانه بود که در سال ۱۹۵۰ قراردادی با مازمان اصل برنامهٔ برادریافت "کلک" اقتصادی و فنی "از امریکا امضا گرد. شعبهٔ اصل چهار را برای ایران که اینکه "اداره همکاری ایران و امریکا" نامیده میشود، بزرگترین شعبهٔ "اداره همکاری امریکا با کشورهای خارجی" در خاورمیانه است. از نظر مقدار "کلک"؛ ایران پس از تکمیله مقام اول را در خاورمیانه دارد. "کلک" اقتصادی و فنی "از راه پرداخت بول، وسائل فنی و کارشناسانجام میگیرد. "کلک" نظامی بر اساس قرارداد امنیتی ایران و امریکا (پیمان امنیت متقابل) که در ۶ اکتبر ۱۹۴۷ امضاشد، داده میشود و جزو وقفهٔ کوتاهی که بین زانویه ۱۹۵۰ تا اول ابرil ۱۹۵۲، بعلت عدم تجدید قرارداد از طرف دولت ایران رخ داد (قرارداد ارسال بسال تجدید میشود) همچنان اد امه دارد. "کلک" نظامی بصورت اسلحه و مهمات، پول و مستشار نظامی انجام میگیرد. (۲) اینکه به بررسی مختصات و نتایج "کلک" امریکا به ایران میپردازیم.

چگونه کلک میتواند برای ایران مفید باشد

فرض کنیم که طبق اظهار برنامهٔ ایران، امریکا با قاعدهای خواهد بود قید و شرط "مزایای پیشرفت‌های علمی و ترقیات صنعتی" خود را همراه با مقداری پول در اختیار مانگذارد. ایابانظام اجتماعی موجود ایران چنین "کلک" میتواند در غلبه بر عقب ماندگی و فقره رمیم مانع غیرراساسی داشته باشد؟ آیا چنین "کلک" میتواند به بنیاد گذاری یک اقتصاد سالم و مستقل که اساس استقلال سیاسی است کمک کند؟ مگرنه اینست که علت اساسی عقب ماندگی و فقره رمیم مانع شروع ماتسلسل سرمایه‌خارجی بر منابع ثروت مواد اولیه ایجاد رعیت دارد. مثلاً از این ماست؟ مگرنه اینست که شروت زیرزمینی و تیجه کاربرد زحمتش رمیم باعث آنکه صرف شکال اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی شود، توسط سرمایه داران خارجی و غارنگران داخلی بخارت میپردازد؟ مگرنه همین تسلط و غارت دوگانه است که مانع استفاده از تکنیک نوین و تراکم سرمایه میشود؟ پس چگونه میتوان از "کلک" به پیشرفت اقتصادی ایران و بالابردن سطح زندگی مردم صحبت کرد، بدون اینکه نظام اجتماعی موجود را در هم شکست، بدون اینکه تسلط سرمایه‌خارجی و طبقهٔ حاکمه داخلی را زیبین برد؟ آیا در برنامهٔ "کلک" امریکا کلله‌ای هم در این زمینه وجود دارد؟ اصلاً! بنابراین بفرض اینکه "کلک" امریکا صادقانه هم باشد، درد اساسی را وانمیکند. ولی اگر بد اینیم که این خود سرمایه امریکائی است که بر اقتصاد ماتسلسل است و مانع تکامل سالم و مستقل آن میشود، اگر در نظر داشته باشیم که این خود امریکاست که با پشتیبانی از نظم اجتماعی موجود ایران، حافظ عقب ماندگی و فقره رمیم ماست، آنوقت دیگر صحبت از "کلک" صادقانه در میان نمیتواند باشد، آنوقت "کلک" وسیلهٔ فریبی بیش نیست. و بالاتر از اگر شرایط سیاسی و اقتصادی که همراه با "کلک" امریکاست بنگیریم، آنوقت دیگر "کلک" فقط وسیلهٔ عوایضی هم نیست، بلکه ابزار استعمار

(۱) مجلهٔ گمرک، فروردین ۱۳۳۷، ضمیمهٔ جملهٔ انتقادات جالبی که به نحوهٔ مصرف "کلک" امریکا شد کی هم این بود که "قسمتی از این پولها صرف مطالعه دربارهٔ اخلاق زنان هند و ارسال خیردند ان به کامبوج و فرستادن وزنه بر ایران و خوانندگان و نوازندگان خاورمیانه و ساختن حمام در مانیل شد" است.

The Middle East: A Political and Economic Survey of The Royal Institute of International Affairs, London 1954 p. 386-389 (۲)

نوین و سیله تحکیم و شدید تسلط امپرالیسم امریکا و زیرزم و استه آن در ایران است. بنابراین وقتی از زیان بخش بود ن "کل" امریکا صحبت می‌شود، معمود این نیست که بوسیله این کمکها هیچ کاری انجام نگرفته است و یا، "کل رایگان" را فقط بد لیل اینکه از امریکا "خوشنان نمی‌اید" ، قبول نمی‌کنیم. تردیدی نیست که ماحضرم برای تکامل اقتصادی خود در صورت لزوم از هر کشوری کل بگیریم آنهم کل رایگان! ولی باین شرط که این کل نه فقط استقلال سیاسی و اقتصادی مرا لغظ نند، بلکه تحکیم کننده آن باشد، باین شرط که کل واقعیه پیشرفت اقتصادی و به ایجاد یک اقتصاد سالم و مستقل یاری دهد، نه اینکه مارا بیش از پیش وابسته و محتاج بکل خارجی سازد.

نکته دیگر "کل" نظامی است. آیا برای کشوری که حتی باعتراف خود امریکائیها و محافل حاکمه ایران عقب مانده و فقر است، کل اقتصادی لازم نریست؟ پس چونه است که "کل" نظامی بخصوص دریم کودتا لحظه ای قطع نشده و اعماق افزایشی یا باید، درحالیکه برای دریافت "کل" اقتصادی حتی زمامدار رئیم کود تاباید چانه بزنند والتماس نکنند؟ ایاروشن نیست که افزایش "کل" نظامی، که بهای پیوستن ایران به پیمان سنتو و امضای قرارداد و جانبه نظامی ایران و امریکاست و تیجه اش افزایش اعیوب جه نظامی ایران بوده است، اقتصاد ایران را در چار مشکلات علاج نپذیرکرده است؟ ایا باتوجه به استقلال پایمال شده ما توسط امپرالیستهای امریکایی، باتوجه باینکه سلاح امریکاد اعماقیه هم میهیان مبارز ماراد رهم میشکافد، دیگرسی فربیت "خطر" موهوم تجاوز کوئینس رامیخورد؟ ایاهمه اینها نشان نمیدهد که "کل" امریکا و سیله حفظ ایران بعنوان پایکاه اقتصادی و نظامی امپرالیسم امریکاست و سروصد ادریاره "کل" به پیشرفت اقتصادی ایران و حفظ استقلال ان، دروغی بیش نیست و فقط روپوشی ببروی این مقاصد تجاوز کارانه و استحماری است؟

"کل" امریکا و سیله اجرای سیاست امپرالیسم در ایران است

امپرالیستهای امریکائی و محافل حاکمه ایران بسیار میکوشند که وانمود کنند که "کل" امریکاجنبیه سیاسی ند ارد ولازمه دریافت "کل" از امریکا پایروی از سیاست امریکانیست. ولی واقعیات نشان میدهد که این "کل" دقیقاً تابع "استراتژی" امریکاست، یعنی حفظ ایران در ارد و گاه امپرالیسم. اجرای این استراتژی در ایران، لازمه اش سرکوب نهضت ملی، تحت فشار قرارداد ادن و ساقط کرد ن دولتهای ملی، روی کار اوردن دولتهای دست نشانده و اجرای نقشه های امپرالیسم بدست این دولتهای دست و "کل" امریکا ابزار اجرای همین سیاست بوده و هست.

وبلیا وارن رئیس سابق اداره اصل جهاد راهبرایان در کتاب خود تحت عنوان "میسیون صلح" از قول فریر (Freyer) رئیس سازمان همکاری فنی در خاورمیانه وندیک و افریقایمنیوسد:

"مایا باید برناه خود را در ایران توسعه دهیم، اوضاع در انجاب حرانی است" (۱).

مucchod از این "حران" توسعه نهضت ملی در ایران در در و ران قبیل ایکود تای ۱۹۵۳ بود و طبیعی است که "توسعه برنامه امریکا" در این اوضاع "حرانی" همچنانکه دیدیم فهومی جز اتخاذند ابیری برای جلوگیری از توسعه نهضت نداشت. جنبه سیاسی "کل" امریکا را جمال سیاسی ایران کاملا درک کرده اند. وارن به نارضایتی ایت الله کاشانی دریاره کی "کمکهای امریکا اشاره میکند و از قول وی مینویسد:

"... باید کار اساسی کرد، زیرا در میکنیم متعالی میشوند" (۲).

وارن همچنین جریان یک ازد اکرات خود را باد کتر مصدق در سال ۱۹۵۰ شرح میدهد و میگویند "صدق قاطهارد اشت که فوراً به سی میلیون دلار احتیاج دارد و افزود که: برای شما از اینتر تمام خواهد شد که ۳۰ میلیون دلار حلابد هید تا اینکه برای پارگشت خود بایران مبارزه کنید". وارن جواب میدهد: "این اظهار شما نشانه است که خیال میکنید برناهه کل ماهد فهای سیاسی دارد، در حالیکه اینطور نیست" و مصدق ق جواب میدهد: "ولی اگر خطر هم صایه شمالي نبود، شما اینجا نبودید" (۳).

دکتر امینی هنگامیکه سفیر کیر ایران در امریکا بود طبق گفت:

”کل اقتصادی امریکا به ایران از سال ۱۹۵۷ بعده مساوی بوده که توانسته است از سقوط ان کشور به پشت پرده آهنین جلوگیری کند و در حقیقت بنزله نمای حفظ استقلال ایران شماره بود ۰۰۰ از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۷ دولت امریکا ۲۶۴ میلیون دلار کل بلاعوض ۱۳۰ میلیون دلار وام بدل دولت ایران داده است در مقابل دولت ایران دست از بسطرقی همیشگی خود کشیده و بالا حق به پیمان بخدا که هر ساله ۱۰ میلیون دلار هزینه اضافی برای بودجه ایران ایجاد کرده است پیاست کشورهای غربی نزدیک شده است“ (۱)

و روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۳۹ نوشته:

”کل بلاعوض امریکا که در سال گذشته فقط ۹/۳ میلیون دلار بود، در سال جاری به ۳۳/۱ میلیون رسیده یعنی ۳/۲ میلیون دلار افزایش یافته است. افزایش کمکها بخلاف امور ایکا بایران نشانه شتبیانی امریکا از این کشور از این است که بیان سیاسی و اقتصادی فعلی ایران در جهان آزاد بجاگذشته است. سه برابر نیم شدن کل های بلاعوض امریکا که تاکنون ببسیار بوده است، نمود ارزش حیاتی ایران در دفعه جهان آزاد است.“ (۲)

از این اعترافات که بگذریم، نهود پرداخت ”کل اقتصادی“ امریکا بایران و مقدار آن در درون اینها باختلاف جنبه سیاسی ”کل“ را اشکارتر میکنند.

تایپایان سال ۱۹۵۰ یعنی تا آغاز حکومت دکتر مصدق که امپریالیسم امریکا بدریج نفوذ خود را در ایران توسعه می‌داد، بحلت نفوذ عمیق امپریالیسم انگلستان در هیئت حاکمه ایران وشد سریع شهضیت ملی و دموکراتیک، امریکا ریول خرج کردن محتاط بود، زیراولاً دولتی که مورد اطمینان و کاملاً وابسته بتوی باشد، وجود نداشت، ثانیاً داد و لتهای ایران ”ثبات“ واقعی نداشتند. در این دوران امریکا فقط ۸۰۰ هزار دلار به ایران ”کل اقتصادی“ کرد.

در زمان حکومت مصدق تا وقیکه امریکا هنوز امید سازی ازی داشت (البته بنای اعتراف وارن باز هم تحت فشار دکتر مصدق که امریکا را عاقبت وضع بد اقتصادی ایران میترساند) یعنی تایپایان سال ۱۹۵۲ یک بار مبلغ ۴/۴ میلیون دلار (۳) وارد یگر مبلغ ۴۰۰۰۰ دلار (۴) یعنی رویهم ۴۰۰۰ دلار به ایران ”کل“ کرد. این درست در داد و روانی بود که وضع مالی دولت دکتر مصدق بحلت قطع درآمد نفت و محاصره اقتصادی ایران از طرف انگلستان و ضبط ذخیره ارزی ایران در بانک لندن فوق العاده بد بود. یعنی داد و روانی که ایران واقعاً بکمک احتیاج داشت. اگر امریکا کو اقادار داده خود صادر بود که ”کل“ وی هدف سیاسی ندارد و مقید شرایط سیاسی نیست، ممکن است تقاضای دکتر مصدق در راعملی میساخت. ولی امریکانه فقط پس از چانه زدنها و شدیده هما مبلغ ناچیز ۲۵ میلیون دلار ایطی دوسال بایران پرداخت، بلکه این ”کل“ را در سال ۱۹۵۳ رسماً قطع کرد. قیمه از این قدر بود که در همان سال ۱۹۵۲ امریکا از دکتر مصدق قطع امید کرده و بنای اعتراف آتنوی ایدن نخست وزیر سایق ائلستان در همین سال بین امریکا و انگلستان برای ساقط کردن حکومت دکتر مصدق توافق بحمل آمده بود (۵). نتیجه اینکه دولت امریکا در ریان ژوئن ۱۹۵۳ رسماً به دکتر مصدق اطلاع داد که تا اختلاف بر سرنفت با بریتانیا حل شود و یافنت بیک ارگان بین المللی بیطراف و آنکه از نگردد، دیگر ایران کل نخواهد شد (۶). یعنی دولت امریکا ”کل“ را، بویژه در زمانیکه دولت ایران در مضيقه مالی بود، موكول بسازش برسرنفت یعنی تسلیم بشرایط اتفاقی امریکا و انگلستان کرد. ولی همین دولت امریکا هنگامیکه کود تای ۲۸ مرداد پیروزش داد و دست نشانده شاه - زاده ای با توطئه قبلی وی بر سر کار آمد فوراً (سپتامبر ۱۹۵۳) ۵۰ میلیون دلار بایران کل کرد و قول داد که کل خود را بایهم افزایش دهد (۷).

(۱) اطلاعات هوایی، ۱۳۳۹/۷/۱۰

(۲) اطلاعات هوایی، ۱۳۳۶/۷/۱۰

(۳) گزارش سازمان ملل متحد ۱۹۵۲

(۴) (۵)

The Middle East p. 384

(۶)

The Middle East p. 389

(۷)

(۸) (۹) اخبار ایمنی ۱۹۵۰

(۱۰) (۱۱) گزارش سازمان ملل متحد ۱۹۵۲

پس از استقرار حکومت کودتا، وارن با خوشحالی نوشت: «کوشش رو مخابراتی که مادر بیم توجیه می‌شود زیرا ایران آزاد و مستقل ماند» (۱) . وارن با این اعتراف هم هدف "کک" امریکارافاش میکند و هم از ماهیت حکومت دست نشانده کودتا پرده بر میدارد.

"کک" امریکامیه سود برای مونولیتی امریکائی و عامل حفظ وابستگی ایران است

"کک" امریکا کلک دولتی است یعنی از بودجه دولت امریکا پرداخته می‌شود و سخن دیگر از پسول مالیات دهنده امریکائی است، ولی نفع آن مستقیماً بحسب سرمایه داران امریکائی می‌رود. زیرا این "ککها" یا بشکل ارز برای کک ببودجه دولت ایران است و یا بشکل ورود کالا برای اصل چهار روسازمانهای مختلف دولتی حتی غالباً کلک ببودجه دولت ایران هم با این شکل صورت می‌گیرد که دولت ایران بحساب دولت امریکا مقداری جنس وارد میکند و آنرا در بازار ایران معرفوه شد و بولو را که از این راه بدست می‌آورد برای هزینه های خود بصرف میرساند (۲) . این کالا باید از امریکا خرید اری شود (۳) ، باید با کشته امریکائی حمل گردد (۴) و از عوارض گمرکی هم معاف است (۵) . بدین ترتیب "کک اقتصادی" امریکامیه ای موسیله توسعه بازار فروش و منبع سود برای انحصارات امریکائی است. سودی هم که از راه "کک" نظامی بدست می‌اید مسلم است، زیرا تحويل دائمی اسلحه و مهمات تورکارخانه های اسلحه سازی راهی میشه گرم نگاه میدارد. قسمتی از "کک" نظامی هم صرف ساختن سربازخانه، راه، فرودگاه و بندر رمی‌شود. و ازان جاه این ساخته‌مانهای توسط شرکت‌های خارجی و در درجه اول امریکائی انجام می‌گیرد، باز هم منبع جدید سود برای انحصارات امریکائی بوجود می‌آید. بعنوان مثال میتوان از شرکت موریسن نوتسن نام برد که تنها برای اس-شتن سربازخانه و فرودگاه یک قرارداد از ۷۵ میلیون دلاری با ایران امضا کرده است (۶) .

در برایران منبع سود آشکاره "کک رایگان"! امریکا برای انحصارهای امریکائی تاء مین میکند، چه کار برای ایران انجام می‌گیرد؟ بیفایده نیست نظری ببرخی از اقدامات اصل چهاریند ازمن. یک از مقامات اصل چهاردار ایران برخی از اقدامات این اداره را بشرح زیر توضیح داده است (۷) :

- ۱) توسعه داشتکده کشاورزی کرج
- ۲) تشکیل سازمان ترویج کشاورزی جهت قرارداد اطلاعات علمی و کک فنی بکشاورزان حوزه های روستائی.

۳) احیاء اراضی و ابیاری

۴) اصلاح تزیاد امها و جلوگیری از توسعه امراض بین حیوانات

۵) بهبود غله و بهارزه بالات نباتی و همکاری با وزارت کشاورزی

۶) کک فنی بیانک کشاورزی از نظر مشاوره و تعیین خط مشی وادره امور طرز آموزش افراد

۷) جنگل‌بانی وادره امور مرتع بمنظور حفظ و توسعه مرتع

۸) بهبود پست و ارتباطات تلفنی و کک فنی و مشورتی بوزارت پست و تلگراف

۹) توسعه رشته ارتباط و مخابرات با شهرهای دیگر و کک در نصب سیستم "میکرو دیو" تحت پرروزه مشترک پیمان بخداد بایک سیستم فرعی که برای نواحی مختلفی که در اطراف خط مخابراتی تهران و پاکستان قرار دارد ارزنده می‌روند.

خود اطلاعات هم قسمتی از برنامه های اصل چهارچینی توصیف میکند:

۱) کک به تکمیل باند فرودگاه مهرآباد

۲) خرید وسائل رادیو و سیگنالهای فنی مدرن

۳) اعزام کارشناسان ایرانی بخارج

۴) تهییه وسایل فنی برای مدارس

(۱) مجله گمرک، خرد اوت ۱۳۳۵ p. 308 Mission of Peace

(۲) اطلاعات ۲۸، بهمن ۱۳۳۷ p. 45 Mission of Peace

(۳) (۴) اطلاعات (۵) Wall Street Journal October 59 (۱)

- ۵) تربیت پرستار
 ۶) تجهیز وسائل پلیس
 ۷) اصلاح بنادر، تکمیل وسائل مورد احتیاج بنادر، ساختمان بنادر، تعلیم و تجهیز کار رفند برای بنا
 ۸) دفع ملخ
 بنظر مرسد که با توجه باند امات فوق میتوان تصویرکلی از چگونگی برنامه های اصل چهارید است آورده
 از توجه باین برنامه ها چند نتیجه حاصل میشود :

- ۱) آن عامل اساسی که میتواند و میباید پایه گذاریک اقتصاد سالم و مستقل در ایران باشد یعنی صنعت و بویژه صنایع سنگین، جایشیکالی در این برنامه ها خالی است.
 ۲) توجه عده به راه، فرودگاه، بند رو وسائل ارتباطی است که بیشتر جنبه نظامی دارد.
 ۳) توجه محدود بکشاورزی در واقع بخاطر آنست که کالاهای مورد نیازوارد کنندگان محصولات کشاورزی ایران بهتر و پیشرفتولید شود.

- ۴) سپارای از "کمکها" فقط جنبه "مشاوره" دارد.
 و نتیجه کلی که بدست میآید اینست که در کنار ایجاد منبع سود جدید برای انحصارهای امریکائی و اجرای نقشه های نظامی، وابستگی ایران به امپریالیسم نیز تا عین شده است.

"کمک" نظامی و نقشوتا میران در رسایاست و اقتصاد ایران

موقعیت استراتژیک ایران، امریکائیهاراز همان آغاز دوران جنگ سرد برآن داشت که بر ارشاد ایران دست یابند و این کشور را پایگاه نظامی خود تبدیل کنند. قرارداد جم-آلن که در سال ۱۹۴۷ بتصویب رسید اولین گام جدی در این راه بود که برای خستگین پاریسیه تسلط امریکا بر ارشاد ایران گذاشت. پیوستن ایران به پیمان سنتو و امضای قرارداد و جانبه نظامی ایران و امریکا این نقشه را بطور کامل بمرحله اجراء آورد. امریکائیستهای امریکائی و محاالف حاکمه ایران باتمام قوانوکشند ثابت کردند که اولاً این اقد امات دفاعی است، ثانیاً این "تدابیر قاعع" لازم است، ثالثاً همین کارها بفتح ایران است. بدینمنظور آنها یکوشند که از یکملار مخراجی راکه بر اثریں "تدابیر قاعع" بایران تحمیل شده ناچیز جلوه دهدن، ثانیاً مردم را از خطر و هوهم تجاوز کوئی نیست که پس از امضای قرارداد و جانبه هم جنبه "مستقیم" و هم "غیرمستقیم" بخود گرفته برتسانند.

آیا واقعاً خطری استقلال و تمامیت ارضی ایران را تهدید میکند؟ اگر این خطر وجود دارد از کجاست؟ خطر اینها وجود دارد. ولی امپریالیستهای محاالف حاکمه ایران بیوهود میکوشند تحادر شوروی را منبع این خطر جلوه دهند. بیش از ۵ سال از تشكیل اتحاد شوروی، اولین دولت سوسیالیستی جهان میگذرد. تاریخ جهان طی این دوران نشان میدهد که اتحاد شوروی بناهایت سوسیالیستی خود نه فقط تجاوز کارنیست و نیتواند باشد، بلکه در هر قدر م در هر فرصت از استقلال ملتها و از جمله از استقلال ملت ایران دق کرده است. صرف وجود اتحاد شوروی در همسایگی ایران مانع از آن شده است که دیگر قرارداد ادی نظیر قرارداد آد ۱۹۱۹ که ایران را تهدید میکرد و در کنار همراه ز مردم ایران یکی از عوامل لغو ای اتحاد شوروی بود، تکرار گردد. اتحاد شوروی بر اساس سیاست همیزیستی مسالمت آمیز همیشه خواسته است بهترین روابط دوستانه را با ایران داشته و حقیقتی بارها پیشنهاد انعقاد پیمان عدم تعریض بین ایران و شوروی راکرد. است. این امپریالیستهای اینها استند که داعی بر ضد اتحاد شوروی تحریک میکنند؛ توطئه می چینند و میخواهند ایران را پایگاه ضد شوروی مبدل سازند. غصه ای ایران در پیمان سنتو و انعقاد قرارداد و جانبه نظامی ایران و امریکا بین تین نهونه این توطئه است که علاوه بر سلاح سرکوب تهضیت ملی ایران خود حلقة ای از توشه جهانی امپریالیسم امریکا بر ضد اتحاد شوروی و تمام ارد و گاه سوسیالیسم بشمار میروند.

ملت ایران خواهان بهترین روابط دوستانه با اتحاد شوروی است و میداند که اولین و نیرومند ترین کشور سوسیالیستی جهان پشتیبان واقعی استقلال اوست. ملت ایران با یهیج ملت دیگری هم دشمنی و سرحدگ ندارد. فقط امپریالیستهای اول امپریالیستهای امریکائی هستند که دشمن واقعی ملت ما هستند و هم آنها هستند که استقلال مارا مدت تهاست زیرا گذارده اند. باد شمن بر ضد دوست متعدد شدن، جوهر سیاست

خاندانه شاه و توکران اوست* و همین سیاست خاندانه میهن ماربمرک توطئه و تحریک و بگانوں ماجراهای خطرناک بین المللی تبدیل کرده است. این سیاست نتیجهٔ مستقیم پیروی از سیاست تجاوزکارانه امریکا است که یکی از مصوّلات شوم آن "کلک" نظامی است.

جالب و بحث اموزاینچاست که این ارتضی ۲۰ هزار نفری که با آخرین سلاح‌های مدرن امریکائی تجهیز شده است و گویا باید بکار رفای اراستقلال ایران دفع "تجاوز مستقیم" ببرد ازد، نه فقط تابع فرمان امریکایی‌هاست اینکه یعنی دشمنان واقعی استقلال ایرانست، بلکه تابحال فقط بدفع "تجاوز غیرمستقیم" یعنی سرکوب نهضت مردم پرداخته است. آن اسلحه و مهماتی که از "کلک" نظامی بدست مایا بد و سایر نتیجهٔ متوجه ملت ایران خردیده میشود، تاکنون بارها خون همتوطنان را ریخته است که تنها گناهشان دفاع اراستقلال ایران بوده است. آن ارتضی که با "کلک" نظامی و بامالیات مردم موجود آده، تکیه گاه رژیمی شده است که در فساد و خیانت در تاریخ معاصر ایران بی نظیر است، و سیلهٔ اعمال قدرت دیکتاتوری محمد رضا شاه شده است که در رخیقات و جنایت روی بدرش راسفید کرده است.

نماینده امریکا در اقتصاد ایران ارتقا می‌گیردین "کلک" در سیاست ایران نکسر نیست. "کلک" نظامی امریکا که نتیجهٔ پیروی ایران از سیاست تجاوزکارانه امریکاست، موجب شده است که ایران داعم‌بریده نظامی خود بیفزاید. کشوری که هنوز یک کارخانه ذوب آهن ندارد، هنوزد هفاقانش باسائلهای هزارسال پیش کشاورزی میکند، مردم می‌آزگرسنگی علف میخوردند و در حد آن‌باپسوانند، چنین کشوری بیش از ۴۰ درصد بود جه اشراب‌محارج ندام اختصاص داده است و بقول دکتر امینی فقط برای مخارج ناشی از اضطراب دیرینان سنتو سالانه ۱۰ میلیون دلار باید ببرد ازد. نتیجهٔ این سیاست خانمان‌سوز اینست که بودجهٔ دولت، که خود بحلت عدم اجرای برنامه‌های تولیدی، دچار کبود درآمد است، بر اثر افزایش مخارج نظامی دچار کسر بود جه مزمن شود. این کسر بود جه را دولت هم از راه افزایش مالیات‌های غیرمستقیم، مانند افزایش مکرر قیمت چای، قند و شکر و نفت و خانیات، وهم از راه متوقف ساختن طرح‌های سازمان پردازه وهم از راه قرضهٔ خارجی جیران میکند. نتیجهٔ این "جیران" شدید فقر مردم، جلوگیری از کارهای ناچیز‌تولیدی و سنتگین ترکدن قرضهٔ خارجی است. تازه بازهم کسر بود جه سیران نمیشود، زیرا علت کسر بود جه یعنی افزایش مخارج نظامی، فقدان کارهای تولیدی و وابستگی اقتصادی به امریکا می‌چنگان باقیست. چه کسی از این سیاست زیان می‌بیند؟ ملت ایران! شوت چه کسی غارت میشود و صرف نقشه‌های استقلال شکن میگردد؟ ثروت ملت ایران! چه کسی در این وابستگی اقتصادی و غارت دینفع است؟ امریکایی امریکا و عمال آن! نقشه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی چه کسی اجرامی‌شود؟ امیریکا!

اینست آن "کلک" که امریکا به پیشرفت اقتصاد مامکنند! اینست آن "کلک" که امریکا بدفع از استقلال مامکنند!

نقش کارشناسان اقتصادی و مستشاران نظامی امریکا

مانند تمام مسائلی که منوط بتفوّض امریکایی‌سم در ایران است، آمار دقیق رسمی درباره تعهدات کارشناسان اقتصادی و مستشاران نظامی امریکا درست نیست. ولی مطبوعات خارجی تعداد آنها را تا ۱۲۰۰۰ نزدیم نوشته اند^(۱). شاید همین خیل عظم براي‌نشان دادن اینکه چه کسی بر ایران حکومت میکند، کافی باشد. ولی از تعداد اساسی تر نقش خود این کارشناسان و مستشاران است.

قبل از هرچیز باید دانست که همان‌طوره که طرح‌های اقتصادی ناشی از "کلک اقتصادی" امریکا باید بتصویب وزارت خارجه امریکا و نقشه‌های نظامی ناشی از "کلک" نظامی امریکا باید بتصویب وزارت جنگ امریکا بررسد، کارشناسان اقتصادی اصل ۴ نیزد ارایه مصوّبات سیاسی و تابع وزارت خارجه امریکا^(۲) و مستشاران نظامی تابع وزارت جنگ امریکا هستند. حتیً بیان امنیت مقابل، دولت ایران بدون رضایت دولت امریکا حق ندارد در امور نظامی با مختصین سایر دولت وارد مذکوره شود^(۳). بدین ترتیب سئوگ بنای "کلک"

(۱) International Affairs June 1963 Moskow p. 99

Middle East p. 389 (۲) Mission of Peace p. 45 (۳)

امريکا بانقضی استقلال میباشد و اقتصادی ایران گذاشته شده است . در پیشترین وزارت خانه ها و مرکز دارند و لتوی دفترهای تعاونی از طرف اصل چهارتشکیل شده است (۱) و تقریباً راتام و سسات دولتی " کارشناسان اقتصادی " امریکائی کار میکنند . همینها هستند که دقیق ترین اطلاعات را در اوضاع اقتصادی ایران در اختیار دارند ، همینها هستند که طراح اصلی نقشه های اقتصادی و نظرات کنندۀ واقعی اجرای این طرحها هستند . با توجه پاینده این کارشناسان اقتصادی تابع وزارت امور خارجه امریکائی هستند ، آیاتریدی میتواند وجود داشته باشد که آنها در ستور روسای خود را اجرا میکنند نه روشنای ایرانی را ؟ و با توجه به اینکه وظیفه اصلی این کارشناسان حفظ منافع اقتصادی امریکاست ، آیاتریدیدی میتواند وجود داشته باشد که اقدامات آنها بایض مرکز منافع اقتصادی ایرانست ؟

علاوه بر این اصل چهارپایه اعتراف وارن ، پنهان و آشکار در سیاست ایران نیز خالت میکند و بسویه د رتر ارک کودتا ۲۸ مرداد نقش بوقوع زد آشته است . بعنوان نمونه میتوان ارقام عالیت خود وارن وارد شیر زاهدی که در سال ۱۹۵۳ معاون اداره اصل چهارپایه کرد . ارد شیرزاهدی که در روابط بین کودتا - چیان و امریکائیها بود ، بسویه از موقعیت خود در اصل چهارپایه استفاده میکرد . کارفالیت جاسوسی و توطئه گشرا ارد شیرزاهدی بجایی رسید که طبق اعتراف وارن دکتر مصدق بیو گفت : « ارد شیرزاهدی نباید در اصل چهارپایه کرد ، زیرا اواز موقعیت خود برای مقاصد میانسی استفاده میکند » (۲) . وارن ارد شیرزاهدی را بعنوان مرخصی بد ون حقوق ظاهر از اصل چهارپایه خواهم بود . « بدین ترتیب من با اصل چهارپایه میتوینم وی باز هم اعتراف میکند که ارد شیرزاهدین گفت : بسخن دیگر اصل چهارپایه میتوینم وی علاوه بر سلطه بر شرایط اقتصادی ایران ، بعنوان یک سازمان جاسوسی و توطئه گرانه در امور داخلی ایران و برضد ولت ایران دخالت کرده اند » .

وضع مستشاران نظامی از اینهم روش تراست . فرمانده واقعی ارشاد ایران آنها هستند . وهمانها هستند که از یک طرف ارشاد ایران را برای اجرای اینکه های استراتژیک امریکا بشعبه ای ارزوارت جنگ امریکا مدل کرده و از طرف دیگر همین ارشاد را وسیله سرکوب نهضت مردم ایران ساخته اند . وقتی سرلشگر زاهدی در خانه یک مستشار نظامی امریکائی پنهان میشود و از همان خانه پاتانک برآید و میمورد وکودتا خود را عملی میسازد ، وقتی دستگاه جاسوسی و تحریریتی سازمان امنیت زیرنظر مستقیم مستشاران امریکائی فعالیت میکند ، بخوبی میتوان معنی " کمک " را که بصورت " مشاوره " انجام میکردد ، فهمید . کارسلط کارشناسان و مستشاران امریکائی بر تمام ششون حیاتی میمین ماجایی کشیده است که حتی مجله تهران مصوّر هم در ۱۳۳۷ نوشت :

« ... دوهفته پیش از این اصل چهارپایه ایران اعلام داشت که در سال جاری میمیزان کمک امریکا باید ولت ایران افزوده خواهد شد و در ضمن مردم داد (۱) که این کمک نقدی نبوده و تمام ان مساعدت های فنی (۲) خواهد بود . حتی یک دلار هم نقد کمک خواهند کرد ، بلکه معادل تمام مبلغی که بعنوان بودجه اصل چهارپایه ایران تخصیص داده اند ، کارشناسان (۳) و مستشاران متحمیل خواهند فرمود . ا جناب دالمن نمایند اند که ملت ایران بمستشار خارجی (اهم از هر ملت که باشد) که از هر چیز دیگری نیازمند است . اکثریت قریب باتفاق مردم خاور میانه و اسیاگریسته و پرهنجه اند . این عده بچیزی که بیش از هر چیز نیازمندند ، خوارک و پوشان است . بچنین مردم کارشناس و مستشار تحولی دادن حکم نکه بی خم پاشیدن است . از طرف دیگر مسلمان اجناب دالمن نمایند اند بجزگیرین عده ای که بر دل مردم بعضاً از کشورهای خاور میانه و نزد یک نشسته است همانا هجوم بی اند ازه و قوریمحد و حصر همینگونه مستشاران امریکائی است . مردم وجود این مستشاران و کارشناسان صاحب رای و صاحب اختیار را مانع استقلال و حاکمیت می خود میشناسند و عقیده دارند که اینهمه مستشار و کارشناسان که در راد ارات و وزارت خانه ها و سازمانهای کشورخنگ کرده و هر روز برتعداد و میزان نفوذ و اختیارشان افزوده میگردند بهیچ طریقی با حاکمیت ملی یک ملت استقلال طلب مطابقت ندارد ، زیرا اینها همه مشیرند و نه مشار و همه صاحب اختیارند نه مستشار (۴) .

(۱) اطلاعات ۱/۹/۱، ۱۳۳۹

(۲) Mission of Peace p. 117

(۳) ۱۳۳۷

(۴) تهران مصوّر ، ۳ بهمن ماه ۱۳۳۷

"کلت" چگونه انجام می‌گیرد

صحبت فقط برسارین نیست که "کلت" امریکا قادر مفهوم واقعی کلت است و هدف حفظ تسلط سیاسی و اقتصادی امریکا در ایران می‌باشد. نکته جالب اینجاست که حتی قسمتی از این "کلت" هم باهمین مختصات شیخ و میل می‌شود و بهد رمیده. اینجاد یک فساد طبقه حاکمه ایران و ایران امریکائی اینها نقش بازی می‌کند. خوان یعنی این است که هر کس دستور رسید سهی ازان بر میده ارد. فراموش نماید که قسمتی از دزد پهنهای کلانی که این روزهاد را تشیوه ادارات دولتی کشف نمی‌شود، از پولهای اینها است که از جانب ارباب میرسد. ولی پیشتر است بدک از این خود "محاذی یعنی" داراین باره سخن گویند.

ارسان خلعتبری زمانی در مجله‌سکفت : "مامجزه‌هستیم نصف ان کمکهای را به ارتش می‌شود صرف مخارج اتوموبیل و سارپوسائل مستشاران امریکائی بگذشیم" (۱) یکی از استورهاد مجلس سنای گفت : "۰۰۰ ما از اصل چهار ناظران نتیجه ای نمی‌گیریم. صریح‌اعرض می‌نمی‌که از ۱۳۰-۱۴۰ میلیون دلاری که اصل ۴ خرج کرده است نصف صرف امریکائیها شده که حقوق گزار و برخلاف حق می‌گیرند وصالح هم نیستند ولی این پول بحساب ملت ایران گذاشته می‌شود" (۲).

۰۰۰ وینوت که از سال ۱۹۴۱ تا سال ۱۹۴۶ مدیرکل اداره میاه در ایران بوده است ضمن مقاله‌ای در روزنامه وال استریت جورنال نوشت : "دلارهای امریکا که برای کشورهای خاورمیانه فرستاده می‌شود (که تحت کنترل مالکین بزرگ هستند) به چوچه کمی بر مود م فقیر ممالک مورد بحث نمی‌کند ۰۰۰ دلیل اینکه کمکهای ماتم می‌گیری در حال مود فقیرند ارد اینست که این دلارها وقتی از امریکا می‌آید بجیب شروعند ان که اختیاجی بکلت ندارند می‌روند" (۳).

برنارد من وان رسلر عضو اداره همکاریهای اقتصادی واد ار امنیت مشترک امریکا و بارز سکمیه (۴) که از طرف سنا امریکا مأموریت انجام کمکهای خارجی را داشته پس از سفرت با ایران در گزارشی که سنا ای امریکا داده در باره وابخیزی های ما (میان امریکائی بخصوص وارن چنین مینویسد) "جزد رمود کمکهای خارجی بیندرت نظیر وابخیزی که وارن در ایران کرد" دیده شده است. وارن بله‌ی از این پول را صرف مخارج لازم و قید کرد ولکن علاوه بر مخارج ضروری بمالی نیز برای مصارف خارج از زیرنامه خرج کرد. وارن در این کار خود بیش از ۴ معاون در ۱۰ اداره ای که محل کارش بود، درست کرد. یکی از این ادارات ۳۵ اتوموبیل و ۴ رانندۀ برای که منشی‌ها پیش‌خود مت هاهم جزء انسابود ند، "احتیاج داشت" (۵) بازرسان دیوان محاسبات عمومی که برای بارزی ادارات امریکائی با ایران امد ند رگزارش خود نوشتند که "ماشین الات کشاورزی در بعضی از نواحی وجود داشت که مود استفاده قرار نمی‌گرفت و مقام مسئولی هم نبود که آنرا بناهیه دیگر ارسال دارد" (۶).

جیمس فولتن نماینده پنسیلوانیا در مجلس نمایندگان امریکا ضمن سوال از بازرس‌کل امور مالی دولت گفت : "بی تعارف و بود نایستی گفته می‌شود که متباور از انصاف و جوهوی که مود امریکا به اداره همکاریهای بین المللی پرداخته اند، در ایران بهد رداده شده" (۷).

البته نگرانی مقامات امریکائی و محاذی حاکمه ایران در باره این نیست که چگونه از اه "کلت" امریکا استقلال سیاسی و اقتصادی ایران ازین رفته و زندگی مود اینکشورد سخوش نابسامانی شده است. نگرانی آنها در باره "بدی" مصرف کلت "در راه همان مقاصد شوون" است که از ماهیت "کلت" سرچشمه می‌گیرد. ولی اینکه ضمن ابراز این نگرانی، فساد و بی‌لیاقتی ایران و نوکران، هرد و فاش می‌شود، قابل توجه است.

چه داده اند و چه گرفته اند

در باره مقدار "کلت" امریکا، مانند ارقام کارشناسان و مستشاران امریکائی آمار دقیق دارد است. حتی مجله تهران صورت‌گر می‌شود که محاذل دولتی مقدار "کلت" امریکا "سری" نداشید از اند" (۸).

ولی روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۳۳۹/۹/۱ مجموعه "کلت اقتصادی و نظامی" امریکارا به ایسرا

یل می‌لیارد لا ریعنی ۷ لیلیارد روای نوشته که بشرح زیر تقسیم و مصرف شده است :

(۱) کهیان، ۸ مارس ۱۹۵۸ (اطلاعات، ۵ بهمن ۱۳۳۶)

(۲) کهیان، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۳۷ (۴۰۵۰۷ تهران صبور، ۲۷ بهمن ۱۳۴۰)

کمکهای اقتصادی	امور فنی و صنعتی
اختصاص به اعتبارات صندوق و امehای عمرانی	کمکهای فوری
کلک به وامها و اعتبارات باشک صادرات و امور وارداتی	کلک متفرقه تولیدی و عمرانی
کلک سال جاری	کلک نظامی
	با مقایسه با سایر مدارکی که در دست است بنظر میرسد که رقم روزنامه اطلاعات تاسیس ۱۳۳۹ درست باشد. حال باید دید که در برای این يك میلیارد دلار "کلک رایگان" چه نفعی عاید امریکا شده است.

قبل دیدیم که چگونه همین "کلک رایگان" منبع سود برای انحصارهای امریکائی است. ولی فرض میکنیم که از خود این يك میلیارد دلارهیچ نفعی عاید امریکا و انحصارهای امریکائی نشده باشد. یعنی این "کلک" بکلی "رایگان" باشد. این يك میلیارد دلاری دهسال به ایران پرداخت شده است. یعنی این بطور متوسط سالی ۱۰۰ میلیون دلار. اگر سهم کنسرسیوم را از دنست سالانه بطور متوسط ۲۰۰ میلیون دلار فرض کنیم (که از این مبلغ حتماً بیشتر است) پایتیجه پایینه شرکهای امریکائی ۴۰ درصد سهام کنسرسیوم را را خاچیار اردند، نتیجه میشود که امریکائیها بطور متوسط سالانه ۱۰۰ میلیون دلار از نفت ایران سود میرزند یعنی درست برآورده که میکنند. و از ۴۰ تا ۱۹۰ تا ۱۹۶۲ تقریباً ۸۰۰ میلیون يك میلیارد دلار از خود "کلک رایگان" را پس گرفته اند. باین مبلغ سود تجارت نامتساوی، سود سرمایه گذاری در بانکها و معادن و سایر رشته ها، سود قرضه ها، حق العمل کاری در سازمان برنامه، حقوقهای گراف کارشناسان و مستشاران و دزد یهاؤ سواؤ ستفاده هارا اضافه کنید تا منظمه ای از این "کلک رایگان" در برایران مجسم شود. البته این فقط جنبه مالی قضیه است. تبدیل ایران به یگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی امریکالیسم امریکا که خود بوجود آورده، ثبیت کننده و تضمین کننده این سود هاست اهمیت اساسی ترید ارد. بنظر میرسد که پرداخت يك میلیارد دلار برای دیگر ریافت چنین ثروت عظیمی معامله بدی نیست! فقط گستاخی میخواهد که نام این معامله بی نظیر را کلک رایگان به پیشرفت اقتصادی و دفاع از استقلال ایران، بنامند.

نتایج کلک امریکا از این محاذل امریکائی و واپستان بزریم کودتا

بیش از ده سال از "کلک اقتصادی" امریکا بایران میگذرد. منظمه ای که اینک از اقتصاد ایران در برای انتظار مردم ایران وجهان قرار ارد فقر، بیکاری، گرانی، بحران و ورگشتنگی اقتصادی است. بیش از ده سال از "کلک" نظامی امریکایه ایران میگذرد. منظمه ای که از سیاست ایران در برایران انتظار مردم ایران و جهان قرار ارد دیگاتوری، فقدان بدیمیش ترین ازادی های اجتماعی و خطر تحریک و توطئه بر ضد صلح جهانی است. این هر دو منظمه را مردم ایران و بیوهه پیشگامان وی از همان آغاز می دند، زیرا همیت تجاوز کار و غارگیر امریکالیسم امریکا میشناختند وهم از سرشت فاسد و خیانت پیشنه طبقه حاکمه ایران بسرگردگی شاه اگاه بودند. آنچه که اکنون دیده میشود فقط تایید حقیقت تلخی است که قابل پیش‌بینی بود. بدینجهست بیفایدند نه انتیم که نتایج "کلک" امریکا از این آنکه بینیارند از مردم اتفاق این "کلک" بودند و هستند بشنویم تا اگر خود شان درس عبرت نمیگیرند! لائق سندی برای حکومیت تردید ناپذیرشان باشد.

مجله تهران مصود را در ۱۳۳۷ درباره هدف امریکا "کلک" نوشته:

"... سیاست مقدار امریکا هدف اصلی خود را عوض کرد و فقط از جنبه های نظامی و استعماری مسورد توجه قرار داده است. استعمار غرب در لباس دستی و غخاری و بهانه بالا بردن سطح زندگی مردم مناطق عقب افتاده، هرجه زمین شناس و متخصص نظایر و بعدن یا است بنام کارشناس فنی و عمرانی بکشورهای کوچک خاورمیانه گسیل داشته است برای آنکه هدف استراتژیک خود را رجمند احتمالی آینده معلوم و مشخص ساخته و علاج واقعه را قبل از وقوع کرده باشند. این طرز تکرر رحقیقت اختصاص به امریکائیهاد ارد که در دوستی حاضر نیستند کوچکترین فد اکاری را تحمل کنند و کلیه مسائل را ازد بیچه منافع مادی و شخصی خود مینگرند.

امیرکاموازات افزودن کمکهای نظامی بکشورهای خاورمیانه کمکهای اقتصادی خود را تقلیل داده بدون انکه در نظر گیرید هرچه کمک اقتصادی تقاضی یابد سیاست ان کشورها هدف اصلی ظاهراً که جلب قلوب مردم خاورمیانه است، در وحده افتاد "(۱)"

تهران مصوب ۱۳۲۷ آفریود :

۰۰۰ متاجوزاره هسال است که دولت امریکابنام مبارزه با کمونیسم صحنه سیاست و اجتماع خاورمیانه و نزدیک راجولنگاه تاخت و تاز خود قرار داده است. اگر کمکهای اینه بحق منظور نوشته های آن دولت دقیق شوون در عیین هدفهای امریکا یا هیچگاه ازد و موضوع اساسی که اول استفاده از منابع نفتی خاورمیانه و دوم تهییه پایگاه و تحويل کارشنا میباشد، خارج نبوده است. بقیه اینچه کرد ه بایورد و اینچه را که و ادعای نموده خلاف حقیقت است. هرچه را که در دستی و علاقه بعلت‌ها بزبان اورده اند همه من با باتعارف بسویه است. ولی همه و آنچه را که بنام کمکهای امالی و اقتصادی اهدانهوده اند همه بمنظور سطح نفوذ و سلطه است. استعمالی خود شان بوده است و میان ۰۰۰ دولت امریکا هر روز کوشش کرده است بطریق "اشغال مسالمت آمیز" خاورمیانه و نزدیک راتحق بخشیده و کاهی با پیشکش کردن مشتی د لار (آنهم دلراهی که مانند خانه زاد هنوز سفر نکرده بوطن باز میگردد) و زمانی باتانه سیس اداره اصل چهار رخنه در دستگاههای دولتی و تنفس اجتماعی پرداخته و مظنویه نهانی خود را بدینظریق بحد اکثر توانی میکند "(۲)"

ارسان خلعتبری درباره "کمکهای امریکا" در مجله ملجمیگفت:

۰۰۰ من از دولت امریکاخواهش میکنم که برای یکباره شده در کمکهای اقتصادی خود به ایران و نحوه استفاده از آنها نظرمود ایران راه موردن توجه قرار دهد. به صورت من معتقد که تا حال کمک اساسی و قوی از طرف دولت امریکابایران نشده است و بیشتر کمکهای هم که شده صدر صدق پنجه ما نموده است ۰۰۰ اصل چهارچوتی در مرور مالار یا بهم کاری نکرده. اگر کمک از این قبيل است بهتر است اصلاح کمک اقتصادی بمانند ۰۰۰ کمکهای نظامی که امریکابماکرد ه است در مقابله و پراپر خرج جایگز استه است "(۳)"

مجله گمرک که یک مجله رسمی دلتی است درباره نتایج "کمک" امریکانوشت: "کمک" امریکا نمیکند "۰۰۰ اگر کوشم که

امیرکا قسمت عده ای از مجموعیت خود را با امام پر نامه کمک ازدست داده است، خطایقتنه ایم "(۴)"

ل ۰۰۰ وینتو سابق باز کرتا گردید که: "۰۰۰ باید یکوشم که پر نامه های اداره اصل چهار امریکا در ایران با انکه از هرچه و کاملاً بوسیله د لارهای امریکا تقویت شده و میشود باشکست و حشتناکی رو ببرو شده است "(۵)"

وال استربیت جوتنال ارکان انحصارهای امریکائی مجبور شد اعتراف کند که: "۰۰۰ نحوه فعالیت امریکا بسیاری از ایرانیهار اعصابی کرد ه است "(۶)"

و بالاخره حتی هری بزن یکی از بوی اسای اصل چهاردار ایران طی نطقی که در ۱۴۲۴ ارد بیمهشت ۱۳۲۷ در باره فعالیتهای اصل چهاردار ایران در نجمن ایران و امریکا ایجاد کرد گفت: "۰۰۰ اذاعان دارم که روشنای اصل چهار در گذ شده و مرتکب اشتباهاتی شده اند. ولی مجموع اشتباهات انها قابل اغراض بوده است زیرا کسی اشتباه نمیکند که کار نمیکند "(۷)"

این اعترافات برای نشان دادن ماهیت و نتیجه "کمک" امریکابایران باند ازه کافی کویاست. ولی در اینچه که گویام بوط نه "اشتباه" امریکائیهای است، باید خاطرنشان ساخت که ملت ایران این "اشتباه" را اذاعان ای پریالیسم امریکا میداند. و بهمین جهت با سیاست ای پریالیستی امریکا بهر شکلی که در آید و از آن جمله با "کمک" امریکا اخالله است و برای رفع این "اشتباه" که همراه با اینین بردن تسلط ای پریالیسم امریکا در میهن ماست، مبارزه میکند "۱۳۴۲

(۱) تهران مصوب، ۸ آذر ۱۳۲۷

(۲) تهران مصوب، ۱۵ ارد بیمهشت ۱۳۲۷

(۳) کیهان، ۸ مارس ۱۹۰۸

(۴) کیهان، ۳۰ اذر ۱۳۲۷

(۵) Wall Street Journal ۹.۷. ۱۹۵۹

(۶) کیهان، ۲۴ ارد بیمهشت ۱۳۲۷

(۷) کیهان، ۸ مارس ۱۹۰۸

نکاتی چند در پیرامون

درآمد ملی، توزیع و استفاده نهائی از آن در ایران

ضعف بنیاد قتصادی کشورهای کم رشد در سطح پائین درآمد ملی سرانه این کشورها منعکس میشود. از اینجاست که این کشورها افزایش سریع درآمد ملی را اولین هدف اقتصادی خود قرارداده و برای نیل با این هدف کوششها از خود نشان میدهند. پائین بودن سطح درآمد ملی موجب فقر و تنگستی بشیش از حد مردم این کشورها و نیز رشرابط سرمایه داری کی از اشکالات اساسی در راه پیشرفت سریع تولید و مبارزه با عقب ماندگی اقتصادی این کشورهاست. جدول شماره (۱) بخوبی وضع اسف آفرینش کشورهای کم رشد را نسبت به غنی‌ترین کشورهای سرمایه داری نشان میدهد.

(۱)

درآمد ملی سرانه در بعضی از کشورهای
کم رشد و ایالت متحده امریکا (به دلار)

نام کشور	سال	درآمد سرانه	نسبت با ایالت متحده امریکا %
اندونزی	۱۹۵۷/۰۸	۴۰—۶۵	۱/۸—۲
پاکستان	۱۹۵۷/۰۴	۵۲/۳	۲/۴
هندوستان	۱۹۵۷/۰۱	۵۷/۸	۲/۷
مصر	۱۹۵۷/۰۸	۱۰۸/۱	۵/—
ایران	۱۹۵۷/۰۱	۱۲۴/—	۵/۷
ایالات متحده	۱۹۵۸	۲۱۴۴/۹	۱۰۰/—

کشورهای کم رشدی که بر حسب ترتیب طبقاتی هیئت‌های حاکمه خود و تناسب نیروهای طبقاتی راه سرمایه داری را پیش‌گرفته اند، اگرچه عقب ماندگی اقتصادی کشورهای خویش را زاییده تسلط امیریا لیسم میدانند و کم ویژه به نفس منقیب نیروهای اجتماعی داخلی نیز معترف هستند، ولی پیکم مدد و دیت جهان بینی خود که زاییده موقعیت طبقاتی آنهاست، بمنفس عوامل تحریم کنند. رشد اقتصادی کشور چنانکه باید توجه نداشته و از این راه صد مات زیادی به پیشرفت سریع و همه جانبه اقتصادیات کشور وارد می‌سازند. چنین وضعی در کشوری مانند ایران، که ظاهرًا صاحب استقلال سیاسی است ولی در عمل حتی از کشورهای نیز باز پس مانده است، بیشتر چشم می‌خورد.

قضایت مختصین سرمایه داری معقولاً چنین است: علت بلاواسطه اقتصادی، که پائین بود سطح درآمد ملی سرانه ناشی از است، پائین بودن سطح بازده کارمیا شد، که این خود زاییده ضعف صنعت و سطح پائین تکمیل در رشتنهای اقتصادی است. بدین جهت برای افزایش درآمد ملی سرانه با پیست بازده کارابا الابد و بمنظور افزایش بازده باید سطح تکمیل را رتفا داد و امیری ارتعاع سطح تکمیل می‌بایست مبالغه‌گذاری نمود که این خود بد ون افزایش درآمد ملی امکان پذیر نیست. بدین ترتیب برای افزایش درآمد ملی بایست به درآمد ملی افزود!

چنین قضایتی از نظر مفاهیم خالص اقتصادی و جریان‌اضی مطرح شود علت و معلولی رهم می‌آمیزد و چنان حلقة مسد وی بوجود می‌آید که خروج از آن غیرممکن بنتظیر می‌رسد. مختصین سرمایه داری این حلقة مسد د را "حلقه سمحور" مینامند و برای شکستن طلس این حلقة چنان راههای پیشنهاد مینمایند که از طرفی به وابستگی هرچه بیشتر اقتصادیات کشور از انصصارهای خارجی منجر شده و از طرف دیگر شکسته است. استثمار توده ها

زحمتکش خاتمه می‌پاید. بعیده این متخصصین از آنچاکه منابع داخلى کشور برای تأمين آهنگ ضروری افزایش را مدد ملی کافی نیست یعنی منابع داخلى امکان خروج از "حلقه مسحور" رامیسرنیمسازد، با استفاده از وامها و "کمل" های خارجی، افزایش مالیاتها و ایجاد تغیر صنعتی وغیره باید وسائل لازم برای سرمایه گذاری و لذا افزایش را مدد ملی و ملا خروج از "حلقه مسحور" بست آورد.

چنانچه سازمان برنامه ایران که برای تأمين شش درصد افزایش سرانه دارد ملمسی باکسر اعتبار رومروست، توصل بوسایل فوق الذکر را توصیه مینماید: "چنانچه نتوان منابع مالی جدید ۰۰۰ تأمين کرد رشد مود نظرد را مدد ملی غیرقابل حصول خواهد بود. علاوه بر امکان صرفه جویی بیشتر رهیزنه های غیر عمرانی ازد و منبع اساسی استفاده نمود که یکی و ماهما و کمل های بالاوض خارجی است و دیگری ازد باد پس اند ازد ولت از طریق مالیات برنامه عمرانی سوم ایران" (صفحه ۱۴) تنظیم کنند کان "گزارش" حتی پافراتنها در ویرای حل "مسئله درآمد مدد است بد امن کشیش انگلیسی، مالتوں شده، جلوگیری از اند یاد نقوص را از شرایط ضروری دانسته اند". ۰۰۰ هرچه رشد جمیعت یک کشمکش را مدد وجود کشور بعد از کمتری قابل تقسیم بود و بینابران درآمد سرانه بیشتر خواهد بود" ولذا " ۰۰۰ کاملاً بجا خواهد بود که اهمیت و لزوم تحدید والاید برای عامة مرد م تشریح شود و ضمن برنامه های اجتماعی کشور مود توجه قرار گیرد". (همانجا، صفحات ۲۲-۲۳) برخی نیزکه بسائل اجتماعی توجه کمترد اشته و در حل مسائل اقتصادی ساخت اجتماعی را انتظار د ورید ازد، بخرد کاری پرداخته و با جمیع وغیری چند رقم میخواهند مسائل مربوط بد را مدد ملی و اند وخته را "حل" نمایند. اینان با استفاده به پرکره های مربوط بد را مدد ولت ازانحصارات و حقوق وعارض گمرکی و غیره میخواهند کسری درآمد ولت راجبران نمایند و حال آنکه افزایش این قبیل درآمد را مدد دانسته بزیان توده های زحمتکش و صاحبان تولید منجر میشود (۱). چنانکه افزایش بی حد درآمد ولت از حقوق وعارض گمرکی که راید سیاست ضد ملی "در راهی باز" بود لطفات شدیدی با تقدیر و مالیه کشور وارد آورد. بعلاوه حقوق وعارض گمرکی و همچنین بخشش کلانی ازد را مدد های انصحصارات دانسته از صور مالیات های غیرمستقیم بوده و پرداخت کنندۀ اصلی و معدۀ این نوع درآمد های دانسته تبدیل زحمتکشان میباشد. حل بخوبی اند وخته بوسایل ازاین قبیل بمعنای ندیده گرفتن حقایق بنفع غارتگران داخلى و بزیان زحمتکشان خواهد بود.

در اینجا هدف ما حل مسائل مربوط بد را مدد ملی، توزیع، مصرف و اند وخته نبوده، بلکه منظور طرح شماتیک این مسائل وشنان دادن حدود امکانات داخلى ایران از نظر منابع مالی آن میباشد. حل مشخص این مسائل بطوریکه بتواند پایه عمل قرار گیرد بدن و برسی عمق و تکیه به آمارهای دقیق ممکن نیست. تاکتون برآورده که ممکن است برآقام دقيق اماری باشد ازد را مدد ملی ایران نظری انقادی بر ارزیابی انجام نگرفته و ارقام منتشره همگی جنبه تخمین و تقریب داشته است. مدت تراست از از طرف بانک ملی و سپس بانک مرکزی ایران برای محاسبه دقیق درآمد از درآمد ملی ایران هیئت عامل بانک مرکزی ایران بد وین مجمع عمومی سالانه بانک (۱۳۴۱) بر میآید دارای ندیده دزآمد ملی ایران از طریق "تولیدات ملی" نیز محااسبه خواهد شد. چنانچه چنین برآورده های دیده قیمه هم ازد را مدد ملی ایران بعمل آید، از آنچاکه اقتصاد بین مردمایه داری تصویر غیرعلمی ازد را مدد ملی دارند، شیوه های امارگیری آنان نیز نادرست بوده و بهر حال ارقامی درست که با واقعیت توافق داشته باشد، بدست نخواهد آمد. برای تعیین درست و واقعی دارآمد ملی بیش از همه باید در ک درست و علمی از آن داشت.

درآمد ملی عبارتست از آن ارزش نوشتی که جزئی از محصول اجتماعی بوده و در حد ت زمان میبین (بوسیله کار مولد جامعه) تولید شده باشد این تعریف نه تهیه را مدد ملی را اهمچون مقوله اجتماعی و اقتصادی در روابطگشی آن با تجدید تولید نشان میدهد، بلکه در عین حال پایه های علمی برای یافتن شیوه های علمی (۱) در اینجا نظر نظر میگیریم دارای حقایق صادرات نیست، بلکه افزایش حجم دارآمد های گمرکی از طریق افزایش بیند واردات، آنچیز که در ایران گذشت، محدود نظر میگیریم.

برآورد آن نیز بدست میدهد.

اولاً، درآمد ملی جزئی از محصول اجتماعی است و یا بطور دقیقت آن بخشی از محصول اجتماعی است که بتاریگی تولید شده و شامل ارزشی که نتیجه کارگذشته است، نمی‌شود. کارگذشته بصورت ارزش مواد اولیه، نیم ساخته‌ها، سوخت و انرژی، مخارج فرعی، استهلاک ایندیه و ماشین آلات و ابزار وادوات در ارزش محصول اجتماعی شرکت مینماید. درآمد ملی عبارت خواهد بود از محصول اجتماعی پس از کسر ارزش کارگذشته آمارگران سرمایه داری نیز برآورد درآمد ملی باین قسمت توجه داشته و رقالب اصطلاحات و مفاهیم دیگری ارزش کارگذشته را از محصول اجتماعی کسر مینمایند. لذا در اینجا احتیاجی به توضیح بیشتر نیست(۱).

ثانیاً، درآمد ملی زاید کارگذشته را از محصول اجتماعی کسر مینماید. لذا در آن رشتہ های افعالیت انسانی ایجاد می‌شود که مروط پتویلند نعم مادی باشد. یا بطور مشخص درآمد ملی در رشتہ های صناعت، کشاورزی و ساختمان، نقیله و ارتباطل و بازرگانی تولید می‌شود. لذا، هر کاری، اکچه آن کار مفید هم باشد و درآمدی نیز برای صاحب کارهای داشته باشد، مادام که در رشتہ های تولیدی شرکت نمی‌نماید، نمیتواند منبع درآمد ملی باشد. اقتصاد یون سرمایه داری درایمود نظرکاران ملاد پیگرد ازد و آنان هر کاری را اعم از کارگولد و پایغیرمولد، منبع و مجدد درآمد ملی می‌شناسند. بعید آنها هر کس که بکاری اشتغال دارد و این کاریخوی ازانحاً منبع درآمدی برای او باشد در تولید درآمد ملی شرکت کرد و درآمد اوجزی است که باید بد درآمد ملی اضافه شود. ازینجاست که بنابعدی آنها کارمندان ان شکری و کشمری، وکیلی و ادگستری و پژوهشگر، ارایشگر و حمامی نیز (با اصطلاح کارکنان بخش خدمات) در تولید ملی شرکت کرد و درآمد آنها همراه با درآمدی که در رشتہ های تولیدی حاصل می‌شود جمععاد را درآمد ملی را بوجود می‌آورد. یعنی درآمد ملی عبارتست از مجموع درآمدهای تمام طبقات و قشرهای جامعه. بیچنانیست تعریفی که سیمون کوزنتز مخصوص مشهور امریکائی از درآمد ملی نموده و بدول معروف او مورد استفاده سازمان برنامه ایران قرار گرفته است که اشاره گردید. بعید از درآمد ملی عبارت از "درآمد خاص از فعالیت اقتصادی افراد جد اکانه، فیورمهای، مؤسسات اجتماعی و سیاسی که جماعت را بوجود می‌وروند". چنین تعریفی نه تنها معنای تبریءه درآمدهای طفیلی گرانه دلان بیرونی و صاحبان و مدران بانکها و مؤسسات صنعتی است (که به رحال به "فعالیت اقتصادی" مشغولند)، بلکه بوجه نظمی امریکا و درآمدهای هنگفت زیرالهای امریکائی را نیز (که نتیجه) فعالیت اقتصادی "موسسات سیاسی" است (موجه قلید اد نموده و تمام آنها را تولید کنند کان درآمد ملی بمحاب می‌پردازد). و حال آنکه کسانی که در امور غیرتولیدی کاری می‌کنند درآمد تولید درآمد ملی شرکتی ند اشته و فقط در مصروف آن سهیم هستند.

چنین درک غیرعلمی از درآمد ملی در شیوه برآورد آن نیز منعکس می‌شود. طبق این شیوه درآمد دولت و افراد مشغول بکارهای غیرتولیدی که منبع آن درآمد ملی بوده و لی خود منبع درآمد ملی نیست و در اثر توزیع مجدد (اطریق مالیاتها، حقوق و عوارض گمرکی، حق الزحمه وغیره) بدست می‌ماید، مجدد اباد را درآمد ملی واقعی جمع می‌شود. بدین ترتیب مقدار درآمد ملی بیش از اند از واقعی آن قلید اد میگردد. طبق محساستی که اقتصاد یون مارکسیستی نموده اند، درنتیجه این حساب مکرر درآمد ملی اعلام شد که کشورهای سرمایه داری باندازه ۲۰-۳۰ درصد بیش از مقدار واقعی آن می‌باشد. صحت این محساست حتی از جد ولی که کوزنتز درجه دهند "چگونگی تقسیم نیروی کار و تولید ملی بین بخش‌های عدد اقتصادی در کشورهای مختلف" ترتیم نموده، هدید است. طبق این جد ول سهم خدمات حرفه ای و دلیلی در تولید درآمد ملی از ۷/۱۵ تا ۳۰ درصد برآورده است که این ارقام کالاحساب مکرر بوده و باید از میزان درآمد ملی کسر گردد. (به "کزارش مقد ماتی برنامه عمرانی سوم، صفحات ۱۷۲-۱۷۳ مراجعت شود).

برای آنکه تصویری تقریبی از برخورد غیرعلمی پدرآمد ملی ایران بدست آفرید رجد ول شماره (۲) سهم بخش‌های مختلف را در تولید درآمد ملی برحسب برآورد سازمان برنامه (تحت د وفرض) و س. کوزنتز و آنچه که بتیواند بطور تخمینی ولی د قیقر منعکس کنند سهم این بخش‌های درآمد ملی باید، نشان میدهیم. (۱) رجوع شود به مقالات اتفاقی دکترها میان مشایخی در مجموع درآمد ملی که در شماره ۱۷۲ مجله "بازگانی" و اقتصاد "در رسال ۱۳۳۶ نشایافته است.

سهم بخش‌های تولید دارآمد ملی ایران (به درصد) (۱)

میسم بخش‌های تولید دارآمد ملی ایران حسب مکرر	سهم بخش‌های تولید دارآمد ملی با حساب مکرر	برآورد سازمان برنامه طیال های آنکه بوسیله من کوزنتز (گروه ششم)	برآورد سازمان برنامه طیال های آنکه بوسیله من کوزنتز (گروه ششم)	فرض اول فرض دوم
۵۵/۴	۴۲/۰	۳۷	۴۴	کشاورزی
۲۳/۱	۱۷/۸	۲۰	۱۵	صنایع
—	۳۹/۳	۴۳	۴۱	خدمات
۲۱/۰	۱۶/۰	—	—	— حمل و نقل و ارتباطات، بانکداری و بارگذاری
—	۲۳/۴	—	—	— دارایی و تأمین امنی و حرفه ای
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

+ "گزارش مقد ماتی برنامه سوم" صفحات ۱۷۲-۱۷۳ و ۱۶۸

++ طبق جدول کوزنتز ایران رامیتوان از حیث دارآمد ملی در ردیف کشورهای گروه ششم قرارداد. (رجوع شد به "گزارش منیو، صفحات ۱۷۲-۱۷۵")

+++ طبق محاسبه مابا اساس قرارداد ن جدول کوزنتز.

بطوریکه از جدول ملاحظه میشود نتیجه بررسی کوزنتز و حساب تخمینی سازمان برنامه (بخصوص اگر معدل دوفرض راد رنذرگیریم) تا اند ازه زیادی باهم توافق دارند و این خود نتیجه یکانگی دررشیوه احتساب دارآمد ملی و سهم بخش‌های تولید آن میشاند.

اولین نکته ای که در این ارقام بچشم میخورد وزن مخصوص بزرگ بخش خدمات میباشد که در اینجا معنای اعم آن استعمال شده و شامل نقشه و ارتباطات، بارگذاری و بانکداری و امور ولتی و حرفة فردی بوده و در حدود ۴۰٪ دارآمد ملی را تشکیل میدهد. بطوریکه قبل از اینکه شد قسمت بزرگ این بخش خدمات مانند امور ولتی و حرفة ای در تولید دارآمد ملی تا ۴۰٪ ندارد. حساب مکرری که در اینجا انجام گرفته باعث شده است که وزن مخصوص (سهم) خدمات افزایش یافته و بالنتی وزن مخصوص کشاورزی و در عین حال صناعت تقلیل یابد. طبق جدول کوزنتز سهم قسمت های مختلف بخش خدمات دارآمد ملی بقیار زیست: حمل و نقل و ارتباطات - ۴/۴، بارگذاری و بانکداری - ۱۲/۱ و سایر خدمات (د ولتی و حرفة ای) - ۲۲/۴ د و قسمت اول یعنی حمل و نقل و ارتباطات و بارگذاری را با اغراض کم و بیش قابل قبولی میتوان تفاضل بخش‌های دارآمد ملی و حساب آورده. ولی خدمات حرفة ای د ولتی را به وجود نمیتوان در تولید دارآمد ملی موئید است. برای آنکه تصویری روشن از قوی مطلق دارآمد ملی و سهم بخش‌های باشیم در جدول شماره (۲) درآمد ملی سال ۱۳۲۸ (۲) را بعنوان مثال نماییم میدهیم.

درآمد ملی ایران در سال ۱۳۲۸ و سهم بخش‌های مختلف در تولید آن جدول (۳)

درآمد ملی با حساب مکرر	درآمد ملی بدون حساب مکرر	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	%	کشاورزی
۵۵/۴	۹۷/۴	۴۲/۰	۹۷/۴	۹۷/۴	۹۷/۴	کشاورزی
۲۳/۱	۴۰/۸	۱۷/۸	۴۰/۸	۴۰/۸	۴۰/۸	صنایع
—	—	۳۹/۳	۹۱/-	۹۱/-	۹۱/-	خدمات از آنچه
۲۱/۰	۳۷/۴	۱۶/۰	۳۷/۴	۳۷/۴	۳۷/۴	حمل و نقل و ارتباطات و بانکداری
—	—	۲۲/۴	۵۳/۶	۵۳/۶	۵۳/۶	دارایی و تأمین امنی و حرفه ای
۱۰۰	۱۷۵/۶	۱۰۰	۲۲۹/۲	۱۰۰	۲۲۹/۲	جمع

بدین ترتیب بطور سیار تقریب میتوان گفت که سهم کشاورزی در تولید رآمد ملی ایران در حدود ۴۰%، صنایع ۲۳/۱% و مابقی رشته های تولیدی ۲۱/۰% میباشد. همچنین مقدار واقعی درآمد ملی ایران در حدود ۴/۲ دارصد ازبلغ اعلام شده آن کمترین و این مقدار حساب مکرر بقدر واقعی افزوده شده است. یعنی درآمد ملی ایران در سال ۱۳۳۸ ۲۲۹/۰ میلیارد ریال نبود بلکه ۱۷۵/۶ میلیارد ریال میباشد. (کافیست گفته شود که مخارج دارصد ازبلغ اعلام شده ۱۳۳۸ دارصد خواهد بود. گوینکه برای تعیین صحت این رقم معلومات لازم درست نیست ولی با مقایسه آن رقم میتوان پانگلستان که در حدود ۱۱% میباشد کم و بیش میتوان به آن اعتقاد نمود.)

آنچه که گفته شد فقط یک جنبه خطای ناشی از درآمد غیرعلمی درآمد ملی ایرانشان میداد درنتیجه همین درک تاریخی، درآمد ملی ایران کمتر از مقدار واقعی آن نیز نشان داده نیشود. ناشی از این تعریف تاریخی است که درآمد ملی عبارت از مجموع درآمدهای یک ملت، بمالغ هنگفتی که درنتیجه نفوذ اقتصادی امپریالیسم ارزیسنه ملت خارج نمیشود، جزو درآمد ملی بحساب نمیاید. همانطور که گفته شد درآمد ملی عبارت از ارزش نوعی است که بوسیله کاربرد یک ملت تولید شده است. اگر عملی قسمتی از ارزش های نوعی که زاییده دسترنج ملت است بدست تولید کنندگان آن نرسد، این بد ان معنا نیست که این درآمد از آن این ملت نیست. صنعت نفت بزرگترین رشته صنعتی پرانت است. تولید نفت بوسیله کارگران و زحمتکشان ایرانی و از منابع و ذخایر طبیعی ایران ناجم میگیرد و هر آنچه زاییده آین دسترنج و پخشش این منابع طبیعی است جزئی از درآمد ملی ایران خواهد بود. بدین ترتیب درنتیجه تسلط احصار-های خارجی سالیانه بمالغ هنگفتی از درآمد ملی ایران شکل سود کسرسیم بجیب احصارگران خارجی سرانجام میشود که در اثر رک غیرعلمی از درآمد ملی این مبالغ حتی جزو درآمد ملی ایران بحساب نماید. اگر در تقسیم درآمد ملی حتی اصل "۵۰-۵۰" راملاک قرار دهیم^(۱) در همان سال ۱۳۳۸ از ایات نفت در حدود ۱/۶ میلیارد ریال عاید احصارهای خارجی شده و این مبلغ بحساب درآمد ملی ایران نیامده است. یعنی در سال ۱۳۳۸ باندازه ۸/۵ درصد مقدار واقعی درآمد ملی ایران کمتر نشان داده شده است (براساس درآمد ملی غیرمکرر این رقم به بیش از ۱۱٪ بالغ میشود).

در محاسبه درآمد ملی مواده برد اختهای زیرنظر گرفته میشود. این خود وسیله دیگرست که مقدار واقعی درآمد ملی کمتر از آنچه که هست نشان داده شود. بطوریکه میدانیم کالاهای وارداتی از کشورهای امپریالیستی بقیعی بیش از ارزش آنها خرید اری شده و کالاهای صادراتی بقیعی کمتر از ارزش فروخته میشود و سالیانه بمالغ هنگفتی در این کشورهای بادلات نامساوی از درآمد ملی کشورهایی کم رشد عاید احصارهای خارجی میگردد. از آنجاکه عایدات حاصله از این بادلات نامساوی جزو درآمد هیچیک از طبقات و قشرهای اجتماعی کشورهای کم رشد محسوب نمیشود، لذا جزو درآمد ملی نیز بحساب نمیاید. جز این دو موارد دیگر نیز وجود دارد که باعث میشود قدر ارد درآمد ملی کمتر از نفع نشان داده شود. البته همانطوره که قبل نیز اشاره شد، منظور ماده را بینجا تعیین مقدار واقعی و درآمد ملی نیست (آنچه که بد ون داده های لازم امکان ندارد)، بلکه هدف ما، اولاً برخورد انتقادی بمفهوم درآمد ملی و شیوه های غیرعلمی احتمال آن از طرف امارگران سرمایه داری و نشان دادن سمت وجهتی است که بایست در تعیین درآمد ملی واقعی در پیش گرفت و ثانیاً آنچه که مهتر است، نشان دادن علل اجتماعی پائین بود ن سطح درآمد ملی و ذخایر واقعی کشور میباشد.

توزیع درآمد ملی بین طبقات و قشرهای مختلف اجتماعی بحسب موقعیت این طبقات و قشرهای میتواند بوزیع درآمد ملی، یعنی بحسب شکل مالکیت، انجام میگیرد. بررسی مسائل میتواند درآمد ملی و تجزیه و تحلیل آن در شرایط موجود ساخت اجتنابی ایران میتواند در نمای کامل و درست از امکانات داخلی ایران برای رشد و ترقی ازصفحة قبل - سازمان برنامه ون. کوئنتریت بجای مقدار تولید ملی اراملات خود قرار داده اند. تولید ملی عبارت است از درآمد ملی با ضایعه ستبلاک. پس از این بجای تولید ملی بطور مشروط درآمد ملی اصطلاح خواهد بود. (۱) مقدار واقعی درآمد کسرسیم بمعارف بیش از این بوده و بنابرگهای مختلف ۵۰-۸۰ درصد میباشد.

اقتصاد کشورید است بد هد

۱) امپریالیسم مهمان ناخوانده ایست که بخش عظیمی از درآمد ملی ایران را غارت مینماید. ظاهر امپریالیسم بجهانی، بخصوص انحصارگران امریکائی، مدعاً آنند که در راه رشد و ترقی اقتصاد یات ایران حتی ازقد اکاری نیز ایاند اشته و مبالغه زیادی "کل های بالاعوض" با ایران داده اند. در اینمود کافیست که دروان پنجساله (۱۳۲۴-۱۳۲۸) راکه عملکرد سازمان برنامه در این مدت پایه تنظیم برنامه سوم ایران قرار گرفته است مورد بررسی واقع شود.

جدول شماره ۴

وامها و "کل های بالاعوض" دریافت ایران، بهره وامها، سود کتسرسیوم و هزینه
نظامی ایران در سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۸ (به میلیارد ریال)

۱۳۲۸-۲۴	۱۳۲۸	۱۳۲۷	۱۳۲۶	۱۳۲۵	۱۳۲۴
۳۰/۲	۶/۲	۳/۹	۷/۶	۷/-	۵/۰
۱۰/۰	۱/۲	۱/۵	۲/۲	۳/۳	۲/۳
۱/۰	۰/۱	۰/۴	۰/۴	۰/۰۴	۰/۰۳
۷۳/۴۰	۱۹/۰۹	۲۰/۴۴	۱۵/۷۴	۱۰/۶۴	۶/۹۸
۴۶/۵	۱۱/۹	۱۱/۴	۸/۱	۷/۹	۶/۲

+ براسان اصل "۵۰-۵۰"

بطوریکه دیده میشود در ظرف پنجسال ایران ۳۰/۲ میلیارد ریال وام و ۱۰/۵ میلیارد ریال "کل بالاعوض" دریافت داشته است. امپریالیسم علاوه بر اینکه بهره بزرگی از اینها برآورده است، خواهد داشت، در این مدت اقلای ۲۳/۴ میلیارد ریال یعنی ۷ باریش از "کل های بالاعوض" خود از یکی از ملت به یخابرد ه است. جزاین در همین مدت یک بودجه ۴۵/۰ میلیاردی مخارج نظامی ایران تحمل شده است که قسمت بزرگی از آن برای خرید سلاح جنگی بجهیب انحصارهای امپریالیستی سرازیر شده است. یعنی برد اشت امپریالیسم از درآمد ملی ایران بمراتب بیش از "کل" های آنها بوده است.

مالخ هنگفته نیز از طریق بجادلات نامساوی از درآمد ملی کافیست که به تقلیل قیمت نفت رسالهای اخیر از امار موجود ایران نمیتوان میزان آنرا تعیین نمود ولی کافیست که به تقلیل قیمت مواد خام و مصنوعات که از این بابت میلیارد هاد را درآمد ملی ایران بختار رفته است و یا بسیر قیمت های مواد خام و مصنوعات که بوسیله سازمان ملل متحد مشترک شده است (جدول ۵) مراجعت نمود. بطوریکه از جدول بر می آید

جدول ۵

دینامیک قیمت مواد خام و مصنوعات
(۱۹۰۳ = ۱۰۰)

در ظرف شش سال قیمت مواد خام که صادر کنند آن کشورهای کم رشد می‌شند ۷٪ تقلیل یافته و در مقابل قیمت مصنوعات صنعتی دریاز جهان ۹ درصد افزایش یافته است.

سال	مواد خام	قیمت مصنوعات
۱۹۰۲	۱۰۴	۱۰۴
۱۹۰۸	۹۶	۱۰۶
۱۹۰۹	۹۴	۱۰۶
+ ۱۹۱۰	۹۳	۱۰۹

+ سه ماهه سوم سال

همه ساله مبالغه زیادی یعنوان حق المشاور و حق الزرحمه وغیره بجهیب مستشاران و مقاطعه کاران خارجی سرازیر میشود. طبق گفته آقا ایات‌الله ساج مجموع حق الزرحمه های برد اختیار به مهندسان مشاور سازمان سازمان بوده است (اطلاعات هوایی، آستانه ۱۳۴۰) بین ترتیب فقط از طریق سازمان برنامه

بیش از ۲ میلیارد ریال از درآمد ملی ایران بجهیب عمال امپریالیسم سرازیر شده است. مقاد بوزیادی نیز بعنوان سود سرمایه های خارجی که در داخل کشور ایران افتاده است، از ایران خارج میگردند. بطورکلی میتوان گفت که سالانه در حدود ۱۵-۱۳ درصد درآمد ملی ایران بوسیله انحصارگران خارجی بختار

برده میشود. یعنی در توزیع درآمد ملی ایران سهم بزرگی عاد است عمرانگران میگردد.
 ۲) در ایران نیز مانند تمام جوامع سرمایه داری ده از طرف شهرها استعمار میگردد. یعنی توزیع درآمد ملی بین شهر و بیان ده انجام میگیرد. اگرچه برای نمایاندن این اصل مارکسیستی داده های مستقیعی در نیست نیست ولی بطور غیر منقسم و کم و بیش دقیق میتوان این حقیقت را نشان داد.
 طبق بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی در سال ۱۳۳۸ صارف متوجه سالیانه که خانوار در ۳۲۶ شهر ایران برابر ۸۵۳۷۵ ریال بوده است. باد رنظرگرفتن تعداد افراد خانوار (۹۲۴ نفر) میتوان گفت که مصرف سرانه در شهر ۱۷۳۵۲ ریال بوده است. ازانجاهه تعداد خانوارهای شهرنشین در همین سال ۱/۴ میلیون بوده، مجموع صارف اهالی شهریه ۱۱۹/۵ میلیارد بالغ خواهد شد (مجله بانک مرکزی ایران، فروردین ۱۳۴۱، صفحات ۲۰۴). چون در سال ۱۳۳۸ اند و خته (۱۱۶)، ریال و پس اند از داخلي (اند و خته) نیز ۴/۲ میلیارد ریال بوده است (کزارش منبع، صفحه ۱۱۶)، لذا صرف اهالی ده نشین برابر ۶۶/۹ میلیارد ریال میگردد (۱). بافرض اینکه جمعیت ده نشین در این سال در حدود ۱۳/۵ میلیون نفر بوده است، صرف سرانه آهنگ برای ۴۹۵ ریال خواهد بود. بطوری که مشاهده میشود مصرف سرانه در شهر بد رخداد ۳/۵ باریش از مصرف سرانه در ده میباشد. یعنی سطح زندگی در ده ایران ۳/۵ باریش از سطح زندگی شهرهاست. البته پائین بودن سطح زندگی در ده خود بخود نمیتواند بین آن باشد که شهر بد را استثمار نمیماید. برای نشان دادن استثمار ده از طرف شهر یعنی توزیع درآمد ملی بین شهرها فیض تولید سرانه ده را ملی و بازده کار و مصرف سرانه در ده و شهر با هم مقایسه گردید.

جدول (۱)

تولید سرانه درآمد ملی در سال ۱۳۳۸

در رشتہ کشاورزی						در رشم کشور	
مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	مقدار		
نسبی	مطلقاً	نسبی	مطلقاً	نسبی	مطلقاً		
۱۰۰	۲۲۹/۲	۵۷/۰	۱۳۱/۸	۴۲/۵	۹۷/۴	تولید درآمد ملی (میلیارد ریال)	
۱۰۰	+۲۰/۴	۳۲/-	۶/۹	۶۸/-	۱۳/۵	جمعیت (میلیون نفر)	
-	۱۱۲۰/-	-	۱۹۱۰/-	-	۷۲۰۰/-	تولید سرانه (بریال)	

+ براساس سرشماری سال ۱۳۳۵ و باد رنظرگرفتن آهنگ رشد ۲/۵ درصد.

جدول شماره (۱) براساس تولید سرانه در تمام کشور تنظیم شده و بعلاوه مقدار میسوط به بخش خدمات که حساب مکرر بوده و جزئی از را ملی نیست در اینجا منظور شده است و لذا درآمد ملی سرانه براساس در رک غیرعلیه درآمد ملی بوده ووضع بازده کار را بطور دقیق نمیتواند منعکس شاند. درین حال این جدول میتواند برای نتیجه گیری مالک اعمل قرار گیرد. برای نشان دادن بازده بسر اساس مقدار واقعی درآمد ملی که در رشتہ های تولیدی ایجاد شده است وهمچنین براساس تعداد شاغلین در این رشتہ ها (نه همه اهالی) جدول شماره (۷) را میتویم.

ضمناً باید مذکور شد که بطور کلی برای تعیین بازده کار، محصول اجتماعی مالک عمل قرار میگیرد و نه درآمد ملی. ولی مادر ام که منظور مادر آینجا بود است آوردن ارقام نسبی بود و نه مقدار مطلقاً بازده کار، چنین بخوردی به بازده کار کاملاً میتواند جایز باشد.

جدول شماره (۷)

تولید درآمد ملی بر حسب کارکنان رشته های تولیدی (بازد ه کار) در سال ۱۳۳۸

بازد ه کار (بریال) ۳:۱	درآمد ملی			تعداد شاغلین *		
	%		میلیارد	میلیون	%	نفر
	بدون حساب	با حساب	ریال			
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۲۸۶۰۰	۵۵/۴	۴۲/۵	۹۷/۴	۵۳/۷	۳/۴۰	در رشته کشاورزی
۴۶۰۰۰	۴۴/۶	۳۴/۳	۷۸/۲	۲۶/۸	۱/۷۰	در سایر رشته های تولیدی
۳۴۸۰۰	۱۰۰/-	-	۱۷۵/۶	-	۵/۱۰	جمع ادار رشته های تولیدی
-	-	۲۳/۴	۵۳/۶	۱۹/۵	۱/۲۴	در رشته های غیر تولیدی (خدمات)
-	-	۱۰۰	۲۲۹/۱۱	۰۰/-	۶/۳۴	جمع کل

* براساس نتیجه آمارگیری سال ۱۳۳۵ و با فرض اینکه این تنبیبات تا سال ۱۳۳۸ تغییر نداشت.

اینکه برای نتیجه گیری نهایی ارقام مربوط ب تولید سرانه درآمد ملی بازد ه کار شاغلین در رشته های تولیدی و مصرف سرانه ده شهر را در جدول شماره (۸) خلاصه مینماییم.

جدول شماره (۸)

مقایسه تولید سرانه درآمد ملی، بازد ه کار و مصرف سرانه ایران در سال ۱۳۳۸ (بریال)

نسبت رشته های مختلف و تمام کشور به کشاورزی	در تمام کشور			در رشته ها		در کشاورزی	
	تمام کشور	تمام رشته ها	ساپرژی	تمام کشور	رشته ها	کشاورزی	
۱۰۰	۲۶۵	۱۰۰		۱۱۲۰۰	۱۹۱۰۰	۷۲۰۰	تولید سرانه درآمد
۱۲۲	۱۶۰	۱۰۰		۳۴۸۰۰	۴۶۰۰۰	۲۸۶۰۰	بازد ه کار
۱۸۴	۳۵۰	۱۰۰		*۹۱۳۷	۱۷۲۰۲	۴۹۵۵	مصرف سرانه

* طبق محاسبه سازمان برنامه مصرف متوسط سالیانه در تمام کشور در سالهای ۱۳۳۴- ۱۳۴۰ برابر ۹۹۵۰ ریال بوده است.

بطوریکه از جدول دیده میشود مصرف سرانه درآمد ملی به بیچوچه تناسبی با تولید سرانه درآمد ملی و یا بازد ه کار کشاورزی ندارد. اگر توزیع درآمد ملی متناسب با تولید سرانه آن انجام میگرفت مصرف سرانه در شهر میایست $\frac{1}{2}$ درصد و نه $\frac{3}{5}$ برابر باشد و نه $\frac{1}{6}$ برابر و یا اگر این توزیع براساس بازد ه کار انجام میگرفت (معدیر حقیقی تر) بازد ه را بصورت مصرف سرانه میایست $\frac{1}{6}$ درصد و نه $\frac{3}{5}$ یا اینکه همین تناسبات میایست بین $\frac{1}{6}$ و تمام کشور کم و بیش همانند تولید سرانه و بازد ه کار باشد و حال آنکه مصرف سرانه در مقیاس تمام کشور $\frac{1}{6}$ درصد و تولید سرانه $\frac{1}{6}$ درصد و نه $\frac{3}{5}$ بازد ه کار فقط در حدود $\frac{1}{22}$ درصد دارد میباشد. این اختلاف را عیید آنست که مقادیر یونگقی از درآمد ملی درآمد تولید شده است بصورت مختلف. درآمد مالکین و مالیاتها و مبالغ لات ناهمچند وغیره ازد ه بشهر منتقل شده و صرف آبادانی و رفاه نسبی شهرهای ایران و بخصوص تهران میگردد.

(۳) در داخل شهرهای تیز تولید درآمد ملی به نفع عدد قلیلی بوده و زحمتکشان شهری سه ناچیزی ازد را درآمد ملی بدست می آورند. مادرانشها خلاصه ای از نتایج بررسی یانک مرکزی ایران را در مورد

درآمد خالص پولی سالیانه خانوارهای شهرنشین (در ۲۳ شهر) در جدول (۹) می‌آوریم. این ارقام با وجود آنکه نمی‌تواند انعکاس کاملی از توزیع غیرعادلانه درآمدهای باشد، بهره‌حال تا حدودی نشان دهنده اختلاف طبقاتی در شهرها می‌باشد.

جدول (۹)
وضعیت رآمد خالص پولی خانوارهای
ایران در ۲۳ شهر رسال ۱۳۳۸ *

سهم خانوارها از رآمد خالص پولی	درصد خانوار	تاریخ
۲۵	۶۱	تیش از ۵۰۰۰۰
۷۵	۳۹	از انجمله:
۳۷	۸	تیش از ۱۵۰۰۰
۱۰۰	۱۰۰	جمع

* جدول براسنده های مجله بانک مرکزی ایران، فروردین ۱۳۴۱ تنظیم شده است

بطوریکه از جدول برآمده آید ۱۱ درصد اهالی شهرنشین فقط ۷٪ درآمد خالص پولی را دریافت میدارند و حال آنکه ۳۹٪ آنها سهمی برابر ۷ درصد ارند. بعلاوه ۸٪ اهالی به تنها ای ۷ درصد را متوسط رآمد خانوارهای طبقه میمن اما رگبی مبلغ متوسط رآمد سالانه خانوارهای که حداقل رآمد را در این (تا ۵۰۰۰ ریال) برابر ۳۶۲ ریال و متوسط رآمد کسانیکه حد اکثر درآمد را در این (بیش از مقدار میانه هزار ریال) برابر ۳۰۰۵۰ ریال میباشد. یعنی درآمد خانوارهای پردازند از نواد باریش از رآمد خانوارهای طبقات پائین ترمیم می‌شوند. البته نتیجه آمارگبی نمیتواند کا مل باشد، زیرا در رقابله رآمدهای بیش از ۱۵۰ هزار ریال درآمد کسانیکه میلوپنده رآمد دارند از نظرها پوشیده میمانند. لذاطبق این آمارگبی بحاور قرق نمیتوان اختلاف سطح درآمدها را تشان داد.

(۴) تمام آنچه که گفته شد مربوط بوضع ثابت پیکسل بود. یعنی رسال ۱۳۳۸ توزیع رآمد ملی طوری بوده است که شهرده را، ملاکین و رباخواران وغیره دهاینین را ورد اخیل شهر نیز شوتند از رحمتکشان راسته مینموده اند و یا اینکه امیریا ایسم بطرق مختلف رآمد ملی را غارت میکردند. ولی آیا وضع در ریخت و دینامیک خود چه شکلی داشته است؟ آیا انظوفره شاه ایران مدعی بوده است از اختلافات طبقاتی کاسته میشود؟ برتامه های اقتصادی ایران و مطلورکلی وضع اجتماعی کشور چه تغییراتی در توزیع رآمد ملی داده است؟

سازمان برنامه در "گزارش مقدماتی" خود، اگرچه سعی میکند باین مشکلات پاسخ گوید، ولی ظاهرا بعلت آنکه نتوانسته است با تجزیه و تحلیل داده های اماری خود به نتیجه قطعی بررسد باشک و تردید میگوید: "از روی آمار موجود نمیشود گفت که درستگزه انتزاع و یا ترقی واقعی داشته است" و سپس باقیمه "ترقبی هزینه و بهای عمد و فروشی غلات، فلزات و مصالح ساخته اماني و بهای واردات بطورکلی به چنین نتیجه درستی میرسد: "... تغییر مزبور در ترتیب قیمتها خود بخود موجب تغییر در توزیع رآمد بنفع طبقات پردازند ۰۰۰ گردید." (گزارش منیر، صفحه ۱۱)

دینامیک رشد مصرف اهالی ایران طی سالهای ۱۳۳۸-۱۳۴۱ و آنکه میانه افزایش آن جدول (۱۰)

اهنگسینه افزایش	۱۳۳۸	۲۳۲۷	۱۳۲۶	۱۳۲۵	۱۳۲۴
+ ۸/۴	۱۱۷/-	۱۱۳/-	۱۱۸/-	۱۰۹/-	۱۰۰
+ ۲/۵	۱۱۰/۳	۱۰۷/۲	۱۰۵/-	۱۰۲/۵	۱۰۰
+ ۶/۶	۱۱۹/۷	۱۱۴/۸	۱۱۳/۶	۱۰۸/۸	۱۰۰
+ ۵/۷	۱۱۵/۱	۱۱۴/۳	۱۱۲/۴	۱۰۶/۳	۱۰۰
-۱	۹۶/۴	۹۹/۵	۹۷/۹	۹۷/۷	۱۰۰

+ رجوع شود بجدول شماره (۱۱)

++ برپایه آمار بانک مرکزی حساب شده است.

چنانکه از دید ۱ جدول بالا دیده میشود مصرف اهالی ایران ظرف چهار سال باند ازه

۳۸ افزایش یافته است . بدین ترتیب افزایش میانه سالانه مصرف اهالی در حدود ۴/۸ درصد بوده است . چنین آهنگ در افزایش مصرف اهالی در شرایط اجتماعی ایران میتوانست شایان توجه باشد . ولی آیا حقیقت اینطور بوده است ؟ طبق داده های آماری ایران آهنگ افزایش جمعیت کشور رخداد ۵/۰ درصد میباشد ، یعنی در همین مدت جمعیت ایران باندازه ۱۰/۳ افزایش داشته است . بدین ترتیب مصرف سرانه ایران (ردیف ۴) فقط باندازه ۱/۲۵٪ و آهنگ میانه سالانه آن ۷/۵ درصد بوده است . ولی هنوز این افزایش ظاهری بمعنای افزایش واقعی آن نیست . زیرا این افزایش بر حسب قیمتها جاریست و از آنجاکه در این مدت در اشتراک خود و غیره قیمتها اجتناب مصرفی ترقی فاصله نموده و لذا هزینه زندگی افزایش یافته است ، با ایداع تأثیرگیر این عامل رابرقدار واقعی مصرف خشی نمود . بر حسب آماریانک مرکزی در مدت چهار سال مذکور هزینه زندگی باندازه ۷/۲۹ درصد یا سالانه بطور متوسط ۶/۶ درصد افزایش یافته است . باید رنתר گرفت این عامل ، بطوریکه ازدیف ۵ برمیآید ، مصرف سرانه واقعی در ایران نه تنها افزایش نیافته ، بلکه رو بکاهش بوده و در سال ۱۳۲۸ نسبت سال ۱۳۲۴ باندازه ۵/۶ درصد یا سالانه بطور متوسط ۱٪ تقلیل یافته است . باید رنتر گرفت که این تقلیل مصرف سرانه مربوط به تمام کشور است و از آنجاکه این تقلیل نمیتوشد طبقات شرتومند کشونگرد و مصرف آنها ، بدون شک ، افزایش یافته است ، مصرف زحمتکشان باستی با شدت بیشتری تقلیل یافته باشد .

جنین است منظره واقعی توزیع درآمد ملی در ایران . نه تنها سطح زندگی زحمتکشان بهتر نشده ، بلکه سیزده بیز طی کرد . یعنی توزیع درآمد ملی بتدیرج بتفصیل شرکت از زمان زحمتکشان تغییر نموده است .

نتیجه نهایی توزیع درآمد ملی بصورت مصرف اند و خته منعکس میشود . بخشی از رامد ملی بصورت اهالی رسیده و پخشیده بگران بصورت اند و خته برای تولید مجدد در مقیام اندوخته و مصرف وسیعتری (اند و خته بمعنای اخص) بصورت تولیدی میرسد و نیز قسمتی از رامد ملی بعنوان ذخیره اختیاطی مواد صرف و مسائل تولید دزمراحل تولید و گردش و یاخارج از آنها حفظ و نگهداری میشود که همواره با صرف تولیدی جماعت اند و خته بمعنای اعم را بجود میاورد . استفاده نهایی از رامد ملی (اند و خته و مصرف) و استهان شرایط است که توزیع درآمد ملی در آن شرایط انجام گرفته است . لذا بایجانخواهد بود که یک برسی اجمالی از وضع اند و خته و مصرف در سالهای ۱۳۲۸-۱۳۲۴ (مبنا تنظیم برنامه سوم) بعمل آید . وضع اند و خته و مصرف در این سالهای رجد و (۱۱) منعکس شده است .

دینامیک تولید ملی ، اند و خته و مصرف ایران در سالهای ۱۳۲۸-۱۳۳۴

	۱۳۳۴	۱۳۳۵	۱۳۳۶	۱۳۳۷	۱۳۳۸	۱۳۳۹	۱۳۴۰	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴
۱- تولید ملی											
+ ۱۲/۲	۱۷۹/۲	۱۹۵/۷	۱۷۸/۸	۱۶۵/۱	۱۴۳/۳						
۱۰۹/-		۱۳۱/-	۱۱۷/-	۱۱۵/-	۱۰۰/-						
۴۲/۸		۲۳/۹	۲۳/۶	۱۷/۱	۸/۸						
+ ۴۸/۰		۴۷/۱	۲۸۰/-	۲۷۸/-	۲۰۰/-	۱۰۰/-					
۷۸/۴		۱۱۱/۸	۱۰۹/۲	۱۴۷/-	۱۱۴/۵						
+ ۸/۴		۱۳۷/-	۱۱۳/-	۱۱۷/-	۱۰۹/-	۱۰۰/-					
+ مأخذ : "گزارش مقد ماتی برنامه ای سوم ایران" صفحه ۷											

(۱) برای بیان آن کاتگوری اقتصادی که مادرانچا تحقیق عنوان اند و خته یاد میکنیم ، در مطبوعات مارکسیستی ایران اصطلاحات دیگری را قبول "تراکم" و "ذخیره" وغیره و باید مطبوعات بوزیر ایران "پس اند از داخلي" بکاربرده میشود . بعلتی که ذکر آن در اینجازاد است "تراکم" و "ذخیره" اصطلاحات مناسب و دقیق برای این کاتگوری نمیدانیم . جای آن دارد که هیئت تحریریه مجله بطریقی که ممکن میشمارد ، مبتکرا بجای وحدت و یگانگی (اوپنیکا سیون) در این قبیل اصطلاحات گردد .

بطوریکه مشاهده میشود در ظرف چهارسال درآمد ملی بطورمتوسط سالانه ۱۲/۳ درصد ، پیاند ازد اخلى (اند وخته) ۱/۵ ۴/۸٪ و مصرف - ۴/۸٪ افزایش یافته است . یعنی آهنگ افزایش اند وخته تقریباً چهار برابر افزایش تولید ملی و ۵/۷ برابر افزایش مصرف بوده است .

افزایش سریعتراند وخته نسبت بد رآمد ملی و مصرف امریست طبیعی و بین قانون اقتصادی رشد برترомاً برابر تولید نسبت بوسائل مصرف میباشد . ولی با یک برمی‌جزئی از تکبهرزی های برنامه ایران بخوبی دیده میشود که قسمت اعظم این اندیخته با ضافه مالکی که بصورت وام و "کمل" دریافت شده و جماهازینه های عمرانی برنامه را بوجود آورد است ، بعصارف غیرتولیدی رسیده است . یعنی آنچه که ظاهراً رقم نشان میدهد اراضی مصرف واقعی نیست .

ازطرف دیگرچنین اختلاف فاحش در آهنگ افزایش اند وخته و مصرف بهیچوجه نمیتوانست موجه قلمداد شود . و اگر این حقیقت را دینظرگیریم که قیمت اجنا من مصرفی ترقی سریعتری نسبت بوسائل تولید و ساختمان داشته است ، اختلاف در آهنگ افزایش بازهم بیشتر خواهد بود . نتیجه بالا وسطه این اختلاف فاحش تنزل سطح زندگی اهالی بوده است که قبل از این نموده ۴٪ یعنی نتیجه ^۱ فعالیت اقتصادی کشور و سازمان برنامه اختلال در تنشیات لازم بین د رآمد ملی ، اند وخته و مصرف بوده است .

این حقیقت را نیز باید دینظرد اشت که این ارقام نمایند ارزش پول بوده و نشان دهنده دیناً واقعی (جنسی) افزایش تولید ، اند وخته و مصرف نیست . زیرا همانظر که اشاره شد عامل قیمتها تغییرسازی در رایان افزایش طاهری داشته است . در اثر سیاست ناد رست مالی و اقتصادی دلیل تجانس اختلالی د ریگانگی ارزش پولی و محتوی جنسی تولید اجتماعی بوجود آده است که قیمتها ضمون واقعی و جنسی خود را ازدست داده است . مصارف غیرتولیدی (راناسازی ، هزینه های نظاماً وغیره) احتیاج بمقادیر زیادی ارزش اخلي داشته است که از طریق ایجاد تورم مصنوعی نشاستکنی ، تجدید ارزیابی پشتونه وغیره تأمین شده است . انتشار بیش از حد اسکانی که تناوبی باکالای در رگز شد اشته است عملاً مشجع اختلال قابل توجهی در ارزش پول و محتوی جنسی تولید اجتماعی ترددید و چنین اختلالی خواه ناخواه بیحران مالی منجر میشد و چنانکه شد و این بحران مالی همراه با تناوب حاصله از سیاست ناد رست بازگشایی از اد نجربی حرمانهای ازی و تجاری و بالنتیجه بحران تمام امور اقتصادی کشوارگردید . هیئت حاکمه ^۲ بوجود که قاد رتبه سرمایه گذاری لازم را بایمانع داخلي تأمین نماید دست باستقرارنو "کث" های خارجی نیز درازنموده . یعنی نه تنبایاً بایجاد تورم و هزینه های نبیوتولیدی بر فراز عمومی در وران برنامه ای خود لطمہ وارد ساخت ، بلکه نسلهای آینده را نیز از هم اکنون چراغ عاقب تاخوشایندی نمود .

چنین است محتوی وضمنون حقیقی ارقم خوش ظاهره میوط بدرآمد ملی واند وخته و مصرف . ولی آیا برای ایران این امکان وجود دارد که با متابعه اخلي خود ، نه تنبایاً اند وخته لازم برای رشد سریع اقتصادیات خود داشته باشد ، بلکه بطور محسوسی ، حتی در سطح امروزی بارزه کار ، سطح زندگی رانیز بالا برد ؟ از اینچه که تاکنون در مورد د رآمد ملی موقوعیت آن گفته شد بوضوح کامل با این مسئوال میتوان پاسخ مثبت داد .

۱) چنانکه دیدیم در رسال ۱۳۲۸ مصرف داخلی هات ایران در حدود ۲۶/۱ میلیارد و مقدار ار د رآمد ملی تولید شد د رآن ۴/۷ میلیارد ریال بوده است . بدین ترتیب اگر عوامل استثماریکه قبل از آنها اشاره شد نبود در همین سال د هات ایران میتوانست در حدود ۵/۰ میلیارد ریال اضافه برمصرف داخلي خود بصیرت اند وخته برای سرمایه گذاری و بادانی خود در اختیار داشته باشد (برای مقایسه کافیست گفته شود که در همین سال تمام اند وخته کشوارگرد ۴/۲ میلیارد ریال بوده است) . مجموع مالیاتهای مستقیم در ایران در حدود ۲/۷٪ د رآمد ملی میباشد ، اگر د هات ایران همین مالیات را باید ولت مبید اخ特 و در عین حال ۱۰٪ برمصرف خود می آفود ، حتی در سطح بازده کار موجود ، در همان سال ۱۳۲۸ د هات ایران میتوانست باند ازه ۲/۲ میلیارد ریال برای سرمایه گذاری در اختیار داشته باشد . برای پی بسردن به ما هیات این مبلغ کافی است گفته شود که طبق برنامه هفت ساله ^۳ دوم اعتمادی بینی شده برای کشاورزی فقط ۱۸/۹ میلیارد ریال بوده است . بدین ترتیب د هات ایران میتواند بیش از ۹ درصد تمام در رآمد ملی کشواره برای آبادانی خود سرمایه گذاری نماید . طبق پیش بینی سازمان برنامه در وره ^۴ برنامه سوم میزان متوسط

درآمد ملی ۳۲۲ میلیارد ریال خواهد بود (گزارش منجز، صفحه ۲۷) . باد رنظر گرفتن امکان سرمایه گذاری در زهات (۹٪ درآمد ملی) میتوان گفت که دهات ایران طی پنج ساله به طور متوسط میتوانست سالیانه ۱/۹ میلیارد ریال یعنی در ظرف پنج سال و نیم درجه برنامه سوم بیش از ۱۶۴ میلیارد ریال سرمایه گذاری نماید. حال آنکه طبق برنامه سوم جمع انتیارات پیش‌بینی شده فقط ۳۶/۶ میلیارد ریال می‌باشد. بدین ترتیب در سطح موجود بازده کار در دهما افزایش یک قلم صرف اهالی ده نشین باندازه ۱٪ و بدین آنکه دچیزی از دولت دریافت ندارد و حتی مالیات‌های عادی خود را در میزان اموالی بهود از دخود قادر نمی‌شود که طی برنامه سوم تقریباً در حدود ۵/۴ برابر برنامه سوم برای آبادانی خود سرمایه گذاری نماید. نتایج عظیمی که از چنین سرمایه گذاری پیش‌بینی نمایند نمیتواند برآحدی پوشیده باشد. چنین سرمایه گذاری در ظرف د پرتابه پنج ساله میتوانست بیماید ایران را تغییر دهد.

(۲) از آنجاکه در برنامه سوم چنین فرض شده است که بخش خصوصی اند وخته لازم برای سرمایه گذاری خواهد داشت و کسری فقط در خشود ولی پیش‌بینی مشود است، اینست که فقط امکانات بخشنود ولتی را مورد بررسی قرار میدهیم. کسری دولت برای انجام برنامه های خود در حدود ۶۹ میلیارد ریال می‌باشد (که از آن ۳ میلیارد ریال افزایش دخیره و ۱۳ میلیارد بازیود اخت اصل دیون در نظر گرفته شده است) . همانطور که قبل از شاهره گردید در مورد درآمد نفت اکراصل "۵۰" رابینز پریم، با اجرای واقعی قانون ملس شدن نفت، در همین دست مبلغی در حدود ۴۷ میلیارد ریال برد را مدد دولت بازیوده می‌شود (۱۵ میلیون برآسان پیش‌بینی سازمان برنامه تعیین شده است) . بدین ترتیب به تباراد انتیارات برنامه کسری وجود نداشت، بلکه ۷۸ میلیارد ریال نیز اضافه درآمد میداشتیم. مادا ام که اصل را برای گذارده بود یم که ده بوسیله اند وخته خود، خود را تا مین خواهد نمود، آنچه که در برنامه سوم برای کشاورزی در نظر گرفته شده از اعل هزینه ها کسر شده ولذا این باعث جدیدی برای دو دلتر در حدود ۳۶/۶ میلیارد دیگر تا عین می‌شود. اکس-مح هزینه های نظامی د ولت در ظرف پنج سال تغییری نمی‌نماید (امروز در حدود ۴٪ بود) چهار دهی صرف مخارج نشایی می‌شود گلو باد رناظر گرفتن اینکه هزینه های غیرعمارتی د ولت در برنامه سوم ۳۴/۵ میلیارد ریال پیش‌بینی شده (گزارش منجز، صفحه ۴۲)، مخارج نشایی اقلایا ۹۸ میلیارد ریال خواهد بود. حتی با تقلیل این مخارج به نصف این میتوان در حدود ۴ میلیارد جدید بمتایع د ولت افزاید. بدین ترتیب د ولت جمعاً ۱۳۶ میلیارد ریال میتوانست در اختیار خود داشته باشد که با مقایسه با حجم سرمایه گذاری د ولت در برنامه سوم (۱۹۰/۲) عظمت واهیت این مبالغ جدید نیز نماید.

مادراینچه سازمان برناهه ملاک کارخید قرار ده، گذارده ایم و اکر بنا را بر اصول واقعی ترمیند اشیم امکانات بیهود و سیستم کشف و اشکار می‌شود. کافیست در را نیز بود بد و ده اسب اشاره شود: سازمان برنامه شش رصد افزایش لانه درآمد ملی را برآسان حجم سرمایه گذاری موجی بخواه پایه گذاری نموده است و حال آنکه با برآردان اختن منابع جدید، افزایش درآمد ملی پیش از ۶ درصد بوده و لذ امکانات واقعی بیش از ان خواهد بود که مانشان داد یم بخلافه به اینکه از اد های سازمان برنامه بر می‌آید (صفحه ۲۲۶ گزارش منجز) د ونم سرمایه گذاری برابر ۱/۷ درآمد ملی بوده و این سرمایه گذاری اقلایا ۱٪ افزایش درآمد ملی را تا مین نموده است. در برنامه سوم معلوم نیست بچه د لیلی، اصرچه سرمایه گذاری ۱/۱۹ درآمد ملی را تشکیل خواهد داد، افزایش درآمد ملی بازه ۶٪ پیش‌بینی شده است. یعنی حتی اگر شناسابر فضای خود سازمان میگرد اید یم افزایش درآمد ملی و لذ اسرمایه گذاری می‌باشد سرعت تر انجام گیرد. مسلم است با جلوگیری از حیف و میل هر عایت اصول عربه جوئی و بکاراند اختن سرمایه ها سادر رشته های ضروری تر درآمد ملی و لذ اسرمایه گذاری را میتوان بمقایسه وسیعتری افزایش داد.

ایست بحث بسیار تقریب آنچه که ایران میتوانست بدین توسل به کمک و استقرار خارجی و بسا فشارهای جدید مالیاتی وغیره برای رشد و ترقی اقتصاد یات خود از منابع داخلی کشور تا مین نماید. از این نظر میتوان گفت ایران دارای چنان موقعیت ممتاز است که میتوانست مورد رشک عده زیادی از اکثر شهروندی کم رشد واقع شود. البته، با تذکر میکنیم، که هدف مامحاسیه دقیق وضع درآمد ملی، توزیع واند وخته و صرف امکانات ایران نیست، آنچه که باد اد های منتشره در مطبوعات ایران شاید هم امکان ناپذیر

باشد. بلکه هدف اساسی نشان دادن وضعیت آزاد ملی و توزیع و مصرف و اند وخته بظهور کلی و دادن مقیاس هایی برای لمس آنچه که در ایران میگرد و انچه که میتواند بوجود آید، میباشد.

پس ازدست آوردن استقلال واقعی سیاسی (آنچه که خلق های ایران در راه آن مبارزه میکنند) مبارزه در راه استقلال اقتصادی عده ترین وظیفه ایست که در مقابل ایران قرارداد. استقلال اقتصادی از طرفی معنای قطع نفوذ اقتصادی و مالی دول امپریالیستی و از طرف دیگر معنای رشد همه جانبه، تکی بر اصول علمی (نه بی بند و پار) تولید اجتماعی میباشد. قطع نفوذ اقتصادی دول امپریالیستی بد ون رشد همه جانبه تویید اجتماعی ممکن نبود و رشد همه جانبه نباید بد ون قطع نفوذ اقتصادی امپریالیسم فکر اسلامی خواهد بود. بدین ترتیب مبارزه در راه استقلال اقتصادی نباید مانند مبارزه در راه استقلال سیاسی میباشد

در دوججه انجام گیرد - هم در جوجه خارجی وهم در جوجه داخلی - مبارزه در جوجه خارج معنای ملی کردن صنایع نفت و هر آنچه که در اختیار اصحاب راهی خارجی قرارداد بود و مبارزه در جوجه داخلی معنای تجهیز تمام وسایل مادی و نیروهای انسانی است که در نتیجه منابع کهنه اجتماعی به مردم پراکند و درآمد و مود استفاده و پیغام برداری طبقات و اقشار از جای قرارگرفته، میباشد. درینجا بطور اشاره هم که شده باید قید نمود که آن رفم ارضی که بدست شاه انعام میگیرد هرچند که میتواند تغییرات محسوسی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران بوجود آورد (البته در صورت عملی شدن آن)، ولی این رفم نه تنها هم اکنون تا چندین سال متعددی در راه حاصل ازدست نزد دهقانان ایران را بصورت بهره ارضی مدل بسربالیه (قیمت زمین) و مستقیماً بجای ملاکین سازمانی خواهد نمود، بلکه قشریندی در دهه رابطه سرعت وحداد تری پیش برد و بهر حال هدف اساسی ازین رفم ارضی قاطع میباشد.

توده های زحمتکش ده از استثمار است، حل نخواهد نمود.

بدین ترتیب مسائل میوط بد آمد ملی، توزیع آن، اند وخته و مصرف مانند تمام مسائل و خرجی های دیگر اجتماعی ایران بد ون تغییر اساسی در ساخت اجتماعی ایران ممکن نیست. حل قطعی این مسائل فقط در سایه انجام برنامه حزب توده ایران که مبارزه قطعی و نهایی با امپریالیسم و ملاکین بزرگ و خرون از پیمانهای نظامی راهدف استراتژیک خود قرارداده و ماطی این مقاله نتایج اقتصادی آنرا به ایرا حمال بیان داشتیم، امکان پذیری و مبارزه در راه این هدفها جوابگوی منافع طبقات و اقشار و میتعی از جامه ایران میباشد.

درسه‌های از حوادث عراق

- ۱- انقلاب ۱۴ تموز
- ۲- توطئه هائی که در هم شکست
- ۳- خبیرخط مشی قاسم
- ۴- کودتای امپریالیستی ۸ فوریه
- ۵- نیروهای دموکراتیک و مسئله اتحاد عرب
- ۶- خاتمه

درآمد سخن

طوفان سهمگینی که از چند ماه پیش در شرق عربی درگرفته و حوادث خونینی که در اثر سلطهٔ مجده امپریالیسم بر مردم عراق گذشته است یکباره بگمل شرق میانه و همه پویندگان راه آزادی واستقلال می‌را در بر این تابع خطاها میگارساز بیرونی از این طرف و توطئه‌های متعدد سازمانهای جاسوسی امپریالیستها بمنظور سرنگون کردند ولتهاای انقلابی بدست عوامل ضد انقلاب و دشمنان خلق از طرف دیگر قرار میدهد. در سهای آموزنده ای که از این حوادث عبرت اورگرفته میشود در صورتی بهتر و همچنانه تشدیک میگردید که دو حادث را که بفلاحت تقریباً که تراویح سراسر عراق رخ داد، «بانی عینی هریک از این دو حادث را، بطور کلی عده ترین انسان سلسه عواملی را که با نجات کودتای عراق سبب حدوث طوفانی عظیم در شرق عربی گردید، یعنی انقلاب دموکراتیک ۱۴ روئیه ۱۹۵۸ و کودتای ضد انقلابی ۸ فوریه را مورد بررسی قرار دهیم».

۱- انقلاب تموز

الف- مبانی دموکراتیک انقلاب

انقلاب ۱۴ تموز ۱۹۵۰ عراق نفعه کمال و حلقة نهائی تنجیره ای از مبارزات و انقلابات پیشی بود که طی مدت طولانی ابتداء اعلیه مظلالم امپراطوری عثمانی و اوازائل دهه دوم قرن حاضر علیه امپریالیسم بریتانیا و علیه خاندان امپراطوری عثمانی اشناخته شد. بریتانیا سرزمین جریان داشت. اشتراك نبرد د و خلق عرب و کرد جنبه همگانی این مبارزات و قیامهای مخصوص میکرد.

در سال ۱۹۲۰ بزرگترین وسیعترین مبارزه ضد استعماری مشترک مردم عراق علیه بریتانیا صورت پذیرشده. این هنگاهی بود که دیپلماتی بریتانیا سعی داشت قراردادی نظیر قرارداد ۱۹۱۹ و وقق الدوله را برمد. این سرزمین تحمل کند. حوادث متعدد انقلابی و مبارزات خستگی ناپذیر برمد. در ایران مهرباً حله برقراردارد و شوق الدله زد. در عراق نیز کوشش برای تحمل چنین قراردادی خلق عراق را بیقاد واد ارساخت. انقلابیون عراق پمنزله پرچم ایران حکومت دموکراسی و استقلال و حاکمیت علیه اشغالگران بریتانیائی سر به نبرد و سیز برد اشتبه. این حادث تاحدی سبب اعجاب ناظرین حوادث جهانی بود. مرد عقب مانده، از لحظ اقتصادی بکلی در هم پیچیده، غرق در لجه بیسواند که فنهاد رزیروخ اسارت امپراطوری عثمانی رنج کشیده بودند، چگونه ناگهان مدل بقیرمانان انقلابی بخاطر استقلال آزادی و دموکراسی شدند. توجیه این مسئله شکل نیست. این قیام سلطانه علیه اشغالگران خارجی ابتداء اسکن شروع نشده بود. ازاواخر دوران سلط امپراطوری عثمانی بود که مردم مستعدید عراق برای تغییر شرایط طاقت فرسای خود، دست است بیک رشته طولانی مبارزات و انقلابات پیشی بزند. اسارت رزیروخ اشغالگران بیگانه نمیتوانست در بیداری و آگاهی سیاسی همه خلقهای عرب و آنجله مردم عراق و کرد هائی که باعزمای عراقی متساوی از اسارت خود رنج میبردند موثر واقع نئردد. جنبش شجاعات بخش مردم عراق ابتداء بصور تضادی حکومت خود مختار و شرکت

خلق‌های عراق در قوّه مقنه تجلی کرد. پس از اغارت جنگ اول جهانی این سرزمین از شمال تا جنوب تحت تاثیر طوفانهای شکان دهدندۀ انقلابی قرار گرفت و تقاضای حق خود مختاری مدل استقاضای استقلال تام شد. این جنبش انقلابی استقلال طلبانه با پیشت انتقامی ملی خاص خلق کرد توان میگردید و این دو نیرو مشترکاً علیه استعمار غرب متوجه میشد و در طی این نبرد هاکه عرب و کرد دوش بدوش هم در راه وصول به آمان مشترک خویشند اکاری میکردند پایه های نخستین وحدت بین این دو خلق استوار میگردید. نبرد های سال ۱۹۲۰ دیگر پیکاری انتقامی و زود گذر نبود. انقلاب هدفی عمیق، دموکراتیک و اصولی را در نیان میکرد: ایجاد یک دولت مستقل و دموکراتیک. در جریان این نبردهای قهرمانانه و فد اکارانه، عرب و کرد این حقیقت را با خون و گشت و عصب خود احساس کردند که مهاره برای استقلال و حاکمیت ملی بفهم و سیح آن نمیتوانند از نبرد بخطاطر تمیم دموکراسی و یارفع ستمهای ملی در مرور ملت جد اگانه جد اباشد و رشته های متعددی سرنوشت هرد و ملت عرب و کرد را بهم پیوسته است.

با تشکیل حزب کمونیست عراق در سالهای اولیه دهه سوم قرن بیست مبارزات خلق‌های عراق‌وارد مرحله نهضتی گردید. حزب کمونیست عراق در پی افکار ای افراطی، سوق دادن مردم بسوی تسلیک و مجهرزکردن انساباً ایدئولوژی علمی مارکسیسم نقش موثری بازی کرد.

سالهای ۳۰ برای عراق سالهای پرهیجان وحدت بود. در طی این سالهای پرشور، از طرف حزب کمونیست وهمه نیروهای ملی برای آزادی و استقلال عراق و رهایی آن از بیوغ استعمار و سلطه خاندان خیانت پیشنهاد مبارزات سه‌میگین و خونینی بوقوع پیوست و مردم عراق با اتفاقی میگردیدند که قهرمانانه خویش نام و اوازه بلندی در جهان عرب باقتندند. ارتتعاج با پشتیبانی مادی و معنوی استعمارگران از طریق جاری ساختن سیل خون موفق بدراهم شکستن نهضت در این مرحله از هزار زلات خلق گردید. هزاران نفر از مبارزان از ازادی استقلال بزندان مخفوف بخداد، بعقوبه نقره‌السلمان و دیگر زندانی عراق منتقل گردیده و پیزیر شکنجه کشیده شدند.

سه سال پس از پیاپیان دو مین جنگ جهانگی بود که در این سرزمین یکی از بزرگترین مبارزات در خشان ضد امپریالیستی بوقوع پیوست و بار دیگر عراق قهرمانانه این مردم در معرض ارمایشی دشوار و خونین قرار گرفت. موضوع پرسنل از این مردم پر تسامیت بود. امپریالیسم بر تأثیر این از مقابله مردم عراق ناگزیر قدر می‌یعنی بعقب برد اشته بود، اینکه میکوشید تا مقاصد اسارت آورد بیرین خود را بدست دربار خیانت پیشه عراق جاهه عمل پوشاند. امپریالیسم تمور میکرد میتواند از وجود خاندان اسلطنی برای رنگ و رونگ زدن بهد فهای تجاوز امیز خود و تا عین این هدفها از طریق اتحاد قرارداد از پرتسماوات استفاده کند. اما این تلاش منجر به رستاخیز عمومی خلق‌های عراق شد. فد اکارهای قهرمانانه مردم، امپریالیسم و دربار است نشانه آنرا ناگزیر بعقب نشینی و انتراف از تحمیل این قرارداد کرد. این پیروزی در پیروزی وحدت عمل بین نیروهای ملی بدست امده بود و طبعاً در تکوین تعامل اطمینانی این نیروهای بایجاد یک جمهوری واحد تا عیوبی پیزا بر جای میگذشت. در سراسر این مبارزات و در همه نبردهای نجات بخشیدی کرد های عراق مبارزات سلحشورانه خود را برای رفع ستمهای ملی که از طرف حکومتهای ارجاعی علیه انها اعمال میگردید با مبارزات همگانی بخطاطر از ازادی و دموکراسی و استقلال ملی توان ساختند.

در سال ۱۹۵۲ اوج روزافزون نهضت نجات بخشش ضد استعماری ایران و پیروزی های که در میانه مادر از طی کردند را این صنایع نفت و راندن راه‌زنان انگلیسی از ایران نصیب مردم شد بود در سراسر شرق میانه و از این جمله در عراق تا عیوبی عظیم بخشید. با در ره شکستن حلقه ای از زنجیر استعمار در ایران حلقة های دیگر بسته گردید.

در عین حال پیروزی هایی سایر خلق‌های خاور میانه، موقفیت نهضت در سوریه، پیروزی عظیم مصر در سریگون ساختن اساس سلطنت، شعله و رشد اتش انقلاب ضد امپریالیستی در الجزیره، مبارزات مردم عربی را استوار بیشتری بخشید. حمایت بدریغ اتحاد جماهیر شوروی از جنبش های نجات بخش این ملتها و برهم خوردند در سیسیه های امپریالیستی موقعيت کشورهای اردوگاه بوسیلاییسم را در سرزمینهای عربی بمنزله پشتیبان صمیمی نهضتهای ضد استعماری استوار تر میساختند. در کشورهای عربی مبارزات ملی با مبارزه بسیار

تائیمین آزادی و مکاراسی توأم میگردید و نتیجه منطقه اینها تحکیم پایه های دوستی بین اتحاد شوروی و این ملتها بود.

در بر سلطنتی در عراق درقبال شاگرد مجموعه این حوارات پایه های قدرت خود را ساخت متزلزل میگردید. امیرالیسم بریتانیا میخواست عراق را به مدد احاطه مطمئن تری علیه حکومت دکتر مصدق مدد لاسازد. با این ترتیب نتفهه اتفاق دید بین دوجانبه این دولتین انگلیس و عراق مطرح شد. اما این نقشه تمکارانه موجی از خشم و نفرت در سراسر عراق برانگیخت و با قیام عمومی مردم مواجه شد. شعار "بسیوی حکومت جمهوری" بسرعت بین مردم شیوع یافت. طرح این شعارات نشانه قدرت نهضت، عمق آگاهی مردم و تکامل مبارزات عمومی بود. بار دیگر استعمار بریتانیا و دولت دست نشانده اند در عراق ناگزیر بحق شنین شدند و این دسیسه غنیم امداد رسال ۱۹۵۴ بعلت شکست نهضت نجات‌بخش ایران در اثر خیانت کبرای شاه، در عراق نیز نهضت بحد زیادی تضعیف گردید و مقدار اجرای خیانت که در رسال ۱۹۵۲ صورت عمل بخود نزرفت، در مقابله وسیعتری فراهم شد و پیمان بخداد با شرکت دولت ایران پسته شد و موضوع استواری بید است امیرالیسم اقتدار. موج رستاخیز دیگری در رسال ۱۹۵۶ سراسر سرزمین عراق را فراگرفت. شعاراتی که در جریان این قیام مطرح گردید نمود اریبود دروحش نذرلرمه محاقل د مکراتیک و ملی. "یوغ امیرالیسم رادره م بشکتم"، "استقلال سیاسی و اقتصادی راتاعین کنیم" ، "مبارزه بخاطر صلح و در راه خروج از بین اسارت- اور بخداد" ، "خروج از گروه استرلینک" ، "اساس فتوح الدیسم رابرچینم" ، اینها محظوظ خواستهای عمومی بود. تمام این خواستهای ابتدا مطالبه همین استقرار آزادی های د مکراتیک و مبارزه فعال علیه جور و طائل و قانون شکنی و علیه هرگونه ستم ملی با هم مفروض میگردید.

دوازده مبارزه این شعارات با گروه و حزب معینی بستگی نداشت. تمام احزاب و جمیعت های ملی و د مکراتیک در این مطالبات توافق نظرداشتند وصول. باین هدف همارا بمنزله یگانه راه نجات میهن خود تلقی میکردند. طرح این شعارات های مورد توافق عموم بتد ریچ همه نیروهارا بد ره جمع کرد و پایه استوار جبهه اتحاد وطنی بدین نحوگذشتند. طولی نکشید که تمام مبارزه بمقایسه سریعی بین تمام طبقات مردم پخش شد. تشکیل این احزاب هشتنگانه تشكیل دهنده این جبهه بمقایسه سریعی بین تمام احزاب مردمی خوش شد. تشکیل این جبهه نهضت را در روز ارتش توسعه داد. افسران شرافقمند و مهندسین پرست بشعارهای این جبهه گردیدند. جنبش در روز ارتش بانهضت عمومی خلقد رهم امیخت و هدف های جبهه اتحاد وطنی در سرلوحة خواسته ای ارتشیان انقلابی قرار گرفت.

بدین ترتیب بود که سرانجام پس از بند های پیاپی، نشیب و فرازهای فراوان، "جبهه واحد ملی" "جبهه اتحاد وطنی" بوجود آمد. در مرز این جبهه حزب کمونیست عراق، حزب اتحاد وطنی کامل چادر رچی رجل ملی و تامد از عراق و حزب دوکرات کردستان عراق قرار داشتند. تحت تأثیر بود رئیسیه نتیجه فعالیت این جبهه بود که زمینه های عینی و ذهنی انقلاب نجات بخش ۱۴ روئیه فراهم گردید.

انقلاب پیروزمند ۱۴ تموز حاصل جمهوری نیروها و تحریرهای های شیرین و تلخ گذشتند. نتیجه همچنان ترین نیروهای د مکراتیک و ملی عراق اعم از عرب و کرد در مبارزه علیه امیرالیسم و سلطنت است، نتیجه تکامل شرایط سیاسی و اقتصادی عراق و شرایط اعمومی همه کشورهای اعری و نتیجه تعادل نوین نیروهای بین الطیلی در اثر ایجاد و توسعه ارد و گاه سوسیالیسم بود.

بعلت این پایه های د مکراتیک بود که انقلاب عراق در خارج مردم حمایت بید رفع همه کشورهای سوسیالیستی، همه ملل شیوه آزادی واستقلال ملی واقع گردید و نقشه های تهاجم امیز امیرالیسم استواری انگلیسی و امریکایی که میخواستند سرزمین اردن را مدد احاطه علیه دولت ایلان قرار دهد نقش بسیار شد، و این دشمنان آزادی و استقلال ملی شرق ناگزیر شدند اند بروی جگر گذاشند و انتظار فرست د کنام خود بخزند.

از لحظه اخلى نیز این خصلت عالی، آثار بزرخ داد رجیان انقلاب باقی گذاشت. در تاریخ انقلابات جهانی ندرتا میتوان موردی یافت که انقلاب با این سرعت و سهولت به پیروزی رسیده و دامنه خویزی در آن تا بدین حد مدد و بوده باشد. مجموع تلفات انقلاب ۱۴ تموز از عدد دوی افراد خانواده سلطنتی که مسبیین اصلی سیه روزی و اسارت خلقهای عراق بودند تجاوز نمیگرد. ماهیت د مکراتیک و خصلت

ضد امپریالیستی انقلاب که ازیایه های توده ای آن ناشی میشد تمام طبقات میهن پرست را بحمایت شورانگیز ازان واد اشت . انقلاب با شوروهای جان عمومی طبقات مختلف ضد استعمار مرد هم مواجه گردید . در سحرگاه روز ۴ ایشون هنوز صد ای نخستین تیرهای انقلابیون در قصر سلطنتی طینین اند ازبود که مرد هم بخیانه ها ریختند و با پایکوبی و دست افشاری باستقبال انقلابیون شناقتند و همه مید انها و گاهها با صحته ظاهرات پرشور مردم مهدل گردید .

هدفهای فوری که در برابر انقلاب نجات بخش هر اق قرار داشت لزوم فعالیت خلاق ، انقلابی و طولانی را بیجاپ میکرد . انقلاب با سرنگون ساختن در بارسلونتی بزرگترین مانع را که سد راه تکامل بود از جلوه اخود برد اشته بود . از آن پس میباشد بایشیاری و بنحو فعال راه تکامل خود را بسیما دید . برای ازیان برد اشتن هرگونه امکان رجحت امپریالیسم و ارتقاء داخلى ، برای تبدیل جامعه عقب مانده بین اجتماعات زندگ و نوین و از میان برد اشتن فاصله غایبی که در یک دست طولانی بین این سزمن و کشورهای پیشرفت به وجود آمده بود میباشد این راه با ایات و با قاطعیت تابی پایان طی شود . در جبهه داشتی میباشد فکور الیسم ریشه کن شود و مناسیبات سالم اقتصادی جای آنرا بگیرد . برای دهقانان زمین و برای همه مردم آزادی تأمین گردد . ریشه قرقوی میماری و بیسادی کند شود . پایه های د موکراسی و حق حاکمیت ملی تحکیم گرد د و در زمینه خارجی با برآقایای نفوذ اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی امپریالیسم مبارزه سرخانه اد اهه یابد و هرگونه وابستگی با این ارد و گاه خاتمه بندید .

انقلاب عراق برای وصول باین هدفهای نفس نیروی کافی در اختیار داشت . زمینه مادی و ذهنی چنین پیروزی خواسته همراه بود : وجود یک جبهه مولع ملی بمنزله رهبری هنون سیاسی ، زمین حاصل خیز ، منابع شر و تهای زیرزمینی و مخصوصانست ، مردم کوشکه احساس پیروزی بر امپریالیسم نیروی حیاتی اینها را و چند آن میگرد .

ب - پیروزی انقلاب

ماهیت دموکراتیک و توده ای انقلاب در درجه ممتازه ناپذیرازیک واحد کل را تشکیل میگرد . تجلی میافت . حکومت انقلابی در مرحله نخست عمر خود مظاہری از این خصلت بود . این حکومت حقوق اساسی مردم را محترم میشد اشت . همه مدد و پیهای تاریخ اسلامارت اوری را که حکومت خاندان امیر مزد ور هاشمی برای مردم بوجود آورد ه بود بطریف میساخت . قید سانسور از دست پای طبیعت برد اشته شد ، اجتماعات آزاد گردید ، فعالیت های حزبی از دید و سدر هاشد ، رحمتشان شهرود بایزادی عمل سند یکای ۴ که مد افع حقوق آنان بود تشکیل دادند ، زنان آزاد اند در فعالیت های اجتماعی و سیاسی شرکت جستند ، جوانان اتحادیه های خاص خود را بوجود آوردند . دولت باتد وین قانون اصلاح ارضی ارکان پوسیده روابط ناسالم قصور ای را بزیر پرست قرار داد و در مدد اندیم این دژ قرون وسطی ارتجاع برآمد .

و موازات همه اینها بالغه از طرف د ولت انقلابی د موکراتیک ترین آدم در راه حل مسئله ملی برد اشته شد . قانون اساسی وقت عراق سر زمین منزه را کشید وطنی و جمهوری عراق را جمهوری عرب و کرد شناخت و بدین نحو بحقوق ملی کرد هاد رچهار چوب یک عراق مستقل ، ازاد ، د موکرات واحد اعتراف کرد . در عرصه سیاست خارجی نیز در این مرحله پیروزی های در خشانی تصیب د ولت انقلابی گردید . عراق از سیمان اسارت آور مخد ادخارج شد و این زنجیرسیه روزی را که باد است در ربارخیان پیشه برگرد ن مردم افتاده بود در هم شکست . آئین کد ای اینها او را طرد ورد کرد . برای تائین استقلال اقتصادی قد مهای موثری برد اشت . لبره عراقی از جحیله نفوذ و اعتبار گروه استرلینگ خارج شد . برای توانز تجارت خارجی از دلاریق ایجاد روابط از از و مقابل با کشورهای سوسیالیست اند امات شعر خشی بحمل آ مده . بطور کلی یکساله اول عمر حکومت انقلابی عراق دوران پر رونق ، شکوفان و موققیت آمیز عمر این حکومت بود .

۲ - تولد هایی که در هم شکست

در عین حال د شمنان خارجی و داخلی حکومت انقلابی عراق در این مدت بیکار نشسته بود نس . حکومت انقلابی از طرفی با مرتعیین د اخلى و شمنان آزادی و مقایی رئیم سلطنتی و با سیستان با امپریالیسم سروکار داشت و از جانی میباشد موجود بست خود را در رقبا توطئه های خونین استعمارگران حرast کنند از همه مهتر د ساییں عده ای از عثیین متعصب بود که سعی د اشتنند رزیر عنوان فرینده وحدت عرب عراق

رابحیطه نفوذ جمهوری متحده عرب بکشاند. تعایلات ضد دوکاراسی خاص این گروه آنها را آسانی در دام سازشیانش های امپریالیستی علیه دولت انقلابی عراق یکشاپند. در این زمان امپریالیستهاد یگرسیطه و نفوذ سنتی خود را در مناطق مختلف جهان ازد ستد اد و بود نه در خارج از قوه ها و تعایلات آنها حواله شی بوقوع پیوسته بود که تعادل جهانی را برین آنها برهم زده بود. تغییر کلو سیماهی جهان که نتیجه اجتناب ناپذیر انقلاب است، این ایجاد ارد و گاه نیرومند سوسیالیستی بود رخاور میانه شرایط بکلی نوینی بوجود اورد و بود استعمارگران ناگزیر شدند شرایط شخص نوین و نیروهای از ازان ناشی میگردند بحساب آورند. این دشمنان از ارادی واستقلال ملل اسیایی که چند سال پیش ازان پیش از تولد رهم شکستن جمهوری جوان مصر و سرثیگون کردند د ولت جمال عبد الناصر است بما جراحتیانه ترین عملیات خونین زده و سرانجام در اثر مقاومت مردم مصر و حمایت بید ریخ و قاطع اتحاد شوروی ازان ناگزیر عقب نشسته بودند، اینکه خود را رموقعتی می یافتند که برای محاربه با حکومت انقلابی عراق و سرثیگون کردند قاسم خود را ناگزیر میدیدند که جمهوری متحده عرب را در نفعه های خود بحساب آورند. اینداد رین د و خطر وجود ناصرو قاسم، بخطэр کمترود و روزگرد ن مینهادند و از همان موقع معاامله را بنامی میشنهاد میکردند. مشخصات این معامله از این قرار بود که ناسیونالیسم عرب بجای اینکه بطور عده عليه نفوذ امپریالیسم بکار بود، در مسیر ضد دوکاراتیک و ضد کمونیسم بیش رو و بجای اینکه امپریالیسم در بر این نیروی مشترک ملیون عرب و احزاب و مخالف د موکراتیک قرار گیرد، این دونیرو مقابله با یکدیگر انگیخته شوند.

الف - نخستین تلاش

تعاونیات تعصب امیز و کوتاه نظرانه برخی از هیران جهان عرب باین نقشه شیطانی امکان عمل میداد. نخستین کسی که برای اجرای این نقشه مناسب تشخیص داده شد عبد السلام عارف بود. خصوصیات اخلاقی عارف و معتقد اس سیاسی وی از همان دوران مورد توجه امپریالیستهاد را کرفت. جاه طلبی شدیدتا بحدیکت بیماری روحی، حسادت کشند، بی اعتنایی بموازنین و مستحبان اخلاقی، عهد شکنی، در عین تعصب کوکورانه عربی اور ابرای افتادن باین دام مستعد میساخت. بدست او مقدمات توطئه ای علیه قاسم فراهم میشد. در این تووطئه امپریالیستهاد بکلی خود را در زیر نتاب "ناصریسم" پنهان ساخته بودند. حزب بید اروآگاه کمونیست عراق که نفوذی عمیق و همه جانبه درین طبقات و قشرها و مخالف مختلف سیاسی و اجتماعی داشت بموقع از مقدمات تووطئه اگاه گردید و بعد الکریم قاسم راد رجبیان گذاشت. در لحظه ای که عارف در صدد تورق اقسام بود گرفتارو بمحاجکه کشیده شد و این ظاهره ای از اهرا خاموش گردید. در مقابل موج عظیمی از مخالفت با ساصل و قشنه های دیور رازی سراسر عراق را گرفت.

پس از شکست این تووطئه کی اعمال نشان دار امپریالیسم یعنی رشید عالی گیلانی بیدان د سیسه عليه قاسم قدم گذاشت. اونیز خیلی زود گرفتار گردید و مطبوعات مصر که پیش از عد السلام دفاع کردند در مردم اسکوت را ترجیح دادند.

ب - عصیان شواف

طولی نکشید که بزرگترین تووطئه خونین علیه حکومت قاسم ترتیب داده شد. در جریان این تووطئه بود که تا عیروا همیت و حدت نیروهای ضد امپریالیسم و بخصوص آن قدرت مستولی و قاهری که از اتحاد مثلث بین قاسم و طرفدارانش، حزب کمونیست عراق و نیروهای کرد بربری بارزانی ناشی میشد امکان تظاهر و تجلی یافت. این تووطئه بشکل عصیان شواف آغاز گردید.

عبد الوهاب شواف فرمانده سپاه موصل و شمال عراق را بهمده داشت. موقعیت وی با وسائل میداده از جانبی اعتماد جمال عبد الناصر باینها نماید. وی ازد جانب تقویت میشد. عراق پترولیوم امور مالی قیام را تعبید میکرد و جمهوری متحده نیروی معنوی خود را بسود او سکاری افکند.

در روز ششم مارس سال ۱۹۵۹ از طرف جمهیت هواود اران صلح میتینگ عظیمی در شهر موصل تشکیل گردید. خبرگزاری رویترز روز ۷ مارس این خبر را در ریاره میتینگ مزبور مخابره نمود:

"عده ای که در روز ششم مارس در تظاهرات کثیره صلح شرکت کردند در حدود ۲۵۰

هزارنفر تخمین زده میشوند. کنگره علیه پیمانهای و جانبه معقده بین امریکا با ترکیه، ایران و پاکستان اعتراض نمود و هرگونه پیمان نظایر را قبیح کرد. کنگره در قطعنامه خود اعلام داشت که این پیمانها امنیت جمهوری عراق را تهدید میکند. کنگره طی تلگرافی بخوان عهد کلیم قاسم تائید کامل خود را نسبت به جمهوری عراق اعلام داشت و از اخواست که ازیمان بند ادخارج شود.

در روزه قطم طبق دستور شوافعه ای از عناصر بین‌المللی از هواود ایران صلح حمله کردند و بلا فاصله نیروهای مسلح وی قدم پیش‌گذشت و بخوان جلوگیری از شوافع اجتماع هواود ایران صلح را بگلو لمه بستند. عده کثیری از مردم کشته شدند. بیش از سیصد فراز فعالیت جمعیت هواود ایران صلح توقيف و بزندان کشانده شدند. شب همان روز شوافع بوسیله دستگاه فرسنده ای که عد الحمد سراج برای او فرستاده و بوسیله مهندسین شرکت نفت کارگرد اشته شده بود، تشكیل حکومت وقت خود را در شمال عراق و قلعه‌شترک نفت اعلام داشت. شوافع در همان نخستین شب عمر حکومت خوش‌توطنه خونینی علیه زندانیان ترتیب داد و بیش از یکصد و پنجاه تن از آنها باز از جمله کامل غازانچی رجل انقلابی معروف عراق را که باره بازندان نوری سعید افتخار دارد بشهادت رسانید. این جنایت عکس العمل فوق العاده شدیدی درین مردم تولید کرد. خطاب زیگی موجود یت حکومت انقلابی و استقلال عراق را تهدید مینمود. حداقل آن بود که بیم تجزیه عراق و اغذیه‌خواری خونین و ریاد رکشی‌های فوجی میرفت. ولی این خود مردم بودند که قبل از آنکه دولت مرکزی دست باقی ام و عملی در رقبال این عصیان بزند خطر اراد رنطفه خفه کردند. روز بعد از کشتاری که بدست شوافع بمنثور از عاب مردم صورت گرفت مردم علیه توشه گران قیام کردند. این قیام بوسیله نیروی متعدد کوئینسته‌ها و باز اینها اداره میشدند. آنروز تازه‌یک ظهر نرمی از شهر موصل بدست نیروهای خلق افتاد. در این موقع حاده ای بسود مردم موقعیت پیوست. گردان مهندسی که باطنیاً با انقلاب وفادار بود ولی در اغاز امروز خود را نهاده تصویر میکرد جرئت عمل و اقدام مستقلی نداشت، در رقبال قیام مردم بیکار نمایند و به نیروهای خلق پیوست. بحلت مشارکت فعال توده ده قهان در امریکا کوئین عصیان در همان روز دوم شکست فاحشی برپیوهای خندانی‌گاهی وارد ام و شوافع بکلی منفرد ماند و تحت محاصره قرار گرفت. روز سوم که نیروهای اعزامی از مرکز محل رسید بادستگاه ترقیات ارتش پا شیده ای مواجه گردید. در همان روز شوافع کشته شد و این خطر عظیم از برکت وحدت نیروهای ملی و ضد امیریالیستی با سهولت و سرعت ببرطرف گردید.

کوچکترین تردیدی نمیتوان داشت که اگر این وحدت بر جای ماند بود و دلت قاسم تا آخر راه انقلابی خود بیش میرفت عراق نه تنها میتوانست بزم مشکلات خود غلبه کند و اخرين بقایای غذه امیریالیسم را برای همیشه ریشه کن سازد و استقلال سیاسی و اقتصادی خود را تضمین کند، بلکه مدلی به نیرومند ترین دیناییم انقلابی در شرق میانه و مرکز جاذبه عظیمی برای کشورهای عربی میشود، در تکامل انقلابی سراسرخاور میانه و نزدیک اثری شگرف و معجزنون بر جای میگذشت و تاریخ این ناحیه از جهان را چندین سال بجلو میبرد.

۳- تغییر خط مشی قاسم

در آن رشته از کشورهای آسیائی و افریقائی که مردم موفق بد رهم شکستن یوغ امیریالیسم شده، مطلع اول انقلاب را گذرانیده ووارد مرحله دوم، مرحله سازندگی میشوند، مشکل اساسی منوط بتنکامل اینده خود نمایی میکند. مشکل از این‌چهار است: از کدام راه باید رفت؟ کدام راه تکامل را باید برگزید؟ اینجاست که نیروهای اجتماعی گتوانگون در برآورده قرار میگیرند، تضادهای طبقاتی تشدید میشود، هماره برای تعیین خط مشی آینده شکل میگیرد. در این مرحله بورژوازی که در راه انقلاب قرار دارد از خود تغایل به رکود و توقف نشان میدهد و با جلو قتن انقلاب مخالفت آغاز میکند و حتی به نفع و انکار همه موافقین دوکار ای که دیروز بر جم وی علیه رژیم سابق بود، میپردازد.

الف - اغراق قبض نشینی

اگر در اول انقلاب عراق دوره شکوفان و شریخانی آن بود ولی پس از پیروزی حکومت سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری، تضادهای رونی جامعه عراق آشکارگردید و پیروزی این کشور که قاسم نماینده آن بود دچارت زدید و نتگرانی شد. بخصوص جناح راست این تمایلی از خود برای توقف در نیمه راه انقلاب نشاند اد.

وچون انقلاب را نهاد رسید ن خود بقدرت و حکومت طالب بود در بر بر تکامل و گسترش آن نتوانست لاید
بناند و درصد نشان دادن عکس العمل برآمد. نخستین عکس العمل بورژوازی راست عراق پشكل "تجمید"
حزب د موکرط وطنی تظاهریافت. "تجمید" عبارت بود از خودداری از هرگونه فعالیت حزبی که با انحلال طلبی
یک قدم فاصله داشت. این حزب معتقد بود که تمام احزاب باید از هرگونه فعالیت دست بد ارزند و کارها را
بحکومت قاسم واگذار کنند. و این کار را شرط ونشانه اعتماد بحکومت قاسم تلقی کرد.^(۱) طولی نکشید که سایر
احزاب بورژوازی به ان پیوستند. روشن بود که هدف اصلی این مانور، حزب کمونیست عراق میبود. این
احزاب از "تجمید" زیانی نمیردند زیرا این رعایت انسجام داده بود و هیچگونه درنمایی برای بسط نفوذ
آنها وجود نداشت. درین آنها نهاد را خوبیست عراق بود که بحلت استعداد شگرف سازمان دهد.
ایدئولوژی روشن، جهان بینی مارکسیستی و خطوط مشی د رست خوبیش توائنت است بود راعی اجتماع عراق ریشه
بد واند و توده های وسیع کارگردان هقان و قشر عظیم روش نفتکران را بطور عمد بسوی خود بکشاند. علاوه براین
اساسا هرگونه روشنی که حزب را بطرف رکود و سکون بکشاند و بوی انحلال طلبی ازان آبد با مجموعه مرامی
حزب کمونیست د رتفضاد بود. این ترتیب طبیعی است که حزب کمونیست نمیتوانست راه تسلیم در تبال این
پیشنهاد ر پیشگیرد و در امی که بر سر اهش گسترد. بودند بیقتند عدم موافقت حزب کمونیست با تجمید به
قاسم بهانه داد و دی برای تحمیل این نظریه شروع باعمال فشای اعلیه حزب کمونیست کرد. پیشین وضعی اینها
قاسم رایه عدو ازاصول و موازین د موکار اسی و قانونی میکشانید و جزاین نمیتوانست باشد. بتدریج حزب
کمونیست هدف ضربت سازمان پلیسی قاسم که ماهیت د بین خود را بقدر رفاقت حفظ کرد و نهاده امانت را غرمت
مناسب بود قرار گرفت. ضربت بحزب کمونیست مقدمه سلب آزادیهای قانونی د یکروند. جمهیت ها و سازمان های
د موکراتیک و مترقب یکو پس ازد یکری در مرغرض فشار پلیس قرار گرفتند. ابتلاءات عمل امنیت شد. سند یکاهما
تعطیل گردید و فعلیان انبانزند اس سپرد ه شدن. طبقه کارگر رعایت شمارشید بد نیروهای انتظامی قرار گرفت.
طولی نکشید که مطبووعات نیز بنویه خود د چارت نهیقات متعددی داشتند. میدان تاخت و تاز پلیس رهواز گردید.
بهمان نسبت که این وضع شدید میشد قاسم تکیه گاه بند را در بین مردم ازدست میداد و ناگزیر
میشد بسرینه پلیس و نیروی ارتش عراق تکیه کند. عوامل ارت جاعی، بازماندگان د ستگاه سلطنتی، لرفد از^۲
ناصر، عمال شناخته شد امیرالیسم که تا این زمان هرگونه امید را به راه بیرونی کاری ازدست داده بودند، در
این تفرقه اینک مایه های زیادی برای امیدواری اینده می یافتند. این عقب گرد قاسم انجان تشبیه در
مناسبات وی با مردم پدید آورد که حتی برای عادی ترین افراد نیز کلی محسوس بود. بعد الکرم تاریخ که تا
این زمان از محبویت فوق العاده عذیزم و وسیعی برخور آریو، تیلابی پیچوچه احتیاج بحافظه و پاسیان
ند اشت، یکه و نهاده راتومویل خود می نشست و بیان مردم می آمد، مردم اور آباوش بیاضی پذیرفتند.
شورهای عیجان مردم بحدی بود که موقع عبور او مد ای کف زدن و هوا از نیک کیلومتری گوش میرسید، اینک سر
راه اخلوت میشد. بجای مردم پاسیان و پلیس در سرراه اوی ایستادند و کار بدان جار رسید که وی برای
حفظ جان خود ناگزیر شد هنگام عبور از کوه و خیابان د رمیان حصاری از زره پوش و تانک و مسلسل و سریان
و سلح قرار گیرد. کار بدان جار رسید که عده ای از قوادهایها، مرتجلین، دشمنان ارمنی^۳
که از ترس توسعه و اوج روزافزون نهضت بایران گرفته و زیباییل حمایت محمد رضا شاه پناه برد و ند اینک
با فراغت خادر عراق بازگشتند و قاسم بمنظور مغاربه با نیروهای د موکراتیک دست تلفظ برسانه اشید.
نتیجه آن شد که رفورم اجتماعی که در نخستین مرحله انقلاب باحدت زیاد اغاز شده بود متوقف ماند. قانون ن
املاحت ارضی قوت و تا عییر خود را ازدست داد. اکثر قوادهای باس املاک سابق خود برجستند و حقانان که
میباشد بدین ترتیب غرامت عقب گرد قاسم را بپرد ازد از حکومت وید و رشد ند و تاسیس بخلاف انفراد رفت.
۱- عدو از اصول جمهوری و ملی

تحول بزرگ دیگری که بالضروره در روضح قاسم پیدا شد. مروط به ارتباط باکرد: تابود. عدو قاسم
از موازین د موکراتیک بطور ناگزیری اورا بعد از ازامیل -جمهوری و ملی عراق واد را ساخت. دولت وی نسبت
(۱) جنایر راست حزب بربری محدث حدید بشدت از تجمید ازد ای کرد در حالیکه کامل چادر رجی ریس
جنایچ پکلی مخالفان بود و بالنتیجه در این حزب بدست محمد حدید انشعاب صورت گرفت.

بکرد ها سیاست اعمال فشار ریش گرفت و برخلاف نص صریح قانون اساسی وقت که جمهوری عراق را جمهوری د و خلق هر ب وکرد مید اند و د مرد د حذف عنصر کردی از جمهوری برآمد و در مقابل عکس العمل حق طلبانه و عاد لانه کرد ها دست بقشون کشی زد و یک سلسله جنگها را برادر کشی را که نمیتوانست منجره تغییرات جمهوری نگرد آغاز نهاد.

فاضل عباس مهد اوی رئیس محکمه الشعب و مرد محبوب عراقی که بزم مبارزات خود علیه عمل امال امیرالیسم یکی از نخستین قربانیان کودتا بعد السلام عارف بود ، روزی ضمن نطق خود در میتینگ با اشاره به ارم دولتی عراق که در آن شعسیرو خنجری هم راتاطخ میکنند چنین گفت :

"د شمن از کجا میتواند بر جمهوری جوان و انقلابی ماد است یا بد ؟ در شمال خنجر خونزیر کرد راه را بر آن خواهد بست و در جنوب باشمشیر ابد اربع سروکار خواهد داشت . پرسد شمن از کجا باشکوه راه خواهد یافت ؟ "

و در نتیجه روشنی که قاسم د ریش گرفت د شمن نشان داد که از کجا میتواند باین سرمهین دست یابد و دست اورده های انقلاب را ازدمد ان برباید !

ج - تلاش‌های حزب کمونیست

تمامی این اوضاع انفراد قاسم را شدید میکرد . وی بامید اینکه خود را در راین حالت انفراد حفظ کنند سرت بیکوون بند بازی سیاسی فوق العاده خطربنک توازن توازد . این روشن نادرست که با اختلافات موجود عمق پیشریه بخشید ، مید ان عمل وسیعی برای دشمنان انقلاب و حتی مخالفین شخص خود تا اسم آماماده میساخت و راه توطئه های خوبین را علیه دلت و مردم " مهوار میکرد ."

از این پس وظایفه ای فوق العاده دشوار و احیاناً مشاغل در برآورده ایانشان را بر جزء کمونیست عراق قرار گرفت . حزب کمونیست که مید ید قاسم باد است خود چه فرصت طلائی برای اجرای توطئه بدشمنان مید دد و اجرای هرگونه توطئه ای علیه قاسم چه صائبی برای عراق بیماری آورد حمایت از قاسم را یافته خود مید است . مثابه حزبی میهن پرست ، آگاه و طیوریم فشارهای مرگباری که قاسم بر آن وارد میساخت ، در مدد اشاعه و خشی کردن هرگونه توطئه ای علیه قاسم برآمد . در عین حال با تمام امکانات خود برای متوجه ماختن قاسم بخطای عذایم سیاست ضد کمونیستی و ضد خلقی وی که راه را برای اجرای نقشه های امیرالیستی " مهوار میسازد و پایانه تاکتیک جهانی امیرالیسم را تشکیل مید دهد ، استفاده میکرد . خاتمه دادن بروش ضد موکراتیک و سیاست جنگ و برادر کشی را بنام حفظ پیروزیهای انقلاب ازو خواستار میشد . حزب کمونیست در اعلامیه مورخ ژوئیه ۱۹۶۲ آمد و آینده واستقلال عراق وحتی دلت خود قاسم را با خذاری جدی مواجه میسازد و " شمشیر تو ایه گران را برگرد ن قاسم نزد یک میکند " .

بارد پیگرد راعلامیه ۱۹۶۲ اوت اعلام خلرکرد و تا گجد نمود که ادامه سیاست ضد د موکراتیک و جنگهای داخلی مبنیزه تسریع در پوشش کرد ن انقلاب است و نمیتواند نتایج وخیمه بیاریاورد . در سوم زانویه یعنی یکماه پیش از کودتا عارف نهمن اعلامیه دیگری موقیعت د شوار و خدا پیر را بقاسم و بهمه مردم عراق خاطرنشان ساخت . در این اعلامیه شمنا باوضوح کامل پرده از روی بند وست - دای توطنی آمیزی که در پشت پرده علیه قاسم واستقلال عراق بجزیان داشت بزرد اشته شد بود . در اعلامیه چنین گفته میشد :

" حوالد سه سال و نیم گذشته نشان داده است که سیاست ضد د موکراتیک که پیوسته از طرف دلت تعقیب میشود سیاستی است که نیروهای ملی برادر چارتفرقه میسازد ، پایه استقلال کشور را متزلزل میکند و سبب تعمیق مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی میگرد د . یکی از نتایج احتران ناپذیر چنین وضعی است که ارتजاع محلی ، عمال امیرالیسم و شمنان انقلاب بدرین نفوذ و قدرتی را که از دست داده بودند کسب میکنند و مقامات سابق خود را را شنود سکنگانه د و شئون اجتماعی باز میگردند . در مسائلهای اخیرین عنابر از سیاست دلت مبنی بر ایجاد نقره بین نیروهای ملی و سلب حقوق و ازاد بیهای خلقی و در درجه اول از ایز علیبی باکانه واند یوید و لقتی

که از مشخصات ماجراجویانه و کوتاه بینانه جناح راست ملیون میباشد، استفاده کرده اند و امروز این خود دلت است که اعلام خطر میکنند. در حالیکه مردم باین واقعیت کاملاً توجه دارند که عمال امپرالیسم راهیمین دولت امان داد و حیثیت آنها را اعاده کرد. و همینها هستند که امروز مدل بایزارتوجه شده اند. اطلاعات موقیع که در دست مامیا شد حاکی است که ارد و گاههای بخداد و مخصوصاً گردان نزد هم پیاده نظام مدل بمرکز اجتماع عده ای افسران گردیده است که میخواهند این موکرآمد ^۱ حمله علیه استقلال میهن مقاره دهند. زمانی که اینکه برای اجرای توکله برگزیده اند بسبب وجود بحران درکشور و محلت ورود عده ای از جاسوسان امریکائی اهمیت عظیمی کسب میکند. اهمیت چنین موقعیت حساسی ایجاب میکند که دولت بش از هر زمان مسئولیت خاطیر مطبخ خود بینند شده. علیه ارتاج و گماشگان امپرالیستها و انصار ماجراجوی ارتشو در دستگاه دولتی دست باقدام قاطع و عاجل بزند ^{۰۰۰} ارد و لوت طلب میشود که حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم و نیروهای مختلف ملی را که بزرگترین پشتیبانان استقلال ملی و حایان پیروزیهای انقلاب هستند اعاده دهد.

در تمام مد تی که دولت قاسم بابازانیهای رستمیزد و هوپاییهای دلتی بزنان و کودکان انها آتش زیبارانید، حزب کمونیست عواقب وخیم این برادر رکشی را گوشزد کرد و تا گید نمود که پیش از آنکه کارزارگر گردید دولت برای خواست عاد لانه کرد هایانه بعد از که پرد از دیوار پیگو خودت نیروها را بمنزله ضامن بقای جمهوری تائین نماید. در اوایل کارتوامد تی طولانی همه این بید از ایشان با پرچ آهنهای لجاجت کوهه نظرانه قاسم بمرخورد میکرد. قاسم نیم خواست از درسنهای تاریخ عرب بگیرد. نه به تجربه های طلحه گذشت خود عراق، نه به تجربه های طولانی گذشت بسیار نزد یک ایران که برای تمام عراق مثالی زنده، عیرت آموزه انتباه آرسود، توجه نداشت. مشابهیت عجیب تعامی آنچه که در عراق میگشت شت وانچه هشت نه سال پیش در جریان نهضت برایران گذشت بود، هر فرد عراقی اشتباها الفای سیاست رایمیجان می آورد و از اینهمه غلت د چارحیرت میساخت. با اینکه اندکی پیش از موقع کود تاده ای از ایاد و های سفارت امریکاد رجیان پخش پول و اسلحه بمنظور ایجاد آشوب بدست پالیس افتاده بودند و خود قاسم چند باره ای خرین باره رکنفرانس طبوعاتی ۳۱ ژانویه مطلب را فشا کرد و نقش شعبه ای اطلاعات سفارت امریکاد رتد ارک توکله برملاساخت، ولی باز بحلت روحیه نایپیگیری در انقلاب و عدم قاطعیت دیرابد شمنان رسخت از ادی واستقلال عراق، با ورود دسته جاسوسان امریکائی باین سرزمین موافقت میکرد. این جاسوسان شمال و جنوب کشور را زیر پامنگر آنیدند و برای افزوختن اشی که سرانجام عراق را در شعله خود سوزانید از اد اه میز منجم چیزکردند. در عین حال «ایجت تعلیم بخود کامگی اوکه از ادرا فایان خویش اطلاعات کورکوانه انتظار داشت و اعتقاد وی با نسباط خشک نهادی بدن رعایت شرایط سیاسی و اجتماعی ووابستگی های حلیقاتی وی که او را بمحاسبه های تنگ نثارانه میکشید، سبب میشد که وی بد رهایی آمزوند ^۰ تاریخ زندگی بی اعتمادماند. وی بدن اینکه بخطای که پیوسته حلقه محاصره خود را در پیرامون اوتستکر میکرد بینند شد، راه ناد رست خود را میبینود. با وجود تفاوت های مکرر مخالف دیگر ایلک و ملیون دست چپ بازار افتتاح مجلس و شروع زندگی پارلمانی خود داری بزید. از طرفی دست افسران و فاد ارمه میداد و طغیر غم اعلام خطر های مکرر حزب کمونیست که پیوسته عواقب شوم چنین سیاست نابخرد اند ای راخاطر شمان میساخت، دهات کرد نشین راهیاران میکرد ولانه و کاشانه مردم بید فاع را که خواستار مسلم ترین حقوق حقه خویش بودند، به آتش میکشید.

قاسم روزی بخود امد و روزی برای حل مشکل مربوط بکرد ها از خود امداد گوی نشان داد و دستور آتش بس صاد رنمود که کارزارگذ شته و تمام مواضع بدست دشمن افتاده بود. روزی متوجه اشتباهات خود شد که پیک مرگ بر فراز سرشاریا و وزیریزد. روزی که کود تابوقوع پیوست، نخبه افسران و فاد ارموی در رما غوریت

کردستان پسرمیبردند و بقیه نیز ستشان از کارکوه بودند پرشدند بودند دشمن که با چهارچشم خود تمام حرکات اورازیرنطرد اشت بوى امان نداد و خست قاطع خود را براو فروند اورد وصفه خونین تازه اى در تاریخ عراق گشوده شد.

۴- کودتای امپرالیستی ۸ فریبه

برای اثبات اینکه مسئله نفت محوار اعلی تمام فعالیتهای مخرب کودتا پرداز ازان امپرالیست را تشکیل میدادند از لائل گوایانی در دست است هم از لحاظ وضع دولت عراق در قبال شرکتهای نفت، هم از نظر چگونگی تکمیل کودتا از جهت تایپیجی که این کودتا تاباراورد، آنچه در سرزمین عراق گذشت، نسخه دوم نمایشنامه غم انگیزی بسود که ده سال قبل ازان بوسیله همان کارگردان در مردم میهن معا معرفت نمایشگرارد شد.

الف - وضع دولت عراق در قبال انحصارات نفت

فیصل سامر وزیر ارشاد سابق عراق ضمن مصاحبه ای در این زمینه، اعلامیه ای از اشرف دموکراتهای عراقی درین خبرنگاران طبیعت پخش کرد که ضمن آن گفته میشد: «کودتای نظامی فریبه ۱۹۶۳ در عراق یک کودتای فاشیستی و ضد ملی است. کودتای ۸ فریبه علیه استقلال جمهوری عراق و رای نفی هدفهای مترقب اقلاب ۱۹۵۰ عراق صورت گرفته است. در شست سر کودتای نظامی در عراق زمانی صورت گرفت که قاسم زیرفساره هم جانبی توده های مردم ناچار شده بود برای بایان دادن که حاکمیت انحصارات خارجی در عراق تصمیمات اتخاذ کرد و شروع زیزیمنی این کشور را که سالهاست از طرف کمپانیهای خارجی ثارت میشود بعلت بازگرداند ۰۰۰ کودتای آن بود که مانع انجام این تدبیرگرد داد ۰۰۰ یکی از هدفهای

برای اثبات واقعیتی که در این اعلامیه منعکس و بیان شده است یک مدرک قدیمتر رجوع کنیم. این مدرک عبارتست از متن مدرجات صورت جلسه رسمی عربوط بد اکرات بین هیئت نمایندگی دولت عراق و هیئت نمایندگی شرکت نفت عراق. این مذاکرات در روز یازدهم اکتبر ۱۹۶۱ صورت گرفت. رئیس هیئت نمایندگی عراق خود بعد الکرم قاسم و زیرهیئت نمایندگی شرکت نفت شخصی بود موسم به فیشر. باین مذاکرات توجه نمایید. قاسم ضمن بیان مکمل مبنی بر حمله بر قراراد اد ملحن امضا کند ۰۰۰

قاسم: «ست و تجاوری از اطرف شرکت نفت عراق برخلاف عراق وارد میشود در هیچ جای دنیا نمایر

ندازه در کجای دنیا سبق و نهضید ارد که شرکتی بدست ایزبیک امتیازگیری ارادی کشود. برسواحد دیگری این در رسانان ای ایگونه مسلط باشد و همه چیز اغما بیانه ته رف کند. شما این اختیارات را از گروهی گرفته اید که به مینم خود شیانت کردند.

فیشر: «ما این حق را غصب نکردیم. یک حکومت رسمی بپاواگزار کردیم».

قاسم: «آن حکومت خائن بود. بهمین جهت تنفر تمام مردم را علیه خود و علیه حکومتهای که با آن هدست بودند برانگیخت. فرد ترد مردم میهن مان بابت یکانی تنفری شدید داشتند. ماید ریشه های اصلی و عملی موجود این نفرت و خشم را زیبایان ببریم تابوتانیم بجای آن نهاد وستی بنشانیم. باید تمام بقایای گذشته را زینخ و بن تخییرد هیم. اگر حکومت سابق همه چیز اشما و آنکه از کردی است مانمتوانیم این عمل خاندانه را تایید کنیم» اظهارات قاسم جزاینکه با سرسری فیشر و هیئت نمایندگی شرکت نفت مواجه گردید اثربخشید. باین جهت قاسم در همان جلسه حوالد آینده راکه در کمین وی بود پیش بینی کرد و گفت:

«لازم است نظر خود را با صراحت بشتابم کویم. شما را منتظر ایان هستید که وضع عراق تغییر کند و امور همچنان برونق می شتابدند. ولی من بشما اطمینان میدم که آنچه با اتفاق ۱۴ تموز اغذار شد پایدار است. ممکن است من که امروز با شما هستم فرد انباشم ولی این مردم باقی هستند و روح انقلاب ۱۴ زوئیه همچنان جاوده و راهنمای مردم عراق است. ۰۰۰»

فاسد دیگر این بیانات خود افزود :

شما میتوانید عجالتاً آن قسمت از اراضی را که در تصرف خود آوردید استثمار کنید. ولی مابقیه اراضی را که تاکنون استخراج نشده اند طبق قانون زیرا مساتصرخواهیم کرد و آنها را از شما پس خواهیم گرفت.

فیشر: « مشکم از اینکه اینرا بحال اطلاع دادید. مانیز منتظرا عاقب کارخواهیم بود. »

فاسد: « از کد ام عاقب صحبت میکید؟ »

فیشر: « میخواهم بگویم ما هم بنویم خود برای حفظ منافع خویش اقد امات لازم را بحمل خواهیم اورد. » پس ازان تاریخ طولی نکشید که اراضی استخراج نشده نفت از طرف دولت عراق تصرف شد و مقد مات تشکیل یک شرکت ملی برای بهره برداری از آنها فراهم گردید.

ب- چگونگی تکوین کودتا

بدین ترتیب بود که امپرالیستهای آنگل‌آمریکن علیرغم مناقشهای داخلی بین خود بحکم ضرورت برای ساقط کردن حکومت قاسم و برسکار اوردن یک حکومت مورد اطمینان در اساس موضوع بتوافق رسیدند. ولی هنوز راجح بطریز اجرای توافقه و عاملینی که میباشد توافقه بدست اینها ناجام گیرد توافق نظر حاصل نشده بود. جلسه ای که در اوایل سال ۱۹۴۲ در شهر موینیخ آلمان تشکیل شد برای حل همین مشکل بود. این جلسه ای بود که ملانظر آنچه که نزد یک به ۹ سال و نیم قتل ازان در شهر ریو برای بسازنو در آوردن مود ایران و ساقط کردن دولت مصدق ق تشکیل گردید. اگر شرکای جلسه اول عبارت بودند از الن دالس، هند روسون و اشرف خواهش راه، در جلسه منعقده در موینیخ نجیب رییس همکار سابق قاسم و یک افسر عالیرتبه سازمان جاسوسی امریکا که تا این لحظه نام او فاش نشده است، شرکت داشتند.

روزنامه اکسپرس مورخ ۱۵ فوریه برای نخستین بار پرده از روی این دیسسه برگزت و اطلاع داد که در اوایل سال مادر شهر موینیخ بین نجیب رییس و یک افسر عالیرتبه سازمان اطلاعات امریکا برای انجام کودتای در عراق علیه قاسم مذکور ای صورت گرفت. چون امریکاسازمان جاسوسی انگلستان را در رایس امر مرد دیافت نجیب رییس را با کشور گسلید اشت. رییس توانت اعتماد سازمان جاسوسی انگلستان را در زمینه محفوظ ماند نتافع کامل احتمارات نفت انگلیسی بخود جلب و از این اجرای کودتا همه راه سازد. همین روزنامه در رجای دیگر علت تردید اولیه انگلستان و چگونگی رفع این تردید را بدین شرح

توضیح میدهد:

« ادریج اسوسی برتاینایا با انجام کودتا در عراق بکار گرد این امریکا بشرط موافقت کرده است که

اولاً مسئله کویت از طرف دولت آینده عراق برای همیشه مسکوت بماند و تایا در رخاخ از منطقه*

عمل شرکت نفت در هیچ جا بدست شرکت دیگری اکتشاف و استخراج صورت نگیرد مگر ماتوافق

قبلي شرکت نفت عراق ». *

در رستا برای این مذکور ای اینچه مورد توافق هر سه طرف، سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس و نجیب رییس بسته نمایند و در این دسته اول طبلان کودتا فرار گرفت عبارت بود از قلع و قمع ببرخانه کوئیت هاد رهمن نخستین روزهای تشکیل حکومت نوین.

با همه این احوال، حصول توافق بین این سه گروه هنوز مفهوم رفع تمام مشکلاتی که در این راه وجود داشت، نبود. شرایط بین المللی و تغییر تناوب قواد رجهان اینها را نگزیر میمیاخت که بهر قیمت شده است این بار نیز موافقت دولت تحد عرب را برای اجرای این توافق بدست اورند.

عبد الناصر برای ایجاد یک حکومت متحد عربی از هیچ تلاشی روکرد این نبود. موافقت وی کارانجا م کودتا را تاحد و دیپارزیزدای تسمیه میکرد. ناصر طبعاً نمیتوانست وحاضر بود خود را هدست امپرالیستهای امریکائی و انگلیسی نشان دهد. لالی این کار به میشل عقلق، عامل کوئیت مورد اطمینان امریکائی و عمر عاصد نیای کوئیت عرب و اگذارشد. عقلق بحلت شهرت نادرستی که در رقصیه "وحدت عرب" کسب کرده بود میتوانست ناصر ایسد ای ریاست برجهان عرب بد ام توافق امپرالیستها افکند.

هدف امپرالیستها از جلب موافقت ناصر بطور عده د چیز بود:

۱- تسهیل هرچه بیشتر اجرای امر کودتا بوسیله پوشانیدن ان در ساتر اتحاد عرب.

۲- تهیه زمینه برای تبلیغات بعدی و گذشت نعام بار مسئولیت برداش ناصرورد رسایه قرار داد

خود

امیر پیشنهاد باسیار سود خود میدید که دستهای آلوه بخون خود را در ریشت سرنا سیونالیسم عربی پنهان کنند. باین ترتیب نه تنها خبر را در رسایه نگاه میداشتند بلکه از طریق کشاورزی کرد تا در رجاده ضد کمونیسم امکان آنرا یافتد که ناسیونالیسم عرب و کمونیسم را در ریابربرم قرار دهد.

چنین بود مقدمات کار «عنصرناهمنگون و ناهملتگ بر درویش هدف واحد گرد آمد» در سحرگاه روز هشتم فوریه آهنگ رقص مرگ نواخته شد و غوش توب و مسلسل کود تاچیان دسراسار شریخ داد طینین اند از گردید. در آن صحنه‌گاهی صفحه دیگری از تاریخ خونین نفت ورق خورد. برای هر قطعه نفت یک قطمه خون - چنین بود عصارة محتويات آهنگ شومی که عارف را در عراق بر قصص مرگ واد آشت.

ج- عکس العمل مردم عراق

اگر انقلاب ضد استعماری ۱۴ روئیه مورد استقبال شورانگیز و سیحترین طبقات و قشرهای مردم قرار گرفته بود، کودتای این داردسته در همان نخستین وله با مقاومت قهرمانانه همه مردم مواجه گردید. مردم بادلهای مالا مال از عشق به آزادی، بوطن، به آرمانهای والای انسانی خود تصمیم گرفتند فرزانه ریاست کنند، تهرمانانه از این ارمانهای فاعل نمایند، و مردم اند چنان پرسایمان خویش نهند. ریشایش آنها حزب قهرمان کمونیست قرار داشت. حزب کمونیست در همان روز ضمن اعلامیه تاریخی خویش همه مردم را بجانب داده راه هنر از عرضه دعوت کرد و فاعل ازدست آورده های انقلاب ۱۴ روئیه را بهم توصیه نمود. روشن اهیت و خون آلوی که کود تاچیان از همان لحظه نخست در ریابرآزاده مردان و میهان پرستان و همه عنصر د موکرات و ملی عراق و بالاتر از همه علیه کمونیستهای ریش گرفته بودند، هیچ راه دیگری جز مقاومت برای مردم باقی نمیگذاشت.

راهزنان کود تاچی راه خود را بوسیله آتش رو آهنند اب پس از پیروزی میگشوند. تمام شهرهای ملی، حتی مطبوع دست راست در مردم حمله میگیرند. بروز از همان مسلح قرار گرفتند. این داردسته باید عقوتی که از گور هیتلر و گویندیگ و گوبلن بر میخاست سرمیست شده بودند. اخباری که در روزهای اول عمر کودتا از عراق بخارج مخابره میگردید و حشمت این تهمه کاریهای ابر ملامی ساخت.

فرانس پیرس در تاریخ ۱۳ فوریه خبرد اد:

«شهر بخند اد در زیر چرخ تانکه بازه بوشامیلزد. با اینکه کود تاچیان همه موضع دلوی و نظم ای را در دست دارند ولی مردم همچنان مقاومت اد ام مید هند ۰۰۰۰۰ افراد حزب بعث زن و مرد را گلوله باران میکنند. تعداد کشتگان در کوچه ها و خیابانها بقدری زیاد است که بحساب نماید»

همین خبرگزاری در خبرد یگر میگوید:

«دولت جدید عراق پایه های خود را در میان آتش خون بنامیدند. رژیم جدید برای درهم شکستن مقاومت خالقین که کمونیستهای در راه از ارتکاب هیچ جنایتی فروگذار نمیکنند».

خرگزاری رویترز در تاریخ خبرد اد:

«مقاآمت نیروهای مرد ریابرکود تاچیان به سختی اد ام داره. افراد مسلح حزب بعث عازیز را باغتوان کمونیست مورد شلیک قرار مید هند ۰۰۰۰۰ اعضاء حزب بعث بانو های هارایکی میکویند و اعضاء عخانواده هارابجنوان کمونیست در حفاظ سریزها و زان ارمهاد رخانه هارایکی میکویند و اعضاء عخانواده هارابجنوان کمونیست جلوچشم اهل خانواده گلوله باران میکنند».

فاجعه ای که در روزات نفت عراق موقعیت لکه نئگ دیگری است بر د امن کود تاچیان. او باشان

سلح حزب بعث طبق نقشه قبلی باین وزارت خانه هجوم بردند. نایاند گان وزارت نفت عراق در کفرانس اولیک در ریابر فتخواران مقاومت وزیده و خاطر انحرافات نفتی را ناراحت کرد. بودند در راین روز تمام اعضاء وزارت خانه نیزور بجز دنوفراز اینها که عضو حزب بعث بودند، یاد ریشت میزهای خود بدست آدمکشان بقتل رسیدند و بایستاد کود تاچیان فرسنده شدند. این فاجعه نمود ای است از جنایات وسیعی که به دست گروههای لجام گسخته و بدون مسئولیت در سرزمین مصیبت دیده عراق صورت پذیرگردید. مجاز این تبهکاریهای ستور مستقیم فرماند اری نیازی نداشت کود تاچیان بود برای قلع و قمع کمونیستها. اعلامیه روزنامه نگاران

عراقی در مقام اعتراض بسیا هکارهای فاشیستی گروه کود تاچی چنین مینویسد :

”باند حاکمه بمحضور کارآمد ن بالا قاصله فرمانی با ماهیت فاشیستی صادر کرد. ضمن این فرمان که سپزده مین فرمان راهزن بود دستورانهاد ام کمونیستهاد اد شد . فهیم واقعی ایسن فرمان قتل عام تمام افراد ملی و مین پرس است که برای بهبود وضع مردم کشور خوشود راه تحکیم پایه های صلح و مکاری مبارزه میکند. معنی آن کشتار کمونیستها ، د موکاتها و سایر عناصر مین پرس است . ۰ ۰ د ولت جدید آخرين بقايان چرگونه از اداری رابنحو خشني از همان برد اشته ، همه روزنامه هارا تعطیل گردید ، مدیران انهارا بفتح زندانها کشانیده ، اموال خصوصی انهارا و ادارات روزنامه های انهارا براتراج داده است. این تبهکارهای غم انگیز تنهاد رتاریخ حیات فاشیستهای که در جنگ دوم جهانی تابود شد ساقه و نظیر ارد ”
دانه این تبهکارهای بحدی وسعت یافته که در رتاریخ زندگی مردم عراق حتی در تاریکترین روزهای آن پندرت میتوان نظریه برای ان یافت . غالباً برهزیاران غیری که در رفتگی اول کود تاد رکوچه ها و خیابانها و دون خانه ها بمقتل رسیدند همراهان غیری سلوهای زندان کشانیده شدند. کارتگی زندان بجائی رسید که حتی مساجد و عبادتگاهها و مدارس را پايدل بزندان کردند .
انچه در این میان بیش از همه تا عصر انگیز و عبرت اند و زاست سرنوشت بشی ازد و هزار کمونیستهای ایشان است که در زمان قاسم تحت عنوان م مختلف واژه های مختلف بحلت شرکت در رفع غالب شواف بزندان افتادند . پس از سقوط قاسم این عده د چار سرو شوشت فجیع دیرگر کمونیستهای که بد ام اد مکشان می افتدند . گردیدند . ازانهاد یگر کوچکترین اطلاقی درست نیست . این یکی از همه اینگزیترین شوهای بند بازی کوتاه بینانه بورژوازی دست راست عراق و عبد الکریم قاسم است که بسوی این جناح گرایید . و عبرت آور اینست که این جناح بورژوازی نیز از یکینه حیوانی دارد سنته عبد السلام مصون نماند و مثلاً محمد حدید که در راعی این جناح بسر میبرد اکنون در ردیف کمونیستهاد رزند اند بسرمیبرد و تمام اموالی از طرف کود تاچیان مصادره گردیده است .

د - انکاس کود تاد رمحاقل امیرالیستی

روشی که دولت جدید عراق در قبال انحصارات نقی که ریش گرفت واستقبال پر شور محاذل امیرالیستی از کودتا ارتباط استوار کود تای عراق را با مسئله نفت بیش از پیش فاش میسازد . دولت جدید رهمن روزهای اول عمر خود یکی از نخستین اقد اماشی دادن اطمینانهای لازم به انحصارگران نفت بود . دولت مزبور اعلام داشت که نه تنهاد رشراحت موجود شرکت نفت تغییری در اد نخواهد شد بلکه این دست آماده است تا برای بهره برداری از اراضی نفت خزینه که در زمان قاسم از جنگ این شرکت خارج گردید ، قرارهای رضایت بخشی باش رکت بد هد . هنوز روز دوم فوریه یعنی تنهاد ورزید از موقع کود تابود که مجله ساندی تایمز نوشت : ” تقریباً تمام تولید نفت عراق در دست شرکت نفت عراق است . در سال ۱۹۶۱ بود که از ۱۹/۵ درصد اراضی استخراج شده خلخال بد بحمل آمد و ازان پس برای تشکیل یک شرکت عراقی در چند وهله اقد امامی شد . امامینک در باره این اراضی نیز میتوان یک قرارداد مرضی الطرفین منعقد خت ”
مجله انفورماتیون اند وسترن اکمورسیال در شماره ۲۴ فوریه خود تحت عنوان ” انقلاب عراق و سیاست نفتی عربی ” با استناد بمندرجات تایمز لندن نوشت :

” بجه دلیل بریتانیا با شتابزدگی دولت عارف راشناخت . قضیه روشن است . مسئله مربوط به نفت است . یکی از اذلههای طالب حسین شیبی وزیر خارجه جدید عراق آن بود که بشرکت ارالک پترولیوم اطمینانهای لازم را بد هد . وی نه تنها اطمینان داد که در کار استخراج نفت کوچکترین وقهه ای حاصل نخواهد شد بلکه تا ممکن کرد که در باره مناطق خارج از ایره بهره برداری موجود د نیز با خود شرکت ارالک پترولیوم توافقهای لازم بعمل خواهد آمد . ”

مجله نیوزویک در یکی از شماره های خود بالحن ذوق زده ای که ارشدت سرت سرازمانی مشناسد چنین نوشت : ” غرب اینچنان عراق رانگ در برگرفته است که بیم خفه شدن ان میروند ” . و سپس در مقام تعیلیم امیدی که غرب بحران پسته است د لائی بشرح زیرگز کرد : ” نخست اینکه رئیم عراق با کشتار کمونیستهاد راین کشور خوی را جاری ساخته است که نتایج ان عاید غرب میشود . دوم اینکه دولت جدید عراق تعهد کرده است منافع کمپانیهای نفت را محترم ”

شمارد و خطرملی شد ن را از این شروت زیرزمینی عراق د ورسازد ”

رادیولندر ن در تفسیر اخبار ۲۴ مارس خود بزمیان فارسی بواقعیتی اشاره میکند که بنویه خود بحد کافی رسوایتند و پرده در است. قسمتهای از تفسیر مژبور چنین است :

” هشت کشور عضو اولیک یعنی ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت، قطر، لیبی، ونزوئلا و اندونزی روپه رفتہ قریب ۹۰ درصد کل نفت بازارهای جهان را تولید میکند. این کشورها تضمیم گرفتند که فرانسی را که قرار بود در روز ۳۰ امارس در عربستان سعودی برای مطالعه روش‌های خشن-تری در قیام شرکت‌های نفتی تشکیل شود، بتا خیراند ازند. ایران در این میانه موقبیت خاصی دارد، زیرا هفت شرکت بزرگ نفتی عضوکنسرسیوم ایران هستند ۰۰۰ فشار برای تجدید نظر در اصل پنجاه پنجاه در میان کشورهای تولید کننده نفت، بیشتر از تاکمیل کنندۀ خاور میانه ناشی میشود. عراق اخیرا نقش موگری در این جریان داشت. اما اینکه محیط دوستانه تری بین شرکت‌های نفت و کشورهای تولید کننده موجود آدمه است ”

اطلاعات عصرانه کشور غاناد رشمایر مورخ ۲۸ فوریه در مقام اعتراض بد سائنس امریکاییستی چنین نوی ” نیروهای بین المللی امریکاییسم و نئوکولونیالیسم تحت رهبری سازمان اطلاعات امریکائیستی حوار خوین عراق است ”

پاد ات نویسنده نام ار انگلیسی و همیرجسته حزب کمونیست انگلستان در جلسه ای که بعنوان اعتراض علیه جنبای رهیزان سلح حاکم بر عراق تشکیل شد بود چنین گفت :

” وزارت خارجه امریکا شتارهای بیرون حفظ ای را که در عراق جریان دارد با شوروی هیجان استقبال میکند. ۰۰ بارد پیگر مسئله مربوط به نفت و منافع اتحادیه ای اشکار کرد که ده سال قبل دولت مصدق را در لحظه ای که ایران در استان پیروزی نهایی در مسئله ملی کرد نفت قرارداد است پوسیله ترتیب داد ن کود تای زاهدی سرنگون ساخت و اینکه همین اسلوب در عراق و سوریه انجام میشود ”

در پاره کود تای سوریه باید گفت که مقارن تقریبی ان باکود تای عراق یا مسئله تصادف نبود. پوسیله این کود تاها تقسیم بند پیهای جدید اراضی نفت خیز صورت میگرفت. منابع نفت سراسری که در منطقه کردنشین سوریه پیدا شده بود چشم انداز اتحادیه ای را خیره میساخت. در در وران وحدت سوریه و مصر دولت متحده عربی در صدد بستن سدی بر سر اه فرات در منطقه کردنشین برا آمد. برای انجام این نشانه عده ای مهندسین آلمان غربی را استخدام کرد و کار را پنهان ساخت. امپیش از انجام این نقشه سوریه از صحر جد اشد. در این گیروند ارمند سین آلمانی بجا تشهیه پروژه ایجاد سد خبرگزاری کشف منابع نفتی عظیمی در این منطقه دادند. در جریان انجام کود تاد عراق و سوریه فکری هم برای تصاحب این غایم شد بود. در تقسیم بندی جدید چنین توافق شد که منافع انگلستان (صجالتا) در عراق محفوظ بماند و در عرض سوریه در حیطه نفوذ امریکا قرار گیرد. بدین ترتیب اتحادیه ای ایجاد یک امیراطلوبی نقیقی عربی را در رسمنپیرانند. امیرای نیل باین هدف میباشد از یک طرف شرکای انگلیسی را بتدیرج از این منطقه برآورد و از طرف دیگر از ایجاد هرگونه مانع از طرف آلمان غربی برسرا راه جلوگیری نمایند. این کارفرز است. مربوط باشست که خلق نسبت به اریاب دیرین خود امریکا همچنان وفادار ایمان و بایسوسی آلمان غربی کشیده شود، ایا انگلستان دست بروید است بگذرد و جهارای رقیب خالی کند یا خاره آن باقی بماند، و مهترانه آیا مصیبت جانسوزی که بر طل عراق و سوریه گذشت مهارزات عمومی عرب ابرای مد تی طولانی بتواند متوقف نگه دارد یا خیر.

۵- نیروهای دموکراتیک و مسئله اتحاد عرب

الف- انگلیه کشتهای عراق

رهبران و سرداران کود تاد رسوریه و عراق بمنظور توجیه فجایعی که بدست آدمکشان بعثی در سرزمین عراق انجام گرفته و میگیرد کوشیده اند چنین و انعدام سازند که گویا علت این کینه تزویی و حشیانه مخالفت نیروهای دموکراتیک با واحد تعریف و ناسیونالیسم عرب است .

میشل خلق که یکی از ایادهای شناخته شده دیپلماسی امریکا در شرق عربی است ضمن یک مصاحبه

مطلوباتی باخبرنگار خاور میانه روزنامه لوموند نخست خود را پیامبر ناسیونالیسم و بشر اتحاد عرب بقالم میدهد و سپس در مقام توجیه کشتار کوئینستها میگوید: "ما بدنبال یک هدف بزرگ مربوط با تحالف مملوک عرب هستیم. مخالفت مباباکسانی که سدراء این وحدت باشند مفهوم است".^{۱۰} عید السلام عارف سر دسته تبعکاران کود تاجی عراق ضمن مصاحبه با خبرنگار مجله روزالیوسف مصری که قصتی از ازان در روزنامه لوموند نقل شده است چنین ادعا میکند: "کوئینستها باید تین دشمنان ناسیونالیسم عربند. اندیاد عراق بکلی ازین برد خواهد شد".^{۱۱}

مبارزه با کوئینست دزیر نقاب دروغینی که این تبعکاران از ناسیونالیسم برچسبه زده اند توانسته است افکار عمومی جهانیان را فرید و ماهیت بکلی امیریالیستی کود تاهای سوریه و عراق را از انتظار مخفی دارد.^{۱۲} سیاست ضد کوئینستی و وحشیانه دولت عارف در اطانت امرتندگین تین و خفت آورتین طریق اجرای تاکتیک جهانی امیریالیسم برای بزانود راورد ن همه خلقها کشورهای مستحمره و نیم مستحمره و کشاورزی مبارزات ضد استعماری این کشورها بارطه ناکامی بوده است.^{۱۳} در دنیا کشوری تمام کشتارهای فجیعی که در این سرزمینها در دزیر نقاب مبارزه با کوئینست انجام میشود آنچنان با مبارزه ددمنشانه علیه تلاش ملل ستم کشیرای رهایی از بیوغا استعماریم آمیخته است که هیچیک از این دوراد راین کشورهای نامیتوان ازد بگیری جد اغراض کرد.^{۱۴} این هردو، دوچز از تاکتیک واحد استعمارنوبن را در مقیاس جهانی تشکیل میدهند. مقابلاً در این رشته کشورها مبارزات طبقاتی احزاب کوئینست با مبارزات همگانی برای تحصیل آزادی واستقلال ملی بهم جوش خورد.^{۱۵} است.

استعمارنوبن بمنظور تضعیف مبارزات نجاتبخش طی در آسیا و افریقا و امریکای لاتن "مبارزه بـا کوئینست" را بیان میکند. این شعار رای قشرهای مرتعج و منحط این کشورها و پرای گروهی از ناسیونالیست های متعصب جاذبه ای دارد. این زمرة ناسیونالیستها بخلاف مخصوص بودن در حصار محاسبات کوتمنظرانه وعد در رش نوش طبقات شامل یابنده اجتماع با سهولت زیاد در دام این شعارمنی افتند. اینچنین وضیعتی بنناچار آنها بر اسرار آشیب این محاسبه میکشاند: همه چیز در راه مبارزه با کوئینست - باهم کس در راه مبارزه با کوئینست - حتی با شیطان.

بـ وحدت - یک جاذبه ظالم

تمایل عمومی ملل عرب به امور وحدت از ایک سایقه سیار طولانی ناشی میشود و یک ضرورت اجتناب ناپذیر مربوط بمقتضیات عمر آنرا قوت و تشدید میکند. این مسئله از همان صدر اسلام تحت تأثیر انگیزه دینی بر اینکه اسلام مدعی مطرح بود و در طول تاریخ اشکال مختلف بهبود گرفت.^{۱۶} مبارزه ملتی ای عرب در طی چندین قرن گذشته علیه سیطره امپراطوری عثمانی و سپس علیه تجاوزات استعمارگران و بعد سلطان اینها در داخل سرزمینهای عربی این خلقها را بطرف وحدت بمنزله یک امکان عمومی کشانیده است. چنین تمایلی مبنی بر واقعیات عینی است. زبان شترک، فرهنگ مشترک و هم‌بستانی طولانی تاریخی در تکون این عامل اثری عیقد اینه است. ملل عرب در یک منطقه وسیع و بهم پیوسته بخرا اینای بسر میرند. باهم طعم تلخ اسارت چشیده و دوشید و شنهم علیه دشمنان مشترک جنگیده اند. هیچ چیز از این منطقه ترکیست که خلقهایی که غالباً بحلت نقشه های امیریالیستی از هم درمانده اند اینکه رهای خود را از تقدیم اسارت امیریالیم از طریق اجتماع در یک واحد بهم پیوسته بجوشند. بهمین جهت است که رهبران آگاه عرب در اساس مسئله توافق دارند و حزب کوئینست بمنزله آگاهترین و میهن پرست ترین و واقع بین ترین سازمانهای سیاسی عربی در اساس از نظریه وحدت پشتیبانی میکند.

طبیعی است که ایجاد وحدت بین خلقهای مختلف فرهنگی، فنی، صنعتی و تجاری هستند کارآسانی نیست. مشکلاتی که بر سر راه انجام این وحدت و حصول بهدف عمومی اعراب وجود دارد غیرممکن است از طریق جبرو تعبد و نقی آزاد بیهای مدم و مثلاً از طریق کود تاسازی و شتابزدگی بر طرف گردد. بخصوص در مروری که وحدت و سیله احزاب سیاستی کی از ململ عربی نسبت بدینگان باشد، حتی اگر او طلبانه نیز باشد نیتواند دوام پیدا کند. چنانکه دیدیم وحدت نخستین سوریه و مصر با چه سرعی از هم پاشید و حتی باصل ایده^{۱۷}

وحدت عرب تاحد ودی نطمہ زده در این صورت چیزی ممکن است راه فشار و قبروکود تاسازی داعیان وحدت را بسرضل مراد برساند! انچه لازمه وصول این آرمان عالی میباشد عبارتست از تاخذیک خط مشی سنجیگ، دموکراتیک، توده ای وفعالیت مثبت و خلاقی که از شیطانی معنوی تمام توده های ملل عرب که تشتت وحدت هستند، برخورد ای اشاده هر کوره راهی بجزاین شاهراه نه پکعیمه آمال بلکه بترکستان ناکامه منتهی شود.

ج- استعمارگران ومسئله وحدت

استعمارگران نوین بتمایل شدید مطل عرب با تحداد توجه دارند. آنها نیک دریافت که شعده فروزان عشق با تحداد عرب خاموش شد نیست و اگر امور نزلعت کج روی برخی رهبران غم طلوب از آن بسیار نیاید، دیر باز و در راه درست و متفق خود را خواهد پاقت و علیرغم همه شکلات موجود، سرانجام پیروز خواهد گردید و اگر انجنان روزی فرارسد، گراستعمار رهمه سرزمینهای عربی از خواره بینهای گرفته تا اقصای شمال افريقا کند خواهد شد. باینجهت است که انهاب جای مبارزه با اصل ایده اتحاد عربکه از هم اکنون محکوم بشکست بنظر میرسد، راه مود یانه تروشیطنی تری برگزیده اند. راه منحرف ساختن وحدت وکشاندن ان درمسیری که بانقه های اسستیلاکرانه انهاتوافق داشته باشد در ریثات هرچه بپشتوض انداد رکشورهای عربی و سرمه از شرق میانه تا غیره بخت بخشد. درنتیجه آنها میکوشند تا در شهر عربی بجای غوغای مبارزه با امپرالیسم، آتش مبارزه با کمونیسم را در امن بزنند و تاسیبونالیسم عربی از محتوى دموکراتیک آن تهی سازند و از رادر سراسر اشیب سیاست ضد کمونیسم افکنند تا بدین نتواظر طرق زنجیر عموی مبارزات ضد امپرالیستی خلقهای عرب را تضعیف نمایند و آنها را در برابر سیسیه های امپرالیستی ناتوان کنند و از طرف مسئله وحدت را که فی نفسه مایسه مخاطره هولناکی برای امپرالیسم در خود نمیفته دارد بایستد ان بکشانند و مردم را از آن روگردان سازند. اینها این مقاصد شیطانی را بدست عالمین خود جامه عمل میباشند.

بهین جهت در طی تاریخ سی چهل ساله آخر میبینیم انهابکرات نشان داده اند که بسیار مایلند اعراب را در گرستان از ازدی واستقلالشان با هم متحد کنند.

در سال ۱۹۳۲ بریتانیای کبیرکه بر اوضاع و شرایط جهان عرب تسلط کامل داشت در حد برآمد از عطش عموی خلقهای عرب بود ت بسود مقاصد تاریکارانه خود استفاده کند. باین جهت نشانه اتحاد سوریه و عراق را در تحت سلطنت خاندان خیانت پیشه هاشمی و پادشاهی طک فیصل طرح و تعقیب کرد. اما بید اری خلقهای عرب مانع از اجرای این توظیه شد. این نقشه آنقدر ازیز و فهوم ازووهای این خلقهای در برود که نخمه های مختلف از هرسولیند گردید و شبیثات سازمان جاسوسی بریتانیا را خشنخ کرد.

در سال ۱۹۴۲ در بحیجه و مین جنگ جهانگیر نوی سعید بارک گریاد مسئله وحدت عرب افتاد و این موضوع را بیان کشید. ولی وحدتی که ممکن بود بدست نوی سعید صورت پذیرشود برای ملل عرب جزت حکیم هرچه بیشتر زنجیر اسارت شان فهوم دیگر نداشت. سپس چند صاحب طک بد الله پادشاه اردن خواست بادردست گرفتن این پرچم مقاصد درین سازمان جاسوسی بریتانیا الاجرا کند. املاشهای او هم بی شمرماند. در اواخر جنگ دوم جهانی بریتانیا که هم از نفعه های توسعه طلبانه امرکا وهم از شروع رستاخیز درین ملل عرب سخت بوحشت افتاده بود برای مقابله با این خطر رصد برآمد بنام اتحاد عرب کشورهای عربی تحت سیطره خویش را در ریک زنجیر عموی بهم بینند. این نیز بجای ترسید. اتحادیه که ائم جنوب عربی که اینک بریتانیا را قلب آن فرارد ارد و دعده ای از منحط ترین و فاسد ترین شیوخ عقب افتاده عرب را در بر میگیرد دیسیه ایست از همین نوع وهد از تشکیل این باصطلاح "اتحادیه" جلوگیری از هرگونه نفوذ امیکاد راین منطقه و در هم شکست نهضتیهای نجات بخش هی ساکنین این منطقه بیباشد.

امپرالیسم امیکا که پس ازد و مین جنگ جهانی توائیسته است دایرۀ فعلیت های سیاسی و نفوس خود را در رخاور میانه و کشورهای عربی بسط دهد، امروزه از چنین تعلیل اشیاع است. امیکانیزی سیار میل دارد عربهای را در راه اجرای مقاصد جهان خوارانه خود بزنجدید وحدت که کلید ش در اختیار سازمان جاسوسی خود امیکا باشد بهم بینند. وجود خود را بایقدر و نیوی جمال عبد الناصر د ولت متعدد عربی "واجهه میبیند، میکوشند تا با استفاده از تعلیمات غیرد مکراتیک ناصر اوراد رسراشیب چنین راه پرمخاطره ای بکشاند و به پیشر برد و اورا واد اریانجام معامله ای با خود سازد که برای جامعه عرب همه زیان و برای هدفهای استعمار طلبانه همه سود باشد.

اشکال بزرگ در اینست که انچه در جریان اتحاد مصروف سوریه برکشور اخیر گذشت مشوق خویی برای سایر ملل عرب نبود. با اینکه وحدت تحت تأثیر احساسات شورانگیز و لی تجربه نادیده اکثریت خلق سوريه انجام گرفت، داراییا به های توده ای بود و ممتوانست ریشه عمیق بین هردو ملت بد واند و سایر ملل عرب را بحلقه این اتحاد بکشاند، اما دیدم عمل اصلاح نشود. راه مصراوه غلبه واستیلا و فن آزادیهای دموکراتیک بود و بر مhor تفرق سیاسی، نظایری و اقتصادی بلطف بر ملت دیگر ممکن بود. چنین وضعی با آن ایده منطقی، سنجیده و مقول که میگوید "ناسیونالیسم عرب عبارتست از آزادی در وجودت که در مهاره علیه امپریالیسم و جاسوسان امپریالیسم خلاصه میشود" تضاد ماهوی است. باینجهت بنحو ناگزیری التهابات خیلی زود فرونشست. شوره هیجان جای خود را به محاسبات منطقی داد. این رشته خیلی زود از هم گسته شد و سوریه راه جدی دیش گرفت.

متاعفانه جمال عبد الناصر توانت از این حادثه عبرت انگیز در رسایل لازم را راگیرد. اگر بعد از که قاسم از جهتی نخواست و توانت در رسایل تاریخ را راه برخود قرار دهد، ناچار نیز نهود خود را زمینه مسئله وحدت عرب نسبت بدر رسایل روز تاریخ بی اعتمادند. وی بجای اینکه برای عملی کردن ایده وحدت عرب راه بواقع دموکراتیک و توده ای و موردنخواست اینو توده های عرب را اتخاذ کند، ترجیح میداد از اداریت دست یافتن بدستگاه های ولیتی باین هدف نائل شود. این نحوه تفکر با امپریالیسم امریکا فرض و مجال داد تباری انجام نقشه های خود را سوریه و عراق و سریعگون ساختن دولت قائم دولت متحد عرب را در دام نقشه های معامله گرانه بکشاند. این توظیه نهیکارانه را در زیر سرپوشید و حدت عرب انجام دهد و سپس بدست عاملین خود حساب خویش را باندازی تصفیه کرد و پرسینه اور هردو و کشورهای سنت را بگذرد.

کوئینیست های بیدار آگاه عراق کاملاً باین فعل و افعالات توجه داشتند. اینها را بنازنده کردند بودند که کود تاسازی و کود تابازی، نام و عنوانی روی ان بگذردند، فقط و فقط آب در رسایل استعمار میرزد. اینها میدانستند کود تابازی که بدست بعد السلام عارف شاگرد مکتب میشل غلتن جاسوس سرشناس امریکا انجام شود، چه راهی در پیش از ویچه مصائب جیران ناپدیری برای عراق و برای همه مملکت عرب میگردد و چگونه به اساس ایده وحدت شدید اعیان طلحه میزند. روشنی که اینهاد رقبا را همان کود تابازی اتخاذ کردند، سنجیده و شرافتمند آنه و ناشی از احساس عمیق مسئولیت تاریخی انها در مقابله مردم عراق و همه مملک عرب بود. نام این بیداری و هشیاری منطقی را در مقابل دسائی استعمارگران "مخالفت با اتحاد عرب" گذشتند سفسطه ایست ناجوانورد آنه و نتابی است که بر جهه رکیه یک جنایت کبرا نسبت بمردم عراق و همه مملک عرب و اساس ایده وحدت عربی کشیده میشود.

کمینه عالی دفاع از عراق دیگر از بیامهای خویش را اجج بحثله وحدت میگوید: "مردم عراق بزیان احزاب میهن پرست در موارد متعدد و ضمن تنازعات خود پشتیبانی خویش را از تحکیم روابط با سایر خلق های عرب و استقرار استوار ترین همسنگی با اینهاد رخد و در اینهاد رخد و اوضاع در کشورهای عربی مقتضی است و بنحوی که حقوق ملی مردم کرد را تضمین کند، اعلام داشته اند. ولی هرگونه توافقی ذرا بین زمینه باشد از طرف خود مردم و بدست دولتهای بواقع دو مکرات و تباينات گان حقیقی مردم انجام بگیرد. ۰۰۰ تهراهار صحیح شرکت مردم عراق در هرگونه قرار داد، در هر رفراسیون و یا هرگونه وحدت آنست که این کاریدست یک حکومت دموکرات انجام گیرد. حکومتی که نهایتند همه مردم هزار اصم از عرب و کرد باشند. زیرا کرد ها بوجوب نعم قانون اساسی موقد حکومت انتقامی رئیسی ۱۹۵۸ در رونم مشترک باعهای اشرکند. این واقعیت است که قانون اساسی موقد باتوجه به مبارزات مشترک دو خلق عرب و کرد طی سالیان دراز اثرا نایید کرده است."

۶- خاتمه

تجارب عملی، درستی خط مشی و نظر حزب کوئینست عراق را اثبات میکند.

امروز شمرات تلخ و نتایج نامیمون کود تاباهای عراق و سوریه در پیش چشم کلیه جهانیان و بیویه همه ملل عرب قرار دارد و لتوی که در عراق در عدهه ترین خطوط عمل خود راه خد امپریالیستی دیش داشت، در لحظاتی که میخواست در راه اصلاح اشتباها خود قدم برد ارد، در اینکه کود تای خونین ساقط گردید و

جای آنرا ولتی گرفته است که سازمان جاسوسی امریکا خالق وایجاد کننده آنست. با سرکار آمدن این دارو دسته، امپرالیستها نفسی بر احت کشیدند و مکاره دیگرس ازده سال سری خالی از دخنه بیالی گذشتند (۱) . دولت نسبتاً محدود و تاحد و دفعه دیگر رات وطنی سابق سوریه سرنگون شده و جای آنرا دولتی گرفته است که بر روی انگشتان میشل عشقی عامل آنرا و تردست امپرالیسم امریکا میگردد. رشته عمومی مبارزات خد استعماری شرق عربی در اثرگستن دو طبقه از طبقه های این بکلی به ضعف گراییده است. و من شرکت نفت عراق ثبت شده و انگلستان در انجام اطمینانها و تضمینات لازم را برای ثبات و پیغام خود در قبال خواهی از احتمالی اینده بدست آورده و عجالاً تا خطری منافع عمومی امریکا و انگلیس را اهرا تهدید نمیکند سوریه تا این لحظه از طریق میشل عشقی در زیر چنگال حرص انصهارات نقی امریکا افتاده است. اعمال وحشیانه ضد بشری دارد و سه عهد السلام و انبه کشانه راهزنان فاشیست بخشی صورت گرفت، نفرتی عسق و شدید نسبت بکسانی که در گستاخ عرب بجهان عرب خیانت کردند، درین توده های مردم عراق و دیگر سرمهنهای عربی بدید آورد و تخم کین و خلاف و نفاق در رهمه جما پاشیده شده است. آشتفگی واژهم گسیختگی تا شراری شرق عربی را فراگرفته است. دارود سه عهد السلام عارف که در زیر نقاب ریای عرب و ناسیونالیسم عرب جزوی خون در رسار عراق جباری ساختند خود از بزرگترین مخالفین هروجد تی از کاره آمده اند. کارا قتباً شفاخ و اختلاف در عراق بکود تاسازیهای مجدد و خسد کود تاسازیهای مجدد داشته است. کود تاسازان سوریه در زیر همین نقاب دولتی محدث را سرنگون ساختند و اینک سران دولت منبور ایات‌الله "مخالفت با واحد ت عرب" بمحابه واحد ام تهدید نمکند ولی خود بجان هم افتاده اند. در عراق و سوریه بحمل عبد الناصر ناسیونالیست و اوراد یکتاتور، متاجوز عدشمن و حشد مینامند و سازمان تبلیغاتی قاهره سیل تاسیز ابطرف کود تاسازان عراقی و سوریه روانه می‌سازد و انهار آزاد مکش و خاکن بوحدت عرب می‌خواند. حیثیت و اعتبارناصر بحلت موافق اولیه با کود تاهای عراق و سوریه در شرق عربی دچار لطمۀ شدید شده و اتحاد عرب تا حد نامعلومی دچار قتوگردیده است.

تا این لحظه که این مقاله نوشته می‌شود، راین بازی بارزه و مغبون بنشانیم و امپرالیستها بزنده در وکشور کود تازده ڈاہرا جهان بکام استعمارگران میگردد. اما این بازی هنوز با خبرنوسی میگردد. عراق و سوریه در اینها بیک تب چهل و بیک درجه می‌سوزند. هر لحظه بايد مفتاح را حجود و تشنجات بجدید بود.

۱۹۶۳/۵/۲۱

(۱) ده سال قبل از این نیز همین جریان در میهن مایپیش امد و باستقوط دولت مصدق بدست شاه وزاهدی استعمارگران از بن بست خارج شدند. ایدن وزیر خارجه وقت بریتانیا در کتاب بخاطرات خود مینویسد "روزی که خبر سقوط مصدق بمن رسید من شب بادل راحت به بستر خواب رفتم."

قدْ خضبُ الْقَلْبِ كَمَادَ اهٌ
لِجِيلِ جِيلانِ خِراسانِ
وَالْفَلْلَاتْ خَضبُ اعْضَاؤه
آلَ اللَّذِي شَانَ مِنْ آشَانِ (۱)
(شعر محمد بن عبد الملك زيات که
رجاله بخداد بدنبال پیل رک
شد بابلک می خواندند)

مرگی بابلک

/ شعرسفید /

- ۱ -

بعد اد خموش را هنیتی شیرین گفت
هلال برد میده ازیس نخلستان ،
و برد جله پر آب ترانه ای عربی خواند
کشتبان دررسیده از هند وستان
برحوشن افشنین خون ده قاتان
و بربنیزه سر بازانش
سرهای منجد گرد الود انان ،
اسپ تازان درامدند به بعد اد خموش
وبند اد ازان هیاهو پرخروش
ولوه بیچید که یاغی خلیفه بابلک
در زنجیر می‌اید ازی سبند افشنین
و بخت مشکل گشای امیر المؤمنین
ازیای درآورد کافری خرم دین را
وز قته مصون داشت هفت اقلیم زمین را

- ۲ -

میرونده عربان خماربروی
و خراسانیان زود خشم پرموی
و سپاه دیلم ولشگر حلب
و جیشو ببر و طوارق و ممالیک
بر سمند های ارزق و اشهب
شتراون جمازه و پیلان سپید
و تازیان تیره روی بی قواره
که بربیلان می کویند چون چن زدگان نقاره
و پرده صماخ می کند پاره
بانک سنج و ناله غوکوس

(۱) پیل اند ام خود را چنانکه خوی اوست برای سپهسالار خراسان رنگین ساخته و پیل اند ام خود را جز برای
کسی که از یاگاه خویش فرود امده است رنگین نمی‌سازد.

مشعلهاروشن شدد رهکوی و کاشانه
غرفه ها پر گوغا شد و آستانه خانه
وبام ها مسنه ها از نظارگان
شیخان در طیسان و جوارید مقننه
زنگیان تن برهنه حلقه در گوش
سود اگران یهودی ، سادت علوی
و صوفیان غنکین پشمینه پوش .
شتران میروند با سلانه ای موقر
و اسیان میتا زند باتاختی آرام
و چشم ان افسین بانگاهی پر شر
بمردم مداح م گوید سلام .

سرهنگی گفت ساربانی بد دی را
وه چه قامت مرد انه است و رقتار سزاوار
در سلسله میرود این اسیر گرفتار
و گوش امیری است که میراند بر پیل
آن چنان نگاهش شگرف است و جلیل
درواقع بایک را پروا بد اندک
از نظره گستاخ نظارگان
و رآ نهمه غوغاییان و لجارتگان
که پسپوش افکنده دشمن و نفرین را
ثنامی خواندند امیر المؤمنین را

استاده اند مردانی از بنی تمیم
در "سرمن رآی" — مقرب خلیفه
بر دروازه منبه کوشکی عظیم
که در حرمخانه اش المعتصم بالله
غرقه است در عیشی شهوت آلد
بد انسان که سیرت عباسیان بود
میخواند مغثیمای از شهر سلطاط
همراه طنور زنی از بلده ریاط
شعری از زهیز بصوت جلی
و خلیفه باتن بزرگی و تنبیلی
لمیده در آغوش مهمین سوگلی
حلیمه بنت جابر الحنبلی
باده میتوشد ساتگین ، ساتگین
و برگرد خلیفه رویز من
بر فرشی از سندس و استبرق آرمیده
کنیزانی از میند ، جاریاتی از روم
نگران بر عمامه پرندي ینش
باد ید گانی سرد و مغموم

پیکی بار خصت حاجب سالار
نژد مختصم یافته بار
گفت : البشاره با یا الامیر المؤمنین
طوفی لک و هنیالک
که با قبال دولت اتو افشنین
مظفر و منصور در رسید اینک
و در رکابش بر زمیر گران
خصم اسلام و خلیفه بابلک
از شادی پرید مستی از نر خلیفه
دویدن گرفت سوی بارگاه
و اکابر عرب و عجم ازو اقحه آگاه
فریاد زنان که البشاره ! البشاره !
روی آوردند سوی بیت الاماره
و قوی عظیم از جارسو در نظر ازه
باری ایستاد در پیش خلیفه بر تزویر
درد ائمگ دوم شب بابلک دلیر
خلیفه و سرد اران و وزیران
و قضا و فقهاء و پریش
بد و زانو نشسته ، با تشویش
نگران بزیلای بابلک گرد
گرد آلدوده ، همیب ، بی بابلک
جامه و تن خونین و چاک چاک
و مختصم از اعماق حلقوم غیض و کین
دشnam داد شو آئگه با عز و تعکین
بوسه زد ببروی غیر آلدود افشنین
و سپس فرمود تان طحی گسترند بز مین
و سیاق فرا ایستد باتیخ یمانی
بی رحم و مد هش در پیش قربانی

قرآنی خواند از متن مصحف
بالحن حجاز آیات شریفه
و غرق اندیشه است مختصم خلیفه
تاجسان بکشد بابلک دلور را
که بیست سال در طغیان پای افسرد
و نامش از خطبه و سکم استرد
و کاخ اشراف از بن برکند
و کیش خرم دینی دیر اکند
سرهای مفروز را بخم واد اشت
و دلهای شکسته را بسوز آورد
آری دهستان را بشور آورد

وه که اوراسینه ، انباشته است ازکینه
پس سیقط گفتن گرفت بالفاظ متناظر
و سیاف راکفت تاش چارباره کند
نخست بازوی چپ بکند
آنگه بازوی راست و سپس پای راست و چپ را
وسرانجام کرد ن زند خصم خلیفة عرب را

بسایک ایستاده بود گرد ن فراز ، عنود
و سیاف تیغ یمانی آورد فرود
و افکند بازیوش را بر نطع چرمین
خون ارغوانی فروجوشید بزرین
قراءه خواندند آیات کتاب المبین
در تصدیق خلیفة عرب :
”بیت ید ابی لهپ و تب ”
بابک دست یازید زیر آن خونین جوی
و خون راچون غازه ای مالید بروی
”این دیگرچیست ؟ ” ترجمان راکفت امیر
”رسم خرم دینی است یاشیوه نفر
لعمی مارائی قط کهذا الخزیر
هان پرسید ش ازفلسفه این تزویر ل ”
ترجمان پرسید بایک را ووی دریاسخ
گفت : « کوشید ش ای کفتاریز !
خون ارغوان برگونه همی مالم من
تادر آستانه مرگ ناکزیر
زرد روی نشوم دربرابر شمن ” .

جنبش مترقبی زنان ایران

در راه احرار حقوق اجتماعی خود

شاه و پلندگوهای تبلیغاتی او میخواهند اینطور جلوه دهند که موقعیت زنان ایران دردست است اوردن حق شرکت در انتخابات مجلس شورای اعلی محصل "نیوگ" و "ترقیخواهی" شاه است . زنان ایران ده سال است که دوش بدوش مردان برای استقلال و آزادی میهن، و دست اوردن حقوق اجتماعی و سیاسی خویش مبارزه پرخاسته اند . این مبارزه که در آغاز قرن حاضر افزایش گردید در رسالهای بعد از جنگ علی رغم موانعی که شاه و دستگاه انتظامی او بر سر راه آن فراهم آورد و میآورند امنه وسیعی یافته . اوضاع واحوال جهانی نیز پیوسته درجهت پیروزی مبارزه زنان سیر کرده و میکند . تحصیل حق شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی در درجه اول محصل مبارزه زنان ایران همراه با مبارزه کلیه نپروهای مترقب و ازاد یخواه میهن ماست .

مقاله زیر انعکاس دهد این مبارزه زنان ایران است .

برای اینکه تغییر وضع اجتماعی و اقتصادی زنان ایران را مورد مطالعه اجمالی قرار دهیم بهترین شیوه بررسی تاریخی این جایان است . بویژه لازم است نظری زندگی اجتماعی زنان اقبال از تحولات انقلابی اوائل قرن حاضر بیند ازیم . این مطالعه سیاحت دور و راز تاریخی نیست زیرا ترقیات تمام انجه که در آغاز قرن کنونی وجود داشت امروز نیز پس از آنهمه تحولات اجتماعی و علی رغم تغییرات زیادی که رخ داده بطور عمد محفوظ است . لذا با شرح زندگی زن ایرانی در آغاز قرن بیست در واقع شارح وضع کنونی آنها نیز هستیم .

وضع زن در ایران در اوایل قرن معاصر

بطور کلی زنان از ابتدای ترین حقوق پسری محروم بوده اند . با مستور کردن زن در حرجا و مجزانود ن از اجتماع اوراد رجهل و ناد اనی کامل نگاه میداشتند . خواندن و نوشتن حتی بزبان مادری برای دختر ایرانی نتک محسوب میگردید و آنرا سیله فساد اخلاق و ایمان و سبب تزلزل اساس خانواده بشمار میواردند . زن در خانه پدر رطیع پدر و بارادر و در تزلزل شوهر بند و پرده شو هر بود . زندگی و مرگ از دردست مرد بود ، اغلب زجود ادن و کشتن او باعث میاهات و شرافتمندی و غیرتمندی مرد محسوب میگردید . هیچگونه قانونی برای دفاع او وجود نداشت .

زن شهری و قسمتی از زنان دهات اطراف شهرها مستور بجاده بودند و غیر از شوهر و برادر رو پدر را بد کاملا از یگمرد ان (ناحرم) خود را بپوشانند . همین امر سبب میگردید که بکلی از اجتماع جزا و در کنج خانه های مخصوص بد یوارهای پلند بخزند تفریح و خوشگذرانی مرد ها و بچه درست کردند باشد . فقط عدد محدودی دختران کم سن و جوان شهری در کارگاههای قالی باف همان قالیهای معروف ایران که شاهکار صنعتی است بامزد بسیار چیز روزی ۱۵-۱۶ ساعت کار کردند و بد پوسیله در کار تولید شرکت میجستند . اکثریت زنان روستا و تقریباً کلیه زنان ایلات و عشایر رکارکشاورزی شرکت داشتند و عدد کارهاران انجام

مید اند منتهی بشکل کارگری اجر و مزد که حق همچگونه پرداشت از محصول وعایدی رحمت خود ندارد و مثابه حیوانات بارکش ازاوکار میکشدند. حتی توجهی که نسبت بحیوانات بارکش مبذول میگردید شامل حال زن نمیشد. هنوز هم در بعضی ازدهات ایران دیده میشود که زن را بجای گاو و اسب بگواهان برای شخم زدن و به خمن کوب برای تکوین خمن گندم یا جو وغیره بسته وکاروا میدارند (نگارنده بچشم خود دیده ام) .
تعدد زوجات دردهات و ایلات نه فقط وسیله شهوت رانی مرد بود، بلکه پایه اقتصادی هم داشته است. زیرا یک مرد روتایرای بدست آوردن کارگری مزد و کم خرج و مطیع چندین زن اختیار میکرد و باوجود اورد ن فرزند ان متعدد میتوانست برمقد از زمین زیرکشت خود بفرازید. یعنی زن و فرزند برای مردد هقان سرمایه محسوب میگردید.

کار عده حشم داری در ایلات و عشایر بازن بود. مرد فقط جنذاوری و فرمانروائی مینمود. همین زنی که همه امور اقتصادی وتولیدی ایل را اداره میکرد، در واقع کوچ کردن ایل باید فرستنگها پای بر هنده با چچه شیوخوار بسته به پشت و احیاناً بجهه ای در شکم (زنان بارد ار) راه پیمایی مینمود. ولی مردهای ایل همگی سوار اسب طریق میگردند.
زائیدن زنان ایلاتی درین راه بدون کتف پیشکشی و بهد اشتی و پیچیدن بچه لای پارچه ای و اد امه دادن برای پیمایی با ایل پلادرنگ پس ازرا یمان و انجام وظایف فوق الذکر هنوز هم جزو امور عادی زنان عشایر کشور ماست.

همین زن رحمتکش رو نجیر هنگامی که پیروی میشود و یکرقدرت کارزیاد نداشت، چنانچه درین راه خسته شده و نمیتوانست راه پیمایید اورا بدست سرنوشت نامعلوم در بیانهای بی اب و عطف میسرپرداز و بسند ون کوچکترین توجهی بحالش اورا بایقی گزارده و میرفتند.
از نظر حقوق خانوادگی زن در حکم بنده و زرخربد بود. ازدواج بیشتر خربد و فروش کالا شباخته داشت
به تعهد مقابل بر اساس عشق و رضایت طرفین. زن دست بسته بعنوان کالاگی تحويل مرد خربد ارمیگردید.
تناسب سنی ویا اخلاقی ابد امورد نظر قارن نمیگرفت. مثلاً ازدواج دختر ۱۰-۹ ساله با مردی ۴-۵ ساله،
حتی ۲۰-۷ ساله امری عادی محسوب میگردید. محرومیت‌های حقوقی زن پس از زود بخانه شوهر آغاز میگردید
مرد حاکم و زن حکوم بود. اراده مرد و خواست او چرخ امور اقتصادی خانواده را میکرد اند تاروزی که مرد میسل
داشت زن میتوانست در خانه اوضاعند و روزی که دل درهای دیگری میبست، زن با یاد همه چیز حتی جکر
کوشگان خود را بجاگذارد و بادست خالی از خانه بیرون برود. حتی پس از سالیان دراز زندگی زناشویی تمام
اول و انتهیه و اولاد بتعلق بمرد بود. بخلافه قوانین مذهبی اسلام قلاده وارد دست و پایش را بسته بودند
طبق این قوانین حتی بلند حرف زدن، دست و صورت و حتی هیکل را بمردم نشان دادن جزو کناهان کبیره
محسوب میشوند. طبق همین قوانین حق طلاق بامرد بود. مذهبیون زن راضعیه یعنی ناقص العقل محسوب
می‌اشتند.

وضع زن در ایران پس از انقلاب مشروطیت (۱۹۰۵-۱۹۱۱)

انقلاب مشروطه گرچه انقلابی بجزئی بود، ولی رژیم پارلمانی بوجود اورد، فقط مجلس اول و تا حدی مجلس دوم نمایندگان واقعی مرد راه یافتد و تو انتست خواستهای بورژوازی ملی و خود ره بورژوازی را منکس نمایند. ولی بزودی همان ملاکین بزرگ و قویانهای راه حکومت و پارلمان رخنه یافته و با اشغال مشاغل حساس سیاسی و اقتصادی بورژوازی ملی را از حکومت کنار زدند.

قانون اساسی که بوسیله مجلس اول تدوین گردید از نظر حقوقی بین زن و مرد فرقی قائل نشده است.
اصل هشتم این قانون چنین میگوید "اهاالی مملکت در مقابل قانون متساوی الحقوق هستند". بنابراین زنان که نیازی از اهالی مملکت بودند مشغول این قانون میشدند و با یستی از تمام حقوقی که قانون اساسی بمرد م داده است بخود ارجکند و لو علاچانچین نشد.

در قوانینی که بتصویب مجلس سیصدی رسیدند قانون مد نی و قانون انتخابات، بحقوقی که قانون اساسی بین ایرانی اهداء گرده بود ظالمانه تجاوز گردید و اورا از سیاری از حقوق محروم ساخت.
مد ارک زیرین شاهد مدعای ماست:

۱- در قانون مدنی برای زن در خانواده هیچگونه حق قائل نشده اند، بر عکس بند های سابق را بشکل قانونی محکم تر ساخت و پایی زن گره پیچ کردند:

الف- در ماده ۱۱۶۹ میگوید: «برای نگهداری طفل مادر تاد و سال از تاریخ ولادت اولویت خواهد داشت. پس از انقضای این مدت حضانت با پدر راست مگر نسبت به اولاد انان که تاسیل هفتم حضانت آنها بامداد رخواهد بود».

وهنچین در ماده ۱۱۷۰ چنین گفته میشود: «اگر مادر رمدتی که حضانت طفل با اوست مبتلا به جنون شود و یا بد یگری شوهر کند حق حضانت با پدر رخواهد بود».

ب- انتخاب مسکن با شوهر است.

ج- اجازه مسافت زن با شوهر است.

د- حق طلاق با شوهر است (ماده ۱۱۳۲)

وهنچین در مسئله شهادت و ارت نیز تبعیض نیزیادی بزنان روآگردیده است.

۲- در قانون انتخابات زنان را در رید دیوانگان و کوکان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم داشته اند یعنی انتهار اهم طرز از باد دیوانگان و کوکان قرارداده اند.

گرچه مجلس هاود ولتهاي بعدی که برس رکارا دند فقط منعکس گشته و مد افع منافع طبقات فقود اول و مالک بودند ولی بر اساس پیشوای عموں نهضت اجتماعی خواه ناخواه در پوش زنان ایران نیز بعد از انقلاب مشروطیت تغییرات و تحولاتی بوجود آمد.

چنانه از تاریخ بر می‌آید جنیش مشکل زنان ایران ریشه عیقی دارد. زنان کشور مادر مهار زات از ازاد یخواهانه ملت ایران شرکت فعال داشته اند و در صحنۀ مبارزات انقلابی به تناسب امکاناتی که داشته اند غالباً بخوب مشکل فد اکاریمه ای بروز داده اند. نقش زنان در جنبش تنبیک و شرکت اندیاد رانقلاب مشروطیت باز کوشاهد زیرین بد ون شک خود بخودی نبوده و سازمانهای وجود داشته است:

الف- در رسال ۱۳۰۹ هجری قمری امیازد خانیات از طرف ناصرالدین شاه پسر کشور ری انجلیس و آذن

گردید و تولید و مصرف ان در سراسر کشور بانحصار این شرکت در ماده ۱۱۷۰ مردم آزمان دادن امیاز بیک که ای از خارجی رانیک و بد بختی تلقی نموده بپیهجان آمدند. علماء تقدیم (مرحوم پیرزای اشتیانی و حاج میرزا حسن شیرازی) به پیروی از تعبیلات مردم استعمال دخانیات را تحریم کردند. شرکت دراستان ورشکستگی قرار گرفت. شاه و امین السلطان صدر اعظم عده ای از روحانی نمایان راجه همینه نمودند تا مردم عصیان کرده را ساکت کنند.

روزی که یک از اینها (امام جمعه تهران) بالای منبر مردم را دعوت بستکوت و صبر و شکیابی مینمود و تاحدی موقع گردیده بود، ناگهان عده ای از زنان تهران که در محلی قیلا حضور شدند جوشان و خوش باش

جمعیت را کنار زده و بینان مسجد امده با صد ای بلند و مسحور گشته خطاب بمرد ان چنین گفتند: «اگر مرد ان مابخواهند نسبت باین واقعه بی اعتنایانند و تسلیم شوند، مازنان چادر هارا بدل و راند اخته و لیاس مردان می پوشیم و نخواهیم گذاشت حق ملی ماید است بیگانگان بیفتند. و سپس با شاعرهای ضد سکوت و شکیابی ای

مرد ان را باید امه مبارزه مقد ملی دعوت نمودند. بعد ها معلوم شد که اینها جزو دسته بزرگی از زنانی بودند که قبلاً بد ورهم گرد امده تصمیم گرفته بودند علیه امتیاز ری بقیام و جنبش پیرد ازند و بدین منظور چند تن از پر شورترین و جسورترین افراد خود را بمسجد فرستاده بودند. مرد ان که در شرف تحت تا میرقرار گرفتن

حرفه ای امام جمعه بودند، چنان پیهیجان امده که از همانجا با تفاوت اینها و عده دیگر زنها بکوجه ها ریختند و تمام قلیانها و چیق هارا از خانه ها خارج و مقابل چشم مردم می شکستند و محتادین را بابتک عادت دعوت نمینمودند. این هیچان و التهاب غیر منتظره، زنان حرم شاه را هم فراگرفت و تمام قلیانها را شکسته و سوزانند و دسته جمعی نزد شاه رفته و نسبت به بد رفشاری او و صدر راضیش مردم و مراجع تقدیم سرزنشش کردند. بالاخره شاه در اثر فشار افکار عمومی مجبور گردید امیاز رخواه و غرامت پیرد ازد.

در جریان انقلاب مشروطیت زنان ایران با وجود وضعی که بطور اختصار دنیا لاذ کرشد اشتد و در جهل کامل در چهار دیوار خانه حجوسو حصور بودند، هنگامی که مسئله از میان برد اشت تن بساط ظالم و بید اد گری و ازین برد استعمار خارجی و حکومت مطلقه واستقرار ریزیم پارلمانی و حکومت مردم بر مردم بیان امد، از هیچ گونه فد اکاری در پیغ نوزیدند و با همان چادر رسیاه پایمید ام مبارزه گردند.

وکاری - یک از منوههای برجسته^۶ دیگر تظاهره‌زگ زنان در مجلس علیه خیانتکاران با انقلاب همگانی هنگامیکه مجلس تحت فشار اتمام حجت دولت روسیه تزاری میخواستند بقبول شرایط ننگ اوری تن درد هند بود که میتوان بدون شک سرامد سایر مبارزات انها در تاریخ بحساب آورد.

شوترا میرکائی که در سال ۱۳۲۸ هجری قمری برای اصلاح وضع مالیه ایران استخدام شده بود، در کتاب تاریخ ایران خود مینویسد: «عزم زنان نقاب پوش ایران پاینده باد»^۷ همین مولف در قسمت دیگر مینویسد: «در این ایام (موقعی که دولت تزاری اولیمیاتوم ۴۸ ساعته داده بود و بعضی شهرهای ایران رانیزیا قوای مسلح اشغال کرد) بود و قصد بطرف تهران امدن داشت» که نگرانی مردم در تزايد بود که ایام مجلس پاچ میماند یا منفصل میشود، زنان ایران با هیجان و احساسات برای اصلاح حفظ ارادی واستقلال میمین خود اخربن اقدامی که اندازابر مردم آن تفوق و برتری داد و دلیل شجاعت انبابود بعرصه ظهور رسانیدند.^۸ شهرت داشت که ولای مجلس در جلسات سری تصمیم بقول اتمام حجت دولت روسیه تزاری گرفته بودند.^۹ در این موقع سیصد فخر از زنان از خانه و حرس روسای محصور خارج، در صفحه‌ای منظم، با اراده تزلزل نپذیر، در حالیکه چادرهای سیاه پرسونا به قابهای مشک سفید ببرو داشتند بطرف مجلس رهسپار گردیدند و بسیاری از ایشان در زیر لباس یافتوی استین هاطپانچه باکاره و قمه پنهان کردند، از یکی از ملکس خواهش کردند که تمام انها را اجازه دخول بدند ولی رعیت مجلس مغلقات نمایند گان انها راضی شد.^{۱۰} ان هیئت مادران و زوجات و دختران محجبات ایران طبانچه های خود را برای تهدید نمایشید اراده و نقابها را پاره کرد دوران اختتاد و چند نفر بایاناتی اتشین سخنرا کردند و گفتند اگر کلاه مجلس در رانج مردان فرایض خود و محافظت و برقراری شرف ملت ایران تردید نمایند ماردان و فرزندان خود را کشته و اجسادشان را در همین جاخواهیم افکند.^{۱۱}

در تحت تأثیر همین نطقه‌نامایندگان پس از یک شورکوتاه اتمام حجت را رد ند و دولت تزاری که بی‌بتصمیم مجلسیان و اراده مردم برد، اجباراً قراقران خود را از شهرهای اشغالی فراخواند.^{۱۲}

بدون شک چنین جنبش منظم بدون وجود سازمانهای مخفی امکان پذیر نبوده است.^{۱۳}

ج - ایرانسکی در کتاب «ایران در راه مبارزه برای استقلال» (در سال ۱۹۲۵ آنوشته شده)^{۱۴} که راجع بمشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن میباشد درباره مبارزه زنان ایران چنین مینویسد: «پس از اعلان مشروطیت و افتتاح دوره دوم مجلس نشست‌زنان در زندگی سیاسی کشور رو بتراشید گذاشت. در تهران تکوب ملی زنان تأسیس شد و جمعیت های ای خود را برای تهدید نمایشید اراده و نقابها سوگند یاد کردند که با استقرار ارض ازروس و انگلیس که استقلال کشور را در مردم مخاطره قرار میدهد مبارزه نمایند. زنان ناطقین معروف را برای سخنرانی به کلوهای خویش دعوت مینمودند».^{۱۵}

همین مولف در قسمت دیگر کتاب خود مینویسد: «در نهضت مشروطه ایران زنان در مبارزه شرکت فعال داشتند و عکس یک سه شصت نفری از زنان چادر را رسرا برانی تفکی بدست در اختیار ماست. ایشان محافظت یکی از سنگرهای تبریز نبودند».^{۱۶}

د - جزیده حبل المیمن که یکی از جراید ازاد یخواه از زمان بوده است مینویسد: «در یکی از زدو خودهای بین ارد وی انقلابی معروف ستارخان بالشتریان شاه بین کمته شدگان انقلابیون جسد بیست زن مشروطه طلب نلپاس مردانه پیدا شده است».^{۱۷}

ه - کسری در تاریخ مشروطیت چنین مینویسد: «در تظاهراتی که برای تسریع تصویب قانون اساسی از طرف دارالشور اهاد تبریز روی داد زنان هم شرکت داشتند. در این هنگام عده زیادی از مردم در تلگرافخانه متخصص شده بودند و انجمن تبریز مرتبا تلگرافاتی به تهران مخابره میکرد و تفاوضی تصویب قانون اساسی را مینمود و مردم تبریز در یافشاری اند از نه نمیداشتند. زنان نیز بطور مجدد اهله از مردان پشتیبانی میکردند. متن یکی از تلگرافات بشرح زیراست: «خدمت وکلای اذربایجان دامت تائید آشئم. وضع انقلاب شهر از امروز صبح بتحیر نماید. تمام اهالی شهرد رهیجان حتی طایفه نسوان پایاچه های شیرخوار در مساجد بد اکثر جمع و اهالی بسطاقوی و بیصری را باطنی درجه رسانیده اند. تسکین و تسلي اهالی اماکن ندارد».^{۱۸}

ایضاً مینویسد: «زنان تهران هم در این باره با زنان تبریز همکام شدند».^{۱۹} روزچهارشنبه^{۲۰}

اردی بهشت در اینجا تکانی پدید آرشد. بدینسان که گروهی از زنان دسته ای بستند و برای طلبیدن قانون اساسی به مجلس رفتند.

وقتی پسر حیم خان در از ریا یگان دست بکشتو روحشیانه مردم رحمتکش زد امواج نهضت همدردی در تهران پرخاست. کسروی در این باره مینویسد: «امروز زنان تهران در خیزش پادشاهان داشتند» چنانکه جبل المتنین نوشته پانصد تن از ایشان در جلوی بهارستان گرد آمده بودند.»

این تظاهرات میهن پرستانه واستقلال طلبانه گاهی چنان دامنه دارمیشد که زنان بانظامیان در میفتادند (هنگام صدارت عین الدله). کسروی در این باره مینویسد: «امروز از سیون آمدن زنان جلوگرفتند و هر که از ایشان میدیدند میگرفتند و در قراولخانه نه که میداشتند زیرا در یروز میان یک دسته از انسان با سریان و قراقان کشاکشی روی داده بود.»

شرکت زنان در تظاهرات بطور سیعی بهترین نمونه رشد فکری و بیداری و علاقه مندی آنها به فهای انقلابی مشروطیت ایران بود. انها بطرق مختلف به انقلابیون و مجاهدین کمک میکردند. هنگام پیروزش لشگریان محمد علی شاه در نجات فدا ایشان کوشش فراوان میکردند، انها را پناه میدادند و نهان میکردند و از این روش حتی میرهاندند.

هنگامی که محمد علی شاه قاجار مجلس را بتوپ بست و سیاری از سران مشروطیت مانند ملک التکلیف و غیره را بقتل رسانید زنان با شهامت و شجاعت شوهران و پسران خود را به تشکیل دسته های فدائی برای دفاع از انقلاب مشروطه تشویق میکردند و از بذل مال در ریخ نمیزدند تا اینکه تن تلگرافی که در آن تاریخ از تبریز مخبره شد:

از تبریز ۱۸ جمادی الثانی، وضع شهر حالت پیدا کرده که از تحریر و تقریر عاجزیم. جوانان ملت سواره و پیاده برای مقصود مقد سوچراست دارالشور ارجان را برکف گرفته در حرکتند و از طرفی کمیسیون اعانت تشکیل واهالی باشاشت بد ادن اعانه بریک یک سبقت میجویند. زنان غیر از ریا یگان امروز شرف طبیت را از تعام عالیان ریوده اند. داعماً گردند بند و گوشواره و دستیند است که بصنده وق اعانه تقدیم میکنند و تمام اهالی بآجان و دل و مال در انجمعن اتحاد تبریز را حفظ مقصود مقد س حاضرند.

و ایوانه در کتاب انقلاب ایران سالهای ۱۹۰۵-۱۹۱۱ مینویسد: «عد مرضیت مردم در سهار ۱۹۰۶ نه فقط بوسیله انتشار شنامه ها توسل به علماء منعکس میگردید بلکه با شعله ورشدن هیجانات توده ای که حتی زن‌هادران شرکت داشتند بروز مینمود.» او مینویسد در این رشیدی و گرانی و کیابی نان عده زیادی زن کاسکه مظفرالدین شاه قاجار احاطه کردند و با جملات زنده گرانی و بدی نان و سایر وسائل اولیه زندگی را باوند کردند. این زن‌هایی های نان مخلوط باشند را در رکاسکه شاه پرتاپ کردند. شاه هنگام مراجعت بد ریار (ادرون) ماجرا بازنان خود بیان کرد از دشکایت کرد ولی زنان حرس رای اوجیای همدردی صحنه ای که شاید بهتر از حصنه خیابان نبود در رقابتش بپراکند و صدراعظم وقت (اتابک) را مقصود کردند و مدعو نمودند و زدیهای یکی یکی در ریاریان را با وگوش زدند.

ز- داستان آن زن رخت شوی با شهامت در مسجد میرزا موسی در ریار مبربسید جمال الدین واعظ هنگام سخنرانی در تدقید از قرضه خارجی یکی دیگر از حماسه دلایست که از خاطره هامون نیگرد. این زن با شهامت بین هزاران مرد وزن پیا خاست و گفت: «چرا ولت ایران از خارجه قرض میکند مگر مارد ه ایم. من یک زن رخت شوی هستم بسهم خود یک تومان میدهم (باید متذکرشد که یک تومان ان موقع برابر صد تومان حالت است) و دیگر زن‌های نیز حاضرند.»

طبق نوشته های موافقین مختلف در ریار تاریخ مشروطیت ایران زنان انجمن های سرید اشته اند و با کوشش های دسته جمعی در تاریخ پیکارهای استقلال طلبانه ملت ماصفحات درخشانی بوجود اورده اند که تا عییر عیقه د ریبارزات ازاد یخواهانه مرد م باقی گذاشتند. زنان در از زمان در مجالس سیحث علامه شرکت میکردند و با استدلال و توجه بقوایین متوفی وزنان صدر اسلام مخالفین حقوق مساوی زن و مرد را مجباً میکردند و سهیمن مناسب واضعین قانون اساسی نتوانستند بین زن و مرد از نظر حقوقی تفاوتی قائل گردند (اصل هشتم و مقدمه قانون اساسی). ولی بعد اهمان تطور که

قیلاکته شد زنان را لیسیاری از حقوق محروم ساختند و طبعاً چون این قوانین بعدی برخلاف اصل وضع گردید هر چهارمین است.

پس از انقلاب مشروطیت و پر فاری حکومت مشروطه با تأثیر سیمین داریزد خترانه و شرکت زنان در مجالس عوظ و بحث و تأثیر انجمنهای خیریه و اطلاع کم و پیش از نهضت‌های آزاد یخواهانه مطل دیگر افکار آزاد یخواهانه بین زنان ایران تدریج رسوخ یافت . مجتمع و محافلی تشکیل گردید که در آن از نقش زن در زندگی سیاسی و اقتصادی و پویزه از زیر اشن حجاب که در آن زمان مانع و رادع بزرگی محسوب می‌گردید به ثبت مشتمل شد.

ناقبل از سال ۱۳۰۰ شمسی جمعیت‌های مانند جمعیت فارغ‌التحصیلان مدرسه‌امريکائی، جمعیت زنان بهائی و جمعیت نسوان وطنخواه تشکیل یافتد که مترقب ترازه‌هه همان جمعیت نسوان وطنخواه بود.^{۲۸} شعار این جمعیت بالا بردن سطح فرهنگ زنان، بدست اورین حقوق زن بویژه رفع حجاب و ترویج کالا ای ایرانی بود.^{۲۹} عده نسبتاً زیادی زنان روشنفکر (اوپرگار و بیرون مدیره مدارس دخترانه) دران شرکت داشتند پوشیدن لباسوطنی از شعارهای برچسته این جمعیت محسوب می‌شد.^{۳۰} با انتشار مجله و تا سیس کلاس‌های اکابر و تشکیل مجالس سخنرانی در توراکارزنان فعالیت مینمودند.^{۳۱} در این موقع عده ای از متوجهین جزو^{۳۲} بنام کرزنان انتشارداده بودند. زنان عضو این جمعیت یک روز در تمام شهرتهران همه جزو ههار اخیره و در بنام کرزنان انتشاره داشتند و با این عمل امادگی خود را برای مبارزه با خرافات اعلام داشتند. در شیراز از بود رمید آن تیوخانه انتشاره دند و با این همکاری مبارزه با جاسارت هرچه کاملاً متر جمعی انقلاب زنان (۱۳۲۸-۱۳۳۱ هجری قمری) تأسیس گردید.^{۳۳} این جمعیت با جاسارت هرچه کاملاً علیه حجاب زنان و در راه ازادی ویرا بری حقوق بانان تبلیغ و مبارزه میکرد و مجله ای نیز بنام "دختران ایران" که فقط هفت شماره انتشار یافت بوسیله این جمعیت منتشر میگردید (مجله دنیا شماره، سال سوم صفحه ۵۰)

در سال‌های بین ۱۳۰۰-۱۳۱۰ سازمانهای دراغب شهرهای ایران (رشت، تهران، قزوین و غیره) تشکیل گردید. این سازمانها با نهضت کوئینستی در ایران می‌وط بودند و با شعارهای متوجه از قبیل شرکت زنان در امور اقتصادی و سیاسی و حق انتخاب کردند و انتخاب شدند و حق طلاق و حق اولاد و بطوط خلاصه شعار اسلام حقوق مساوی با مردم را داشتند. باتاً سیمین قرائت خانه و کلاس‌های اکابر و انتشار مجلات و نمایش نمایشنامه و پژوهه ارزش‌نگاری سراسر محرومیت زن ایرانی در توتپزار فکار زنان می‌کوشیدند. عده نسبتاً زیادی از زنان تحصیل کرده و باسوار را مشترک و شعارهای خود را در مقابل حکومت هماهنچ مینمودند.

حزب کوئیست ایران که از تخته‌تین احزاب کوئیستی است و پس از انقلاب کیرسوسیالیستی اکتبر ۱۹۷۹ میلادی تأسیس شد، این انتخابات را با نتیجه‌گیری مغلوب شدن از این حزب در این انتخابات خود را در پیش از این انتخابات معرفی کرد و این همان‌ها را در این انتخابات معرفی کردند. این انتخابات را با نتیجه‌گیری مغلوب شدن از این حزب در این انتخابات خود را در پیش از این انتخابات معرفی کردند.

محرومند مطعن ترین متفقنه هست د موڑاتیک د رتام مراحل ان میباشد.
برجسته ترین این سازمانها:
۱- جمعیت پیک سعادت در رشت (۱۳۰۱) بود که بوسیله عده ای از زنان روشنگری شت بوجود
آمده بود. این جمعیت بوسیله نمایشات و تا رسیدگی مدرسه دخترانه و انتشار مجله پیک سعادت خدمات
اشاسته ای به قدر اتفاقاً استان گلستان: نیز:

سیستم ای با شیوه‌های روزانه اسناد میراث کشور
۲- در تهران (۱۳۰۵) جمعیت بنام جمعیت بیداری نسوان تشکیل شد. این جمعیت دست
بفعالیت وسیعی زد. باتاً سیس قرائت خانه و کلاس‌های آکابر عده ای از زنان روش تکریب و خود مشکل ساخت
و باد ان نمایشات و یزه برای زنان (در ان موقع زنان حق رفتن به تئاتر و سینما ران اشتند «حق اجازه
نداشتند با مردم اگر برادر را شوهر و پسر را بود در رشک پیشینند و یاد رکوچه با تفاوت او راه بروند»،
زیرا پلیس فوراً انتها را جلب می‌کرد) در آگاهی خواهان محروم خود بحقوق حفظ شان کمک فراوانی نمود. همچین
در روز ورود پادشاه افغانستان امیرامان الله خان که باز مسلمانش بدون حجاب به تهران وارد شد دست
بپتاظه رات خیابانی زد و حقی قصد داشتند از او در نمایشی که بمناسبت هشتم مارس (دخته‌ربانی) در رسالن
تئاتر رززد شیخان برباود، دعوت بحمل آورند ولی رئیس شهربانی وقت مانع کرد ید.

در رسالهای بعد از جنگ بین الملل اول حکومت اتحاد شوروی تشکیل گردید و روز بروز تحریم میباشد.
این حکومت در همان ابتدای تأسیس از تعام مزایای استعمالی حکومت سابق روسیه تزاری دارد را بران صرف نظر کرد
ارتجاع داخلی ایران واستعمارگران بین المللی سخت بودست افتادند و پرای انسداد نفوذ موام
کمونیستی بد اخل ایران حکومت دست نشانده پهلوی را پسر کار آوردند. حکومت پهلوی که در آغاز نفتاب
د موکر اس ملی پیچه ره زد بود پس از تحریم پایه های دیکتاتوری نقاب را لازمه براند اختر وکلیه سازمانها و
احزاب از اراد خواه و همچنین جمعیتیها مترقب زنان را منح و مانع فعالیت انها شد ولی نقشی که این سازمانها
ایفا کرده بود ندان اثرات عمیق خود را باقی گذاشت.

همین اثرات عمیق مبارزات زنان ایران بالاخره شاه دیکتاتور را بوبویه پس از مسافرت برکیه و دیدن
از ادیهای زنان ترک مجبور ساخت که در سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵) دستور بد اشن حجاب را بدید و بدین
وسیله ابی روی آتش نهضت واقعی زنان که در زیر خاکستر حکومت دیکتاتوری مخفی شده بود پیا شد. او میخواست
با برداشتن چادر را جاهز خدمت در ارات و پرورد بعد ارسالی از بسط و نفوذ نهضتهای دموکراتیک جلوگیری
به عمل آورد. بهمین قصد طبق دستور او و تحت نظر وزیر فرهنگ وقت کانون بانوان تشکیل شد که هیئت مدیره
آن از یک بعد مدیره دستوران و بیرونی و بازرسان زن وزارت فرهنگ انتصاب کرد بدینه. فعالیت مهم این
کانون تشکیل جلسات سخنرانی و نمایشات در حضور دختران شاه و عده ای از طبقات بالای اجتماع و وزیر و
سرلشگر کارمند اعلیه بود که انهار اعادت به بی چادری و حضور رجسات
با مردم آن بد هند.

بعلاوه رضا شاه با برداشتن چادر رمیخواست کارگر کم مزد برای کارخانجات متعدد نساجی خود تهییه
نماید (چالوس و به شهر وغیره). ولی به مرجهت باید مذکور شد که رفع حجاب نقطه تحول مهمی در زندگی
اجتماعی و اقتصادی زنان ایرانی شمار میرود.

در این تاریخ (۱۳۱۴ = ۱۹۳۵) نقش زنان بطور محسوس در زندگی اجتماعی و اقتصادی کشورما
شروع گردید. در های مدد ارسالی برویشان بارشد، باد ارات و موئسات و کارخانجات راه یافتدند و بوبویه در
کارهای تولیدی (کارخانجات چالوس- به شهر- اصفهان- کرمان وغیره) بعنوان کارگر از زنان از وجود
انان استفاده میگردید.

با شروع جنگ جهانی دوم و پرورد متفقین بایران دیکتاتور ایران فرار ابر قرقاز ترجیح داد و مرتبت به
از ایهای نسبی برقرار گردید. احزاب سیاسی تشکیل و فعالیت اغاز کردند در این موقع حزب توده ایران که
ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران بود تشکیل گردید و امکان فعالیت اشکاری دست اورد. برای اولین بار
فراسیون پارلمانی این حزب در مجلس شورای ملی در دوره ۱۴ پیشنهاد دادن حق انتخاب کردن و انتخاب
شد بزنان رای بجلد اد. البته این پیشنهاد رکمیسیونها مذکون گردید.

تحت فشار اعمال نفوذ حزب توده ایران و اتحادیه های کارگری بود که برای اولین بار در ایران قانون
کاری تصویب رسید. گرچه کاملا و همه جا بوبویه درباره زنان بعوق اجرا گذاشتند نمیشود ولی تغییرات مهمی در
وضع زنان کارگر ایجاد نمود.

در این مرحله که عده نسبتا زیادی از زنان شهرنشین دارای تحصیلات متوسطه و عقد قابل لاحظه دارای
تحصیلات عالی شده بودند حتی عده ای بکشورهای خارج رفته و موقوفیتی های زنان دنیا دار راه بدست اوردن
حقوق سیاسی و اجتماعی از زندگی دیده بودند شروع فعالیت درین زنان نمودند و سازمانهای تشکیل دادند
و بعلاوه زنان مترقب احزاب مترقب که پیش روی مبارزات ملت ایران بودند شرکت جستند و همکام با برادران مبارز
خود برای بدست اوردن ارمانهای ملی و ازادی بود موکر اس واقعی و صلح پاید از ایهی چگونه قد اکاری دست یافته بزندگی
زنان مترقب ایران علاوه بر فعالیت در صفو احزاب دموکراتیک و اتحادیه های کارگری، خود نیز
سازمانهای ویژه ای تشکیل دادند (تشکیلات زنان و اتحادیه بانوان زحمتکشی غیره) که پس از مدتی بهم
پیوسته و بنام تشکیلات دموکراتیک زنان قد مهای موئی در راه بیداری و تنبیه افکار زنان ایران برد اشت. از
کارهای بر جسته این سازمان انتشار مجله "بیداری ما" و تا سیس کلاس های اکابر و شکل کفر انسا و مجالس
سخنرانی و برگزاری عروز هشتم ماه مارس روز بین الطی زنان زحمتکشی و افتتاح شبیات سازمان در اغلب
شهرهای دیگر ایران ویزیر وقت عضویت فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان از همان اوان تشکیل این سازمان

بین المللی عظیم بوده تشكیلات دموکراتیک زنان در کنگره هاوشوراهای وفعالیت های فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان و در مبارزه ای که در راه صلح و ازادی زنان واستقلال می انجا م میگرفت شرکت فعال داشت.

پس از واقعه بهمن ۱۳۲۷ سازمان دیگری بنام سازمان زنان بوجود آمد. این سازمان در اغلب شهرهای ایران مانند رشت، تبریز، اصفهان، آبادان، قزوین وغیره شعباتی د ایرنود و در سال ۱۳۲۲ اولین کنگره زنان ایران را تشکیل داد. درین کنگره قریب ۳۰۰ زن از غالبهای شرکت جسته و نماینده‌گان برای شرکت در کنگره جهانی زنان که در پنهان شکل میگردید انتخاب نمودند و قطعنامه هائی صادر کردند که درجه رشد فکری و مضمون بود آنها را در راه مبارزه برای ازادی همه جانبه زنان بخوبی نمایان می‌ساخت. روزنامه جهان زنان ارگان رسمی این جمعیت تاکواد تای منحوس شاه و زاهدی سازمانش را می‌شدو د راه سازمان دادن و آگاهی زنان ایران رل مهمی را نجات میداد. پس از سقوط حکومت دکتر مصدق و کودتا ننگین شاه و زاهدی این سازمان نیز همانند همه سازمانهای دموکراتیک دیگر تحت تعقیب شدید پلیس قرار گرفت و امکان کار مشکل عنی بلکه ازین رفت.

ولی زنان متوجه ایران به پیوچه دست از مبارزه بمند اشته اند و از کلیه سازمانهای موجود استفاده کرد و راه مبارزه صحیح را بزن مبارز ایران نشان میدند.

در همین فاصله زمانی سازمانهای دیگری از زنان روشنگرمانند شورای زنان و انجمن معاونت عمومی زنان شهر تهران تشکیل گردید و کم و بیش فعالیت های مینمودند ولی با وجود امدن حکومت ترووا اختناق امکان فعالیت صنفی و سیاسی نیاز آنها کفره شد فقط بکارهای خیریه میپرد اختند.

تغییراتی که در زندگی اقتصادی و اجتماعی زن در جامعه کنونی ایران بوجود آمده است

۱- در امر تولید - شرکت زنان در تولید و کار اجتماعی رو وسعته است. در کارخانجات تهران و شهرستانها قریب ۱۸۰ هزار کارگر زن کار میکنند (خواندن نیها، شماره ۵، سال ۱۳۴۱). گرچه هیچ گونه مانع قانونی برای ورود زنان در کارخانه ها وجود ندارد ولی عمل فقط در کارخانجات پارچه بافی و نخرسی و قالی بافی و زنجیری و خانه ای و اماleshام بانها کار داده میشود اینهم کارهای پر محبت و غیر خاصه مانند پنبه و کتیرا پاک کردن، برگ توتون طبقه بندی نمودن وغیره.

طبق قانون کار:

الف - در مقابل کار مساوی بیامد باید مزد مساوی بین داده شود ولی عمل اجرانمیگردد و زنان کارگر مراتب از مردم ای کارگر مترمذد رفاقت میدارد.

ب - یکمایه مخصوص قبیل ویکمایه بعد از زایمان با استفاده از حقوق باید بزن کارگر بار دار داده شود. ولی این ماده در کنگره کارخانه ای بموقع اجر آگاه اردۀ میشود و بخلافه نه فقط زن باردار ای را بکار نمی پزد برند بلکه اگر صاحب کار یقه مده که زن کارگری حامله شده است اور از کار اخراج مینماید و همین عنلت زنان کارگر تا آخرین روز باردار ای تاحدی که بتوانند باردار ای خود را مخفی نمیگردند.

ج - با وجود تعیین مدت کار در روز ۸ ساعت (طبق قانون کار) هنوز کارده الى چهار د ساعت در روز در کار کاههای قالی بافی حتی برای دختران ۵۶ ساله امری عادی است.

۲- وضع زنان در هدایات و ایلات متأسفانه بدون کوچکترین تغییری کافی سابق باقی است. حتی در تعدد اد مختصی ازدهات ایران که در رسم رسمی ای از هر کلاسه ناعیسی شده است دختران رسمی از حق تحصیل محرومند و مجرئت میتوان گفت زنان رسمی ای ایلات که اکثریت زنان ایران هستند بلکه بیسواند و خرافاتی و درجه لکامل بسرمیرند. طبق امار غیررسمی پنج ملیون زن دهقان در مزارع کار میکنند و هیچ گونه قانونی از حق انداد فاع نمیکند. (خواندن نیها، شماره ۵، سال ۱۳۴۱؛ صفحه ۵۰)

۳- در ارکانهای دولتی مانند وزارت خانه هاود بیرون شناور بسته نهاد و بیمارستانهای ای انشگاه عده نسبتاً اعتنایهای زن بسته کارمند، دبیر، امورکار، پزشک، قابل، پرسنل، بازرس و تعداد اندگشت شماری د ایشیار انشگاه مشغول کارند.

در صورتیکه قریب ۲۷ سال است که زنان در راد ارات و موئسسات دولتی فعالیت میکنند تا بحال هیچ یک

از آنها بوزارت وسفارت و استانداری و مدیرکلی و معاونت وزارت خانه ها ارتقا نیافته اند در حالیکه بین از ۷۰ زن دارای پایه های اداری ۱۳۴۱ عدد کم هم پایه دبیری و جمعی هم پایه دبیری ۹ و داشتند (خواندنیها ، شماره ۴۸ ، ۱۴ اسفند ۱۳۴۱ از مجله دنیا) آنها راهنمایی در کارهای دنرتبه نگاه میدارند. در صورتیکه از نظر معلومات واستعداد کاروار از اموره فقط از همکاران مرد خود عقب نیستند بلکه اکثر از سطح بالاتر قرار گرفته اند و هر وقت تصمیم بکم کردند عده ای کارمند و یا کارگر گرفته میشود اول شامل حال زنها میشود، بدون در نظر گرفتن وضع اقتصادی آنها.

۴- در امر تخصیل و احراز تخصیص ائمه در شهرهای نسبتاً محیط مناسب روود متساوی کتری چشم میخوازد دختران شهری حقوق و بتمام مدرس عالی (غیر از انشکده و دانشگاه نظامی) دارند متنه د رسمی از کارهای اهونیها اجازه فعالیت داده نمیشود. مثلاً عده ای از زنان که در رشتۀ حقوق سیاسی و اجتماعی به دریافت لیسانس و دکترا موفق شده اند هنوز در وزارت خانه های مربوطه (دادگستری و خارجه) برویشان بسته است.

۵- در رشتۀ حقوق خانوادگی - متخصصانه باید گفته شود که در این قسمت هنوز هیچ گونه تغییری رخ نداده است و تمام شرعاً طبق جامعه فقود الى سابق برقرار است.

درست است که عده ای مدد و ازاولیاً روش نظر کار میدند ولی بطور عموم هنوز از واج همان صورت معامله و خرد و فروش را در خرابد امعتنی نمیست و توجه کمتری بآن نمیشود. اواید کورکرانه مطبع او امیردرویبارد رو سپس شوهر باشد. از نظر اقتصادی زن کاملاً هنوز محتاج بمرد است.

زن ایرانی از حق مادری و حق طلاق و حقوق دیگر خانوادگی محروم است و در مقابل مطلق العنای مزد هیچ قانونی از احتمالیت نماید. مزد حتی حق کشتن اوراد اراد و اجتماع از این امر چندان برآشته نمیشود. نumeه ای باز ز:

"رضاموسوی اذربایجانی برای اینکه زن شریدن اجازه او بحروسی رفته بود جلوی چشم فرزند پنج ساله اش از اوابه تنور اند اخت و زنده سوزاند" (روزنامه کیهان، ۱۲ شهریور ۱۳۴۱).

تصویر مکنید قانون بایان قاتل جانی چه کرد فقط و فقط به ده سال زندان محکوم گردید. در مقابل این جنایت و حشتناک کوچکترین صد ای برق خاست و کمترین اشتراضی ابراز نگردید.

دستگاه تبلیغاتی شاه و روزنامه های مزد و معلوم الحال در این اواخر در اضطراف از ادی زنا ن بیش از حد قلمفرسائی مینمایند و کار ایجادی رسانده اند که از اعراضی ملوکانه مینمایند.

د ولت دست نشانده نیز تصویب قانون جدید انتخابات گویا باشکت بانوان در انتخابات غیر معلوم اتی موافق کرده است. در کشوری که سالیان متمادی است مرد انسان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محرومند و سوال است که شاه دیکتاتور مستبد رسم امشوظی را تعطیل کرده است، با شرایط موجود، عدم ازاد بیهای دموکراتیک و اختناق عمومی، حبس و تبعید و اعدام از ادی خواهان و عدم امکان فعالیت سیاسی احزاب و سازمانهای ملی دادن حق انتخاب کردن و انتخاب شد نیزنان به شکل علیه شاهانه و یا تهمویشانه د ولت دست نشانده بسی مسخره آمیز است. قضیه چقد رشورش در امام که حتی مجله خواند نیهای (شماره ۳۲ دیماه ۱۳۴۱) در مقاله بدن رتوش مینویسد:

"روزی که برای اولین بار این موضوع مطرح شد (موقع قائل شدن حق انتخاب برای بانوان لا یحه' کذ اوكدا) وزان پس هر وقت بیاد ان مقیم از اسادگی و زود باوری و طرف (بانوان و مخالفان) خند ه ا م میگیرد."

واعاکه خندیدن متنه خند د رن ناک دارد. با موجود بدن قانون مد نی و محرومیت های که این قانون فرعی (فعی بر قانون اساسی) برای زن ایرانی بوجود اورد است، از ادی زنان جز خواب و خیال چیزی نیست. برفرض که چند نفر زن نیز نمایندگی "انتخاب" ویا انتصاب بشوند. آیا این چند نفر زن که حتماً از زنان طبقات حاکمه و مورد اعتماد را خواهند بود قادر تغییر قانون مد نی خواهند بود؟ البته جواب منفی است.

از ادی زن در ایران هنوز در مراحل اولیه است. زنان مترقب ایران میباشد همراه و همکام با مبارزات

عموی مردم با خاطرد موذر اسی و از ادی واقعی پیگیرانه مبارزه نمایند.
در حال حاضر قریب بیست و اندی سازمان مختلف زنان در ایران بوجود آمده است ۰ گرچه عده ای از آنها فقط منحصر بهیست موء سس و یا هیئت مدیره است و فعالیت سیاسی و یا اجتماعی قابل ملاحظه ای ندارند ولی عده ای از آنها نیز جمیعت نسبتاً مستتبهی از زنان و دختران جوان را مشکل کرده و ظاهرا بکارهای فرهنگی میبرد ازند ولی مقصد اصلی انحراف افکار زنان و دختران تحصیل کرده از راه بارزه صلح برای بدست آوردن حقوق خود و سرگرم کردن آنها به اشپری و خیاطی و کل درست کنی ورقه او را است ۰
بین این سازمانها سازمانهای نیز وجود دارد که نسبتاً مترقب و فعالیتشان برای تغییرات اساسی در قوانین مدنی است ۰ متأسفانه در این سازمانها عادةً محدودی از زنان تحصیل کرده گردید هم امده اند و توجهی بتوده های وسیع زنان نداشته و بهمین جهت فقط چشمتشان بدست شاه و دولت است ۰
با وجود این، هیئت حاکمه بویژه دربارکه از وجود این همه سازمان و فعالیت کم و بیش اینها بینانک شده است برای جلوگیری از افکار مترقب و کنترل اینها شورایی از نمایندگان این سازمانها تحت ریاست خواهر شاه (شرف) تشکیل داده است تا از پیدا ایشان گونه فکر مترقب در میان زنها جلوگیری نموده و در نظرفه اثراخفه نماید ۰
زنان مترقب و ازاد بخواه ایران بخوبی میدانند که رئیم شاه بزرگترین دشمن خلق ایران و از انجمله زنان ایران است و این وعده و عیده‌های پایانی که اینگاهد اشتن تاج و تخت منحوس و سلطنت نامیمون خود اوست ۰ اینها میدانند که مبارزه زنان نمیتواند تنهاد رکار رهایی صفتی مهد و بماند ۰ این مبارزه تنهای زمانی که با مبارزه همکانی خلق ایران برعلیه امیریالیسم و ارتقای دارمیزد به پیروزی نهایی یعنی سرنگونی رئیم کنونی منتهی میگردد و میتواند موجبات موقفيت خود را فراهم سازد ۰

دیدار

د ومه پیش برای انجام کاری گذارم به شهر وین افتاد. چون بیشتر از پنج روز وقت دارد اشتمن با خود قرار گذاشتم که در چهار روز اول کارم را با خبر سانم و روز پنجم از صبح تا شب شهر را، که تا آن سوچ ندیده بدم، تعاشتم.

نديد بهم ، محساسته روز و م ، پس از شام ، برای رفع خستگی و تفریح به کافه تکرسی که سرمه مهمناخه ام بود رفتم .
در کافه با آنکه جمعیت روپه مرغه زیاد بود اما هنوز میز خالی دیده بود و با سانی تواستم نزد یک آرکستیر
چای بگیرم . کافه معمولی بود ، چیزیکه بتواند نظر را جلب کنده رآن ندیدم ، خوشی در آن بود که میتوان
 ساعتی روی صندلی سبک و راحتی بنشینی ، موسیقی ترم و دلکشی بشنوی و در فرخهای خرد فرو روی .
پیش خد مت گیلاسی کنیاک و فنجانی قهوه جلوه گذاشت ، آرکسترنواختن با راکارول اثربو فمان شروع کرد .

ساعتی گذشت و در آن دست چند بار متوجه شدم و نفهمیدم برای چه ویولونسلیست نگاه بمن دوخته و شروع کرد.
وقتی حشممه به حشمش می‌افتد آرام روش رابر میرکرد اند.

وقتی چشم په چشم په می‌بیند از مردم ریسی ربرویش نمایند و بیان می‌کنند که اینها نگاهش تحریک کرد هستند، وقتی ارکستر و باره بنواختن پرداخت و پولوسلاست چشم په نمایند، فرق صدقه است آورده خوب نگاهش کردند. هرچه بیشتر میدید من نگذاشتم بروم برانگیخته ترمیشد، چون بنظرم میرسید که این قیافه و اندام درشت و شانه های پهن برایم آشناست. صورت مود از رو و نیمرخ بچشم مانعین می‌باشد که انگار همین چندی پیش اوارد یده ام، اما کی؟ کجا؟ با خود می‌گفتم شاید اشتباه می‌گیرم؟ شاید این مرد شبیه یکی از دوستان منست که حالا درستی نمی‌توانم اورا بیاد بیاورم؟ باری، آنسه آنقدر رفکم خسته و سرم گرم کارهای روز بود که بهترند انتstem زود تر خود را به مهمناخانه

برسانم و بخواب بروم .
فرد اشب باز پهمان کافه سرزد م . همینکه من ووپولوسایست رویمان بروی هم افتاد خوب حس
کرد م ، خوب دیدم که لحظه کوتاهی با گشاده روی و لبخندی که نمود ار اشتیاق و هیجان در روشنیش بود
چشم پوشیدم و خت و (اگر اشتباه ننم ، اگر رست دیده باشم) میخواست چیری بگوید ، اما شاید چون در
حالت چشم و چهره من جز تعجب و بهت جوابی به نگاه کاوشنگ و رخصت طلب خود ندید سریا بین انداخت
و سخن شد .

و سر شد .
تاعیین بر خود شب دوم رن این بود که دیگر بیکمان من و اینمود جای همدیگر را بدیم ،
چون لابد قیافه مفهم بنظر او آشنا آمده است که او نجات وانه بن نگاه میکند و بعدی است که هر دی مادر
اشبه باشیم . میخواستم تزد یکش بروم و اینرا بایسیم اما بمقعده متوجه شدم که بجز چند کلمه زبان المانی
نمید انم ، در این شهر هر کجا میروم بزیان فرانسه حرف میزین و کارم را میکن رام .
پیش خد مت آمد ، انچه میخواستم سه تورداد و بنوشتن نامه ای که میباستی همان شب برای

د وستی یفروست سرگرم شدم .
مدتی گذشت . ارکسترینواختن " روی Rêverie " اترشومان مشغول شد . برای لذت
بردن از این آهنگ کوته و دلکش نامه ناتمام را کارگردانی نداشت و بی اختیار نگاهم به ویولونسلیست ،
که چشمها را بسته بود و آهنگ اصلی رامینواخت ، افتاد . شیوه نشستن ، خطوط و حالت هیکل و صورت ،
جنبند ستها و انگشتها ، بخصوص جذبه و شوری که در سیما یاش پدیداری داده بود و مارا به تنگی و کویشید
واداد است . اما چیزی نگذشت که ناگهان همه چیز بیار مآمد و ، انگار روی آتش نشسته باشم ، میخواستم

هرچه زدتر از جای بیرون و بطرف نوازنده بدوم .
”بله، خودش است . . . خودش است . . . آنوقتها هم این آنهنگ را به این شروهیجان مینداشت، همینطور چشمش را بست . . . اما او که آلمانی است، اینجگاد راتریش چه میکند؟ . . . ”

در این فکرها بود که آهنگ بایان رسید و همینکه صدای کف زدن برخاست بطرف نوازنده رفت، نزد یکشکه رسید م آغوش بازکرد و صدایش زدم :
والتر!

نوازنده که در جواب تحسین شنوند گان از جابرخاسته سرفرو آورد بود، عصایش را از پشت صندلی برداشت، در حالیکه پای چپ خود را میکشید و وقتی پابه پیش میگذاشت زانوی چپش خم نمیشد، از دلله کوتاه استزاد پایین آمد :

Oh, mon vieux !... Mon vieux !!! Quelle surprise ! Mais

والتر و من بیش از سه سال در یکی از شهرهای فرانسه همانه بودیم. پدرش اوربرای تکمیل زبان فرانسه فرستاده بود تا پس از پایان داشتکده زبان و ادبیات و بازگشت به آلمان در وزارت خارجه بکار مشغول شود. والتر نوجوانی شوخ، خوشمزه، خنده رو و اشیاره بود.

از کاریکه پدرش میخواست پیش پایش بگذرد هیچ خوش نیامد، همیشه میگفت "ازمند بیریخت جا شدن بیشتر برمیاید تا دلپذالت شد". او همانوقت هم که با هم در فرانسه انشجو بودیم ویولنسل نواز خوی بود. این ساز را از چیزی آموخته بود و گذشته از کار داشتکه، هفته ای دو سه بار بایکی از استادان موسیقی کارمیکرد.

آن شب و فرد اپن از پایان کار ساعتی با والتر بود م امروز پنجم همه روز را بهم گذراندیم. چقدر از گذشته یاد کردیم و یادگارهای دو روزه نوجوانی را بخاطر او بودیم: گرد شهای شبانه در کار ریخته گارون، خانه نشیتی های موقع امتحان، عشقباری باد ختران فرانسوی، رقص روز یکشنبه، بخصوص شههای یکشنبه را بیاد میاردم که برای اتکردن شلوارمان چقد مرشد میکنیدیم.

با پولیکه برای میان میفرستادند بزرگ میتوانستیم سرمه زندگی داشجوری را بهم بیاوردیم. از بعضی لوازم ضروری و خوشبیها و تفریح های معمولی میگشتیم اما رقص روز یکشنبه برای همان از کلیسا فرقن صاحب خانه مان، مادام پوش، بیو پنجه سالم، واجب تردد و هرگز ترک نمیشد.

برای افزون ن و نوچار کرد ن پیراهن و لباسان جیبور بودیم بعد از نیمه شب، وقتی صاحب خانه در خواب بید دست بکارشوم.

خوابگاه مادام پونس در طبقه دوم، اطاق والتر در طبقه اول و مال من در طبقه سوم بود. والتر پاپرهنه، آرام و سرینجه، از لیکان چوی، که بعضی جاها بیش بست شد بود و وقتی پا میگذاشت اشیی به چیر چیز میافتد، با امیاد، از جلو خوابگاه مادام پونس میگشت و در راه روبرو طبقه سوم باز هم آرامتر گردید از نه تن.

مادام پونس برای روشانی احاقه ای اجراء ایش از سالیان پیش حد معینی مقرر کرد بود و درست قانونی این حد برای مادام و اجراء شنینا شن از قدرت قانون اساسی فرانسه کمترین بود. مسئولیت اجرای تام و تمام این قانون هم مصدوم بکافایت فیوز هراطاق قرار داشت، بطریکه اگر چهار آنچه شمعی بیشتر از حد مقرر رطا طاق روشن میکرد بیم فیوز میسوخت. برای آنکه بتوانیم انتو بر قی را بکاراند از هم ابتدا رطا طاق من شمعی روشن میکرد بیم آنوقت والتر باد دیلاش فیوز را که بالای رطا طاق بود بیرون میاردم، در زیر شمع سیم فیوز را، که در نازکی دست کمی از نوی مادام پونس نداشت، برداشتند سنجاق رلف مادام را، که برای همین کارد زدید بودیم، بجا یعنی میگذاشتیم و اخراج اصل میکرد بیم. دیگر انتو لباس کارمن بود چون درین هنر تیز دستی و استادی داشتم. پس از اتو کاری دهاره سیم نازک بجا سنجاق رلف گذاشتند میشد و آشار جرم ازین میرفت. آنوقت والتر نیم تنه اشرا بشانه، کراواتش را در گرد ن پیراهن و شلوار داغ از اتوبوس را روی دست میاند اخشد، بازیشواری وی ای بر همه همان ظهور دشنه با طاق خود برمیگشت.

شبی موقعیکه والترها همین ریخت از جلو خوابگاه صاحب خانه میگشت مادام پونس، اتفاقا برای انجام کاری، از خوابگاهش بیرون آمد. والتر و بیو پنجه سالم د ماغ بد ماغ با هم روبرو شدند. جوانک که دیگر نه راه پس داشت نه راه پیش، دست بگردن مادام اند اخشد و آواش بلند شد:

* اود وست من! د وست عنیزمن! تو کجا اینجا کجا! با هنکردنی است!

" O, ma Rose-Maria ! O, ma fleur de vie ! "

ماد ام جیغی کشیده به خواهکارش دید و در راز پشت بست .
فرد اصبح وقتی برای چاشت به سفره خانه رفتم و به ماد ام سلام کردم ، پیش از آنکه جواب سلام

رابد هد ، به پیش دید و پرسید :

— د شب با مسیو اشپلیرینک زیاد شراب خورد ه بود ید ؟

منکه از پیش امده بخوبی باخبر بود م باتا عسف شانه ای با لاد اد م و گفت :

— چه میشود کرد ؟ المانها گاهی د رابجو نوشیدن زیاد روی میکنند .

ماد ام سر بین گوشم گذشت و لبخند زنان گفت :

— مید آنید ، د یشب لخت و برهنه سرفقت من آمد ه بود .

—

پن از بازگشت والتریه آلمانیا زد تی باهم نامه نویسی داشتم و من مید انستم که او به آموزگاری

زبان فرانسه مشغول است . جنگ رابطه مارگارید و دیگر از والتر خبری نداشت .

از صحبتها پیش دستگیرم شد که در راغز جنگ با فرانسه اورا برای خدمت سربازی احصار کرد اند .

اینده یکسالی ، بعنوان افسرستان یکی از هنگهای ارش اشغالی ، در فرانسه بود . هنگام حمله به شوروی

آن هنگ را فرانسه به لهستان انتقال داده اند . والتر با آن هنگ تا جلو مسکو پیش آمد . موقع حمله

ارتش شوروی ستاد هنگ مود شلیک توبخانه متگین شوروی قرار گرفته و پای چپ و والتر بر اثر انفجار خمپاره

از زانو قطع شد . اورا به بیمارستان پکی از شهرهای اتریش برده اند . پن از میرون آمدن از بیمارستان

بعنوان آسیب دیده از شرکت در جنگ معاف بوده . در این دهت پدرش مود . بقیه د روان جنگ را والتر

در اتریش نزد راند و در همین کافه کارمیکرد است . رفته رفته بزندگی د راتریش عادت کرد و پن از پایان

جنگ همانجا مانده است .

درین صحبت ، وقتی والتر خاطراتش را در در ره جنگ برایم تعریف میکرد از او پرسیدم چه

پیش امده بیشتر از هر چیز د رتو اشته است ؟ والتر گفت " هر کس از جنگ خاطره های وحشتناکی دارد ،

شاید آنچه که در من اثر عقیق و فراموش نشد نی باقی که اشته برای دیگران قصه بچگانه و خنده آوری بیشتر

نباشد . آنوقت این واقعه را برایم نقل کرد :

» مید ان جنگ روسیه برای مادرگ ابی بود که هرچه پیشتر میراند یم و بیشتردست و پامیزد یم

فروتیر میرفتیم . پارتیزانها در عقب جمهه بیامان نمید اند . سرباز آلمانی ترجیح مید اد شب را در بیان

زیر باد و هاران بگراند تا در ده روسی نیز سقفا بخوابد . چون میتوسید رتاریک شبد ختیرچه ای با

کارد کارش را بسازد یامرد م د سقف را پسرش خراب کنند . فرمانده هنگ هر روز دستورهای شدید تر

مید اد " بکشید ، رحم نکنید ، مثل کرم لگد کهشان نکید ، و گرنه نابود مان میکنند " . با چنین روحیه ای تا

شهر کلین پیش آمد یم . دیگر مدت تی بود که پاییز با بارانهای شدید و باد مرد ش سرسریس د بود . در کلین

سرهنجک دستور داد تمام خانه های همیزگ را برای سکوت و استراحت سربازان خالی کند . این دستور شامل

خانه چا یکوفسکی هم میشد . هنگامیکه سربازها استاد این موزه را بیرون میریختند ما افسران ستاد آنجا

بود یم ، چون این خانه را باما اختصاص داده بودند .

من همینطوره که به این استاد که پخش زمین شد ه بود نگاه میکرد م قطعه نتی نظرم را جلب کرد .

آنرا از زمین برد اشتم یعنیم چیست . همینطوره که به آن صفحه چشم د و خته بودم و آنرا میرویم میکرد م انگار که

نتهاد رغزم بصد اد را م . غریو جنگ راشنیدم . طنین ناقوسها و آواز شادی و پیروزی پیگشم خورد .

طنین ناقوسها یالند ترمیشد . من این قطعه را رکنسته شانیده بودم . با آثار سرافینیک جا یکوفسکی آشنا

بودم ، آشنا را دست مید اشتم . طنین ناقوسها و سرود پیروزی اوج میگفت ، رعد آسا بغیرد . باز هم

خیوه تر به تهانگاه میکرد م . نمید اشتم آنرا ریزیز کنم ، بزمین بزیم ، در گل بمالم یا

درین موقع دستی به شانه ام خورد . دیدم فرمانده ستاد پهلویم ایستاده میپرسد " این چیست

که با این دقت نگاه میکنی ؟ " گفتم : اورور تور ۱۸۱۲ . از قیافه سرگرد که بیریز بنن نگاه میکرد فهمیدم

* ای رز ماری من . ای گل زندگی من (از ایزابت رز ماری)

چیزی د ستگیش نشد . د واره گفتم : در این اثرشکست ناپلئون در سال ۱۸۱۲ و پیروزی ملت روسی توصیف شد .

سرشب در زند یکی جایگاه ماصد ای ریگارتمنگ خود کارشنیده شد . دوافسر بیرون د وید ند ببینند چه خبر است . چند دقیقه بعد به اطاق برگشتند . پشت سرشاران هربازی پسربیچه پانزده - شانزده سالهای را با ته تقنگ هلدار و در اطاق اند اخた . پسرک نیم دقیقه ای نزد یک د رایستاد . بد نش در نوسان بود . گاهی نزد یک بود تعادل را لذت سست بد هد اما باز بزد نژاراست میکرد و استوار میایستاد . آخرین قد می بعثت گذاشت ، بد یوارتکیه کرد و سرش را به آن چسباند . لبها یش رامیکزید ، گویاد رد شد یدی داشت و میخوشت آنرا حس ننکد . صورت لاغر لیمویی رنگش گاهی چنان متشنج میشند و چین میخورد که خیال میکردی پرسال خورد ای پیشست ایستاده است . دسته ای کاغذ روی سینه داشت و باد سست چپ آتابدید نش فشار میاد . باد سست پهلوی را ستش راگرفته بود . از لای انکشتها یش خون بیرون زد و جای خالته شد بود . افسر مترجم بروسی ازاویوسید : « این نزد یکی برای چه امد بودی ؟ این کاغذ هارابرای چه جمع میکردی ؟ »

پسرک همینکه کلمه اول روسی بگوش خورد تکانی بخورد داد ، خیر را لذ بوارکند و قد می بشه پیش گذاشت . لحظه ای نگاهش را گرد اگر چرخاند و به سراپای همه نظری اند اخた . از درد لبش راگزید . د واره دمی چشم را بست ، مثل اینکه نبیوش راجمع میکرد . آنوقت بزیده بزیده میگفت : « پرم بیست سال پاسبان این خانه بود . مراباین موزه میآورد . باتمام این کتابها ، عکس ها ، نتها ، نوشته ها اشنا کرد بود . من صاحب همه این عکس هارا میشناسم . با برگ برگ این نتها آشنا هستم . همیشه میگفت بعد از من تو باید پاسبان این گنج باشی »

پسرک ساكت شد . دیگر نبیوش ازد سرت رفته بود . بزحمت سرپایمایایستاد ، بزحمت بازمیخواست چیزی بگوید . آخرش با صد ای ضعیف ود لخراش گفت : « امروز جلو این خانه کشته شد دیگر پاها تاب نیازورد ، هیکل باریک و ملند ش مانند نهالیکه ازیایه ببرند بزمین افتاد والترد یگر شادی و شوخ طبعی پیش راند اشت ، جوانی وزنده دلیش در آتش جنگ سوخته بود . در نتهاای و بیزاری زندگی یکنواخت و پومنالی را میگزد راند چون بناید چند ماه دیگر به وین برگرد م خد احافظی مان غم انگیز نبود و بامیددید ارازه هم جدا شد .

کارل مارکس

و شمره آموزش وی

در ماه مه امسال جشن ۱۴۵ سالگی تولد کارل مارکس بزرگترین متقدراً نقلابی د رسارسچهان برگزارشد. کارل مارکس در ۵ ماه مه ۱۸۱۸ در شهر کوچک تربیت د شهرستان راین بد نیا آمد. وی در خانواده شروعتمندی چشم بجهان گشود. پدر وی وکیل دادگستری بود و در سال ۱۸۲۴ از دین یهود است برد اشت و بدین مسیح درآمد. مارکس پس ازیا بان د بیرستان در زادگاه خود وارد داشتندگ شهرین شد و رساله خود رادر باره فلسفه ا پیکور بر شته تحریب را اورد و باداع ازان بد رجه د تراو رفلسفه نایل آمد. مارکس از د ور ان شباب بسازمانهای انقلابی پیوست، دیالتیک هلک و ماتریالیسم فوییاخ راعیمی فراگرفت و توانت بعد از آنها را ازیشه اصلاح نموده و مکتب علمی خود را بوجود آورد. خدمت مارکس در راینسن که ماتریالیسم فلسفی راعیمیتر و کاملاً ترساخت، ازرا به سرانجام خود رسانید و معرفت آنرا بر طبیعت برمعرفت بجا عده بشری بسط و تعییم داد. ماتریالیسم تاریخی مارکس بزرگترین پیروزی فکری بشد رعلوم اجتماعیست و هرج و مرچ که تقابل از وی وجود داشت جای خود رایبک نثاریه جامع و موزون علمی سیود و نشان داد که چگونه در اثرش نیروهای مولد ازیله فرماسیون اجتماعی فورما سیون دیگریکه عا پیزا ناست نشو و ناما میکند.

مارکس بیاد وست خود فرد ریث انگلش آموزش انقلابی مارکسیسم راکه برنامه انقلابی نهضت کمونیستی و کارگری جهانی و اساس علمی ساختن جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است بدید آورد. خدمت عظیم مارکس در آنست که وی قانون رشد و تکامل جامعه را کشف کرد، اساسهای برخود بحواله تاریخی و شیوه سرمهی آنرا از نظر مادی (ماتریالیستی) نشان داد و برای نخستین بار تصویر علمی فرماسیونهای اقتصادی - اجتماعی و تعمیق اینها را به پیروان مکتب خود آموخت. وی بر اساس ماتریالیسم تاریخی قوانین رشد شیوه تولید سرمایه داری و تهمه نیروی محركه آن راکه عبارت از کوشش سرمایه داران برای برهه برد اری بحساب کارگر است نشان داد. مارکس بر اساس سرمهیهای عمیق علمی و اسناد و مدارک فراوان مراحل مختلف رشد جامعه سرمایه داری، تکامل و تبدیل آن را ثابت کرد. نیفع شکرگ مارکس در آنست که وی توانت در در و روان شکوفان سرمایه داری و درد و روانی که در تمام کشورها کاخ نشود لیته ویران میشد، درد و روانی که همه کشورهای سرمایه داری کشیده میشدند وظایفات تازه سرمایه داری رفته جانشین مناسبات کهنه قرون وسطائی میشد، در زمانیکه مداحن سرمایه داری جامعه نامبره راجا مامه ابدی و غیرقابل تغییرمید استند به این نتیجه بررسد که این جامعه در تکامل خود گرفتار تضاد های لای نحل و عیقی است و این تضاد های اشتی ناپذیر با الگار از ایسوی نابودی خواهد کشاند و جامعه سوسیالیستی را جانشین ان خواهد ساخت. مارکس در برسیهای خود ثابت کرد که رژیم اقتصادی هر جامعه پایه ایست که رومانی سیاسی بران قرارگرفته است و بیمهن دلیل بیش از همه به برسی رژیم اقتصادی جامعه سرمایه داری بود اخ. وی در تدقیق جامعه سرمایه داری و مکانیسمه اخالی آن قانون ارزش اضافی را کشف کرد و متبع اینرا نشان داد. وی نشان داد که درد و ران سرمایه داری نیروی کارانسانی تبدیل بکار نمیشد، کارگر نیروی کارخود را بثایه کالا به کارخانه دار، زمیند ار و درند گان و سایل تولید میفروشد، قسمی از روز کارخود را بعنوان دستمزد دریافت میکند و قسمی دیگرها هم برای گان کارمند و برای سرمایه دار ارزش اضافی تولید مینماید که همین ارزش اضافی نسبع سود و ثروت طبقه است شمارگر و منبع تولید مجدد وسع و رشد بعدی نیروهای مولد جامعه سرمایه داریست.

آموزش مربوط به ارزش اضافی بنیان و اساس شعری اقتصادی مارکس است. وید را شرداهیانه خود "کاپیتال" پیدایش ارزش اضافی، ماهیت آن و تبدیل آنرا به سود، بهره مالکانه و تنزیل نشاند اد. مارکس ثابت کرد که بسط و توسعه سرمایه داری بحساب استثمار طبقه کارگر، بحساب محروم کرد ن تولید کنند گان کوچک ازوسایل تولید صورت میگرد. سرمایه داری با محروم کرد ن تولید کنند گان خرد ازوسایل تو لید

موجب تمرکز سرما به وسایل تولید گردید و تولید را اجتماعی مینماید. لیکن مالکیت خصوصی بروسایل تولید و استفاده خصوصی سرمایه داران از تولید جامعه با اجتماعی شدن تولید در یک جانمیگنجد. در جریان رشد جامعه سرمایه داری تولید اجتماعی با مالکیت خصوصی سرمایه داران تضاد آشنا ناپذیر بهم میساند، در وان انقلابی آغاز میگردد و این تضاد از راه انقلابی حل میشود، کسانی که خود وسایل تولید دیگران را غصب کردند مورد غصب قرار میگیرند و مالکیت اجتماعی بروسایل تولید جانشین مالکیت خصوصی میگردد و با حل این مسئله نیروهای مولده با شتاب هرچه تعامل میسوزی ترقی و تکامل پیشرفت خواهد نمود.

تئوری مارکسیسم برای نخستین بار در انقلابهای سال ۱۸۴۹-۱۸۴۸ اروپا بمحظ آزمایش گذاشتند شده و انقلابهای سالهای نا مبتدء در فرانسه و آلمان و اتریش-هنگری صحت نظرات مارکس را اثابت کردند و ای لنسین مینویسد که تمام تئوری مارکس عبارتست از یکاربرد ن تئوری تکامل به پیغامترین، کاملترین، سنجیده ترین و پرمضمون ترین شکل آن در مورد سرمایه داری معاصر.

واقعه اهم خصوصیات اصلی تئوری مارکس عبارت از یکی از میگری و مده جانبگرد و تعیین سمت و برنامه جنبش جامعه انسانی میسوزی سوسیالیسم است. مارکس در تدقیقات عمیق خود نقش طبقات جامعه سرمایه داری را نشان داد. بعیدیه لنسین مطلب عده د را موزن مارکس توضیح چگونگی نقش جهانی و تاریخی پرولتا ریا به باشه ایجاد کنند جامعه سوسیالیستی است. خدمت مارکس در اینست که وی نقش تاریخی جهانی طبقه کارگر را به میان آورده و وظایف وی را که عبارت از سرنگون ساختن سرمایه داری، برقراری دیکتاتوری پرولتا ریا جمهور است پیروزی شیوه تولید سوسیالیستی است نشاند اد تبعیغ مارکس در عین حال در اینست که توансی از تاریخ بشیری آموزش مرویت به ازهار طبقاتی را بیرون کشیده و ماهیت از ازاروشن سازد. وی ثابت کرد که جامعه متفرقی تر هیچگاه بد ون مبارزه حیاتی و معماتی طبقات مختلف جامعه بوجود نمی آمد. وی در بررسی جامعه سرمایه داری نشان داد که فقط طبقه کارگر است که بنا پویش اجتماعی و اقتصادی خود قادر است طبقه سرمایه دار را سرنگون ساخته و جامعه سوسیالیستی را بوجود آورد.

از نظر مارکسیسم جامعه سوسیالیستی از سرمایه داری سرشتمه میگیرد و سیر تکامل آن از نظر تاریخی از سرمایه داری و از بطن آن آغاز میگردد و نتیجه عمل آنچنان نیروی اجتماعی است که زایدۀ سرمایه داریست از آن جایگاهیه جامعه سوسیالیستی از درون جامعه سرمایه داری بیرون می آید لذ از هر لحظه اعم از اقتصادی، اخلاقی و فکری هنوز مهرونشان جامعه کهنه را با خود همراه دارد. مارکس این مرحله را نخستین مرحله جامعه کمونیستی مینامد. مهترین مسئله این در وان اجتماعی کردن وسایل تولید و پایان دادن با استمار انسان از انسان است. درین د وان تمام بی عذر لیهای در وان جامعه سرمایه داری ازین تمیز و بنا براین نیاز همه انسانها از هر لحظه نمیتواند بپراورد گردد. بهمین دلیل در چنین مرحله ای تنهای میتوان د را مدل بر اطبق کار و احتیاجات جامعه تقسیم کرد نه نیاز انسانها. لیکن مرحله اول جامعه کمونیستی یعنی جامعه سوسیالیستی پایه نیومندی برای همه جانبه نیروهای مولده، علم و تکنیک ها لارفتن شعمر انسانهاست. مارکس مینویسد که در مرحله بالائی جامعه کمونیستی پس از آنکه تبعیت اسارت آمیز انسان از تقسیم کار از این بود، هنگامیکه بهمراه این وضع تضاد فکری و جسمی نیز از این بخیزد، هنگامیکه کار تهبا و سیله زندگی نبیند و بلکه به نخستین نیاز زندگی مدل شود، هنگامیکه بهمراه تکال همه جانبه افراد نیروهای مولده نیز رشد یابد و کلیه سرچشممه های شرط اجتماعی سیل آسا بجزیران افتاد - تنهاد ران هنگام میتوان بر افق محدود حقوق بپردازی از هر چیز فاعق آمد و جامعه میتواند بر پرچم خود بنویسد: "از هر کس طبقه استعد ادش و سیر کس طبقه نیازش".

آموزش مارکس نشان میدهد که بین جامعه سرمایه داری و کمونیستی دروانی وجود دارد که در وان گذرسیا میباشد و د ولت این در وان چیزی نمیتواند باشد جزو یکاتوری پرولتا ریا. طبقه کارگرای سرکننی سرمایه داران، برقراری مالکیت اجتماعی بروسایل تولید باید با قدرت سیاسی را بکاف آورد و باد یکاتوری خود وظایف تاریخی خود را انجام دهد.

مارکس مانند متفکرین بزرگ هیچگاه فقط بنویشن و تعلیم دادن اکتفا نمیکرد. وی با پیوستن به مجمعه کمونیستهاد رسال ۱۸۴۷، شرکت در انقلابهای ۱۸۴۸-۱۸۴۹ در آلمان، بنیان گذاری بین الملکی اول کمونیستی عمالد ریشا پیش کارگران اروپایی در وان خود قرار داشت و در همین راه مجبور به ترک وطن گردید.

ابتدا در پاریس و سپس تا آخر عمر در انگلستان سکونت اختیار کرد و در همانجا بسال ۱۸۸۳ دیده از جهان فرو بست.

مارکسیسم عبارت از جهان بینی و آموزش مارکس است که بانام وی پیوند ناگستینی دارد. مارکسیسم جهان بینی طبقه کارگر، آموزش سرنگون ساختن جامعه سرمایه داری، آموزش دیکتاتوری برولتاریا و ساختان جامعه کمونیستی است. اسلحه نیرومندی که مارکس طبقه کارگرد از نخستین نتایج خود را بالانقلاب کبیر اکبر در سال ۱۹۱۷ به بشریت تقدیم کرد. بالانقلاب اکبر، برقراری دیکتاتوری طبقه کارگر، ایجاد جامعه سوسیالیستی و پیروزی‌های عظیم اتحاد شوروی برای نخستین بار نظریه مارکس جامعه عمل پوشید و راه تابنگی برای همه جهان بازشد. فقط با تربیا لیسم لفاسنی مارکس بود که راه بیرون آمدند از زردگی معنوی را به تمام طبقات ستمکش نشان داد. فلسفه انقلابی مارکس بانوی لنین و تطبیق صحیح آن در شرایط روسیه شاید کرد که آموزش مارکس یک آموزش مخدود و خشک و جامدی که در اواز شاهراه تکامل ندان جهانی باشد نیست. بر عکس برای پیروزی آموزش مارکس باید شرایط هر کشوری را در نظر گرفت تا موفقیت حتمی در راه اجرای نظریات مارکس نصیب مهارزان گردد.

آموزجامعة ای راکه مارکسیش از صد سال پیش نشان داده بود در اتحاد شوروی، چین، یکرشه از کشورهای اروپای شرقی و آسیا و همچنین در کوچانشینی در کوچانشینی در کوچانشینی در ای رگد ید ویش از یک سوم اهالی کره ما زیر پوچ سوسیالیسم گرد آده اند و با سرعت بسیار مرحله عالیتر از نام برمید آرند. شهرهای ویسته و مستعمره د پیروزی از استعمارهای یافته هرای از نین برد ن عقب ماند کی خود مجبورند رسی باری از مسوارد، د شواریهای اجتماعی - اقتصادی داخلی را بر اساس تعالیم مارکس و لنین حل کنند. وضع جهان امرزوی و وضع کشورهای کم رشد نشان میدهند که برای نجات مدد ها میلیون نفر مردم زحمتکش بهترین راه راهی است که مارکسیسم نشان میدهد.

آموزش مارکس سالهاست که بکثور ما نیز راه یافته و گسترش آن میان طبقه کارگر و زحمتکشان سرنوشت آتی جنبش موکراییک رانیز معین خواهد کرد. حزب توده ایران که از تعالیم مارکس و لنین الهام میگیرد توانسته است در طی دهه ای از طریق مطبوعات حزبی و سازمانهای مختلف ایده های مارکس را برای زندگی بهتر و رهمه گوش و کارکشید رفیعین همه طبقات جامعه ما پخش کند. با همه خیانتهای جنایت‌هایی که نسبت بحزب ماشد ه است، با همه ارتاد و بزد لی که عده ای نشان داده اند حزب توده ایران د زیر پوچ مارکسیسم بمبارزه خود علیه امپریالیسم و ارتجاع اد اه میدهد و میداند که تنها راه رزی این ساخت و ایرانی آزاد و آباد بنادرد.

افتخار بر خولیان گریمو

فرزند قهرمان خلق اسپانیا

خولیان گریمو از زمرة آن راد مرد انى است که برای آزادى و سعادت خلق میجنگند و رهاره از ایثار
جان شیرین باک ندارند، میمیرند ولی پژانود نمیایند.

دژخیمان فرانکو این کمونیست قهرمان رازجرد اند، شکنجه کردند. انها میخواستند اورا واد ارند
که نام و آدرس همزمان خود را بارگوید. تنها چیزی که ازاوشند نداشتند بود:

” من بعضیوسیت کیته مركزی حزب کمونیست اسپانیا افتخار میکنم ”

دژخیمان فرانکو بر آن بودند که وسیله ای برانگیزند تا بزندگی این فرزند قهرمان خلق اسپانیا خاتمه
د هنند. در نواهی سال گذشته این نقشه جنایتکارانه خود را بعصر ضعلد راوردند و اواز افزار عمارت سازمان
امنیت بزرگوار اخترند. بر اثر سقوط، جمجمه او آسید دید، دستهایش شکست و بدون شک از رفاقتار عمومی
جهانی دولت اسپانیا را مجبور نمیکرد که گرمورایه بیمارستان اعزام دارد و تحت معالجه درآورد، مسرک او
حتمی بود. جنایتی را که آن موقع به انجام آن توفیق نیافتد این با برآن شدند که با صد و رحکی قانونی از یک
دادگاه نظامی آنرا پرحله اجرا درآورند.

اماد رزندگی سیاسی این راد مرد کوچکترین کوشش تاریکی وجود نداشت تا بتوان بر اساس آن اورا محکوم
ساخت. این بود که دادستان دادگاه نظامی از زوایای مفسر جنایتکار خود این اتهام را برونو کشید که این
کارکرده بود در وران شرکت خود در دفع از جمهوری اسپانیا یعنی دریست و پنج سال پیش کویا مرتکب
” جنایات ” شده است.

خولیان گریمو این اتهام بیشتر مانه را رد کرد و ضمن دفاع خود با برلنندی گفت:

” من یک روح قرن است که کمونیست هستم و تا آخرین لحظات زندگی کمونیست باقی خواهم
ماند ”

و در واقع مانند یک کمونیست زیست و مانند یک کمونیست جان سپرد.

دادگاه این مهمن پرست اسپانیا را بعمرگ محاکم ساخت و برای گذراندن ساعات اخربندگی او را به
زندان عمومی کارابات جیل انتقال دادند. اورایین ساعات آخربندگی خود نیازی از مبارزه با خاطرسرگوی رئیم منفور
فرانکو و تهییج فرزند این غیور اسپانیا مبارزه علیه رئیم دست برند اشت. اخطاب بزند اینها چنین گفت:

” خون من بیشوده نخواهد بیخت. خون من رئیم را بازم بیشتر منفرد خواهد ساخت و
سقوط انرا تسریع خواهد نمود. تنها خواهشمن از شما ایست که بهم فشرده و سرخست
مبارزه خود را جه در زندان و چه در رخاخ از زندان همچنان اد اوه دهید. هر آنچه را که
مایه دوی و تفرقه شماست بکنار گذاشته اید و آنچیزی را در مقام اول قرار دهید که شمار ابهم
نzed یک و فشد ه میسازد، یعنی مبارزه با خاطر مهنهای فرانکیسم ”

روز ۲۰ آویل حکم دادگاه پر محلاً اجراد را در ورگزارگله قلب این کارگر قهرمان را از کاراند اخت. غرض
فرانکو از از رنگاب به این جنایت این بود که بحزب کمونیست اسپانیا که قهرمانانه علیه رئیم او مبارزه میکند،
ضریب ای وارد سازد، از عالیت تمیخش آن جلوگیرد، در صوف ای تردید و تزلزل پدید آورد. ولی تاریخ صد
ساله نهضت کمونیست شان یید هد که بازند ای و تعیید و مرگ نمیتوان حزب کمونیست را از عالیت بازداشت.

حزب کمونیست اسپانیا زنده است، مبارزه میکند و سرانجام خلق اسپانیا را پیروزی خواهد رسانید.

خولیان گریمو دیگر رضوف مبارزین از ازادی پسرمیست نیست ولی نام اور اسپانیا و در سراسر جهان نمیتوسته
به همزمان او نیروی میبخشد و آنها را در مبارزه سرسخت تر و مصمم تر میسازد.

درود جاوید آن بروان پاک خولیان گریمو قهرمان حزب کمونیست اسپانیا!

درود بهمه شهید انى که در راه آزادی از ایثار جان شیرین دریغ نکردند!

یک اثر جاوید

(دفاع دکتر ارانی در دادگاه پنجاه و سه نفر)

در سال ۱۳۱۶ ابرهای سیاهی که بر سرنوشت ملت ها سایه می‌افتد هر روز انبوه تر و وهم‌انگیز تر میشود. فاشیسم در آلمان و ایتالیا مستقر شده و با اعاده اخوات راهزنانه خود جمهوری جوان و امید بخش اسپانیا را در خون غرقه ساخته بود. استقلال جشه پام موسولینی بود. فاشیسم در ایران هستی دلتهای امپرالیستی هر روز چیزه تر و چیزه ترمیکش و خود رابرای الحق اطربش و توظیه منبع و تاخت و تاز بر دنیای سوسیالیسم آمده می‌باشد. نزق ورق هر ق شیلری چشم هارا خیره میکرد. ندای روشن و مطمئن اتحاد شهروی که جهان را به اتحاد ضد فاشیستی دعوت میکرد در محافل دلت های دیگر بی انکسا میماند. توکوئی که روزنه های ایدی و ارزوی بشری در مردم آزادی و دموکراسی یکی پس از یکری بسته میشود. توکوئی که تاریخ ایستاده و دنیا با خبر میسد ه است.

گوشه ای از این فضای جهانی در کشور مبارقرار بود: دیکاتوری مطلق رضاشا، نزد یکی روز افزون او به فاشیسم هیتلری، درندگی کم نظریاب و رتعیب افکار مکراتیک، سلطه عنان گیسته پلیس، دستگیری و شکنجه واعد ام گروه از مردم آزاده.

در چنین سالی دلتر ترقی ارانی دستگیر شد. ازدی یوارهای زندان و محکمه اش چیزی جزد شنایم و تهمت نسبت بیو و یارانش به خارج نفوذ نمیکرد، از همان شب اول باد سیندن رهبری گردید، امیدی بهیچکونه کمک از هچچ جانبی نداشت. مرگ را در آستانه در میدید. در چنین حالی فقط یک مارکیست عالیقدیر درین و زف اندیش، فقط یک کمونیست قهرمان دلیورجان باز میتوانست در میان حلقه دشمن فریاد بزند: «نه، دنیا با خبر نمیسرد و تاریخ هم نایستاده است». تصویر نکنید که با صدرور رامی و گزارش مقامات مافق، این محکمه تمام میشود. نه! آن ادعای امام، این دفاع و آن رامی ترسه تاریخی میباشد.

ارانی ریشه های اصلی عوامل راکه از لحاظ داخلي و خارجي موجب محکمه گروه ۵۳ نفرشد تحلیل کرد و مقام تاریخی دادگاه را مشخص گردانید. ارانی گفت: «سه عامل عدد ه کاملاً غیر قضائی، که قوه قضائی یعنی شما و همچنین ماراطبیه خود قرارداده امروز با یعن طرز میوقاصند، باعث تشکیل این پرونده ها گردیده است: آن سه عامل عبارتنداز اولاً سیاست داخلي بجهت ترساندن توده از آزادی افق ارواقاید. ثانیاً سیاست خارجي برای انتظام بعضی روابط سیاسی. ثالثاً عامل اداری یعنی شهوت فوق العاده شهریانی برای تظاهر خود نمایی و جلب توجه مافق ها برای استفاده از داد وام موقعیت وارتقا رتبه و غیره». ارانی نمایندگان دلت ایران را نکوشش کرد که بچای آنکه به د موکراسی روی آورند در راه فاشیسم گام میگذرند. ارانی در مقابل بهت و حیبت دادگاه هایان، دیکاتوری هیتلری راکه در آن سالها روز بروز بیشتر را روپاگسترده میشد و باهیت و صولت بینظیری شکست ناپذیر مینمود با بصارت و قدرت شکری ارجاع موقت ننمید.

اگرچه ارانی در دفاع خود از استفاده از قوانین موجود در این غفلت نهزید ولی هرگز در رچارچو قوانین محصور نماند. دفاع او على الاصول دفاعی على واقعی بود. ارانی در آغاز سخن خویش پوسته محکمه راشکافت و مفتر و ماهیت اجتماعی جریانی راکه میگذشت علماء نشان داد. وی گفت: «اگرچه اینجا ظاهرا حکمه جنائی است ولی باطنناعلو بر جلسه درس، یک میدان مبارزه اجتماعی است که سه طرف یعنی یک مدعی علیه و یک قاضی بیطرف نداشته بلکه فقط دارای وطرف است که در یک طرف آن قاضی و دعی دلته با هم و در طرف دیگران ما، هر یک مدافع منافع یک دسته مخصوصی میباشیم. کدام ماحق داریم؟ تاریخ نشان خواهد داد». ارانی خود و یارانش را «قوه ملی» نمید و در مورد دادستان صریح گفت که «آل دست شهریانی است» و در مورد قضات: «شما اهمیت قوه قضائی را تزل

داده آن رایکی از شعب شهریانی، که خود یکی از ارادات یکی از وزارت خانه های قوه مجریه است، قرار داده.^{۱۰۷}
سیاست اداری و داخلی شهریانی هم هیکل ضعیف شمارا مانند علف د مقابل باد میلرزاند.

در آن زرگار که ظاهر اهمه قدرت از شخص دیکاتور و سرنیزه ها یشناشی میشد دکترانی بقدرت
واقعی ملت اشاره کرد و در خطاب به دادرسان گفت: « شما هم ۰۰۰ فقط از شاروجان و قدرت ملت که
متوجه این گوش است هر امان باشد ». ^{۱۰۸}

ارای تلقینات هیئت حاکمه را در مردم تقد مطلق قوانین درهم شکسته توضیح داد که قانون چیز
دیگری جز محصول فکر و حافظ منافع طبقات حاکمه نیست. « قوه مجرک و تغییر قوانین بحدیچیگ است که
بزرگترین تعصبات هم نمیتواند مانع آن تغییر شود ». ممکن نیست « قوانینی که بدست اقلیت وضع شده هست
شفاف و حاکمی عدالت باشد ». فقط آن کانوئی مقد من است که حافظ منافع توده باشد ». باین طرق ارانی
یکاره پشت پارتوانین و نظمات دیکاتوری رضاخاه زد.

بعقیده دکترانی یکانه چیزی که حقانیت دارد « محصولات انقلاب است که جریان طبیعی تاریخ
آنها را ایجاد کرد ». است. وزاین جهت قانون اساسی فعلی ایران که محصول انقلاب خونین این ملت است
و برای تحصیل آن در هرگوش از خون جوانان وطن لاله دیده بود « حقانیت دارد. البته انقلاب ایران
ناصی بود و محصول آن (قانون اساسی) این زناصی است واید « بهمنان ترتیب که تحصیل شده کامل گردد ». ولی
بايد اقلام تأفاری سیدن موقع تکمیل شیوه قهرائی نکند. قانون ۱۳۱۰ اکه ارانی و پاراش را بر اساسی آن حاکمه
کرد ند رجهت سیوه قهرائی قانون اساسی است. مجلس شورای سال ۱۳۱۰ باوضع این قانون « آزادی
عقاید راسماقد غن نموده توهین کمرشکنی بر ملت ایران وارد آورد. هر قدر رهوبی آن مجلس و تشریفات
قانونی تشکیل آن وضایافتی که قانون منزه از روح قانون اساسی دارد و سو استفاده ای که مجلس از حق خود
بدون توجه با حساسات عمومی نموده است ببیشتر قت کیم این گفتش رتوکیف تدر رنظام جلوه میکند بهمین
جهت مان را بیان گار محکمه تاریخی اموز « قانون سیاه ». مینامم و برای حفظ شرافت ملت ایران نفرت شد ید
خود را نسبت بآن اظهار مید امیم ». ارانی عمل مجلس شوری را در روضع قانون مذکور صریحا « جنایت » خواند.

ارانی در رظلمات دادگاه رضا شاهی و در میان سرنیزه ها داغ در فرش های دژخیمان شهریانی،
پوچم تاینک و پرا تختار کونیسم را بر افزایش دیگت: « هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی د رتاریخ پیش وجود ندارد
که در مدت کوتاه حیات خود باند از موسیوالیسم و کمونیسم راجع آن کتاب تعلیف و باین کثر انتشار گرفته
باشد ». اینک آیا « تنگ آورنیست که در این گنج خلوت، همان افتخار عنوان اقد ام بر علیه امنیت با مجازات د
سال حبس تعقیب شود ؟ ». چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری زنجران و حفظ حقوق آنان
دران آیند رسخت مجازات میشودا چرا زنجران میرسید؟ ». مگارا کریت ملت ایران بنسیت ۹۶ هم رنجبر
نیست؟ پس جرائم قوه شهربانی صرف تعقیب طرف اران زنجران است؟ این نوع تعقیب و محکمه واضح میکند که
شمانه فقط باتوجه مخالق بلکه نیازیان سخت هر اسانید ». باین ترتیب شما اقرار تلویحی بقدرت توده میکنیده
ارانی خوب مید انست که اد ای این سخنان برای امچه قیمتی تمام میشود و در اشاره به شکنجه های
شهریانی میگفت: « من خودم پس ازقطع رابطه با محکمه قطب ابا سطه اظهار حقاً یعنی که لازمه فد اکاری و وظیفه
و جد ای من است د چاره مین اشکلا لات خواهم شد. ولی چه باک ». « وظیفه من در این حامهم ترازان است که
بد فاع شخص خود بپردازم ». من وظیفه عالی وجود اند فاع جمعی را اخلاقاً برعهد ه دارم ». ارانی د فاع خود
رابقول خود به « حمله ». بر علیه زیم و توطشه های او و بدیل ساخت و نه فقط ماهیت مسائل را شکافت بلکه در پر ابر
این نقشه شهریانی که میخواست بالاین و وجود سازمان مخفی کمونیستی به تعقیب واژخوش شد بخشش
باتمام نیرو مقاومت نمود و سیچ یک ازاد عاهای شهریانی اعتراف نکرد.

بهترین راه بی برد ن بعزمت کار ارانی، مطالعه دقیق دفاعیه اوست که اینک از روی نسخه ای که
در سهمن ۱۳۲۴ ابچاپ رسیده است تجدید طبع میشود. این دفاعیه یکی از افتخارات - نسب طبقه کارگر ایران
است و محلت عمق و معنای علمی و سیاسی خود را تاریخ کشورها جا و خواهد ماند.

متن دفاع دکتر ارانی

در دادگاه پنجاه و سه نفر

قبلاً اهمیت تاریخی این محکمه را نذکر می‌نماییم. برای اولین بار است که یک سنه پنجه و چند نفری از منوران فکر و کارگری‌سواند ایران یعنی افرادی که با چراگ‌درارین محیط تاریک باید جستجو شوند در محکمه جنائی یعنی محلی که دزان سلح و قطاع الطريق و قاتل هاد را بین جا حاکمه می‌شوند بعنوان داشتن یک عقیده اجتماعی به پیشگاه قوه قضائی دعوت شده‌اند. اهمیت آن بدی است که مانند تمام محکمات اخیر (۱) چشم و گوش دنیا متوجه آنس است. بنابراین معنی بفرمائید که رفشار شمار را بین محکمه دنیا پسند باشد و تعموز نکنید که با صد و گزارش آن بمقامات ماقری (۲) این محکمه تمام می‌شود. نه آن ادعای اتهام، این دفاع و آن رامی هرسه تاریخی می‌باشد و مانند تمام آثار محکمات قرن هیجدهم فرانسه محکمة معروف کلئی، محکمة بیست و شش نفر و پنجه و سه نفر (۳) همیشه در رصفحات تاریخ ایران باقی خواهد ماند. وظیفه من در این جامهم ترازنیست که بدفاع شخص خود بپردازم. من وظیفه عالی و وجود این دفاع جمعی اخلاقی را بعده دارم. اگرچه این چنان‌ها را محکمه جنائی است ولی باطن‌علوه بر جلسه درین یک میدان مبارزه اجتماعی است که سه طرف یعنی یک مدعا و یک مدعی علیه و یک قاضی بیطریف ند اشته بلکه فقط دارای دوطرف است که درین طرف آن قضی و مدعی دلوی باهم و در طرف دیگران هم‌هسته بلکه مدفع منافع یک دسته مخصوصی می‌باشیم. کدام ماحکم دارم؟ تاریخ نشان خواهد داد! من همانقدر که می‌ترسم این وظیفه اخلاقی خود را ناقص انجام دهم بیم ندارم از اینکه حقایق را کما‌حواله بگویم شما هم از فشار ترسید، ولی بترسید از اینکه مخالف وحدان خود رامی دهید. فقط از فشار وجود ان و قدرت ملت که متوجه این گوشش است هراسان باشید. محکومات امروز ناقد ترازنیست که داخل این دیوارها مخصوص بماند، بلکه آنها را شکافته بد نیاز خواهد رسید. پس شعار امام دعوت می‌کنیم که دیوارهای این محکمه تنگ را شکافته از این محیط کوچک خارج شد و بانتظر بین عیق ترسیم‌سیستم تری از ایالات فضای نگاه نکنید. پس مقتضی است اولاً بقوه قفقنه و بامقامی که مجازات را تعیین می‌کند، ثانیاً پرونده ها و قوی مجریه، ثالثاً بقوه قضائی یعنی خودتان، رابعاً به متهمنین یعنی ما که قوه ملی هستیم متوجه کنید.

۱- قانون و قوه مجریه

در هر علم همیشه وقبل از بحث باستی ابتداء در این ازه گیری را مورد دقت قرارداد تا آنکه همیشه در رجۀ دقت اسباب بدست آمد و میزان در درجه صحبت نتیجه سنجش معلوم شود. مثلاً باستی معلوم گردد که فلان ترازو، حساس یا مانومتر یا میکرومتر تاچند هزارم واحد مقایس را میتوانند تعیین کند، آنوقت میتوان این اسبابها را با اطمینان پیشتر کاربرد. قوانین مدرج های محکمه انسد باستی آنها را در رهم شکسته مغز واقعی آنها را بیمیون آورد. قاضی بنا بر این مانند یک مأشین جاده قانون جاده را برآمده بطور ساده تطبیق کند، بلکه باستی این امر و آن قانون را در حال حرکت و تکامل

(۱) محکمة حربی را پشتاک در المان و محکمه را کوشی و غیره در مجارستان.

(۲) معمولاً رامی محکم در شهراتی صادر می‌شود.

(۳) در این محکم برای اولین بار با سلاح قانون بر علیه طبقات مستعد به اقدام شد.

فهمیده قضیه را بستجد و گزنه بایک دستگاه جاده کانیک فرقی نخواهد داشت و خصوصیات بشری خود را از دست خواهد داد. ما میخواهیم در این موضوع به محکمه کمک کنیم:

یک فرد قانونی حق یکفرد در مقابل افراد دیگر مفهوم وظیفه را بوجود می آورد. عدالت وحقانیت واقعی^(۱) یک فرد قانونی حق یکفرد در مقابل افراد دیگر مفهوم وظیفه را بوجود می آورد. عدالت وحقانیت واقعی عبارت از حفظ آن حقوق ووظایف است که بر حسب ساختمان و تکامل طبیعی و منطقی فرد و جامه باستی بد اندیعت اتفاق گیرد. اصلی ترین و اولی ترین آنها عبارت است از حق حیات و آزادی یعنی حقوق و ظایف متساویه نسبی افراد در مقابل برتری تولید و استفاده از صرف و انتظام امر تولید و صرف. بنابراین عدالت واقعی در حفظ آزادی این حقوق وظایف میباشد. متغیرین بزرگ مانند ارسطو به تضمن این حق وق بوسیله قیامها و اعتراضات شدید فتوای میدهند. قوانین عبارت از فرمول های متبادر متحجری است که طبقه واضح آنها داد عاد ارد که بعد از واقعی در مقابل آن قوانین صورت عملی داده است. چون جامه همواره در حرکت وظایفات حاکمه و ایدئولوژی آنها در راد و ارتاریخی در تغییر است پس قوانین نیز که محصل فکر و حافظ منافع آن طبقات است و قوه قائمی که ماشین اجرا و اعمال آن در در جریان دائمی میباشد. بنابراین قوانین مانند حباب های رنگارنگ گاه تیره و گاه شفاف در نور ثبات عدالت واقعی را فراگرفته است. آیا ممکن است قوانینی که بدست اقلیت وضع شده است شفاف و حاکمی عدالت باشد؟ چه چیز ضمانت میکند که اقلیت واضح قانون علی رغم طبع و مشی و منافع خود بغير منافع توده باشد؟ تاریخ پراز این قوانین تیره و تاراست. قوه قضائی و درجه های ان یعنی قوانین تابع طبقه حاکمه و تکامل اد و ارتاریخی است. چه صحنه های جنایت و قوانین جبارانه که بنام عدالت در تاریخ پسر ظاهر و منسخ گردیده! در یونان قدیم بنام همین قوانین تیره و مقتضح جام شورکان بدست سقراط بعنوان مخالفت با ارباب انسواع شهرکه آتیز قفقس بد داده شد. در روم جمع کتیری در صحنه های اطاعمه و حوش گرسنه شد. در قرون وسطی بنام خدا و مسیح از طرف اداره انتیکسیون زبانه بردیده شد، توده ها از افراد پسر زنده زنده باشند اذ اخته شدند! در قرون وسطی محاکمه بین ارباب و رعیت جنگ تن بتن بود که در آن خان سواره و شیرانی های طبقات ممتاز با آن قوانین و تعصبات ادوار قبل تفاوتی دارند؟ نه دنیا با خبر نرسیده و تاریخ هم نایستاده است و همان افتضاحات است که بدست قوای قضائی طبقات ممتاز تکرار نمیشود تا آنکه در ورّه وضع قوانین مطابق عدالت واقعی و نفع توده بشیرپرسد. هر قدر که این محکمه و لیسانس ای رنگارنگ شما بینظرتان مقدس می آید، قانون اعدام سقراط و تعصبات ذهبي کاتولیکی هم بمنظارشان مقدس بود. این جلسه هم مانند آن جلسات مضحک و فجیع روزی موضوع پرای صحنه های نمایش خواهد شد. قوه محرك و تغییر قوانین بحدی بزرگ است که بزرگترین تعصبات هم نمیتواند مانع تغییر نشود. کافی است بتغییر قوانین شرعی و عرفی در محکم ایران با وجود این همه تعصبات توجه کنم. پس قانون مقدس من نیست. فقط آن قانون مقدس من است که حافظ منافع توده باشد. جدیت کنید با نظر وسیع و وجد آن پاک حکمت نمایید تا کاران روزی مسخره نسل ایند ه نشود. حالا بقانونی که در این جلسه طرح است توجه نمایید. هرگاه اقتصاد که پایه جامعه است و قوانین اجتماعی بمرحله ای بررسد که نتواند باقی بماند بوسیله انقلاب تحول میباید.

محصولات انقلاب که جریان طبیعی تاریخ آنها را بیجاد کرد و حقانیت دارد. قانون اساسی ایران محصول یک انقلاب خوبین این ملت است که برای تحصیل آن در هرگوشه از خون جوانان وطن لاله دمیده بود - هزاران نقوص جهت تحصیل این چند ماده قانون رقیانی شد. این انقلاب برخلاف مشهور دست اجانب صورت نگرفت بلکه اجانب استفاده نمودند. هنوز انقلاب ناقص و محصول این نیز

(۱) مقصود از عدالت وحقانیت واقعی عدالت وحقانیت مطلق نیست.

از تظرع الد ناقص بعد زیراصلی آن قانون از نفوذ فکر موتسلکو، ولترووسو به قوانین فرانسه و ازانجابه قوانین ملل دیگرو از جمله ایران بوجود آمده است ۰ تازه وتر راجع به این قوانین مشروطه مینویسد: این قانون نظیر همان زنگی است که موشها به گره بستند یعنی استبداد را از میان نبرد ه فقط اقدام ظلم را قبل اطلاع میدهد. واضح نیشود که قانون اساسی هنوز از تضرع الد خیلی ناقص و بهمان ترتیب که تحریل شده، باید کامل گردد. اما خدمت بزرگی که همین قانون ناقص به ایران نموده و باید اقلام تا موقع رسیدن وسائل پیشرفت سیوچه رقائی نکند همان روح طرفداری از آزادی عقائد و تجزیه قوانین کشور به سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه است ۰ قانون این حقوق و آزادی و حق ملی راگرانبه ترین سرمایه ملست مید آند که در حقیقت مشخص قاع و بزرگی یک ملت نیز میباشد.

ملت ایران هم اصل ۲۱۰ قانون اساسی را از آزادی مطبوعات و انجمن هاو عقاده برای حفظ شئون خود باخون خردی است ۰ مجلس شوری هیچوقت جراحت نداشته است برخلاف وظایف و شرافت خود قانونی مخالف روح این اصل وضع نموده از حقوقی که بیوی داده شده است علیرغم اکثریت بنام اقلیت سو استفاده کند. ممکن است قاضی ایجاد کند که مطابق اصل تدقیک قوا ما وارد موضوع قانون نمیشوم و وظیفه ماجرای قوانین قوه مقننه است ۰ مامپرسیم آیا این قانون اساسی مقدسی که قوا را از هم تفکیک کرد و شمارا با سوگند شرافت ملزم باجرای قوانین نموده شرایط مجلس مقننه را نیز تعیین کرده است یانه؟

ایاشاه رکس هرقانوی داد بد ن توجه بطری تصویب آن را مطابق اصل تدقیک اجرای میکنید؟ مجلس شوری سال ۱۳۱۰ این جراحت راکرد ه ماده ۱۰۰ قانون مجازات عمومی سابق راکه مجلس ملی برای حفظ انتظام کشور در مقابل شیوه ها وضع کرد ه بودند تغییرید اد. آزادی عقاید را رسماً ماقنون نموده توهین کمرشکنی برملت ایران وارد آورد. هر قدر رهوبت آن مجلس و تشریفات قانونی تشکیل آن و معاافاتی که قانون نمیزبور با روح قانون اساسی دارد و سو استفاده ای که مجلس از حق خود بد ن توجه به احساسات عمومی نموده است، بیشتر دقت کتم، این قانون مفتخض تر و کثیفتر د رندر ماجله میکند. بهمین جهت مانزان بایاد گار محکمه تاریخی امروز "قانون سیاه" مینامیم و برای حفظ شرافت ملت ایران نفرت شد بد خود را نسبت به آن اظهار میداریم. اگرچه آن قانون اصولاً برای قدغن کرد ن فکر کوئیسم وضع شد ه است در عین حال بجهت تکمیل عمل مفتخض خود تمام عقاده را غن نموده یعنی مطابق آن میتوان تمام عقاده را عم از سوسیالیستی و دموکرات و غیره تعقیب کرد. انصاف بد هید آیاغرض قانون اساسی از آزادی عقائد همین قدغن کرد ن کلیه عقائد بوده و آن خونه ابراهی همین ظالم امروز ریخته شده است؟ البته ازان مجلس هم بیش از این توقعی نبود ولی محکمه ای که قانون نمیزبور امیخواهد بکاربرد باید رظا اهر و باطن آن نیز دقت کند یعنی به برد و طرف مد ال باید تماشا کرد نه فقط به گیطراف آن. از جیت خلاهه بر باستی تشریفات تصویب قانون مورد دقت قرار گرد. همین دقت کافی است که ملخی و غیرهمعتبر بود ن آنرا بشماتشان دهد. از جیت باطن به تحاویات آن قانون با پیشی توجه نمود. بجهت این امرهاست بی به مالکی که سرموش سلطنت مشروطه میباشد مثل انگلستان و غیره رجوع نمود. آیا رانگلیس تمام عقاده ایزاد نیست؟ تمام عقاده در مجلس شوری نمایند گانی که از کلیه حقوق وامتیازات نمایند گی بزرخورد ارد بیا شند ند ارتد؟ این قانون اساسی و آزادی عقاده با آن قانون سیاه حکایت گرده و شترعرب و کوسه و ریش پهن نیست؟ چه عواملی باعث شد که ملت ایران رانگنگ کند. واضح است در اینجا ذکر نمیشود - همین قدر باید فهمید هر قدر تعدد ن یک ملت عالی تراست تحد بد عقاده در آن کمتر است. شلال در مالک درجه اول مانند امریکا انگلیس و فرانسه و سویس و غیره که بمنشق تعدد امروز میباشد افکار عمومی را خفه نمیکند ولی در مستعمرات مانند فلسطین و هند و غیره بوجب درجه تعدد، افکار و عقاده به ترتیب با جنس های یکسال و سه سال و غیره تعقیب نمیشود. دریتیت هرکس بتهای مجلسی را نپرسند محاکم باعد ام است. هر قدر درجه تعدد ن پست تراست میزان حبس نیز بیشتر میباشد. از اینجهت است که باستی برای عواملی که این نئک توحش را با قانون ده سال مجازات برای ملت ایجاد کرد ه بست جنبه ارتقا عی شد بد قائل شد. انصاف بد هید آیا اشخاصی که قانون سیاه را وضع کرد ه اند صلاحیت این کار را داشته و یاراجع به افکاری که قدغن کرد ه اند کوچکترین رساله ای هم مطالعه نموده اند. بطـور

یقین نه، والامتکاب این حنایت نمیشتد نه من بد ون اینکه بخواهم از عقیده مخصوصی طرفداری کنم میخواهم باکمال انصاف بنام آزادی عقائد نکات ذیل را تذکردم. چطرومیتوان عقائد را قدغن کرد که ریشه علمی آن با آغاز جماعت پسر شروع شد هد رجمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی ازوی اصول و پایه های کاملاً عملی و منطقی اظهار نظری نماید. هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ پسروجود ندارد که در دست کوتاه حیات خود باند ازه سوپیالیسم و کونیسم راجع به آن کتاب تالیف و باین گرت انتشار یافته باشد و این نشریات از مشکلترين موضوعات تماذیزیک و منطق گرفته تاعملی ترین و تازه ترین مطالعه زندگی را در معرض انتقاد و بررسی قرار میدهد. چطرومیتوان بد ون مطالعه کوچکترین ورق از این کتابخانه ها در اشتئن یک عقیده را بایک قانون اجتماعی قدغن کرد؟ واقعاً شمار آور است که تمام پرونده های متهمین این دسته پراست از سوالاتی که آیا شما قابلن کتاب را خوانده یا ترجمه کرد؟ یا ماتدراده یا غافل بحث علمی را کرد؟ هاید یانه. اگر کشوری فقط از خرس و میمون و دود و دام هم مسكون باشد این اعمال را بر فرض مسلم بودن برای احدی جرم نمی شمارند. فراموش نکنید همان طور که مجده دنیا توضیح داده است شما مجبورید در جزئیات زندگی خود تهدن غرب را تقلید کنید. لبای سی که امروز پوشیده اید، طرز غذاخورد ن، منزلتان، قوانین و اصول محاکماتتان اساساً تقلید از تهدن غرب است. پس چرا در راین مورد این قدر انحراف پیدا شده است. مگر انگلستان سلطنت شوروطه ندارد؟ مگر صریح طرفداری خود را از اصول د موکرای و کشورهای د موکرات در این روزها بد نبا اعلام نکرد؟ چرا درین مورد از کشورهایی که در دنباله تهدن غرب قرار گرفته د چار ارجاع موقتی شده اند (۱) تقلید نمیشود؟ اگراین عمل سمشق باشد پس خوب است بعضی قوانین هم از بزرگهای افریقای مرکزی تقلید شود! در موقعیه د رم الک متدن جایزه نوبل را بپاس حفظ صلح عمومی د نیا به یکنفر او سیوسکی که نماینده این افکار بود مید هند ننگ آور نیست که در این کنج خلوت همان افکار بعنوان اقدام بر علیه امنیت بامجازات د سال حبس تعقیب شود؟ مخالفت با مأوزین اخلاقی و نوامیں مقد سه بشر بقدری صورت وقیع بخود گرفته است که عقیده ای که از آزادی و صلح و جلوگیری از فقر و فساد و فحشاً و خونریزی صحبت میکند بامجازات د سال حبس تعقیب میشود و چقدر برای یک جامعه ننگیں است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر رسخت مجازات نمیشود. چرا اینقدر راز رنجبران میترسید؟ چقدر بچشم زندگ است که مأمورین شهرانی تا چشمان بورقه ای که کلمه رنجبرد ارد میاقت با سروکله هجوم میاورندی جن ایسم الله باند ازه شهرانی تهران از رنجبرنی ترسد. مگر رنجبر تمام جزئیات شماراً تائین نمیکند؟ مگر اکبریت ملت ایران بنتسبت نه د هم رنجبر نیست؟ مگر مخالفت با رنجبر مخالفت بالات ایران و مخالفت با همان مشروطه د موکرای نیست؟ پس چرا تمام قوه شهرانی صرف تعقیب طرفداران رنجبراست. این نوع تعقیب و محکمه واضح میکند که شما نه فقط با توهه مخالفید بلکه نیز ازان سخت هر آسانید. این تعقیب شدید غیربر من و لزرس علت د یگرنیتواند اشته باشد. باین ترتیب شما اقرار تلویح بقدرت توهه میکنید. پس شمارا به عاقبت وحیم این طرز عمل خود تان توجه میسازیم. فقط از همین یک فقره محکمه فعلی و هاظل گذاشتن عده ای که ماهیانه مقد از زیادی کارهای اجتماعی تحويل جامعه مید اد است در دست کرد و یک میلیون ضرر مستقیم به جامعه ایرانی رسانیده است. این ضرر و نظائر آن نتیجه همان جنایتی است که روزی مجلس شوری مرتکب شده قانون سیاه را تصویب نموده تابیینیم مطابق راعی محکمه امروز شماتا چه درجه میخواهید شریک جرم آن بشود!

تقاضای اول ما امروز بینست که دیوان تعیز بنام عدالت و بنام حفظ شرافت ملت ایران مخالفت قانون سیاه را پر از روح و اصول قانون اساسی و با آزادی ملت و عقائد به مجلس شوری تذکر داده است. آنرا جد ابخواهد و تا این حق کسب نشده قوانینی که واجد شرائط معینه قانون اساسی نیستند اجرانشوند.

۲- پرونده ها و قوه مجری

حال که خصوصیت قانون سیاه معلوم شد به پرونده هایی که محکمه میخواهد قانون را برآن بس طبیق کند توجه مینماییم. سه عامل عدد کاملاً غیر قضائی که قوه قضائی یعنی شما و همچنین ما را ملعبه (۱) اشاره به آلمان هیتلری است.

خود قرارداده امروز باین طرز موقمند، باعث تشکیل این پرونده هاگردیده است. آن سه عامل عبارتند از: اول اسلامی است داخلي بجهت ترساندن توده از آزادی افکار و عقائد - ثانياً سیاست خارجی برای انتظام بعضی روابط سیاسی - ثالثاً عامل اداری یعنی شهوت فوق العاده شهریانی تهران برای تظاهر و خود نمایي و جلب توجه ماقومها برای استفاده از داد وام موقعیت و ارتقاء رتبه و غیره. آیا شرم آفرینخواهد بود که شما وجد ان قضائی خود را ملعيبة این شترنج بازها قراردادهید؟ طرز تشکیل این پرونده که نumeone ای از کلیه عملیات دیگر شهریانی و مظهره قوه مجرمه است بشرح ذلیل بوده است؛ قبل از توضیح متن کریم شومن که کلیه آنچه که در اینجا بعنوان جنایت نسبت داده میشود با اسناد و داده است و با این شرح آقای داده - ستان و محکمه را ملزم به تعقیب متکین جرائم مینهایم که خود داری ازان خیانت به وجود آن و اخلاق قبیل و مخالف قوانین و مقررات است. از این حیث این دفاع حکم حمله و عرضحال را داریگه قوه قضائی موظف است بدان ترتیب اشیده.

در اوخر سال ۱۳۱۵ شهریانی شخص مذکون به قاچاق را دستگیر مینماید. از خصوصیات ایشان شخص اینکه خود را ضد کوئیست معزی میکند و اداره سیاسی و دادستان گفته های اورابختون راست نمیمند هند. این شخص برای خلاصی خود یک مسلسل اشنازی های معقولی خود را تبدیل صورت داده و بعنوان یک جریان سیاسی به شهریانی میدهد. این قبیل دارک راکه نظائر آن زیاد پیش خواهد آمد صدق مدل به کذب مینامیم. این ادعای انکه شخص مذکور مدتی مسافرت های قاچاق خود را اتمان میکند و اصرار مینماید که حتی از ابرمرکز بیاورد (رجوع به شروع پرونده) تاج محلی خود را آب و تاب داده در مرکز شغل جاموسی پلیسی گرفته ضمانت خود را خالص کند. پس از رسیدن ابتدا یک فراهم یجاوسی میکند. بطلان این تهمت او بقدرتی واضح بود که حتی شهریانی حریص هم مجبورا ازان صرف نظر مینماید. بعد چنانکه خود در پرونده خود ذکر کرد ه است عدا برای اینکه اظهار خدمتگذاری کرد ه باشد دعه ای را بعنوان مختلف اسم برد و دستگیر مینماید. البته تقدیم و تأثیر این مطالب با اینچه که پرونده هاشان میدهد فرق دارد، زیاد رپورونده های شهریانی جدیت کرد خود را کشف یک قضیه بزرگ جلوه دهد. شهریانی تخت تا این عوامل سه گانه سابق الذکر عده که از این مدرک دستگیر میکند که منهم جز آنها میباشم. با آن نقشه هاییکه شخص مذکور اد اگر عوامل منزه و متنبید چرا شهریانی ماراحت دقت قرارداد کسے اسناد صحیح بدست آورد و مرتکب اتفاق رجایت و فشار و شکجه و تخلف قانون نشود.

روز دوشنبه ۲۰/۰۲/۳۱ در جزو دستگیر شد کان شخصی را شهریانی تهدید به اعدام میکند و این تهدید بواسطه وجود یک پرونده و سابقه ای راجع به مشارکیه در اداره ارشت موثر واقع میشود. مشارکیه مجبور میشود تمام فانتزیها و افسانه های تلقین شده راکه شهریانی خود موجد و بافتنده آن بوده است. تصدیق کرد و از خود شاخ و برگ جعلی برای آن ترتیب دهد. صدق های کذب شده در این پرونده زیاد است. روز سه شنبه ۲۱ اردیبهشت تمام دستگیری ها بعمل آمده و فرقه جعلی که ساختمان آن در روی میز اداره سیاسی انجام میگرفت بهمه تحمل شد. در اینجا به عبارتی که در ادعائناه است و کشف فرقه را به تحریرات من نسبت داده توجه مخصوصی هی نمایم. این عبارت فقط یک اشتیاه یا جعل معقول نیمده یک شاهکار پلیسی است که بدست دادستان صورت گرفته است. پرونده هاشان میدهد که تحریرات من مختصی از ۲۱ و اصولا از ۲۲ شروع میشود. در این تاریخ جعل شهریانی تکمیل شده همه دستگیر شده بودند. تحقیق این کذب کیفی راکه لطمہ به حیثیت من است میخواهیم و آن خود لیل کذب ادعای نامه است. بدین متوال در تاریخ منزه اختراع و سرخاب و سفید اب یک فرقه عظیم خیالی از طرف شهریانی تکمیل میشود. چون تهاجمیزی که ممکن بود ایجاد هراس کند وجود یک فرقه اشتراکیست، بنابر این به آن تشکیلات جعلی هم همین نسبت داده شد. از این بعد دستگیری های جدید شروع واز آن بعد این فرقه خیالی که در آن رل منشی گری و مبلغی آن را برای من قائل شده بودند بهمه تحمل میشود. برای بزرگ کردن موضوع، بواسطه خصوصیات شخصی مبنی توجه خاصی نموده، در وروز بعد به ادارات و مسویقات تصمیلی من مراجعت نموده، روز دیگر با هر اوقات من رسیدگی کرد و مزاحم اشخاصی که در مراسلات من نایبرد ه شده بودند شده به تکمیل اختراع خود بود اخترت. اگر پرونده های شهریانی من مراجعت نمود خواهد دید که با وجود آنها فشار، من زیبار این تحمیل نرفته فقط برای خلاصی از فشار، مطالعه

فلان کتاب یارساله را بخود نسبت داده ام تا از فشار خلاص شوم ، چه مید استم گرورزی بروند ها بیک محکمه مراجعته شود (موضوعی که آن موقع بحاجه وجود بلا تکلیف های ده ساله ابد ا حد من زده نمیشد) یک قاضی با شرف مطالعه بحث مطالعه رائمه تو اند جرم حساب کند - همین مقامات من خود بهترین دلیل جعلی بودن تشکیلات ادعایی است . بعلاوه دلائل ذیل ادعای اختراعی بودن افترا های شهریانی را واضح می نماید (راجع بحث تمام تاریخها که ذکر می شود ببروند هارجع شود)

د لیل دوم - گرفتاری عده ای بینگاه بعنوان اینکه پانزده سال قبیل عضو انجمن علمی و موسوم به فرهنگ بوده اند . بدون صرف وقت فقط تذکر مید هم این عضویت چرم نبوده اگر جرم هم باشد مشمول قانون مروزه مان است . امروز هم پاکه بدایت و شهریانی بروند های این بد بخت هارا مانند توب فوتیال بطرف هم پرتا و برای استخلاص آن بی تقصیرها تقسیر ایگردن هم میاند ازند . آیا جز عوامل سه گانه مزبور چیز دیگر ممکن است علت این غلط اند ازی مقتضی باشد ؟

د لیل سوم - گرفتاری عده ای که بکرید ون هیچ نوع درک قانع کننده که خود تان هم اموری مجبور بتصدیق آن خواهد شد . این بیچاره ها یکسان و نیم است بد بخت شد اند . چند روز قبل زن آن خیاط با هفت بچه پیاده بزند ان قصر آدم و بود . بچه ها بمحض دیدن پدر رچنان فنان براوردند و دامن افرا از پنجه برای خلاص کرد نش کشیدند که دل سنگ زند اینها هم تاب نیاورد و شروع بکریه کردند . این شخص را که ماعمرین مروط هم بی تقصیر شخیق داده و پیشنهاد استخلاص رانموده اند (رجوع باد ارائه سیاسی) هنوز هیئت مدیره شهریانی برای تکمیل تظاهر و خود نمائی از خلاصی او خودداری کرد اند تا عده محبوبین زیاد باشد و خدمت آشناهم جلوه کند . این نوع گشاد بازی درست ستیزی بینگاهان و این نوع گستاخی در مقابل قوانین کشور جز یک قرارداری و سیاسی بیش نیست که خانواره ها باربلاک اند اخذه ملتی را رنجانیده است . من این موضوع را در رپورند شهربانی هم بحال اغراض شدید توضیح داده آنها را بخواست امومتوجه کرد هم (معلوم شد که شهریانی بعمل خود مداری از اهراق بروند ها را پاره کرده است . معدن لک بقیه این اهراق حاکی از این ادعاست) . این عملیات شهریانی امنیت قضائی را ازملت سلب کرده هیچکس در رگوشه خانه خود از این پاوش و زیبایی قماری رانه که فساد اخلاق و مادی بودن ماعمرین هم مزید بر علت آنست آسوده نیست . د لائلی که بعلاوه برد و دلیل فوق ذیلانه می شود ، یک مسلسل عملیات خلاف قوانین و مقررات مملکتی است که ارتکاب هر یک اینها قاتلها جنایت است و شهریانی با کمال بی پرواایی مرتب آنها شده است و من مطابق شرح فوق مجازات آنها را رد و مقررات قانون خواهانم .

د لیل چهارم - دستگیر کرد افراد از طرف ماعمرین شهریانی بدون اطلاع قوه قضائی و تعریض و دخول عنقی در منزل برخلاف مقررات بوده است . درک این ادعای نادرت اد خواهی - این عمل مخالف اصول ۹ و ۱۳ متم قانون اساسی و مفاد ماده ۷ و ۲۱۶ از قانون مجازات عمومی است . این ارتکاب جرم هم بواسطه وجود عوال سابق الذکر است والا شهریانی داعی نداشت که این خیانت و جنایات را که ذیلانه می شود درگیرد .

د لیل پنجم - دستگیری و تقطیش منازل بآن صورت فجیع برخلاف ماده ۹۴ اصول محاکمات جزائی موقع شب بعمل آمد است . درک این ادعای دفتر زندان و شهادت خود ماعمرین توقيف .

د لیل ششم - حبس کردن شهریانی و قبول زندانیان بدون دستوره اد سلطان و یا مراجع دیگر قضائی ، اخفاقا نامه ها ، نرساند نامه های مابد اد سلطان برخلاف ماده ۲۳ او ۱۲۴ اصل محکمات جزائی و ۱۹۳ قانون مجازات عمومی . درک این ادعای اخفاقا ماد رزندان بدون اطلاع اد سلطان و نامه های راکد ما پایانه های پاره شده با اطلاع شهد در زندان .

د لیل هفتم - ضبط و توقیف مراحلات پستی مخالف اصل ۲۲ متم قانون اساسی و ماده ۹۹ اصول محکمات جزائی . درک این ادعای مراحلات پستی ضبط شد و در پرونده .

د لیل هشتم - دزدی وارد کرد ن خسارات بعنوان شکجه و فشار . خسارات وارد ه عبارتند از خساراتی که بواسطه توقیف غیرقانونی و جلوگیری بیمورد ارزشیدگی به کارها وارد آمده و دیگر زد پهای زند آن مطابق صورت مخصوص که ازان جمله است دزدی غدای روز و شب من در مدت حسما ، ماه در حد و

روزانه ده ریال که جماعت ۱۲۰۰ ریال میشود . مدرک آن دفاتر زندان و شهادت اجزا زندان و پاسبانان و محبوسین دیگر و نظافت جی هامبرای مثال توسط محکمه احضار شاهد راخواستارشد . فقره دیگر دزدی بول نقدی است که با اسم من در چهارین مرداد ماه ۱۳۱۶ موقعيه مرالخت روی زمین مرطوب اند اخته بودند به زندان داده شده و متعدد باندزدیده اند . مراسلات متعدد در این موضوع بلا جواب مانده است . وصول این اموال سرقت شده را از اعضا شهربانی خواستراست .

دلیل نیم - ادامه تحقیقات غیرقانونی بجهت انجام افتراق فرقه سابق الذکر را شهریانی دنترنند اشت چه داعی اشت که با ارتکاب جنایات مشروخه و برخلاف مواد سابق به تحقیقات غیرقانونی ادامه نماید .

دلیل دهم - ابراز تحوش و ببریت بی ظیور رتحقیقات غیرقانونی مذکور برخلاف مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مجازات . توحش های منزوں قرار دیل است : (الف) شکنجه های بد نی : بعد از زیادی از مان شکنجه جسمی وارد کرد . این عمل در شهریانی برای عموم مخصوصاً برای مقام سیاسی وجود دارد . برای من از همان شب اول دستگیری دست بند را در استنطاق پیش آورد و با لارخه داشت اول تیر ماه ۱۳۱۶ در اطاق اداره سیاسی برای گرفتن اقرار منشی گردی و تبلیغ و انتشار مقالات با امضاء جعلی احمد که در پرونده شهریانی منعکس است دست بند زدند . حاضرین این جلسه که شاید فقط با قیسد قسم شرافت میتوان از آنها شهادت گرفت (!) عبارت بند از اسناد پایه عباسخان ، فتحی و خسروانی و چون اشیوه که استد احضور است و در این موقع ارجاجات سخ شد بود . از آن تاریخ اداره سیاسی آن نشگ را برای خود ایجاد کرد . یک مدرک مقتضی برای وجود این شکنجه ها آنکه استنطاقات من که ابتدائوشته شده است از طرف من امضاء نشده و من برای چنین روزی پیش بینی کرد و در کنار آن جواب اشاره کرد که این امر اراق باطل است . دروز بعد همان سوال و جواب شروع میشود و مخصوصاً با این عبارت شروع کرد : ام :

"پس از شنیدن واطلاع *** ، با این عبارت واضح کرد ام که آنچه که من آنروز نوشت ام مخفف تلقینات تحمیلی بوده است . جز شکنجه علت دیگر نمیتواند این تغییر وضع ناگهانی را ایجاد نماید . دیگر از شکنجه های بد نی که بمنظور گرفتن اقرار های لازم بکار برد و باز هم موفق نشد اند سوچن ننگین و فرا موش شدنی ذیل است که جنبه تاریخی دارد و از ادله تاریخی این اوضاع ننگین بیان دارد که خواهد ماند زیرا شهریانی و روحیه قوه جریه را تاراد رجۀ فراشان و داروغه ها و میرغضبه های قرون وسطی تنزل داده است بشرح ذیلیه ام : مرایا تصمیم عاده اند برای کشتن بلکی عربان کرد هر دیگر سلول مجرد مرتبط اطاق داده اند سوم زندان وقت که فرش پوشنیات آن راهنم جمع کرد ه بودند بدست چهارمه اند اختند . چون معلوم شد که من شباهی کفشهای خود را زیر سرمیگند ارم و ممکن است بتوانم با وجود سختی و رطوبت زمین قدری بخواهم ، آنها راهم گرفتند . رسیدن غذ او بیول راهنم قفن کرد ، اتراد زدیدند . رطوبت این اطاق بحدی است که تاکم در یوار آن قارچ میروید و من از این قارچها همواره به طبیب زندان ارائه داده ام و قطعاً حالاً هم هست و جدا میخواهم آن جبارا مایه نموده را میگم طبیب قانونی را راجح بجهیز ساخت در زمین مرتبط و ببی فرش آن بخواهند . مدارک صحت این مدعای مستور شهریانی بزندان ، عمل کرد ن دستور از طرف ما موریمن زندان با شهادت شاهد ها که مطابق مراحله ۱۳۱۷/۶/۲ دعوت آنها از محکمه خواسته شد و شهادت کلیه زندانی های دالان سوم در آن تاریخ . رسیدگی باین توحش راخواهانم . مدرک دیگر این مدعای مبتلاشدن من به ده مرض یکی روماتیسم و دیگری ضعف قلب است که مطابق دفاتر و گزارش های بهد ای رزندان در دست مزبور بمن عارض شده است .

قضات ! میفهمید چه میگوییم ؟ مرض برای تمام عمرد نتیجه جنایات قوه مجریه (!!؟) . مسئول جنایات تخریب های بد بود ؟ نظیر این جنایات در شهریانی زیاد است . کافی است زندانی لانه ۲۷ دالان اول زندان وقت را بخواهید . ببعضه های این شخص در نتیجه آورزان کرد ن سنگ در شهریانی مشهد ناچن شده است . میتوانید امر معاينه بد هید . قوه قضائی خواهید و میرقضیه های جامعه بافعالیت تمام بید ازه (ب) - دیگر از انواع فشارها حملات و شکنجه های روحی است . شهریانی همه و مراهم تهدید

به توقیف تمام اعضا خانواده نموده است. وجود محبوس نسوان و محبوس بودن یکدعاً زنان بیگنه اه بعنوان سیاسی که چند سال پلاتکلیف مانده اند و فقد ان هر نوع وجود ان اجتماعی متجدد دین و تعلیمات مذهبی متقد مین برای حفظ حیثیت نسوان د لایل قوی برای موگزیدن این تهدیدات بود. قریب یکسال بود که مردان سلامت مادری که درست رعفرض سخت ترکش کرد ه بود م بعنوان فشار بی خبرگذشتند. نظائر این فشارهای روحی هم زیاد است. اشاعه خبر اعدام مبارای مشوش کرد ن روحیه خانواده ما محرومیت در تمام دست از ملاقات و وسیله مطالعه و مجرد ناگاهد اشنون مدت یکسال از آن جمله است. میخ کردن پنجره اطاق مجرد من با شهادت نجار و طبیب زندان به عنوان منع ورود هوا و اعدام تدریجی نیز جزو این شکنجه ها است^(۱).

(ج) - قضیه یکی از وسائل فشار و شکنجه مهم شیرازی است. باید تصدیق کرد که شنیدن ناسزا برای امثال من ازدست مبتیند قپانی شوارتر است. ارجحه ناسزاها زیاد که بمن گفته نسبت بی وجد انسی بعنوان عامل اجانب بوده است. جواب من این بود که عامل اجتماعی بودن بی وجد انسی است ولی باید تحقیق شود عامل اجانب کیست؟ استهنزا^۲ و مسخره هم میان مأمورین بی ادب خلیلی معمول است.

(د) - اوضاع زندان تهران خود از شکنجه هایی است که متهم را برقرار غیر صحیح مجبور می کند. زندان تهران محیطی است که دیوارهای آن مانند پوارچین داخل زندان را لذکش و قوانین آن مجزا ساخته، ظلم و فشار و دزدی بیی باکانه درد اخل آن بحد اعلاء است. هر روز صد ای شلاق با شماره صد ها بادست تهران کوچکترین وکیل شنیده می شود. شهریور ماه ۱۳۱۶ معافون زندان وقت که یک نایاب اول بود با چکمه لگدی بمحبوس کردی که زیر شلاق بود زد ه بوده گوش این محبوب ابد را پاره کرد (رجوع به پیشینه غیرقانونی در تاریخ مژیور زندان وقت) ^(۳) اگر کسی درنتیجه سالمهای بی تکلیفی و فشار اعلام گرسنگی کند، بحای مدعی العووم که در مالک متدن مرسوم است امامه بالا سر متهم حاضر می شود و برخلاف دستورات حفظ الصحه غیر اسلامی غصب و ارتقیه می نمایند. شکستن دندان و متلاشدن به امراض روده در نتیجه این فجایع زیاد است. گرسنگی اخیر محبوبین پلاتکلیف سیاسی پس از ۹۰ سال که ۹۰ روز دام از این قبیل است. فجایع زیاد مانند گزارش های نامساعد برای آزار اینها بمحاجم مروطه در این زمینه بعمل آمد.

از جمله یکی از آنها پس از چند سال پلاتکلیفی در اژدر گزارش های کذب باوجود اقرار صریح دادرسی ارشت به بی تصمیمی متهم به ده سال حبس محکوم شد. غذای زندان درنتیجه دزدی ها جز آب سرد و چند عدد لوبیا بیش نیست. مرضیهاد و او غذا ندارد. مطالعه حساسیه متوفیات زندان مخفوف است. برای هواخواری و حمام و سایر لوازم جاگز مخصوصا در زندان وقت جز با رشوه طهرد گردنیمتوان کار کرد. دادن رشوه با سایر (گاهنده) و اجرای مقررات وغیره مصلح است. مجازات کرد ن و دست بند زدن بی مدارک از طرف زندان درنتیجه نظریات شخصی بس ار معقول است. من خودم میں ازقطع رابطه با محکمه قطعاً بواسطه اظهار حقایق که لازمه نداکاری وظیفه وجود انسی من است در چاره همین اشکالات خواهم شد. ولی چه باک؟^(۴)

(ه) - دیگران از نوع شکنجه تهدید بقتل است و بن عکفتند ۰۰۰ " فرمودند آنقدر رشکنجه بد هید که هرچه شمامیخواهید اقرار کرد. شکنجه بقصد کشت باشد اگر هم مود بد رک ۰۰۰ " این تهدیدات شهریاری تهران معمولاً موئراست، زیرا قتل امثال هنجاری در زندان که زیر شکنجه مرد ه زیاد است. خبر قتل شخص مژیور را در غلب جراحت اروهای خواند که دنیائی را نسبت باین وضع غضبانی کرد ه بود. با اینهمه نسبتها البته بد یهی است که تهدید بقتل در بعضی موارف واقع می شود.

(و) - تهدید بقتل اشتہ اند. این عده راههواره بخ متهم میکشند. این پلاتکلیف ها که شهریاری بانها از ترم محكمة فعلی ما وعده رسیدگی با مردم اداد است، زندان تهران را پر کرد ه اند. دسته های مهم آنها بقرار ذیل است: اولاً دسته ای از تیریز با تهاب طرف اری از زنجیر. دسته ای از اتابادان با تهاب اینکه

(۱) این شکنجه ها روز بروز شد بد ترشد تا آنکه بقتل اون منجر گردید.

(۲) آیا قتل دکتر رارانی در زندان دلیل صحت این گفته دکتر نیست؟

برعلیه کمپانی انگلیس برای مزد و روان ایرانی مزد بیشترخواسته اند.
ثالثاً دسته ای از آستانه را.

رابعاً متفقہ مانند آزاد یخواهان و روزنامه نویسان و غیره.

خامساً عده ای که حبسشان تمام شد ه بدون مجوز قانونی محبوسند.
سادساً عده ای ازشت که نسوان هم جزء آنهاستند. معنی این بلاکلیفی راشایدرست
نفهمید. باید بزحمت مجسم کنید تا صحن های فوجی آن در شماموئران واقع شود.

چند نفر از آنها پس از سالان دراز دارند زندان مدد و هر قدر تقاضا کردند که خانواده خود را از
پشت پنجره های آنهنین ببینند ممکن نشد.

جون دادن ملاقات تحت اختیار زندان و مانند کارهای دیگر تابع قانون نبود ه بلکه مخالف با
آنست، آلان هم آن محبوسین بلاتکلیف چند سال است از ملاقات خانواده محرومند. مادرها و بچه های
ده ای از آنها در این مدت مردند.

میکنند مادر ریکی از آنها وقتی که در زیورزمین مطوطب جان سپرد، آخرین مالکیت یعنی لحاف پاره
خود را بپاسانی که همسایه اش بود و داد که اوراد رحال احتضار پشت پنجره آنها نزد ان بررساند تا
بلکه برای آخرین بار پرسش را بینند. ممکن نشد و جان سپرد. مسئول این فجایع یعنی حبس طولانی بدون
مجوز قانونی و پا زجیس های درازی که قاضی بی برو باکمالی انصافی تعیین میکند کیست؟ بالاخره
بایستی باین آدم دزد یهای بی قانون خاتمه داده شود؟

بنابرآن این اوضاع تفاخای دوم ماینست که تمام این مراتب تحقیق و شکجه عموماً و برای
محبوسین سیاسی خصوصاً اکیداً قدغن شود. تفاخای سوم ماینست که فجایع زندان و مستی محاکم خاتمه
داده شده زندان تحت اختیار محکم قرار گیرد. تفاخای چهارم ماینست که بلاکلیفی و حبس های غیرقانونی
اکیداً معنوی و بلاکلیف ها فهرآ آزاد و یا به محکم احصار شوند.

دلیل یازدهم - برای اثبات اینکه شهریانی نظرخانی به متهم بزرگ کردند کارهای باطل خود
داشته اینست که همه را برای قبول اباظلیل فوجی خود اغفال کرد ه فربد داده است. بچواناتی که آنها را از
سر امتحان بیرون کشیده بزنندان آوردند و بعد داده است که اکثر اهالی را والامنا کنند و مطابق میانها اقووار
نمایند فهارجلسة امتحان عدالت داده می شوند. بعنوان یک درک تذکریده که از زرگ کوچیه اشی که
یک جوان کم سن در پرونده شهریانی خود کرد ه بعد حقایق را در دلیه گفته است بخوبی واضح میشود که جز
تلقین علت دیگری برای آن افایر وجود ندارد والا واقعاً از تشكیلاتی در کارهای راکه
مشاریله بخود نسبت داده است بآن وضع فعلی روحی و جسمی که دارد بروی رجوع نمیکردند. شهریانی رسماً
به همه گفته است که شما این مطالب را که بیان میشود تصدیق کنید پی کارخونه بزید، غریر شمانستید بلکه
تعقیب ارانتی است. یکی از جوانان حاضر قسم شرافت میخورد که شبد زندان گوش میداده است که در
حجره های مجاور صحبت های این اشخاص ناشناس را شنیده فرد اداره سیاسی آنچه راکه از همه
شدید تر به نظر میگردید بخود نسبت داده است تا با لآخره آنها را راضی کرد ه بتواند سرامتحان خود حاضر شود.
پرونده این شخص خود دلیل این مدعای است، زیرا بخود حرفهای نسبت داده که اداره سیاسی

هم ترحا برای آنها ادعای صحت نکرده است.

دلیل دوازدهم - گرفتن اقرار باکره است که بایستی مطابق ماده ۳۳۳ قانون مجازات عمومی
تعقیب شود. اوراق استنطاقي را تا چندین بار پاره نمیکند و جواب مطابق میل نمیگرفتند از تمثیمن دست
بردازندند.

دلیل سیزدهم - شهریانی متول بجعل کذب شده است - در تکیین مطابق مواد ۷۰۴ و ۷۰۵
۷۰۹ از قانون مجازات بایستی تعقیب شوند. مهترین درک واضح برای اثبات این عمل اینکه شهریانی
در رگزارش خود مطالعه بعنوان اقرار صريح متهمن (نه نظریه شهریانی) قلم داده که کذب بحضور بوده
است. مستطقب بارها با شخصی اعتراف نسبت داده که خود موقع مواجهه بذکر آن متوجه شده است.
از این موارد زیاد است و در موقع دفاع نکات مختلف از طرف همه تذکر داده خواهد شد.
خصوصاً محکمه را با همیت این جعل متوجه میسازیم و اگر در موارد بسیار باکمال وضوح بکمل پرونده هایی که

روی میز حاضراست ثابت کرد یم که شهریانی جعل کرد انتشاراکاذ بیداده است دیگر محل کوچکترين تردیدی برای راسپوئین بازی و تأثیر ادن شهریانی به نام منافع شخصی باقی نخواهد ماند. بنن که چیزی اساساً انتشارند اده ام و هرچه گفته ام صدق محض است انتشاراکاذ بیسبت داده اند (۱) و حال آنکه مطابق پروندهای موجود باستی شهریانی با آن ماده ۲۶۹ تعقیب شود نه من عده این کذبها زیاد است و ما در هر مرور که ذکر کنیم رسیدگی جدی را خواهانیم . ولی یکی از اینها راکه برای واضح کرد ن موضوع اهمیت مخصوصی دارد تذکر میدهم و آن نسبت بشخص من است . اکثر اظهارات ما در اداره شهریانی مورد دقت قرار دهیم و آنها را با اظهارات دیگران مقایسه کنیم واضح خواهد شد .

اگر بر فرض شهریانی بیخواست روابط موجودین اشخاص را روابط حزبی و سیاسی بدند اشخاص دیگری که از هر حیث میباشند کارهای مهیی به آنها نسبت داده شده باشد در پروندها موجود است و معدله کل با کمال و قاخت بواسطه خصوصیتی که دروغ شخص من بوده و با شتای تظاهرات آن جواب مساعد تر و مثبت تری میداده است نسبت های کذب و شدید بمن داده اند که متن اسفاره در پارکه هم که باصل پرونده متوجه نشده گزارش شهریانی را فقط در نظر گرفته است موغرواقع گردیده . معلوم نیست دیگرچه عوامل مادی در این نسبت های جعل رل بازی کرد اه است هکن است خود تان حد من بزنید . نیحال دارد یک رشته اکاذ بیکم کم صورت واقعی بخود میگیرد و دادستان که آلت دست شهریان است روی آن جعلیات ادعائناه تنظیم کرد و بحال غصب که جرام دن در مقابل فشارهای آنها مقاومت کرد اه برای من اشد مجازات را خواستار شده است . دادستان بعظمت بیداد و خیانتی که مرتكب میشود متوجه نیست و از طرفی ملعوبه و از طرف دیگر آلت اجرای جرم واقع میشود یا اکریفتات هم دقت نکرده آلت دست شهریانی شوند ، من و عده ای دیگر واقعاً کاشتہ بحواله سی های این اشخاص خواهیم شد . بنابراین لازم است با نظر دقت پرونده های شهریانی و دلیله ، بد ون توجه به گزارش های جعلی و مغرضانه مراجعت نموده حقیق را کشف کند .

دل لیل چهاردهم - در تمام پرونده ها با وجود شارو علاقه متمهیں بمقول کرد ن جرم های زیاد بجهت خلاص از شکجه هیچ وقت صحبت از موضوعات عقیده ای خارج نشده است . معدله کل شهریانی چنانکه از عملیات وقی و واضح است اصرار داشت این عده را متمهیم بجا سوسی نموده کار خود را مهتر نماید و هنوز هم اسم عده ای را بعنوان جاسوسی ضبط کرده اند . انصاف بد هید آیا باین پرونده ها آن علاقه شهریانی بلغت جا موسی جز علاقه ای با جرای نظریات سابق الذکر عامل دیگری ممکن است داشته باشد ؟

قضات ! نمیدانید چقدر دشوار است افرادی که خود را سراپا دلایل ملته مینمایند و از هر چیز که پر ایشان میسر است بطیب خاص صرف نظر مینمایند از افراد اشخاص مجھول الهیوه و یا خود معلوم الهیوه به آنها نسبت های رکیک مخصوصاً این نسبت شوم داده شود !

خوبست این اشخاص بعملیات روزانه خود قد ری دقت نموده خود را باین متمهیں کمی بستجند . دقت کنید و فهمید که چه میگوییم . استنادی راکه بیخواست بد هند مایل بین داده هم مدل سازند پیکی درک پسحک که بعد خود هم از خجالت تعقیب نکرد (زیرا بعد موضوع را فهمیدند) مشتبث شدند و آن اینکه ادعا کردند بین الملل سوم همان حکومت شهروی است . چنانکه اشتباه کرد ندر گزارش هم همه جا فرقه شهروی را بعنوان مرکز عملیات مینویسند . هنوز آینه ایاند ازه یک بچه امروز اطلاعات سیاسی ند ارند . ادعای مزبور اعتراف بجهل محض است .

مگر میتوان بواسطه تشكیل جامعه ملل در مژتو آنرا یک مستعمره سویسی و مثلاً دولت انگلیس راکه جزء جامعه ملل است یک مستعمره سویسی دانست . همین قدر رکه این ادعای پسحک است بیان سابق همچو به بین الملل سوم هم مسخره است و گرنه نمایند گان کوئیستی مجلس شورای تمام مالک بعنوان جاسوسی میباشد . بر عکس یکی از فرقه های زیاد کوئیستی که بین الملل را تشکیل میدهند هنوز فرقه شهروی است که مالک شهروی را اداره میکند و فرقه های قوی دیگر نظیر این مانند چین و فرانسه و اسپانیا و غیره نیز جزو این بین الملل است .

بین الملل مافق حکومت شهروی است و اجزای دیگر ، هم عرض با حزب شهروی میباشد نه ماد و آن

(۱) اشاره بر مسأله دکتر اراتی درباره رضا شاه و اوضاع آن روز ایران .

پس بظیرکلی نسبت دادن اشخاصی که برفرض برای خوشبختی ملت خود این یا آن عقیده را تعقیب مینمایند بیک دولت اجنبی جنایت محض است . ماجازات اشخاصی رانه افترا^۱ منورابعینی از تهمین این دسته نسبت داده اند ^۲ اتفاق ماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی جد اخواندایم .

دلیل پانزدهم - تشیت شهربانی در ذرا تر خود بجهت اثبات لاداعلات خود به استند لالات ضعیف . دلایلی که شهربانی ذکر کرد ه سست و از نوع ذیل است : اقرار . اقلام ۸۰ درصد آنچه که در گزارش شهربانی اقرار قلد اد شد ه مطابق مشروحتات گذشته و آینده کذب محض است . بیست درصد بسا شنکجه بظری بتواخت بهمه دیگته شد . دیگر قرینه ای که مطابق دیگته های پکتواخت باشد لایل مستو و مشحون کانند نسبت امانت دادن یک کتاب بد ون توجه بموضع آن ، مثلاً امانت دادن کتاب بخواهین که د رسیرتا شهر هوی قدغن است ، از این قبیل میباشد و جوانان برای مسخره کردن پرونده ها و جای ها را در گذاشتند برای آینده اغلب این قبیل تراغن را داده اند . حکمه باستی متوجه باشد او نیز این استهراها را در لیل خود ترازد هد . از این قبیل آنکه نیازگله دنیاگعنوان و سیله انتشار عقائد سیاسی . این مجله که بین مطبوعات ایران بد ان فتخرم چنانه اززو اول اناهیار شده علمی است و افکار فلسفی را چنانه پشت جلد آنهم چاپ شده است از نظر مردمی بحث مینماید .

موضوع رانفهیده از عبارات درشت آن مانند مبارزه با فحشاء^۳ و بیسادی وغیره آنراتاییفاتی

فر پر کرد ه اند . اگر واقامونیسم اینست چرا این عقیده را باین شدت تعقیب مینماید منک کمونیست بیند را بخود می پسندید و اگر خلاف اینست چرا مجله دنیاگزو ایراق تبلیغاتی بشمایریورود . شمامند رجات مجله دنیاراکه من وجامعة ایران در این دو زمرة قرمذیبویعت بوجرد آن مقتخریم بدقت بخوانید ، اگر برخلاف وجود آ و انصاف خود موضوعی دران دید بد توانتستید ثابت کنید که واقعاً دران جیزی برخلاف متفاقه دیده ملت ایران مدرج است مرایه مضاعف اشد مجازات اسیاست کنید و اگر انصاف دادید که انتشار آن جز خدمت و تحصیل افتخار برای جامعه ایرانی جیزد یکنی نبوده تمام ادعا ها را باطل دانسته بیش از این مرتکب چنانیت نشوید . از این دلایل واضح مشود که عملیات خود شهربانی جرم است و نمیتواند مدد^۴ برای تحقیقاً قضائی باشد . بنابراین ازلحاظ قضائی کاملاً لغو و تنهای سند باشد شهین پرونده های عذر یا شد خلاصه ارتکاب جرائم از طرف ما ظورین باعث گشته بیک جرم نشد ه بلکه برای اختراع یک غرمه جعلی یک سلسه جرائم را منتظم مرتکب شده اند . همین ارتکاب خود وارد بین دن جرم های انتسابی به متهمی میباشد .

۳- قوه قضائي

پس ازانکه هویت قانون و پرونده های عینی عوامل مشکله آنها واضح و برهن شد به تعیین دلویست قوه قضائي یعنی شماکه میخواهید قانون را برپرورد ه تطبیق کنید می برد ازم .

یعنی ازدقت در قانون سیاه اوضاع و احوال توه مقنه و ازده العده پرونده ها را حارث عمل قوه مجرمه معلوم گردید^۵ ، با بد اقد را بر اراف شما وضع سویین قوه حکومت مشروطه ایوان که ما را مقد مین برعلیه اند خطاب کرد ه اند ، واضح خواهد گردید .

بالاخره در قسمت چهارم و قیمه راجح بخود صحبت می کنم وضاحت ملت ایران راخواهید فهمید .

اصولاً شماواجد شرعاً اشغال مناسب قضائیستید ! برای استحقاق این مناسب قبیل از هر چیز ، انصاف ، رائعت ، شهامت و علاقه بعدالت وظیفه لازم است . قوه قضائي اتفاق اصل ۲۸ متم قانون اساسی یک از سه قوه مستقل کشور است که باستثنی است قادر کامل داشته تحق اراده د وقوه د گریباند . این تجزیه د رملالک مشروعه مخصوصاً برای همین جلوگیری از تعدد یات سابق الذکر قوه مجرمه است . شرافت ققام قضائي بی نهایی است .

قدرات افراد ملت و امنیت واقعی عمومی به آنها سرده شده است اماشا ! شما اشتمهت قوه قضائي را تزلیل داده ان را یکی از شعب شهربانی که خود یکی ازاد ارات یکی از زار تخدانه های قوه مجرمه است . قرارداده اید .

همه جای دنیا قوه قضائیه حتی مافق رژیم های سیاسی است . هزاران تبدلات سیاسی مانند باد که بکوهی بیزد در پرکردنیم و کهنسال قوه قضائی اتری ظاهر نمیسازد . اما شهرباجای اینکه شهربانی مطیع اواخر شما باشد شما مجری اوامران هستید و سیاست اداری و داخلی شهربانی هم هر یک ضعیف شمارا مانند علوف رمقابل باد می لرزاند . الان هم مثل اینکه خود تصدق دارید که کامل مطلع به هستید . در جلسه مقد ماً محکمه که جز اصحاب دعوی شخص خارجی نباشد در آن حاضر باشد نه فقط سه تن افسر شهربانی نشسته بود بلکه یک افسر کم رتبه پستی متكلم وحده و در مجلسه بشمار میرفت . رئیس محکمه جرأت انتها را نداشت . این انتها طبق قانونی بجاگی رسید که روز شنبه ۱۶/۲/۲۵ یکی از بی اهمیت ترین مأمورین اداره سیاسی که فبلاخود رامستنطیق مینامید و من آنها را مستنطیق مینامم کفت . محکمه سگ که باشد بد ون اجرا زده شهربانی کسی را تبرئه با حکوم کند . اگر قدر تبرئه خود را در نثار مساعد شهربانی را جلد کنید . مثلاً گنجشک که شوهر خود راقوی ترین حیوانات میداند این میغذب های دوسته تجد نیز ارادت خود را مساوی شما و قوه قضائی و شرافت وجود آن میداند .

اماچرا ؟ بجهت ضعف شما ! وقتیکه ماراد استگیر کرد ندر راجمة ایرانی مانند توپ . صد اکد . تمام دنیا موجه آن شد ، رویترو آژانس های دیگر خبر از اند و البته قوه قضائی هم اکد رخواب نبید قاعده تا بایستی مبالغه شده باشد . قرار توقیف که تا ۲۴ ساعت بعد از توقیف میباشد ایلاع شد و بعد ازد ه مساه (بطور متوسط) در تاریخ ۱۳۱۶/۱۰/۲ ابلاغ گردید !

ایامستنطیق و مدعا العموم در مقابل این خاموشی خود را مطابق موازین قانونی قابل تعقیب نمیداند ؟

مستنطیق بدایت ، آن قاضی تحقیق ، آن اولین پایه قوه قضائی خجالت نمی کشد و خود را نسبت به عالم قضائی خائن نمیداند ؟ این شخص مطابق اطلاع صحیح شهید راد اداره سیاسی حاضر شده قرار خود را که پایه اداره اعلانه فحیل است و از نظر ملت مقدمن باید باشد باد شهربانی و باد است دلalan مظلمه که شرح فحیم آنها که شته ترتیب دارد .

آقای دادستان ! شما واجد شرایط ماده ۸۳ اصول محاکمات میباشد ؟ آقای قاضی ! شما واجد شرایط ماده ۸۸ اصول محاکمات هستید ؟ ماده ۱۰۶ رعایت نشده است ! در مقابل توهینی که دادر بشه قوه قضائی در ترجیح تفسیر اصل ۸۲ متم قانون اساسی کرد یعنی در واقع هم قانون اساسی را بد ون اجازه ملت تغییرید اد و هم لطمہ بحیثیت قضائی وارد ازد چه اعتراضی به قوه مجریه کرد ید . حقیقتاً جز ترس شما برای علیقی کرد محکمه مطابق ماده ۷۶ اصول محاکمات چه ماضی موجود است ؟ چرا مانعید که ملت در چنین موقع مهم از حقایق اطلاع پیدا اکند ؟ چون مافق شما یعنی شهربانی مایل نیست . شما خود تان هم پرونده های علیه را بکلی پوچ فرض کرد ه تمام به شهربانی توجه دارید . ما بشما اهدیت میدیم . ولی شما برای خود تان اهمیت تأثیل نیستید . آیا این مخدودیت محکمه از حدیث دریافت پرونده ها و ملاقات و کیسلو غیره مطابق مقررات قضائی است ؟ البته نه . من شخصی راشاهد تعیین کرد ه بودم ، اداره زندان ازمن میخواست در آن باب تحقیقات کتبی کند .

یعنی در در کرد ن مراسلات محکمه ، تعیین شهید مطابق دستور مرکز جدا دخالت میکرد . همه میدانم که در راگی محکمه شما مدعی مثل ماتعا شاجی هستید و شماراد رپس اینه طوطی صفت داشته اند . تبعید های غیرقانونی نیز که برخلاف اصل ۱۲ متم قانون اساسی انجام میگیرد و شاید ما هم دچار آن فشار شویم ، بیکاری محبوسین سیاسی ، محرومیت بی علت سالیان دراز از ملاقات خانواره از ضعف روحیه شما است .

پس انساف پد هید نه فقط قانون غلط و پرونده ها جعلی است بلکه شهادم ط مأمورین قضائی واقعی نیستید . انقدر که قوه دارید به تمام قضایا یک طرقی نکانتید و این ماده هاراد وستی نخسبید . مخانواده هارا با ارتکاب جرم یعنی جبس بد بخت نکنید . اگر واقعه مجرمی است بهتر است جرمی بی جازات بماند تا اینکه مجازاتی بد ون جرم عمل شود . من دراد عانمه موادی را نشان خواهد داد که فقط یک جرم بصور مختلف جلوه گردیده است . یعنی اگر واقعه مسلم شود که من مؤسسه یک فرقه بوده ام عضویت یا تبلیغ یا دن یک عمل که لازمه مؤسسه بود آنست البته بایستی ازمن سریزند ، زیرا اگر هر یک از عملیات را یک یک نفی کنیم اصلاً

موئسین بود ن معنی بید انصی کند . پس تنوع جرم صرفابرای مهم نکرد ن موظی است ولا ممکن بود پنج نوع جرم انتسابی من تحت یک عنوان ذکر شود .
همین ملاحظه راجع به دلائل نیز موجود است یعنی دراد عاتمه ازی د لیلی یک د لیل پوشالی حلاط مختلف بخود گرفته است . هر لحظه بشکلی بیت عیار بله گشته است و آن همچوین د لیلها د دادستان یعنی اقرار عربیح متهمین است . ما واضح مبنایم که این اقرار عربیح که همه جاذ گشته است ۸۰ درصد کذب هست .

۴- ما و قوه ملي

هیئت حاکم برخوبی میداند که متهمین غایلی برگزیده ترین نمونه ملت ایران میباشند و بیچند اجز خدمت باکنون عطی نکرد و همواره مایه افتخارات ایران بوده اند و اکراد عاهای دادستان محرزهم شود تازه بازهم همین دسته زنده بیدن ملت ایران را ثابت نموده مایه افخار آن ملت شده شمارا قوه قضائی که ملت زنده میباشد . پس رفتار آنها باید خیلی دقیق باشد . من در اینجا که از خود دفاع میکنم غرض از من خودم نباید دفاع من کلی است . و آنچه را که راجع به خود میگویم کم و بیش برای دیگران نیز صادق است . واضح مبنایم اول مجرم نیستیم ، ثانیا بحاله خدارم ملت ایران و شوابکار نیز میباشیم (۱) .

(۱) دکتر به رد مدرجات پرونده پرداخت .

